



د افغانستان اسلامي جمهوري دولت
د علومو اکاډمي
معاونیت بخش علوم بشری
مرکز مطالعات منطقه یی

سیمه ییز مطالعات

فصلنامه مرکز مطالعات منطقه یی افغانستان

سیمه ییز مطالعات



په دې گڼه کې:

- اخير صلح يمن و تأثيرات آن بر منطقه
- د عمران خان په مشرۍ د پاکستان...
- نقش چين در افغانستان
- له برجام وروسته د روسيې او...
- بررسی نقش ترکیه در عرصه...
- په پاکستان کې د تحریک...
- بررسی وضعیت حقوق بشر...
- او...

۴

- دوره: اول
- ربع: اول
- سال: ۱۳۹۸ ه.ش.
- شماره مسلسل: ۵۲
- سال تأسیس: ۱۳۸۵ ه.ش.
- کابل - افغانستان

شماره: ۴، سال ۱۳۹۸



REGIONAL STUDIES

Quarterly Journal

Establishment 2006
Academic Publication
Academy of Sciences of Afghanistan
Serial No: 52

Address:
Academy of Science of Afghanistan
Sherpoor Square, Kabul-Afghanistan
Tel: 0202201279





د افغانستان اسلامي جمهوري دولت
د علومو اکاډمي
معاونیت بخش علوم بشری
مرکز مطالعات منطقه یی

سمره نر مطالعات

سال تاسیس: ۱۳۸۵ هـ.ش.

شماره مسلسل: ۵۲
مجله علمی-تحقیقی

مطالعات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی منطقه یی. معرفی، بررسی
و تحلیل سازمان ها، کنفرانس ها و نهادهای منطقه یی

یادداشت:

- مقاله رسماً از آدرس مشخص با ذکر نام، تخلص، رتبه علمی، نمبر تیلیفون، و ایمیل آدرس نویسنده به ادارهٔ اکادمی علوم فرستاده شود.
- مقالهٔ ارسالی باید علمی - تحقیقی، بکر و مطابق معیارهای پذیرفته شدهٔ علمی باشد.
- مقاله باید قبلاً در جای دیگری چاپ نگردیده باشد.
- عنوان مقاله مختصر و با محتوا مطابقت داشته باشد.
- مقاله باید دارای خلاصه و حداقل حاوی ۸۰ الی ۲۰۰ کلمه بوده، گویای اصلی پرسشی باشد که مقاله در پی پاسخ‌دهی به آن است. همچنان خلاصه باید به یکی از زبان‌های یونسکو ترجمه شده باشد.
- مقاله باید دارای مقدمه، اهمیت، مبرمیت، هدف، سؤال تحقیق، روش تحقیق، نتایج به دست آمده و فهرست منابع بوده و در متن به منبع اشاره شده باشد.
- مقاله باید بدون اغلاط تایپی با رعایت تمام نکات دستور زبان و تسلسل منطقی موضوعات در یک روی صفحهٔ کاغذ A۴ در برنامهٔ word تنظیم شده باشد.
- حجم مقاله حد اقل ۷ و حد اکثر ۱۵ صفحه معیاری بوده، با فونت سایز ۱۳ تایپ شود، فاصله بین سطرها واحد (Single) باشد و به شکل هارد و سافت کاپی فرستاده شود.
- هیأت‌تحریر مجله صلاحیت رد، قبول و اصلاح مقالات را بادر نظر داشت لایحهٔ نشراتی اکادمی علوم دارد.
- تحلیل‌ها و اندیشه‌های ارائه شده بیانگر نظریات محقق و نویسنده بوده، الزاماً ربطی به موقف اداره ندارد.
- حق کاپی مقالات و مضامین منتشره محفوظ بوده، فقط در صورت ذکر مأخذ از آن استفاده نشراتی شده می‌تواند.
- مقالهٔ وارده دوباره مسترد نمی‌گردد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ناشر: ریاست اطلاعات و ارتباطات عامه اکادمی علوم افغانستان
مدیر مسؤول: معاون سرمحقق خادم احمد حقیقی
مهتمم: معاون محقق فضل الرحمن علیزی
هیأت تحریر:

خپرنوال رفیع الله نیازی
سرمحقق عبدالرحیم بختانی
محقق غلام نبی حنیفی
محقق راضیه غوث

مطبعه: مطبعه صنعتی چهاردهی

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

آدرس: مرکز مطالعات منطقه‌یی اکادمی علوم افغانستان،
چهارراهی شیرپور، شهرنو، کابل
شماره تماس:

۰۷۷۷۵۵۹۵۲۶ - ۰۷۹۰۱۹۹۴۳۸ - ۰۲۰۲۲۰۱۲۷۹

ایمیل ریاست اطلاعات و ارتباطات عامه:

infa@asa.gov.af

ایمیل مدیریت مجله: simayiz.mujala.yahoo.com

اشتراک سالانه:

کابل: ۳۲۰ افغانی

ولایات: ۳۴۰ افغانی

کشورهای خارجی: ۲۰ دالر امریکایی

قیمت یک شماره در کابل:

- برای استادان و دانشمندان اکادمی علوم: ۷۰ افغانی
- برای محصلین و شاگردان مکاتب: ۴۰ افغانی
- برای سایر ادارات: ۸۰ افغانی

فهرست مطالب

صفحه	نویسنده	عنوان
۱	محقق غلام نبی حنیفی	۱. گفتگوهای اخیر صلح یمن و تأثیرات آن
۲۳	خبرندوی سرور احمدزی	۲. د عمران خان په مشرۍ د پاکستان...
۴۱	محقق عبدالشکور سالنگی	۳. نقش چین در افغانستان
۵۵	خبرندویه مینا مسعوده	۴. له برجام وروسته د روسیې او ...
۶۹	محقق فوزیه فضلی	۵. بررسی نقش ترکیه در عرصه ...
۸۳	خبرنیار احسان الله احسان	۶. په پاکستان کې د تحریک ...
۹۹	محقق نعمت الله اخگر	۷. بررسی وضعیت حقوق بشر ...
۱۱۵	خبرنیار فضل الرحمن علیزی	۸. د ایران اسلامي شورا پیژندنه...
۱۲۹	خبرنپوه عبدالرحیم بختانی	۹. د آبخازیا او اوسیتیا تاریخي...
۱۴۵	خبروندیه خاطره شینواری	۱۰. د هند سمندر سیاسي او ...
۱۵۵	معاون سرمحقق خادم احمد حقیقی	۱۱. نقش سبک هندی ...

محقق غلام نبی حنیفی

گفتگوهای اخیر صلح یمن و تأثیرات آن بر منطقه

Recent Yemeni peace talks And its effects on the region

Researcher Gh. Nabi Hanifi

Abstract: In the recent talks, the Yemeni sides, despite of achieve in significant agreements, including the exchange of prisoners, the ceasefire and the deployment of a joint force in al-Hadida and its related ports, under the supervision of the United Nations observer forces and continued talks, but the implementation of the agreements is still in the veil of ambiguous. The executed ceasefire is fragile and there is no hopeful news available on the implementation of the agreement on the exchange of prisoners. The sides on the implementing phase of agreements, trying to achieve more achievements that are military in order to enter into peace talks and political arena with stronger position.

It is the most important issue that the sides entered to the negotiating table and agreeing to continue to do so. The openness of the negotiation and its continuation with the mediation of the United Nations and influential countries, gives hope that the Space of trust and confidence will be emerge and it will decrease hostilities and eventually reach to a final peace deal.

The recent agreements and the welcome of regional and trans-regional countries have shown a kind of evolution and

flexibility in the positions of the parties and the abovementioned countries, indicating that the Yemen crisis has had profound effects on the public opinion of the countries and they don't have any way except real steps to end violence and establish peace.

خلاصه

طرف‌های یمنی در گفتگوهای اخیر، باوجود اینکه به توافقات مهمی از جمله تبادلۀ اسراء، آتش بس و استقرار نیروی مشترک در الحدیده و بندرگاه‌های مربوطه آن، زیر نظر نیروهای ناظر سازمان ملل متحد و ادامه مذاکرات برای دوره‌های بعدی، دست یافتند، اما اجرایی شدن توافقات مذکور تا هنوز در هاله‌ی ابهام به سر می‌برد. آتش بس اجرایی شده شکننده بوده و از عملی شدن توافق تبادلۀ اسراء هم خبری امیدوار کننده در دسترس نیست. طرفین در آستانه‌ی اجرای توافقات صورت گرفته، در تلاشند که دستاوردهای نظامی بیشتری داشته باشند تا در عرصه‌ی سیاسی و گفتگوهای آینده صلح از موضع قوی‌تری وارد مذاکره شوند.

حاضر شدن طرف‌ها و پذیرفتن راه مذاکره و توافق به ادامه‌ی آن، مهمترین مسأله است؛ زیرا باز بودن باب مذاکره و ادامه آن با میانجیگری سازمان ملل متحد و کشورهای تاثیرگذار، امید می‌رود که سرانجام فضای اعتماد و باور به میان آمده خصومت‌ها کاهش و بالاخره به توافق نهایی صلح دست یابند.

توافقات اخیر و استقبال کشورهای منطقه و فرمانطقه از آن، نوع تحول و انعطاف در مواضع طرف‌ها و کشورهای مذکور را نشان داده، حکایت از آن دارد که بحران یمن تاثیرات ژرفی بر افکار عمومی کشورها گذاشته و راه جز بر داشتن قدم‌های واقعی برای پایان دادن به خشونت‌ها و برقراری صلح ندارند.

مقدمه

بحران یمن همچنان ادامه دارد، وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم باگذشت هر روز وخیم‌تر و بحرانی‌تر می‌شود، مردم یمن از کمبود مواد دارویی و غذایی، سوء تغذیه، افزایش امراض و آسیب‌های مختلف اجتماعی به شدت رنج می‌برند.

قلمرو کشور عملاً در بین دولت و شورشیان حوثی تقسیم شده و هرکدام در تلاش تسلط کامل بر تمام قلمرو آن هستند، ولی طولانی و فرسایشی شدن جنگ باعث آن شده که نوع نگرش به گفتگو در سیاست طرفین ایجاد و به نحوی به این باور

گفتگوهای اخیر صلح یمن و تأثیرات آن بر منطقه

رسیده اند که هیچ کدام از آنها از آن چنان قدرت برخوردار نیستند که بتوانند طرف مقابل را به کلی شکست داده و مسأله را از راه نظامی حل نمایند؛ لذا می‌توان گفت که نوع یاس و ناامیدی بر کامیابی رویکرد نظامی طرفین سایه افکنده و تاحدی در مواضع شان تغییرات آمده است. با در نظر داشت همین تغییرات بوده که طرفین حاضر به مذاکره می‌شوند و بالاخره با میانجیگری سازمان ملل متحد و برخی دیگر از کشورها مذاکرات چند روزه‌یی نیز بین طرفین در استکهلم سویدن صورت می‌گیرد.

این مسأله از آن جهت با اهمیت است که حد اقل پس از مدت‌ها باب گفتگو میان طرفین باز شده و روزنه‌ی امیدی برای حل بحران یمن از راه مذاکره باز شده است. هرچند شاید ممکن نباشد که در یک دور مذاکرات و یاهم دو دور مذاکرات، توافق نهایی برای حل بحران امضا گردد، ولی مسأله‌ی آغاز گفتگو و توافق برای ادامه‌ی مذاکرات در وضعیت کنونی گام مهمی به حساب می‌آید. حاضر شدن طرفین به مذاکرات صلح به معنای تغییر سیاست حامیان منطقه‌یی و بین‌المللی جنگ نیز تعبیر شده و نقطه‌ی عطف در حل بحران پنداشته می‌شود.

پس سوال اینجاست که مذاکرات اخیر صلح یمن از کجا آغاز شد و چه طرف‌هایی در آن اشتراک نموده و چه نتایجی در پی داشته است؟ چنین به نظر می‌رسد که به همکاری سازمان ملل متحد و اشتراک نماینده‌گان برخی از کشورها و طرفین متخاصم مذاکرات انجام و توافقات هم صورت گرفته و این توافقات از نظر عملی به مشکلات مواجهه بوده و تا کنون نتیجه‌یی در حل بحران نداشته است.

اهمیت و مبرمیت موضوع: بررسی موضوع از آن جهت مهم است که بحران یمن افزون بر اینکه بعد داخلی دارد، بعد منطقه‌یی و بین‌المللی نیز دارد و هر نوع تغییرات در مواضع کشورها در سطح منطقه و فرامنطقه لزوماً بر کشورها هم تاثیر دارد؛ همچنان که ادامه‌ی بحران تاثیرات خود را دارد، قطع بحران و تغییر و نگرش در سیاست کشورهای منطقه نیز تاثیرات خود را دارد.

علاوه برآن، مطالعه‌ی گفتگوهای صلح جهت کسب تجارب و الگوگیری برای حل بحران افغانستان نیز می‌تواند در جای خود مهم باشد.

هدف: هدف از بررسی گفتگوهای صلح یمن پاسخ به سوالات مطرح شده و آرایه‌های معلومات در رابطه به نتایج مذاکرات و وضعیت کنونی یمن پس از گفتگوهای صلح در آن کشور است.

روش تحقیق: در نگارش این مقاله از نوع تحقیق توصیفی-تحلیلی و روش کتابخانه‌یی گردآوری معلومات استفاده صورت گرفته است.

در این مقاله تلاش صورت می‌گیرد، تا پس از بررسی گفتگوها در مورد صلح و نتایج آن، پیامدهای منطقه‌یی آن و اوضاع کنونی یمن به گونه‌یی مختصر بررسی گردد.

آغاز مذاکرات صلح یمن در استکهلم سویدن

مذاکرات اخیر صلح یمن، پس از تلاش‌های زیاد به تاریخ ۶ دسامبر ۲۰۱۸ م. مطابق ۱۵ قوس ۱۳۹۷ در شهر استکهلم سویدن زیر نظر سازمان ملل متحد آغاز گردید، این مذاکرات درحالی برگزار گردید که دور پیشین مذاکرات که قرار بود در ماه سپتامبر ۲۰۱۸ م. در شهر ژنیو کشور سوئیس برگزارشود، به دلیل امتناع حوثی‌ها از اشتراک در مذاکرات، برگزار نگردید. شبه نظامیان حوثی با طرح نگرانی در خصوص امنیت تردد، از شرکت در این مذاکرات خودداری کرده بودند. ۱ چنین به نظر می‌رسد که آماده‌گی طرف‌های درگیر برای اشتراک در مذاکرات اخیر، بیانگر تغییر در دیدگاه و نوع پیدایش یاس نسبت به پیروزی‌های نظامی باشد؛ زیرا آنهایی که به پیروزی نظامی اطمینان داشته باشند، هیچگاه به مذاکرات حاضر نشده و کوشش می‌کنند، از راه زور مسأله را یک‌طرفه نمایند و یا هم شرایط سخت‌گیرانه را جهت اشتراک در مذاکرات وضع می‌نمایند.

به هرصورت، طرفین پس از دو سال آماده‌ مذاکره شده و نماینده‌گان دو طرف جهت انجام مذاکرات به شهر استکهلم سویدن سفر می‌نمایند. در این دور از مذاکرات هیأت مذاکره کننده دولت یمن که دوازده عضو داشت، توسط خالد الیمانی وزیر امور خارجه، رهبری می‌گردید و از طرف حوثی‌ها رهبری مذاکرات را محمد عبدالسلام بر عهده داشت؛ موصوف از تلاش‌های جدی برای موفقیت مذاکرات سخن گفته و تصریح کرده بود که از هیچ تلاشی برای کامیاب شدن و به نتیجه رساندن مذاکرات دریغ نخواهد کرد.

گفتگوهای اخیر صلح یمن و تأثیرات آن بر منطقه

این مذاکرات درحالی آغاز گردید که پیش از آن موافقتنامه تبادل اسراء میان عبدربه منصور هادی و شبه‌نظامیان حوثی به امضاء رسیده و بر اساس این موافقتنامه قرار بر این گردیده که ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ از نیروهای طرفدار دولت و نیز ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ تن از نیروهای شورشی آزاد و تبادل شوند. امضای این توافق پیش زمینه مذاکرات سویدن گردیده و قرار بر این گردید که موافقتنامه مذکور پس از مذاکرات به اجرا گذاشته شود.

از این مذاکرات کشورهای مختلف از جمله ایالات متحده آمریکا حمایت نمود؛ چنانچه وزیرخارجة آمریکا از این مذاکرات استقبال و گفتگوهای صلح سویدن را گام نخست، حیاتی و ضروری عنوان نمود. این گفتگوها در زمانی انجام گرفت که عملاً کشور یمن به دو بخش تقسیم شده است، مناطق جنوب و بخش‌های مهمی از مرکز کشور تحت کنترل نیروهای دولت یمن است و شمال و بخش‌های غربی کشور به شمول صنعا پایتخت در اختیار شورشیان و شبه‌نظامیان حوثی قرار دارد.

جنگ داخلی یمن زمانی شدت گرفت که ائتلاف نظامی تحت رهبری عربستان سعودی، در سال ۲۰۱۵م. به حمایت از دولت یمن وارد این کارزار نظامی گردید، در این جنگ تا زمان مذاکرات سویدن، در حدود ده هزار کشته برجای گذاشته و بحرانی انسانی را در یمن دامن زده که فجیع‌ترین بحران در عصر حاضر خوانده می‌شود. ۲

حمایت ایالات متحده و همچنین حاضر شدن گروه انصارالله یا حوثی‌ها به گفتگوهای صلح بیانگر آن است که نظریات در سطح بین‌المللی نسبت به جنگ یمن و حامیان اصلی منطقه‌یی آن تا حدی تغییر کرده و امید حامیان منطقه‌یی جنگ برای به کرسی نشاندن جناح مورد حمایت شان تا اندازه‌یی تضعیف گردیده و هزینه اقتصادی هم یکی از دلایل بوده که طرفین را واداشته، به مذاکرات و رسیدن به حل این بحران منطقه‌یی روی آورده و در کل طریقی را در پیش بگیرند که کم-هزینه‌تر برای شان تمام گردد.

تبادل اسراء برای زمینه‌سازی و کاهش سطح خصومت یک گام موثر است؛ لذا موافقت به این امر پیش از مذاکرات نشانگر آن است که طرفین قطعاً خواهان آن اند که به راه صلح آمیز دست یابند و لو اینکه این مذاکرات در یک دور به نتیجه

قطعی هم نرسد، از طرف دیگر، اشتراک وزیر خارجه دولت یمن در این مذاکرات بیانگر جدیت طرف‌ها در مذاکرات است.

از این مذاکرات تنها دولت یمن استقبال نکرده است، بلکه جنبش انصارالله یا همان حوثی‌های یمن نیز استقبال کرده که از چند سال پیش با دولت مرکزی و نیروهای نظامی ائتلاف تحت رهبری عربستان درگیر جنگ اند، در ضمن استقبال از مذاکرات سویدن اعلام کردند که اگر ضمانت‌های امنیتی برای تردد و جابجایی دریافت نمایند، در این مذاکرات شرکت می‌نمایند. ۳

هرچند تشویش حوثی‌ها از عدم امنیت تردد تا حدی بجا بود، ولی یادآوری این مسأله به خاطر آن بوده که تأکیدی بر دلیل عدم اشتراک آن‌ها در مذاکرات دور پیشین باشد، چنانچه حوثی‌ها نمی‌خواستند به مذاکرات اخیر اشتراک نمایند و یا هم حامیان منطقه‌یی آنها عدم مذاکرات را به صلاح آنها می‌دیدند؛ قطعاً در این دور از مذاکرات هم بهانه‌یی را درپیش می‌گرفتند، ولی پذیرش راه گفتگو و مذاکره بیانگر آن است که حوثی‌ها نیز چندان امیدی به پیروزی نظامی ندارند و از طرف دیگر از لحاظ اقتصادی هم در وضعیت خوبی قرار ندارند، روی هم‌رفته همه مسایل در این امر دخیل بوده، آنها را وادار به مذاکره نمود. مذاکرات در طی چندین روز ادامه پیدا کرد و مارتین کریفیتس، نماینده سازمان ملل در امور یمن، در جریان مذاکرات در استکهلم، چنین ابراز امیدواری کرده بود که مذاکرات یادشده پیام‌آور صلح باشد.

در حالی که در طی دو سال پیش از زمان آغاز این مذاکرات، اولین باری بود که نماینده‌گان دولت و مخالفان حوثی گفتگو کردند. در همین زمان بود که آقای کریفیتس، خبر امضای توافقنامه تبادله اسراء میان دو طرف را نیز اعلام کرد. ۴ به این ترتیب، گفتگوها در یک فضای نسبتاً خوبی آغاز و ادامه پیدا کرد.

نتیجه مذاکرات صلح یمن

مذاکرات صلح یمن سرانجام پس از یک هفته به پایان رسید و آنتونیو گوترش، سرمنشی سازمان ملل، در جلسه پایانی مذاکرات اشتراک و در رابطه به دستاوردها و نتایج آن از جمله توافق بر سر آتش‌بس در بندر حدیده و برخی از شهرهای دیگر، اشاره کرد. ۵

گفتگوهای اخیر صلح یمن و تأثیرات آن بر منطقه

به نظر آقای گوتزش، گفتگوهای صلح امیدوار کننده بوده و در نتیجه این مذاکرات آتش بس تنها محدود به بندر حدیده باقی نمانده، امید است که در برخی شهرهای دیگر نیز حاکم شود.

مهمترین نتیجه مذاکرات برقراری آتش بس در بندر حدیده و کنترل آن به وسیله سازمان ملل است که امکان کمک رسانی به مردم جنگ زده را نیز فراهم می- نماید.

هرچند مذاکرات یادشده، به نتیجه‌ی که منجر به صلح در یمن گردد، منتهی نشد، اما بدون دستاورد هم نبود، روی برخی از مسایل توافقات صورت گرفت و توافق مذکور و لو اینکه از مقدمات و از نیازهای عاجل حقوق بشری هم باشند، ولی باز هم پیشرفت مهمی به حساب می‌آیند.

در گفتگوهای اخیر، طرفین موافقه کردند:

۱. کمیته مشترکی را از طرفین درگیر با اشتراک نماینده‌گانی از جامعه مدنی و مشارکت سازمان ملل متحد تشکیل دهند.
۲. طرفین نماینده‌گان خود را در کمیته مشترک تعیین و در ظرف یک هفته پس از ختم مذاکرات سویدن آنها را به دفتر سازمان ملل متحد اعلام نمایند.
۳. سازمان ملل متحد زمان و مکان محل نشست را تعیین خواهد کرد.
۴. کمیته مشترک خود اختیارات و چارچوب فعالیت کاری خویش را تعیین نماید.
۵. کمیته مشترک گزارشی از روند فعالیت خود به نشست آتی گفتگوهای صلح آماده نماید.

تا اینجا هیچ نوع موافقتی در ماهیت مسأله به مشاهده نمی‌رسد، بلکه همه بندها تاکید بر راهکار و هموار نمودن بستر همکاری‌های دو جانبه و فعالیت‌های مشترک جهت انجام گفتگوهای بیشتر و آماده‌گی برای دور بعدی مذاکرات را نشان می‌دهد.

ولی مطلب مهم در این است که روند گفتگو و مذاکرات و فعالیت‌های عملی صلح به نحوی به جریان می‌افتد، مواضع دو طرف و چالش‌ها برجسته می‌گردد و در نتیجه طرفین برای حل آنها راه‌هایی را پیشنهاد خواهند کرد که با مذاکرات مستقیم امکان حل آنها قابل پیش‌بینی می‌باشد.

- مسأله بعدی که در مذاکرات سویدن روی آن توافق به عمل آمد، توافق در مورد شهر الحديده و بندرگاه‌های الحديده، والصلیف و رأس عیسی، بوده است.
- طرفین در خصوص موارد زیر توافق نمودند:
- توافق صورت گرفت که نیروهای امنیتی مربوط به بندرگاه‌های الحديده، الصلیف، رأس عیسی و شهر الحديده در نقاط معین مورد توافق در خارج از شهر و بندرگاه‌های مذکور به صورت مشترک استقرار پیدا نمایند.
 - توافق و تعهد کردند که طرفین هیچ گونه تجهیزات نظامی را به ولایت و شهر الحديده و سه بندرگاه مذکور انتقال ندهند.
 - توافق نمودند تا کمیته هماهنگی مشترکی را برای استقرار نیروهای مشترک و مورد توافق به ریاست سازمان ملل متحد که به طور مثال شامل اعضای از طرفین برای نظارت بر آتش‌بس و استقرار نیروها می‌گردد.
 - همچنان توافق صورت گرفت که رئیس کمیته هماهنگی برای استقرار نیروهای مشترک، گزارش‌های هفته‌گی خود را از طریق سرمنشی به شورای امنیت ارائه نماید. گزارش در خصوص پایبندی طرفین به تعهدات شان به توافقنامه است.
 - همچنان توافق نمودند که کمیته هماهنگی برای استقرار نیروهای مشترک، ناظر بر عملیات استقرار و نظارت خواهد بود و افزون بر آن از جریان مین پاکی از شهر الحديده و بندرگاه‌های سه گانه قبلاً یادشده هم نظارت خواهد کرد.
 - همچنان طرفین پذیرفتند که سازمان ملل متحد، در پیش‌تیبانی از مدیریت و عملیات بازرسی از اداره کل بنادر دریای سرخ یمن و بندرگاه‌های سه گانه مذکور، نقش رهبری کننده را برعهده خواهد داشت و این نقش سازمان مذکور شامل تقویت ساز و کار سازمان در مورد بازرسی و تحقیق بندرگاه‌های الحديده و الصلیف و رأس عیسی نیز می‌شود.
 - موضوع مورد توافق بعدی این بود که حضور سازمان ملل متحد در شهر الحديده و بندرگاه‌های الحديده و الصلیف و رأس عیسی، تقویت گردد.
 - همچنان طرفین تعهد نمودند که بستر مناسب برای کار سازمان ملل متحد در الحديده را تسهیل نمایند.

_____ گفتگوهای اخیر صلح یمن و تأثیرات آن بر منطقه

- و مسأله بسیار مهم اینکه همه طرف‌ها تعهد کردند که رفت و آمد غیرنظامیان و همچنان انتقال کالا را به شهر الحدیده و بندرگاه‌های الحدیده والصلیف و رأس عیسی را تسهیل نمایند و تعهد نمودند که از رسیدن کمک‌های بشردوستانه به بندرگاه‌های مذکور، ممانعت نمی‌نمایند.

- همچنان توافق کردند که همه عواید بندرگاه‌های الحدیده و الصلیف و رأس عیسی به بانک مرکزی یمن شعبه الحدیده تحویل و صرف تأمین دستمزد کارمندان بخش خدماتی این شهر و ولایت الحدیده و دیگر مناطق کشور خواهد گردید.

- طرفین توافق نمودند، تا مسئولیت امنیت الحدیده و بندرگاه‌های سه‌گانه مذکور طبق قانون یمن بر عهده نیروهای امنیتی داخلی باشد و باید رویه‌های حقوقی حکومتی و هرگونه موانعی که در مسیر فعالیت نهادهای داخلی وجود دارد، برچیده شود.

- این توافق به عنوان سابقه‌بی فراتر از هرگونه گفتگو یا مذاکرات بعدی به شمار نمی‌رود.

- از جمله توافقات یکی هم مربوط به اجرای این توافقنامه بوده که در چندین مرحله صورت می‌گیرد و نحوه آن را کمیته هماهنگی استقرار تعیین خواهد کرد. استقرار نیروها در بندرگاه‌های سه‌گانه و بخش‌های مهم شهر که به امور انسانی مرتبط است، در مرحله نخست و پس از آن در دو هفته بعدی پس از اجرایی شدن آتش‌بس تکمیل خواهد شد و استقرار نیروهای مشترک در شهر الحدیده و بندرگاه‌های الحدیده و الصلیف و رأس عیسی حد اکثر در مدت ۲۵ روز پس از آن که آتش‌بس آغاز گردد، صورت خواهد گرفت. ۸.

در مجموع بندهای توافقنامه در مورد شهر الحدیده و سه بندرگاه الحدیده، الصلیف و رأس عیسی، روی این مسأله متمرکز است که این شهر و بندرگاه‌های مربوطه باید تحت رهبری سازمان از طریق کمیته هماهنگی استقرار نیروهای مشترک نظارت گردیده و آتش‌بس در این شهر تأمین گردد، تا زمینه رفت و آمد مردم غیرنظامی و رسیدن کمک‌های بشردوستانه به مردم آسیب دیده، فراهم گردد، همچنان منابع و عواید این شهر و بندرگاه‌های مربوط از طریق ذخیره شدن در

شعبه بانک مرکزی یمن در الحدیده، صرف پرداخت دستمزد کارمندان بخش خدماتی گردد.

همچنان توافق مذکور بیانگر آن است که شهر الحدیده و بندرگاه‌های مربوط باید نقش خود را در حل بحران قحطی و کمک‌های بشردوستانه بازی نماید، لهذا تمرکز روی این بوده که این شهر و بندرگاه‌های مربوط آن تنها در اختیار یکی از طرفین قرار نداشته باشد، تا با قطع مواد ضروری حیات انسانی، از آن به حیث ابزار فشار کار گرفته و بحران انسانی و بشری موجود در یمن را تشدید نماید.

در پهلوی توافقات فوق، یکی دیگر از توافقات صلح سویدن، توافق در مورد آزادی و تبادل اسراء میان طرفین بوده که بر اساس اسناد منتشر شده شامل ۴ اصل و ۱۲ بند اجرایی است که مضمون اصول و بندهای آن به شرح زیر است: «اول: برای آزادی اسراء، زندانی‌ها، بازداشت شده‌گان، ربوده شده‌گان و کسانی که بالاجبار پنهان شده‌اند، بدون استثنا و بدون کدام قید و شرطی و برای حل کامل مشکل توافق به عمل آمد.

دوم: تمام طرف‌ها و از جمله ایتلاف عربی موظف به آزادی اسراء، زندانی‌ها، بازداشت شده‌گان، ربوده شده‌گان و کسانی که بالاجبار پنهان شده‌اند، هستند چه از ملت یمن باشند و چه از ایتلاف عربی که از جمله آنها فیصل رجب، محمد قحطان، محمود الصبیحی و ناصر منصور هادی هستند.

سوم: هیچ یک از طرفین نباید از آزادی اسراء، زندانی‌ها، بازداشت شده‌گان، ربوده شده‌گان و کسانی که بالاجبار پنهان شده‌اند، خودداری کند. چهارم: اطراف توافقنامه نباید در آزادی اسراء، زندانی‌ها، بازداشت شده‌گان، ربوده شده‌گان و کسانی که بالاجبار پنهان شده‌اند، فرق قایل شوند. پنجم: در صورتی که پس از انجام تبادل یکی از اسراء، زندانی‌ها، بازداشت شده‌گان، ربوده شده‌گان و کسانی که بالاجبار پنهان شده‌اند هنوز نزد اطراف توافقنامه باشند، ملزم به آزادی فوری آنها بدون هیچ قید و شرطی هستند»^۹.

توافقنامه تبادل اسراء بدون قید و شرط و به صورت همه‌جانبه و بدون تبعیض تنظیم شده، چنین به نظر می‌رسد که اگر طرفین آن را به مرحله اجرا بگذارند، به نفع هر دو طرف بوده و گام مهم در جهت اعتمادسازی و ادامه گفتگوها خواهد بود.

گفتگوهای اخیر صلح یمن و تأثیرات آن بر منطقه

و اما برای اجرای این توافقنامه به روش ذیل موافقت نمودند:
اول اینکه بعد از گذشت یک هفته از این موافقتنامه هر دو طرف فهرست اسراء، بازداشت شده‌گان و ربوده شده‌گان و تمام کسانی که به اجبار پنهان شده اند، تهیه و آنرا از طریق دفتر نماینده سازمان ملل در یمن تبادل نمایند. فهرست‌ها باید دقیق تهیه شده و مشخصات کامل افراد در آن درج باشد. پس از تحویل و تبادل فهرست‌ها، به طرفین یک هفته مهلت داده می‌شود که گزارش خود را در زمینه به فرستاده سازمان ملل تقدیم نمایند. سپس به آنها یک هفته دیگر مهلت داده می‌شود که اگر در زمینه کدام یادداشت خطی دارند، آنرا به نماینده ملل متحد تسلیم نمایند. جواب یادداشت‌ها نیز پس از یک هفته داده می‌شود.

دوم اینکه فهرست نهایی از جانب تمام طرف‌های توافقنامه امضاء و به دفتر فرستاده سازمان ملل و سازمان صلیب سرخ جهانی تحویل داده می‌شود، تا زمینه تبادل اسراء را فراهم نمایند. اجرای توافقات نهایی در خصوص فهرست اسراء ده روز طول خواهد کشید.

سوم اینکه برای تضمین سهولت روند تبادل، در یک زمان و در استان الجوف یا هر مکان که طرفین بر آن به توافق می‌رسند، صورت می‌گیرد.

چهارم اینکه یک گروه فنی متشکل از اطراف توافقنامه، دفتر سازمان ملل متحد در یمن و سازمان جهانی صلیب سرخ برای تمرکز و فراهم نمودن زمینه‌های لوژستیکی و فنی تبادل اسراء تشکیل می‌گردد.

پنجم اینکه کمیته از جانب دو طرف برای تبادل اجساد نیز تشکیل می‌شود که فوراً پس از امضای توافقنامه کار خود را شروع می‌کند، تا اجساد را از همه جبهه‌ها و مناطق جمع‌آوری و مبادله نمایند و دو طرف باید روند تشکیل و کار کمیته را تسهیل و با آن همکاری نمایند.^{۱۰}

آتش‌بس توافق شده به میانجیگری سازمان ملل، سرانجام از نیمه شب ۱۸ دسامبر ۲۰۱۸ م. مطابق ۲۷ قوس ۱۳۹۷ آغاز گردید، با وجود آن درگیری‌ها تا چند ساعت پس از آن ادامه پیدا کرد، در عین حال نماینده ویژه سازمان ملل آقای مارتین گریفیتس آتش‌بس را موثر خواند.

بر اساس توافق صورت گرفته قرار بر این بود که تمام شبه‌نظامیان حوثی و نیروهای وابسته به دولت از بندر حدیده خارج و نیروهای سازمان ملل که آن‌ها را نیروهای محلی می‌خواند، جای آن‌ها را بگیرد. این سازمان نقش محوری را در نظارت بر این بندر خواهد داشت و در راستای کمک‌رسانی به غیرنظامیان تلاش خواهد کرد. ۱۱

اکنون پس از گذشت بیش از یکماه پرسش‌های زیادی مطرح است، از جمله اینکه آیا طرفین همچنان به آتش‌بس توافق شده پایبند بوده‌اند و آیا کمیته هماهنگی استقرار نیروهای مشترک تشکیل شده و استقرار نیروی پیش‌بینی شده در شهر، مستقر شده‌اند، یا اینکه توافق تنها در روی کاغذ باقی مانده است؟ در این رابطه به گونه‌ی نمونه از یکی از گزارش‌های خبری که در یکی از خبرگزاری‌های عربی به نقل از گروه حوثی منتشر شده است را به طور فشرده یاد آوری می‌گردد.

حوثی‌ها با ابراز نگرانی از فروپاشی آتش‌بس، نیروهای ایتلاف به رهبری عربستان را متهم به بمباردمان کشتی حامل ذخایر گندم به حدیده می‌سازند. همچنان گروه انصارالله یا حوثی‌های یمن، نیروهای ایتلاف یاد شده را متهم می‌سازد که در خلال ۴۸ ساعت پیش از انتشار گزارش (۲۰۱۹/۱/۲۶ م. ۲۰) در حدود ۱۵۸ بار آتش‌بس را در ولایت حدیده در غرب کشور نقض نموده است.

همچنان یحیی سریع سخنگوی نیروهای حوثی با اظهاراتی به خبرگزاری «سبأ» مربوط این گروه، نیروهای ایتلاف را به عدم پایبندی به موافقنامه آتش‌بس امضاء شده در ماه گذشته در شهر سویدن متهم نموده، چنین ابراز داشت که نیروهای ایتلاف به صورت پیهم و گسترده آتش‌بس را در ولایت حدیده و با افزایش بی‌سابقه در دیگر جبهات، نقض نموده است.

همچنان مسئولین و مقامات رسمی حوثی‌ها تأکید کردند که نیروهای ایتلاف در جریان دو روز گذشته ۱۰۱ گلوله توپ و ۱۵ موشک پرتاب نموده و بیشتر از ۳۱ بار با آتش باری با اسلحه ثقیله و خفیفه بر منازل و کشتزارهای شهروندان و مواضع ارتش، آتش‌بس را نقض نموده‌اند.

گفتگوهای اخیر صلح یمن و تأثیرات آن بر منطقه

وی افزود که نیروهای ائتلاف در حال ایجاد استحکامات و تقویت نیروها همراه با انجام پروازهای کشفی در فراز حدیده و برخی از ولسوالی‌های آن است.

سخنگوی حوثی‌ها افزود که توپخانه نیروهای ائتلاف یکی از سیلوهای تولید آرد در شهر حدیده را مورد هدف قرار داده که منجر به آتش سوزی گردیده است. انصارالله هدف قرار دادن مواضع مذکور را به این هدف دانسته که این امر باعث ممانعت حضور تیم امنیتی ناظرین شود؛ آن‌ها تأکید بر آن دارند که آماده استقبال از انتقال محموله‌ها از طریق قطار هستند.

این ذخیره‌گاه‌های تولید آرد بر حسب آمارهای مردمی در حدود ۵۰ هزار تن گندم را که برای بیشتر از تن میلیون تن در یک ماه کافی بوده، در خود ذخیره کرده بود.

در عین حال خبرگزاری رویترز به این اشاره دارد که نگرانی‌هایی نسبت به فروپاشی کامل آتش‌بس در بندر استراتژییک حدیده، با توجه به شکست فرایند خروج نیروهای احزاب متخاصم در شهر و اطراف آن، وجود دارد.

آدام بارون، کارشناس روابط خارجی شورای اروپا گفت: در هفته‌های آینده گیری‌ها یا به پایان می‌رسد و یا اینکه مجدداً از سر گرفته می‌شود، ما شاهد بازسازی مسیر سیاسی و یا هم شاهد افزایش شدید فعالیت نظامی خواهیم بود.

آتش‌بس از زمان اجرای آن در یک ماه پیش تا حدی زیادی در شهر برقرار شده، اما درگیری در شهر حدیده از چند روز پیش به این طرف در نقاط حومه شهر شدت گرفته است.

شورای امنیت ملل متحد استقرار تیم ۷۵ نفری از ناظرین بین‌المللی را به خاطر نظارت بر آتش‌بس در بندر حدیده تأیید کرد، تا از اجرای آتش‌بس در این منطقه اطمینان حاصل گردد. ۱۲

گزارش‌های فوق نشان می‌دهد، اجرای توافق تا هنوز در مرحله ابتدایی قرار دارد؛ اولاً استقرار آتش‌بس به صورت بسیار شکننده بوده است، ثانیاً خروج نیروهای متخاصم تا هنوز جنبه عملی پیدا نکرده، تا نیروی مشترک توافق شده تشکیل و در مناطق مورد توافق استقرار پیدا نمایند.

نکته امیدوارکننده این است که اجرای توافقنامه آغاز شده و سازمان ملل متحد و نیروهای ناظر آن در محل حضور داشته تلاش دارند، تا توافقات هرچند به تأخیر هم که شده، قدم به قدم به اجرا گذاشته شود.

چگونگی وضعیت فعلی یمن

آخرین گزارش‌ها حاکی از آن است که وضعیت یمن نه تنها بهبود نیافته که به طرف بحران قحطی روان است. بر اساس راپور سازمان ملل، وضعیت در یمن همچنان بحرانی است و هرگونه بی‌ثباتی بیشتر قحطی را در پی خواهد داشت. برنامه جهانی غذا وابسته به ملل متحد در حالی این هشدار را می‌دهد که فشار بر بندر حدیده که شریان اصلی امدادسانی به یمن محسوب می‌شود، همچنان رو به ازدیاد است.

هرچند که از یک ماه بیشتر می‌شود که در بندر حدیده آتش‌بس اعلان گردیده، اما تا هنوز این آتش‌بس به گونه واقعی برقرار نشده است. طوری که قبلاً یادآوری گردید، گزارش‌هایی وجود دارد مبنی بر اینکه طی روزهای اخیر یک ذخیره غله و همچنان یک مرکز بیجاشده‌گان مورد هدف و آتش‌باری طرف‌های درگیر جنگ قرار گرفته است.

نماینده سازمان ملل متحد، تایید می‌کند که آتش‌بس به طور کامل به مرحله اجراء درنیامده است، در ضمن مارتین گریفیتس نماینده سازمان ملل در امور یمن، هنگام دیدار از صنعا پایتخت این کشور اذغان داشت که با توجه به موقعیت نیروهای درگیر در منطقه، توافقنامه آتش‌بس خیال بلندپروازانه بوده است. در عین حال، برخی خبرنگاران که از یمن دیدار داشته براساس مشاهدات خود گفته اند که کودکانی را دیده‌اند که در اثر سوء تغذیه حتا قدرت گریه کردن را نداشته‌اند.

در توافقنامه اخیر میان شورشیان حوثی و نیروهای دولتی قرار براین بود که شورشیان از بندر حدیده عقب نشینی نمایند، اما تا کنون از عملی شدن توافقنامه آنچنان که انتظار می‌رفت، کدام نتیجه ملموسی به مشاهده نرسیده است. واقعیت جبهات جنگ هم از این قرار است که هیچ‌یک از طرفین، از چنین قدرتی برخوردار نیستند که طرف مقابل را به شکست کامل مواجه سازند. در حال حاضر،

گفتگوهای اخیر صلح یمن و تأثیرات آن بر منطقه

قسمت‌های شرقی و جنوبی و بخشی هم از قسمت‌های غربی در اختیار نیروهای دولتی و بخش شمال غربی و مناطق غربی به شمول صنعا پایتخت، در اختیار شورشیان حوثی قرار دارد. ۱۳

در مجموع، نقشه جنگی یمن نشان‌دهنده آن است که هیچ‌یک از طرفین در میدان جنگ آن چنان برتری ندارند که بتوانند، به ساده‌گی و به زودی توازن قدرت را به نفع خود برهم زده و بر اوضاع کشور مسلط شوند؛ لذا چنین به نظر می‌رسد که جنگ به بن‌بست رسیده، طرفین راهی ندارند، جز اینکه سرانجام راه صلح را در پیش گیرند. همچنان وضعیت زنده‌گی مردم در یمن بسیار رقتبار و نگران‌کننده است و این خود فشار و تهدید جدی بر طرفین جنگ وارد می‌سازد که به هر طوری که شده به بحران انسانی خاتمه دهند و به خواست‌های جامعه جهانی و سازمان ملل متحد در مورد بهبود وضعیت انسانی تن دهند؛ زیرا از وضعیت موجود در یمن و امکان بروز قحطی و بحران انسانی نگران هستند.

آخرین اخبار به ارتباط اجرای توافقات سویدن حاکی از آن است که اولاً روند تبادل اسراء آن طوری که پیش‌بینی شده بود، تا هنوز به مرحله اجراء گذاشته نشده، بلکه تنها برخی ادعاهای ضد و نقیض مبنی به تبادل محدودی از اسراء به دست نشر سپرده شده که مورد استقبال مارتین گریفیتس نماینده سازمان ملل هم قرار گرفته است.

در مورد آتش‌بس و توافقات در مورد الحدیده هم خبرهایی از نقض گسترده آتش‌بس و شکننده بودن آن حکایت دارد و از طرف دیگر هم دیده می‌شود که شورای امنیت ملل متحد جنرال مایکل لولیسگار دنمارکی را به جانشینی پاتریک کامیرت هالندی و ریاست کمیته نظارت بر اجرای توافقنامه آتش‌بس الحدیده انتخاب کرد. ۱۴ به این معنا که با وجود همه مشکلات سازمان ملل متحد به تلاش‌هایش در مورد خاتمه بخشیدن به بحران چندین ساله یمن همچنان ادامه می‌دهد.

پیامدهای منطقه‌یی مذاکرات صلح یمن

در ختم مذاکرات چند روزه استکهلم، وزیر خارجه سویدن آقای مارگوت والستروم در ضمن تشکری از جانبین مذاکرات، تلاش کشورهای درگیر و جامعه جهانی را در حل بحران جاری یمن مهم شمرد. وی از کشورهای عمان و کویت برای زمینه‌سازی

این گفتگوها ابراز قدردانی کرد. همچنان گفت که اکنون نگاه جهانیان به نتایج این مذاکرات دوخته شده که در زمینه توافقی موسوم به اعلامیه استکهلم به دست آمده است.

همچنان موصوف بر این امر تاکید کرد که نتایج مذاکرات صلح یمن مثبت بوده و کشورش به ادامه تلاش‌های میانجیگری متعهد بوده و به آن ادامه می‌دهد. در ضمن انتونیوگوترش سرمنشی سازمان ملل، توافق به دست آمده را با ارزش و تاثیرگذار بر زنده‌گی مردم یمن خوانده است.

موضوع مهم این است که پس از دو سال طرفین به این امر تن دادند تا به مذاکرات مستقیم حاضر شوند، به این معنا که طرفین به راه غیرنظامی تا حدی باور پیدا کرده اند و توافقات انجام شده بر روی برخی از مسایل در این مرحله از مذاکرات، مهم پنداشته می‌شود.

در بحران یمن دو طرف درگیر مورد حمایت کشورهای منطقه هستند، دولتی را که از طرف سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته شده، مورد حمایت عربستان سعودی و ائتلاف تحت رهبری آن کشور قرار دارد و شورشیان حوثی، مورد حمایت ایران می‌باشد. روی این حساب است که کارشناسان روی ابعاد منطقه‌یی بحران تاکید داشته و آنرا نیازمند توافق گسترده و گفتگوهای منطقه‌یی می‌دانند. شاید هم بادر نظر داشت این مسأله بوده که نماینده سازمان ملل پس از توافقات یادشده با محمدبن سلمان ولیعهد عربستان سعودی گفتگوهای داشته است. ۱۵

در مجموع گفتگوها و زمینه سازی‌های پیش از مذاکرات و پس از آن توسط سرمنشی و نماینده سازمان ملل با کشورهای منطقه و دخیل در جنگ یمن بیانگر آن است که بعد منطقه‌یی و تاثیرات این گفتگوها کمتر از بعد داخلی آن نیست. حل فصل بحران یمن مستقیماً بر روی روابط کشورهای منطقه تاثیر داشته و می‌تواند به بهبود روابط کشورهای منطقه نیز بیانجامد.

در ضمن روسیه هم از جمله کشورهایایی بوده که از توافقات صلح یمن در سویدن استقبال کرده است. وزارت امور خارجه روسیه اعلام کرد که مسکو از مذاکرات صلح یمن استقبال می‌نماید. همچنان ابراز داشت که از این اقدامات جهت بازگردانیدن

گفتگوهای اخیر صلح یمن و تأثیرات آن بر منطقه

اعتماد متقابل میان طرفین و کاهش بحران های انسانی که همچنان منجر به آسیب غیر نظامیان می شود، حمایت می کند.

در عین حال مسکو به نقش سازمان ملل متحد و پنج نفر از سفیران دایم کشورهای مختلف در سازمان ملل متحد در این مذاکرات اشاره کرد و حمایت خود را از آنها اعلام نمود.

و این مطلب را مهم دانست که روحیه مذاکرات برای رسیدن به یک راه حل برای مشکلات داخلی یمن از جمله مسایل سیاسی حفظ گردد. ۱۶.۵

روسیه هم از قدرت های تاثیرگذار در منطقه به حساب می آید؛ بخصوص اینکه روابط نزدیکی با ایران دارد و ایران از جمله حامیان شورشیان حوثی خوانده می شود، استقبال و حمایت روسیه از راه حل سیاسی در یمن نیز تاثیرگذار می باشد.

همچنان برخی دیگر از کشورهای منطقه و فرامنطقه از جمله ایالات متحده، عربستان، امارات، اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی ایران نسبت به توافقات گروه های یمنی در سویدن واکنش نشان دادند. توافق سویدن با استقبال و واکنش بازیگران منطقه ای و فرا منطقه ای مواجه گردید.

ایالات متحده امریکا آن را گام مهم برای آغاز فصلی جدید در یمن و تحقق صلح در این کشور دانست و در همین حال با وجود مخالفت دونالد ترامپ، سنای امریکا با تصویب قطعنامه ای به پایان حمایت نظامی این کشور از جنگ سعودی علیه یمن رای داد. جرمی هانت وزیر خارجه بریتانیا نیز ضمن دیدار با طرف های یمنی در سویدن از توافق میان آنها استقبال نمود.

به همین ترتیب، خالد بن سلمان سفیر عربستان سعودی امریکا در حساب کاربری تویترش مدعی آن شد که عربستان از توافقی صورت گرفته استقبال می کند و آن را اقدام مهمی برای استقلال یمن می داند.

وزیر مشاور در امور خارجه امارات هم چنین واکنش داشته است که فشار بر انصارالله منجر به توافق درباره الحدیده شده است. همچنان ایران از توافق سویدن استقبال کرد. فدریکا موگرینی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا از موضع حمایتی ایران در باره صلح و اقدام مارتین گریفیتس فرستاده سازمان ملل متحد در امور یمن، قدردانی کرد و گفت که ایران در توافق نقش مهمی ایفا کرده است. ۱۷.

در مجموع، واکنش‌ها و موضعگیری کشورها در مورد مذاکرات و توافقات اخیر در سویدن مثبت بوده و انتظار می‌رود که پیامد این گفتگوها به حل بحران چندین ساله یمن کمک نموده و رنج و مصیبت را از مردم این مرزبوم کاهش دهد.

نتیجه

اوضاع یمن پس از گفتگوها و توافقات صلح طرف‌های یمنی در استکهلم سویدن، همچنان بحرانی است، عملی شدن توافقات، آینده مذاکرات و گفتگوهای صلح در هاله ابهام فرو رفته است.

آتش‌بس برقرار شده در الحدیده و برخی مناطق دیگر شکننده بوده و بستر استقرار نیروهای مشترک در الحدیده تا هنوز فراهم نشده است.

اساسی‌ترین و مهم‌ترین مسأله این است که طرفین پس از بیشتر از دو سال همه‌مسایل را کنار گذاشته به گفتگوهای رو در روی حاضر می‌شوند، این نخستین و مهم‌ترین گام در حل بحران به شمار می‌رود، زیرا تا وقتی که گفتگوی در میان نباشد، توافقی در کار نخواهد بود و تا توافقی به میان نیاید صلحی نیز به میان نخواهد آمد. لذا قطع نظر از مشکلات موجود، می‌توان گفت که با مذاکرات انجام شده و توافقات صورت گرفته حد اقل نقشه راهی برای گفتگوهای بیشتر و تماس‌های بیشتر فراهم شده است.

چنین به نظر می‌رسد که دیدگاه طرفین درگیر و همچنان طرف‌های که حامیان آن‌ها شمرده می‌شوند، به نحوی به طرف راه حل سیاسی گرایش پیدا کرده و نوع امیدواری نسبت به آینده مذاکرات به وجود آمده است.

برقراری آتش‌بس و لو اینکه محدود و شکننده هم بوده باشد در اوضاع متشنج و بحرانی یمن گام بلندی محسوب می‌شود، زیرا طرف‌های جنگ پیش از این همواره به گزینه نظامی تاکید داشته‌اند و هیچگاهی به گفتگوهای واقعی و واقعی نگذاشته و به بهانه‌های مختلف به مذاکرات حاضر نشده بودند، اما این بار همه موانع را پشت سر گذاشته روزنه‌ی امید به روی مردم جنگ زده و رنج کشیده یمن بازنموده به گفتگوها تن در داده و پس از یک هفته مذاکره بر روی برخی از مسایل توافق نموده و چشم‌ها را به آینده مذاکرات دوخته‌اند. اکنون چنین به نظر می‌رسد، توافقات صورت گرفته هر چند با تأخیر هم باشد به تلاش سازمان ملل و میانجیگری برخی از

گفتگوهای اخیر صلح یمن و تأثیرات آن بر منطقه

کشورها که به آینده مذاکرات امید بسته اند، اجراء می‌گردد، امید می‌رود که آهسته آهسته خشونت‌ها فروکش کرده و بحران انسانی در یمن خاتمه یابد.

خاتمه جنگ به نفع همه طرف‌ها است، جنگ هزینه‌ها را پوره کرده بتوانند، لذا مجبورند، از هزینه‌های ضروری معیشتی مردم به نفع هزینه‌های جنگی صرف نظر نمایند، که این عمل جز تباهی و بحران انسانی و بشری چیز دیگری را در پی نخواهد داشت، همچنان جنگ باعث مسدود شدن هر چه بیشتر راه‌های مواصلاتی و بنادر صدور و ورود کالاهای ضروری و غیر ضروری می‌گردد که اینکار خود باعث فشارهای چند برابر بر مردم گردیده و آینده ناگواری را برای مردم در پی خواهد داشت و این خود وجدان‌های خفته را بیدار و افکار عمومی مردم جهان را بر علیه طرف‌های جنگ تحریک و سرانجام طرفین چاره جز حل و فصل منازعات و اختلافات از راه مذاکره و رسیدن به یک راه حل سیاسی ندارند.

مهمترین پیامد منطقه‌یی گفتگوهای مزبور این بوده که کشورهای منطقه و حتا فرامنطقه به نحوی از نتایج آن استقبال نموده و به حل و فصل بحران از طریق مذاکره علاقه نشان دادند که این امر می‌تواند، پیامد مثبت در بهبود روابط و کاهش تنش‌ها در میان کشورهای منطقه داشته باشد.

پیشنهادها

با در نظر داشت شباهت و وضعیت افغانستان به وضعیت یمن به دولت افغانستان پیشنهاد می‌گردد:

۱. از آنجایی که افغانستان خود در یک بحران نا امنی غرق است و از رقابت‌های منطقه‌یی همواره آسیب دیده و می‌بیند، برای دولت افغانستان پیشنهاد می‌گردد تا از دخیل شدن به هرگونه مسایل امنیتی و رقابت‌های منطقه‌یی تا حد ممکن اجتناب ورزد، زیرا یکی از عوامل اساسی طولانی شدن جنگ افغانستان و به عین ترتیب جنگ یمن، رقابت میان کشورهای منطقه و برخی از قدرت‌های بزرگ در سطح فرا منطقه است، اگر افغانستان بتواند خود را از گیر و دار این رقابت‌ها نجات بخشد، به زودی و به آسانی می‌تواند صلح را در قلمرو خود تأمین نماید و اگر افغانستان در هر یک از بحران‌ها و رقابت منطقه‌یی دور نزدیک، بی‌طرفی و یا حد

اقل توازن میان طرف‌ها یا حامیان آنها رعایت کرده نتواند، به معنای این است که خود در طولانی ساختن بحران جاری افغانستان سهم گرفته و آینده افغانستان همچنان در تاریکی باقی خواهد ماند.

۲. از آنجایی که افغانستان خود دچار جنگ و بحران ناامنی است و بیشتر از دیگران مشکلات مردم یمن را درک می‌کند، باید همواره در برابر تحولات یمن، صرف نظر از موضع‌گیری طرف‌های دیگر، موضع بی‌طرفانه و به نفع مردم یمن اتخاذ نماید، از تجارب آنها بیاموزد و تجارب خود را به آنها شریک سازد و از این امر به نفع حل بحران انسانی هم به خود و هم به مردم یمن کمک‌رسانی نماید.

مآخذ

^۱- یورو نیوز. «مذاکرات صلح یمن از روز پنجشنبه در سوئد آغاز می‌شود»، یورو نیوز، ۱۴ قوس ۱۳۹۷، دسترسی: <https://fa.euronews.com/>.

[مراجعه: ۱۳۹۷/۹/۲۴].

^۲- همانجا.

^۳- بی بی سی فارسی. «مذاکرات صلح یمن در سوئد: آیا اراده جدی برای حل بحران وجود دارد؟»، سایت بی بی سی فارسی، ۱۶ قوس ۱۳۹۷، دسترسی:

<http://www.bbc.com/persian/iran-۴۶۴۷۸۸۳۷>، [مراجعه:

۱۳۹۷/۱۰/۲۵].

^۴- همانجا.

^۵- دویچه وله فارسی. «مذاکرات صلح یمن و توافق بر سر برقراری آتش بس در بندر حدید»، سایت دویچه وله فارسی، ۱۳ دسمبر ۲۰۱۸ م. دسترسی:

<https://www.dw.com/fa-ir/world/a-۴۶۷۲۵۱۴>، [مراجعه: ۲۰۱۹/۱/۱ م].

^۷- باشگاه خبر نگاران. «انتشار متن توافقنامه طرف‌های یمنی در مذاکره صلح

سویدن»، سایت باشگاه خبر نگاران، ۲۳ قوس ۱۳۹۷، دسترسی: ۶۷۶۲۳۹۰/

[مراجعه: ۱۱ ۲۵، ۱۳۹۷]، <https://www.yjc.ir/fa/news/>

- ^۸ - همانجا.
- ^۹ - الشرق الاوسط. «گریفیتس از متن توافقنامه تبادل اسراء و زندانیان یمن رونمایی کرد»، سایت الشرق الاوسط، ۱۸ دسمبر ۲۰۱۸ م.، دسترسی: <https://persian.aawsat.com/38494/article18/12/2018>، [مراجعه: ۲۰۱۹/۱/۱].
- ^{۱۰} - همانجا.
- ^{۱۱} - بی بی سی فارسی. «آغاز آتش بس در حدیده پس از چند ساعت درگیری»، سایت بی بی سی فارسی، ۱۸ دسمبر ۲۰۱۸ م.، سایت فارسی بی بی سی، دسترسی: <http://www.bbc.com/persian/world-46600508>، [۱/۲۰/۱۹].
- ^{۱۲} - RT news. «وسط مخاوف من انهيار الهدنه.. الحوثيون يتهمون التحالف بقصف صوامع القمح في الحدیة»، ۲۶ جنوری ۲۰۱۹ م.، RT news، الاقتباس: https://arabic.rt.com/middle_east/#/99726، [المراجعة: ۲۰۱۹/۱/۲۹].
- ^{۱۳} - بی بی سی. «هشدار سازمان ملل در باره بحران انسانی در یمن»، سایت فارسی بی بی سی، ۲۸ جنوری ۲۰۱۹ م.، دسترسی: <http://www.bbc.com/persian/world-47027542>، [مراجعه: ۲۰۱۹/۱/۱۱].
- ^{۱۴} - تحولات جهان اسلام. «تحولات یمن ۱۱ دلو ۹۷؛ آخرین اخبار از وضعیت توافق سویدن»، سایت تحولات جهان اسلام، ۱۱ دلو ۱۳۹۷، دسترسی: <http://iswnews.com//17307/17307>، [مراجعه: ۲۰۱۹/۱/۱۲].
- ^{۱۵} - والستروم. «نتایج مذاکرات صلح یمن مثبت است و ما متعهد به ادامه تلاش‌های میانجی‌گری هستیم»، سایت الکومپس، ۱۳ دسمبر ۲۰۱۸ م.، دسترسی: <https://alkompis.se/fa/>، [مراجعه: ۲۰۱۸/۱۲/۲۵].
- ^{۱۶} - ایران اسپوتنیک. «واکنش مسکو به مذاکرات صلح یمن در سوئد»، سایت ایران اسپوتنیک، ۱۴ جنوری ۲۰۱۹ م.، دسترسی: <https://ir.sputniknews.com/russia/>، [مراجعه: ۲۰۱۹/۱/۱۵].

۱۷ - پارس تودی. «واکنش‌ها به توافق گروه‌های یمنی در سویدن»، سایت پارس تودی، ۲۳ قوس ۱۳۹۷، دسترسی: ۸۶۸۷۹.
http://parstoday.com/dari/news/world-i [مراجعه: ۱۳۹۷/۱۱/۲۰].

څېړندوی محمد سرور احمدزی

د عمران خان په مشرۍ د پاکستان

د بهرنۍ پالیسۍ ارزونه

**Assessing Pakistan's foreign policy led
by Imran Khan**

M. Sarwar Ahmadzai

Abstract

After, Imran Khan came into power as a prime minister of Pakistan, the country was extremely suffered by economical and political crisis and was heading to deal with such crucial situation occurred, due to the wrong policies of previous governments although the neighbors accusing Pakistan of supporting terrorism and spreading extremism in the region. While The US government still hopes, that Pakistan may stop the support of Taliban, causing major security headache in Afghanistan, also the close ties of Saudi Arabia with Pakistan is a concerning point to Iran. The particular dimensions together resulted that Pakistan become the isolated country in the region, while China, the country strategic partner remains the only Collaborator in terms of political and economic cooperation. At the same time Pakistan is looking for Arabic countries as alternatives of financial aid, nevertheless Pakistan aim to decrease the army role in determining the foreign policy of the country which deemed to be a rigid reshuffle for the central government.

لنډيز

د پاکستان د لومړي وزير په توگه د عمران خان د ټاكل كېدو پرمهال پاکستان په كور دننه له گڼو سياسي، اقتصادي او امنيتي ستونزو سره مخامخ و، په نړېواله كچه ډېر گوښه شوی او نړېوال فشارونه ورباندې زياتيدو په حال كې و له هند او افغانستان سره د پاکستان اړيکې خرابې او كړكېچنې وې، له افغان طالبانو څخه د ملاتړ له امله له امريكا سره د پاکستان اړيکې خرابې شوې وې، له سعودي عربستان سره د پاکستان نږدې اړيکو له امله ايران سره د دغه هېواد پر اړيکو منفي اغيز كړی، چې د پاکستان لومړی وزير عمران خان له يو سخت حالت سره مخامخ و. له نړېوال گوښه توب څخه د پاکستان ويستل او له گاونډيو هېوادونو سره د اړيکو پراختيا د نوموړي لپاره يوه ستونزمنه موضوع گڼل كېده، پاکستان له توند لارو ډلو په ملاتړ تورن و او يادو ډلو د ټولې سيمې امنيت او ثبات له گواښ سره مخامخ كړی و. يوازې له چين سره چې د پاکستان دايمي او ستراتېژيک ملگري هېواد دی، د دغه هېواد اړيکې عادي او ښې وې عمران خان هڅه كوله چې له چين او عربي هېوادونو سره اړيکو ته پراختيا ورکړي، اقتصادي او مالي مرستې ترلاسه كړي، نړېوال فشارونه كم كړي او پاکستان له گوښه توب څخه بهر كړي. همدا راز د عمران خان لپاره د بهرني سياست په ټاكلو كې د پوځ د رول كمول هم يوه مهمه او ستونزمنه موضوع گڼل كېده.

سريزه

د عمران خان په مشرۍ تحريك انصاف گوند له جنجالي پارلماني ټاكنو وروسته په پاکستان كې واک ته ورسېد او د دغه گوند مشر عمران خان د پاکستان د لومړي وزير په توگه وټاكل شو. واک ته له رسېدو وړاندې عمران خان پر امريكا ډېرې نيوكې كولې، له طالبانو يې په ښكاره توگه ملاتړ كاوه، د چين - پاکستان اقتصادي كورډېور د تطبيق پر څرنگوالي يې هم نيوكې لرلې، په بهرني سياست كې يې د ملي گټو په پام كې نيولو ټينگار كاوه او نظرياتو يې د پوځ له نظرياتو سره ورته والی درلود. عمران خان په داسې حال كې د پاکستان لومړی وزير شو چې دغه هېواد له طالبانو د ملاتړ له امله له سختو نړېوالو فشارونو سره مخامخ و، په نړېواله كچه گوښه شوی و، له امريكا، افغانستان او هند سره يې اړيکې ډېرې خرابې او كړكېچنې شوې

د عمران خان په مشرۍ د پاکستان د بهرنۍ پالیسۍ ارزونه

وې، د چین - پاکستان اقتصادي کورډېور د جوړېدو پر وړاندې لا هم ستونزې پرتې وې او په کور دننه له ډول ډول سياسي، اقتصادي او امنيتي ستونزو سره مخامخ و. عمران خان د خپلې لورې د وينا پر مهال د بهرني سياست په اړه نرم دريځ خپل کړ له هند او افغانستان سره يې د ستونزو حل ته اشاره وکړه، له امريکا سره يې په اړيکو کې د توازن رامنځ ته کولو او له چين سره د اړيکو او همکاريو پر پراختيا يې ټينگار وکړ. له عربي هېوادونو د اقتصادي او مالي مرستو ترلاسه کول، له نړېوال ګوښه توب څخه د پاکستان بهر کول، له ګاونډيو هېوادونو سره د کرکېچ کمول، له چين سره د اړيکو پراختيا د عمران خان په مشرۍ د پاکستان د نوي حکومت د بهرني سياست مهم لومړيتوبونه ګڼل کيږي.

د څېړنې هدف: د دې څېړنيزې ليکنې هدف د عمران خان د بهرني سياست څېړل دي، په دې ليکنه کې به له امريکا، چين، هند، اسلامي هېوادونو او افغانستان سره د عمران خان په مشرۍ د پاکستان د نوي حکومت بهرنۍ پالیسۍ وڅېړل شي او د څېړنې په پای کې به له پاکستان سره د اړيکو د څرنگوالي او له دغه هيواد سره د اړيکو دښه کېدو په اړه د افغانستان حکومت ته يو شمير وړاندیزونه وړاندې شي.

د څېړنې ډول او میتود: په دې څېړنه کې له تحليلي او توصيفي ميتود څخه استفاده شوې او د څېړنې ډول کتابتوني دی.

د څېړنې اهميت او مبرميت: پاکستان د افغانستان يو مهم ګاونډی هېواد دی، دغه هېواد د افغانستان په سياسي حالاتو، بدلونونو او پرمختګونو د پام وړ اغيز لري او د افغانستان په روانه جګړه او بې ثباتۍ کې هم مهم رول لري. له دغه هېواد سره د اړيکو او مناسباتو ښه کېدل په افغانستان کې د سولې او ثبات له ټينګښت سره ډېره مرسته کولای شي د پاکستان د بهرني سياست په اړه هر ډول څېړنې او ليکنې د افغانستان پالیسۍ جوړونکو، سياستوالو او څېړونکو لپاره ځانګړی ارزښت لري هرڅومره چې د پاکستان په اړه زموږ معلومات ډېرېږي په هماغه کچه موږ کولای شو د افغانستان په چارو کې د دغه هېواد رول کم کړو او له بل لوري له دغه هېواد سره خپلې ستونزې به اسانۍ سره حل او اړيکو او همکاريو ته ورسره پراختيا ورکړو، نو دغه څېړنه به د پاکستان د بهرني سياست د اهدافو، لومړيتوبونو او کمزورتياوو په

اړه زموږ عامو خلکو او حکومتي چارواکو ته اړين معلومات وړاندې کړي او د يادو معلوماتو په رڼا کې به زموږ سياستوال او حکومتي چارواکي وکولای شي د پاکستان پر وړاندې اغيزمنه بهرنۍ پاليسي رامنځته کړي.

الف - له افغانستان سره کړکېچنې اړيکې

عمران خان واک ته له رسېدو وړاندې په ښکاره توگه د افغانستان د حکومت له وسله والو مخالفانو او طالبانو سره خواخوږي او همدردي څرگندوله او په وزيرستان کې د طالبانو په مرکزونو د امريکا د بې پيلوټه الوتکو له بريدونو سره په کلکه مخالف و. په ښکاره توگه يې د افغان طالبانو له جگړې څخه ملاتړ کاوه،^۱ خو دلومړي وزير په توگه له ټاکل کېدو وروسته د خپلې لومړنۍ رسمي وينا پرمهال يې له افغانستان سره د اړيکو ښه کېدو ته اشاره وکړه يو شمېر څېړونکي په دې اند دي چې عمران خان کولای شي د افغانستان او پاکستان ترمنځ د باور او اعتماد له رامنځ ته کولو سره مرسته وکړي.^۲ خو يو شمېر پاکستاني څېړونکي بيا په دې اند دي چې د عمران خان د واکمنۍ پرمهال به د افغانستان او هند پروړاندې د پاکستان په بهرنۍ تگلارې کې کوم د پام وړ بدلون رامنځته نه شي او يوازې د افغانستان د سولې له پروسې سره د مرستې له لارې ممکن د افغانستان او پاکستان ترمنځ اړيکې او همکاري پراختيا پيدا کړي.^۳

د پاکستان د لومړي وزير په توگه د عمران خان له ټاکل کېدو وروسته د افغانستان پروړاندې د پاکستان په بهرنۍ تگلارې کې کوم د پام وړ بدلون رامنځته نه شو او پاکستان د پخوا په شان د افغانستان پروړاندې د خپلې پخوانۍ تگلارې تعقيب ته دوام ورکړ؛ پر غزني ښار د طالبانو له پراخو بريدونو وروسته د افغانستان او پاکستان اړيکې يو ځل بيا خرابې شوې د افغانستان حکومت په رسمي توگه د پاکستان پوځي ادارې تورنې کړې چې په غزني کې د جگړې تر شا لاس لري. ولسمشر محمد اشرف غني پر غزني د طالبانو له بريد وروسته دغه ولايت ته د سفر پرمهال په ښکاره ډول وويل چې بريد کوونکي له پاکستان څخه راغلي وو او د طالبانو د ټپيانو درمنله اوس په پاکستاني روغتونو کې ترسره کېږي.^۴

د افغانستان او پاکستان ترمنځ د همدې کړکېچنو اړيکو پرمهال امريکايانو په تکراري توگه هڅې کولې چې د افغانستان او پاکستان ترمنځ اړيکې ښې کړي

د عمران خان په مشرۍ د پاکستان د بهرنۍ پالیسۍ ارزونه

دهمدغو هڅو په پایله کې امریکا د پاکستانی طالبانو مشر ملا فضل الله چې د پاکستانی پوځ یو سرسخت دښمن او مخالف گڼل کېده، په هوایي برید کې وواژه د نوموړي له وژل کېدو وروسته د امریکایي، پاکستانی او افغان چارواکو ترمنځ لیدنې او کتنې زیاتې شوې او د یادو کتنو او خبرو هدف له طالبانو سره د سولې په برخه کې د پاکستان ملاتړ ترلاسه کول و.^۵

د افغانستان مشران پر دې ښه پوهېدل چې پاکستان کولای شي د افغانستان د حکومت او طالبانو ترمنځ د سولې او روغې جوړې په برخه کې مهم رول ترسره کړي له همدې امله د افغان حکومت په تکراري توگه هڅې کولې چې له پاکستان سره اړیکې ښې کړي او د پاکستان ملاتړ د سولې په برخه کې ترلاسه کړي، د همدې هڅو په پایله کې د ۲۰۱۸ زکال په ډسمبر کې د پاکستان د بهرنیو چارو وزیر شاه محمود قریشي له افغان چارواکو سره د خبرو په موخه کابل ته راغی، قریشي په کابل کې د افغانستان له ولسمشر محمد اشرف غني او د بهرنیو چارو له وزیر صلاح الدین رباني سره د افغانستان د سولې په اړه خبرې وکړې.^۶

کابل ته د قریشي سفرونو د افغانستان او پاکستان ترمنځ د اړیکو له ښه کېدو سره مرسته ونه کړه، د افغانستان حکومت په تکراري توگه له پاکستان څخه غوښتنه کوله چې له طالبانو سره د سولې خبرو په برخه کې مرسته وکړي، خو پاکستان له افغانستان سره د سولې خبرو به برخه کې د اړینې همکارۍ له کولو څخه ډډه کوله او دپخوا په څیر یې له طالبانو خپل ملاتړ ته دوام ورکړ د کابل او اسلام آباد ترمنځ په اړیکو کې باور نشته. داسې اټکل کېږي چې د عمران خان د لومړي وزارت پر مهال به له افغان طالبانو د پاکستان ملاتړ دوام پیدا کړي او د افغانستان او پاکستان ترمنځ په اړیکو کې به کوم د پام وړ مثبت پرمختگ رامنځته نه شي.

ب - له چین سره د ایمی ملگرتیا او دهمکاریو پراختیا

چین له پاکستان سره ستراتیژیکې اړیکې لري په ۲۰۱۳ زکال کې چین او پاکستان د چین - پاکستان اقتصادي کورډیور پروژې د جوړېدو چارې پیل کړې د چین پاکستان اقتصادي کورډیور د چین د یو دهلیز او یوې لارې نوبت مهمه برخه گڼل کېږي. عمران خان واک ته له رسېدو وړاندې د چین او پاکستان اقتصادي کورډیور د تطبیق په څرنگوالي نیوکې کولې خو د پاکستان د لومړي وزیر په توگه له

ټاکل کېدو وروسته عمران خان پاکستانی ملت ته په وینا کې د پاکستان او چین ترمنځ اړیکې ډېرې مهمې او با ارزښته وگڼلې او یادونه یې وکړه چې هېواد یې کولای شي د اداري فساد پر ضد د مبارزې او د بې وزلۍ لمنځه وړلو په برخه کې له چین څخه ډېر څه زده کړي.^۷ د پاکستان د لومړي وزیر په توگه له ټاکل کېدو سره سم نوموړي له چین سره د اړیکو پر پراختیا ټینگار کول پیل کړل او د چین - پاکستان د اقتصادي کوربډور د تطبیق چارو په څرنگوالي یې نیوکې پای ته ورسولې.^۸

دنوازشریف په مشرۍ پاکستان مسلم لیگ گوند له چین سره نږدې او نښې اړیکې درلودې، خو واک ته د عمران خان له رسېدو وروسته چینایي رسنیو د نوموړي د حکومت په اړه مثبت غبرگون وښود او څرگنده یې کړه چې د چین او پاکستان اقتصادي کوربډور د جوړېدو چارې به د پخوا په شان دوام پیدا کړي.^۹

د ۲۰۱۸ زکال د نومبر په ۳مه د پاکستان لومړی وزیر عمران له چینایي چارواکو سره د خبرو او د اقتصادي مرستو ترلاسه کولو په موخه په ۵ ورځني سفر بیجنگ ته ولاړ او د ولسمشر شي جین پینگ په گډون یې له لوړپوړو چینایي چارواکو سره خبرې ترسره کړې لومړي وزیر عمران خان د سفر پر مهال دواړو لورو ژمنه وکړه چې د چین او پاکستان اقتصادي کوربډور په اوږدو کې به ځانگړي اقتصادي زونونه جوړوي. د یادو اقتصادي زونونو جوړېدل به له پاکستان سره د اقتصادي ودې او پرمختگ په برخه کې مرسته وکړي. چین د سفر پر مهال عمران خان په دې ټینگار وکړ چې د چین او پاکستان د اقتصادي کوربډور په پروژه کې دې د کړنې او دندو پیدا کولو برخې هم ورزیاتې شي.^{۱۰}

عمران خان د چین ولسمشر شي جین پینگ ته ویلي و چې هېواد یې له سختو اقتصادي ستونزو سره مخامخ ده، د چین ولسمشر او د پاکستان لومړي وزیر له رسنیو سره د خبرو پر مهال له پاکستان سره د چین د احتمالي مالي مرستو په اړه څه ونه ویل، خو د چین ولسمشر پاکستان خپل ستراتېژیک ملگري په توگه یاد کړ. ^{۱۱} د همدې سفر په پایله کې دواړو لورو ژمنه وکړه چې دوه اړخیزه سوداگري به د ډالرو پر ځای په پاکستانی کدالرو او چینایي پیسو ترسره کوي. همدارنگه چین له پاکستانی لوري سره ژمنه وکړه چې د عمران خان له لوري د نوي پاکستان په نوم د

د عمران خان په مشرۍ د پاکستان د بهرنۍ پالیسۍ ارزونه

کورونو جوړولو پروژې سره به مرسته او همکاري کوي.^{۱۲} د عمران خان له غوښتنو سره سره په پاکستان کې په ۲۰۱۸ زکال مالي کې د چین له لوري په پانگونه کې د پام وړ کموالی رامنځ ته شو له همدې امله پاکستان مجبور شو چې د پیسو له نړېوال صندوق څخه د پور غوښتنه وکړي.^{۱۳}

خو د پیسو نړېوال صندوق د امریکا د فشار په پایله کې پاکستان ته له پور ورکولو څخه ډډه وکړه له همدې امله پاکستان مجبور شو چې له سعودي عربستان څخه د چین او پاکستان اقتصادي کورېدو د جوړېدو په موخه د پور غوښتنه وکړي، خو چینایان د سعودي عربستان له لوري د چین - پاکستان اقتصادي کورېدو په پروژه کې د پانګونې په اړه اندېښنې لري او په دې اند دي چې دا کار به په چین د پاکستان تکیه کول راکم کړي.^{۱۴}

عمران خان چین ته له سفر وړاندې په دې باور و چې ګواکې چینایان به ورسره پراخې مرستې اعلان کړي، خو دغه هیواد ته د نوموړي د سفر پرمهال چینایي چارواکو له پاکستان سره د پراخو مرستو له اعلان څخه ډډه وکړه، چین ته دنوموړي له سفر وروسته د چین د بهرنیو چارو وزیر څرګنده کړې وه چې د چین - پاکستان اقتصادي کورېدو د جوړېدو چارې به په تدریجي ډول بشپړې شي.

له پاکستان سره د مرستو له نه اعلان سره سره چین له پاکستان سره اړیکو ته ځانګړې ارزښت ورکوي پاکستان د چین د جنوبي آسیا په ستراتیژۍ کې ځانګړی ځای لري چین غواړي له پاکستان سره د ښو اړیکو له لارې له یوه لوري د ایغوري ډلو ګواښونه محدود او له منځه یوسي او له بل لوري د پاکستان له لارې له اسلامي هېوادونو سره اړیکو ته پراختیا ورکړي، ددې ترڅنګ چینایي مشران د افغانستان د امنیتي وضعیت په اړه اندېښنې لري او په دې اند دي چې پاکستان کولای شي په افغانستان کې د سولې او ثبات په ټینګښت کې مهم رول ترسره کړي اوسنیو سیمه ییزو او نړېوالو بدلونونو ته په پام سره ویلای شو چې د چین او پاکستان ترمنځ به اړیکې لانورې هم پراختیا پیدا کړي.

ج - له امریکا سره د اړیکو خرابېدل

واک ته له رسېدو وړاندې عمران خان د امریکا پر وړاندې تونده ژبه کاروله او د امریکا په سیاستونو یې په ښکاره توګه نیوکې کولې، د افغانستان او پاکستان ترمنځ په قبایلي سیمو د امریکا د بې پیلوټه الوتکو له هوایي بریدونو سره په کلکه مخالفت کاوه او په پاکستانی چارواکي یې له امریکا سره د ملګرتیا له امله نیوکې کولې.^{۱۵} خو واک ته له رسېدو وروسته یې له امریکا سره د متوازنو اړیکو رامنځ ته کولو ته اشاره وکړه په افغانستان کې جګړه او ناامني د امریکا او پاکستان ترمنځ د اړیکو د خرابېدو یو مهم لامل ګڼل کېږي له میلیارډونو ډالرو مصرف او له ۱۷ کلنې جګړې وروسته امریکایان غواړي چې په افغانستان کې خپله اوږده جګړه پای ته ورسوي له همدې امله امریکایان د خبرو له لارې له طالبانو سره د جګړې د پای ته رسولو لپاره هڅې کوي او د افغانستان او امریکا مشران د خبرو میز ته د طالبانو په حضورلو کې د پاکستان رول مهم ګڼي.^{۱۶}

له طالبانو سره د پاکستان همکاري او په خپله خاوره کې طالبانو دخوندي پټنځایونو ورکول ددې سبب شول چې د ولسمشر ټرمپ اداره اعلان وکړي چې له پاکستان سره پوځي مرستې تر هغو پورې بندوي خو پورې چې دغه هېواد د طالبانو او حقاني شبکې پر ضد اقدامات نه وي ترسره کړي د ټرمپ د اعلان په ځواب کې د عمران خان حکومت څرګنده کړه چې له خپل هېواده د امریکا غیر ډیپلوماټیک او استخباراتي پرسونل وباسي او په افغانستان کې امریکایي ځواکونو ته اکمالاتي لارې به بندې کړي عمران خان د ټرمپ ادارې د تورونو په غبرګون کې څرګنده کړې وه، چې امریکا په افغانستان کې د خپلې ناکامۍ مسؤولیت پر پاکستان ور اچوي.^{۱۷}

ډېری امریکایي چارواکو په تکراري توګه له پاکستان څخه غوښتنه کړې چې په خپله خاوره کې د طالبانو خوندي پټنځایونه لمنځه یوسي خو د عمران خان په مشرۍ د پاکستان حکومت د امریکا غوښتنو ته زیاته پاملرنه نه ده کړې، له همدې امله امریکا په پاکستان خپلې پوځي مرستې بندې کړې. که پاکستان په خپله خاوره کې د افغان طالبانو او نورو وسله والو ډلو مرکزونه بند کړي او طالبان د افغانستان له حکومت سره خبرو ته وهڅوي په دې صورت کې به د امریکا او

د عمران خان په مشرۍ د پاکستان د بهرنۍ پالیسۍ ارزونه

پاکستان ترمنځ د اړیکو د ښه کېدو لپاره زمینه برابره شي ددې ترڅنګ د وسله والو ډلو له ملاتړ څخه لاس اخیستل به له نوي ډیلي او کابل سره هم د اسلام آباد اړیکې د پراختیا ښې کړي. که څه هم عمران خان په خپله وینا کې له امریکا سره د اړیکو ښه کېدو ته اشاره کړې وه خو سره له دې په دوه اړخیزو اړیکو کې اوسنیو ستونزو او بې باورۍ ته په پام سره به ستونزمنه وي چې په نږدې راتلونکي کې د امریکا او پاکستان ترمنځ اړیکې ښې او عادي شي په راتلونکي کې د امریکا او پاکستان ترمنځ د اړیکو څرنگوالی د افغانستان او سیمې په امنیتي حالاتو، له چین سره د پاکستان په اړیکو او د افغانستان د سولې په پروسه کې د پاکستان په رول او نقش پورې تړلې گڼل کېږي.

د - له هند سره د کرکیچ زیاتیدل

هند او پاکستان دوه ستر سیال او حتی دښمن هیوادونه دي په ۱۹۴۷ز کال د برتانوی هند له ویش او د پاکستان له جوړېدو وروسته دواړو هیوادونو درې ځلې له یو بل سره جگړې کړي دي او د کشمیر پر سر له یو بل سره اختلافونه او ستونزې لري له هند سره کرکیچنې اړیکې د عمران خان حکومت د بهرنۍ پالیسۍ لپاره ستره ستونزه گڼل کېږي له هند سره د اړیکو ښه او عادي کول د پاکستان د ملکي حکومت لپاره یوه خطرناکه موضوع ده او د هند پر وړاندې د بهرنۍ تگلارې ټاکل د پاکستان د پوځ له واکونو او صلاحیتونو څخه گڼل کېږي. عمران خان واک ته له رسېدو وړاندې په نواز شریف نیوکې کولې چې غواړي د پاکستان د گټو په بیه او قیمت هند خوشحاله کړي.^{۱۸}

د هند پروړاندې د پاکستان تحریک انصاف گوند دریځ ډېر توند دی د تحریک انصاف غړې شیرین مزاری د پاکستان او هند ترمنځ د احتمالي کرکیچ په اړه له رسنیو سره په خبرو کې ویلي و چې له اتومي برید پرته به په بله هره ممکنه وسیله د هند د تیري ځواب ورکړي.^{۱۹} عمران خان له هند سره د اقتصادي اړیکو پر پراختیا ټینگار کړی خو پوښتنه دا ده چې آیا د پاکستان پوځ به نوموړي ته له هند سره د اړیکو ښه کولو اجازه ورکړي؟ پورتنۍ پوښتنې ځواب ساده دی او هغه دا چې خو پورې د کشمیر مسئله د پاکستان په خوښه حل شوي نه وي، هغو پورې به د پاکستان پوځ له هند سره د اړیکو له ښه کېدو او پراختیا سره خپل مخالفت ته دوام

ورکړي. د دې امکان ډېر کم او محدود دی چې د مودې د لومړي وزارت پرمهال به د پاکستان پر وړاندې د هند دریځ نرم شي او دواړو هېوادونو ترمنځ به اړیکې ښې شي داسې ښکاري چې پاکستان به د هند ضد ډلو څخه خپل ملاتړ او په مقابل کې به یې هند په پاکستان د فشار راوړلو ستراتیژۍ ته دوام ورکړي. عمران خان د لوړې مراسمو پرمهال څرگنده کړې وه چې له هند سره د سوداگریزو اړیکو د پراختیا پلوی دی او د سوداگریزو اړیکو پراختیا د دواړو هېوادونو په گټه ده.

هـ- اسلامي هېوادونه، داقتصادي مرستو ترلاسه کولو هڅې

عمران خان واک ته له رسېدو وروسته په کور دننه له ستونزمن اقتصادي اوسیايي وضعیت سره مخامخ و امریکا ورباندې خپلې مرستې بندې کړې وې او د پیسو نړېوال صندوق پاکستان ته له پور ورکولو څخه ډډه کوله. عمران د خپل ټاکنیزې مبارزې پرمهال پاکستانیانو سره ژمنې کړې وې چې په اقتصادي وضعیت کې به یې مثبت بدلون رامنځته کوي، بیکاري، فقر او فساد به لمنځه وړي او د خپل هېواد اقتصادي ودې لپاره به زمينه او شرایط برابرېږي خو د چین، امریکا او د پیسو د نړېوال صندوق له لوري پاکستان ته د مرستو نه ورکولو له امله عمران خان له سختو فشارونو سره مخامخ و له همدې امله نوموړي هڅې پیل کړې چې له بډایه اسلامي هېوادونو څخه مرستې ترلاسه کړي، د مالي مرستو ترلاسه کولو په موخه عمران خان سعودي عربستان، عربي متحده اماراتو، قطر، ترکیې او مالیزیا ته سفرونه پیل کړل.

د پاکستان د لومړي وزیر عمران خان لومړنی سفر سعودي عربستان ته و نوموړی د ۲۰۱۸ زکال په سپتمبر کې سعودي عربستان ته ولاړ نوموړي د سعودي عربستان له پاچا، ولیعهد او نورو چارواکو سره د دوه اړخیزو اړیکو په اړه خبرې وکړې.^{۲۰} ددې ترڅنګ له سعودي لوري د مالي مرستو غوښتنه هم وکړه سعودي عربستان چې د پاکستان یو مهم ملګری هېواد گڼل کېږي له پاکستان سره یې ۶ میلیارده ډالره مرسته اعلان کړه په داسې حال کې چې عمران خان په ۲۰۱۸ مالي کال کې ۱۲ میلیارده ډالرو ته اړتیا درلوده.^{۲۱}

سعودي عربستان ته له سفر وروسته لومړی وزیر عمران خان د مرستو ترلاسه کولو په موخه نورو اسلامي هېوادونو ته خپلو سفرونو ته دوام ورکړ نوموړي د ۲۰۱۸ زکال

د عمران خان په مشرۍ د پاکستان د بهرنۍ پالیسۍ ارزونه

په نومبر کې د مالي مرستو ترلاسه کولو په موخه عربي متحده اماراتو ته سفر وکړ عمران خان اماراتو ته د سفر پرمهال ددغه هیواد له چارواکو سره په کتنه کې د دوه اړخیزو موضوعاتو په اړه خبرې وکړې وکړې عمران خان د خپل سفر پرمهال هڅه کوله چې له عربي اماراتو مالي مرستې ترلاسه کړي.^{۲۲}

د همدې نومبر په میاشت کې عمران خان مالیزیا ته ولاړ د مالیزیا له ولسمشر سره په کتنه کې دواړو لورو د دوه اړخیزو اړیکو، سیمه ییزو او نړیوالو مسایلو په اړه خبرې وکړې مالیزیا ته د عمران خان د همدې سفر پرمهال کې د مالیزیا لومړي وزیر د انرژۍ په برخه کې له پاکستان سره د همکاريو د پراختیا ژمنه وکړه د ۲۰۱۹ زکال د جنوري په ۴مه عمران خان له خپل اقتصادي ټیم سره یو ځای په دوه ورځني سفر د ترکیې د ولسمشر په رسمي بلنه د مرستې او سیاسي ملاتړ ترلاسه کولو په موخه دغه هیواد ته ولاړ.^{۲۳} عمران خان ترکیې ته دخپل سفر په ترڅ کې له ولسمشر اردوغان سره د دوه اړخیزو اړیکو او سیمه ییزو مسایلو په اړه خبرې وکړې د سفر په پای کې دواړو لورو یوه گډه اعلامیه خپره کړه، په اعلامیه کې د ترکیې او پاکستان ترمنځ په دفاعي، اقتصادي و روغتیايي برخو کې د همکاريو په پراختیا ټینګار شوی و.

اسلامي هېوادونو کې یوازې سعودي عربستان او عربي متحده اماراتو چې د پاکستان پخواني او تاریخي ملګري او متحدین گڼل کېږي له پاکستان سره اقتصادي او مالي مرستې اعلان کړې، ترکیې او مالیزیا په ښکاره توګه له پاکستان سره مرستې او یا هم پورونه اعلان نه کړل. د سعودي او عربي اماراتو مرستې که له یوه لوري له پاکستان سره مرسته کوي چې خپلې اقتصادي ستونزې حل کړي، خو له بل لوري سعودي او اماراتو سره د پاکستان نږدې اړیکې به له ایران سره چې د سیمې یو مهم اسلامي هېواد او د پاکستان گاونډی دی د پاکستان اړیکې او مناسباتو باندې منفي اغیز وکړي، سعودي عربستان چې سني اسلامي هېواد دی او ایران چې شعيه اسلامي هېواد دی له یو بل سره اوږد مهاله ستونزې، اختلافونه او سیالی لري. ترکیې او مالیزیا ته د لومړي وزیر عمران خان سفرونو تر ډېره حده پورې تشریفاتې او سیاسي بڼه درلوده او یادو هېوادونو ته د نوموړي د سفرونو اصلي هدف له نړیوالو گوښه توب څخه د پاکستان ویستل او په پاکستان د نړیوالو فشارونو کمول و.

پایله

تراوسه پورې عمران خان په دې نه دی توانېدلی چې پاکستان په نړېواله کچه له گونښه توب او انزوا څخه بهر کړي او له امریکا، هند او افغانستان سره اړیکې ښې او عادي کړي. اوسمهال د عمران خان حکومت په بهرني سیاست کې له گڼو ستونزو سره مخامخ دی او د امریکا او نړیوالې ټولنې له لوري د پخوا په څېر فشارونه دوام لري نوموړی په خپل بهرني سیاست کې د پام وړ لاسته راوړنې نه لري عمران خان هڅې وکړې چې له خپلو گاونډیو هېوادونو سره اړیکې ښې کړي خو له توند لارو ډلو د پاکستان ملاتړ او ددغه هېواد د پوځ له لوري د بهرنۍ پالیسۍ کنټرول ددې سبب شول چې له گاونډیانو سره اړیکې ښې او عادي نه شي اوس هم د هند، افغانستان او امریکا پر وړاندې د پاکستان بهرنۍ تگلاره د دغه هېواد د پوځ له لوري جوړېږي د عمران خان لپاره ډېره ستونزمنه او حتی ناممکنه به وي چې د بهرني سیاست په ټاکلو کې د پوځ رول او نقش کم کړي. له چین سره د اړیکو پراختیا د عمران خان حکومت لپاره مهم لومړیتوب گڼل کېږي خو چین تراوسه پورې دنوموړي له حکومت سره د مالي او اقتصادي مرستو له اعلان کولو څخه ډډه کړې له چین څخه د مالي مرستو ترلاسه کولو په موخه د عمران خان د حکومت هڅې له ناکامۍ سره مخامخ شوي دي.

له اسلامي هېوادونو څخه د مرستو ترلاسه کولو په موخه د عمران خان هڅې ډېرې بریالۍ نه وې ترکیبې او مالیزیا پاکستان ته د مالي او اقتصادي مرستو له ورکولو څخه ډډه وکړه یوازې سعودي عربستان او عربي متحده اماراتو د خپلو سیاسي اهدافو ترلاسه کولو په موخه له پاکستان سره اقتصادي مرستې اعلان کړې. له لویدیځ او په ځانګړي توګه له امریکا سره د عمران خان د حکومت اړیکې خرابې او کړکېچنې دي، امریکا او د پیسو نړېوال صندوق له پاکستان سره مالي او اقتصادي مرستې بندې کړي دي، د ترمپ اداره د پاکستان پر وړاندې توند دریځ او لید لوری لري او په پاکستان خپلو فشارونو ته دوام ورکوي، ترڅو پورې چې پاکستان د طالبانو له ملاتړ څخه لاس وانه خلي او په افغانستان کې د سولې او

د عمران خان په مشرۍ د پاکستان د بهرنۍ پالیسۍ ارزونه

ثبات له ټینګښت سره مرسته او همکاري ونه کړي تر هغو پورې به امریکا په پاکستان خپلو فشارونو دوام ورکړي.

له افغانستان، هند او ایران سره هم د پاکستان اړیکې ښې نه دي، له طالبانو ملاتړ د پاکستان او افغانستان ترمنځ د اړیکو پراختیا پر وړاندې ستر خنډ ګڼل کیږي، له کشمیري ډلو د پاکستان ملاتړ د هند او پاکستان ترمنځ اړیکې خرابې کړي، هند په پاکستان د فشار راولو ستراتیژۍ ته دوام ورکړی، د لومړي وزیر مودي او عمران خان د واک پرمهال د پاکستان او هند ترمنځ د اړیکو ښه کېدو امکانات ډېر کم او محدود دي له بل لوري له سعودي او عربي اماراتو سره د پاکستان نږدې اړیکې د پاکستان او ایران ترمنځ د اړیکو د پراختیا مخه نیسي.

عمران خان په کور دننه له ګڼو ستونزو سره مخامخ دی په کور دننه پراخ اداري فساد، د سیاسي ګوندونو مخالفتونه، وسله والې ډلې او خراب اقتصادي وضعیت د نوموړي د حکومت لپاره مهمې داخلي ستونزې ګڼل کیږي، عمران خان مجبور دی د کورنیو ستونزو د حل لپاره بهرنی ملاتړ او په ځانګړي توګه اقتصادي او مالي مرستې ترلاسه کړي.

له اوسني نړېوال ګوښه توب څخه ځان بهر کول، د بهرنۍ پانګونې جذب، د مالي او اقتصادي مرستو ترلاسه کول، له ګاونډیو هېوادونو سره د اړیکو عادي کول، له امریکا او لویدیځ سره د اړیکو ښه کول او پراختیا د عمران خان په مشرۍ د پاکستان د حکومت د بهرني سیاست مهمې موخې ګڼل کیږي خو د بهرني سیاست د پورتنیو اهدافو ترلاسه کول به د عمران خان لپاره ډېر ستونزمن او حتی ناممکن وي د پاکستان اوسني وضعیت ته په پام سره د عمران خان په مشرۍ د پاکستان حکومت به د خپلې بهرنۍ پالیسۍ د موخو په ترلاسه کولو کې به پاتې راشي.

وړاندیزونه

۱- د افغانستان حکومت باید هڅه وکړي له پاکستان سره سیاسي، اقتصادي، فرهنگي او ټولنیزو اړیکو ته پراختیا ورکړي او د پاکستان له اوسنیو مجبوریتونو څخه اغېزمنه او سالمه استفاده وکړي.

- ۲- د افغانستان حکومت بايد له طالبانو سره د سولې او روغې جوړې په موخه د پاکستان ملاتړ ترلاسه کولو لپاره هڅې وکړي پاکستان په افغانستان کې د سولې او ثبات په ټينگښت کې مهم رول ترسره کولای شي.
- ۳- د افغانستان حکومت بايد له پاکستان سره د اړيکو او همکاريو د پراختيا په موخه له دغه هېواد سره دوه اړخيزو، درې اړخيزو او څلور اړخيزو خبرو ته دوام ورکړي.
- ۴- د افغانستان حکومت بايد هڅه وکړي څو نړېواله ټولنه په پاکستان خپل فشارونو ته دوام ورکړي چې په پايله کې يې پاکستان مجبور شي د افغانستان د حکومت له وسله والو مخالفينو له ملاتړ څخه لاس واخلي.
- ۵- د افغانستان حکومت بايد له هند او پاکستان سره په اړيکو کې توازن په پام کې وساتي او د هند او پاکستان ترمنځ له سياليو څخه ځان لرې وساتي.
- ۶- د افغانستان حکومت په افغانستان کې د پاکستان د رول او اغېزې کمولو په موخه بايد د سيمې له نورو هېوادونو په ځانگړي توگه د مرکزي آسيا هېوادونو سره اړيکو او همکاريو ته پراختيا ورکړي.

ماخذونه

- ^۱ - Aqil Shah, Where is foreign policy made in Pakistan's democracy? ۱۲ October ۲۰۱۸, <http://www.eastasiaforum.org/۲۰۱۸/۱۰/۱۲/where-is-foreign-policy-made-in-pakistans-democracy/> accessed: ۱۰/December/۲۰۱۸}
- ^۲ - Joris Fioriti, Imran faced with major foreign policy challenges, AFP, August ۲۴, ۲۰۱۸, Islamabad, <https://www.gulf-times.com/story/۶۰۳۷۵۹/Imran-faced->

with-major-foreign-policy-challenges{ accessed: ۱۰/
January/۲۰۱۹ }

^۳ -Moeed Yusuf,What will Pakistan's Foreign Policy Look Like Under Imran Khan?Thursday, August ۹, ۲۰۱۸, <https://www.usip.org/publications/۲۰۱۸/۰۸/what-will-pakistans-foreign-policy-look-under-imran-khan>{ accessed: ۱۰/
December/۲۰۱۸ }

^۴ - Daud Khattak, Imran Khan's Foreign Policy Approach, August ۲۱, ۲۰۱۸, <https://thediplomat.com/۲۰۱۸/۰۸/imran-khans-foreign-policy-approach/>{ accessed: ۱۰/
January/۲۰۱۹ }

^۵ -Mehreen Zahra-Malik, Imran Khan Can't Fix Pakistan's Foreign Policy,July ۲۴, ۲۰۱۸, <https://foreignpolicy.com/۲۰۱۸/۰۷/۲۴/imran-khan-cant-fix-pakistans-foreign-policy/>{ accessed: ۲۰/
December/۲۰۱۸ }

^۶ -Naveed Siddiqui, Foreign Minister Shah Mahmood Qureshi meets Afghan, Iranian counterparts on whirlwind tour , December ۲۴, ۲۰۱۸, <https://www.dawn.com/news/۱۴۵۳۳۴۳>{
accessed: ۱۰/
January/۲۰۱۹ }

^۷ -Tridivesh Singh Maini,Imran Khan and the Direction of Pakistan's Foreign Policy, August ۳, ۲۰۱۸, <https://thegeopolitics.com/imran-khan-and-the-direction-of-pakistans-foreign-policy/>{ accessed: ۱۰/
December/۲۰۱۸ }

^۸ - James M. Dorsey, Imran Khan CPEC Diplomacy: Remodelling Trade Politics between Pakistan, Iran, Saudi

Arabia and China, ۲۹ October ۲۰۱۸,
<http://studies.aljazeera.net/en/reports/۲۰۱۸/۱۰/imran-khan-cpec-diplomacy-remodelling-trade-politics-pakistan-iran-saudi-arabia-chin-۱۸۱۰۲۹۱۰۲۹۲۴۷۳۷.html>{ accessed: ۲۰/
December/۲۰۱۸}

^۹ -Tridivesh Singh Maini, Imran Khan and the Direction of Pakistan's Foreign Policy, August ۳, ۲۰۱۸,
<https://thegeopolitics.com/imran-khan-and-the-direction-of-pakistans-foreign-policy/>{ accessed: ۱۰/ December/۲۰۱۸}

^{۱۰} - James M. Dorsey, Imran Khan CPEC Diplomacy: Remodelling Trade Politics between Pakistan, Iran, Saudi Arabia and China, ۲۹ October ۲۰۱۸,
<http://studies.aljazeera.net/en/reports/۲۰۱۸/۱۰/imran-khan-cpec-diplomacy-remodelling-trade-politics-pakistan-iran-saudi-arabia-chin-۱۸۱۰۲۹۱۰۲۹۲۴۷۳۷.html>{ accessed: ۲۰/
December/۲۰۱۸}

^{۱۱} -Saibal Dasgupta, Pakistani PM Visits China as Fiscal Crisis Looms, November ۰۲, ۲۰۱۸, <https://www.voanews.com/a/pakistan-imran-khan-china-xi-jinping/۴۶۳۹۸۵۰.html> { accessed: ۲۵/
January/۲۰۱۹}

^{۱۲} -Adam Garrie, Assessing Imran Khan's Historic Visit to China, ۲۰۱۸-۱۱-۰۶,
<https://eurasiafuture.com/۲۰۱۸/۱۱/۰۶/assessing-iman-khans-historic-visit-to-china/>{ accessed: ۲۰/ January/۲۰۱۹}

- ^{۱۳} - James M. Dorsey, Imran Khan CPEC Diplomacy: Remodelling Trade Politics between Pakistan, Iran, Saudi Arabia and China, ۲۹ October ۲۰۱۸, <http://studies.aljazeera.net/en/reports/۲۰۱۸/۱۰/imran-khan-cpec-diplomacy-remodelling-trade-politics-pakistan-iran-saudi-arabia-chin-۱۸۱۰۲۹۱۰۲۹۲۴۷۳۷.html>{ accessed: ۲۰/December/۲۰۱۸}
- ^{۱۴} - Ibid.
- ^{۱۵} -Mehreen Zahra-Malik, Imran Khan Can't Fix Pakistan's Foreign Policy, July ۲۴, ۲۰۱۸, <https://foreignpolicy.com/۲۰۱۸/۰۷/۲۴/imran-khan-cant-fix-pakistans-foreign-policy/>{ accessed: ۲۰/December/۲۰۱۸}
- ^{۱۶} - Daud Khattak, Imran Khan's Foreign Policy Approach, August ۲۱, ۲۰۱۸, <https://thediplomat.com/۲۰۱۸/۰۸/imran-khans-foreign-policy-approach/>{ accessed: ۱۰/January/۲۰۱۹}
- ^{۱۷} -Mehreen Zahra-Malik, Imran Khan Can't Fix Pakistan's Foreign Policy, July ۲۴, ۲۰۱۸, <https://foreignpolicy.com/۲۰۱۸/۰۷/۲۴/imran-khan-cant-fix-pakistans-foreign-policy/>{ accessed: ۲۰/December/۲۰۱۸}
- ^{۱۸} - Joris Fioriti, Imran faced with major foreign policy challenges, AFP, August ۲۴, ۲۰۱۸, Islamabad, <https://www۲.gulf-times.com/story/۶۰۳۷۵۹/Imran-faced-with-major-foreign-policy-challenges>{ accessed: ۱۰/January/۲۰۱۹}

^{۱۹} -Kamran Yousaf, Imran Khan's foreign policy, May ۲۸, ۲۰۱۸, <https://tribune.com.pk/story/۱۷۲۰۶۰۸/۶-imran-khans-foreign-policy/> { accessed: ۱۴/ December/۲۰۱۸ }

^{۲۰} -Amir Wasim, PM Imran Khan arrives in Madina on official tour of Saudi Arabia, September ۱۸, ۲۰۱۸, <https://www.dawn.com/news/۱۴۳۳۶۸۰> { accessed: ۱۴/December/۲۰۱۸ }

^{۲۱} - ndtv. Imran Khan Visits UAE, Likely To Seek \$۶ Billion Financial Aid: Report, November ۱۸, ۲۰۱۸, <https://www.ndtv.com/world-news/imran-khan-visits-uae-sheikh-mohammed-bin-zayed-for-۶-billion-financial-aid-to-pakistan-۱۹۴۹۳۸۳> { accessed: ۱۲/ January/۲۰۱۹ }

^{۲۲} - Ibid.

^{۲۳} - Paktribune, Imran Khan on his first official visit to Turkey, ۰۴ January, ۲۰۱۹ <http://paktribune.com/news/Imran-Khan-on-his-first-official-visit-to-Turkey-۲۸۲۰۵۷.html> { accessed: ۱۵/ January/۲۰۱۹ }

محقق عبدالشکور سالنگی

نقش چین در افغانستان

The role of China in Afghanistan

AbdulShukor Salangi

Abstract: The relationship between China and Afghanistan has gone a long way, just under the period of the Democratic Party of Afghanistan. Following the ۲۰۰۱ transformations, China has eagerly joined the group of contributing countries to Afghanistan. This country, along with cash and non-cash contributions for the reconstruction of Afghanistan, was more interested to invest in the mines sector in Afghanistan and has been able to invest heavily in Afghanistan's mines. While China was in appeasement of the Taliban in the ۱۹۹۰s or after ۲۰۰۱, which was not a threat to the country's presence in Afghanistan but the main obstacle to China's failure in Afghanistan the presence and role of the US hegemony in Afghanistan is considered, which is largely due to conflicts between the two countries on major regional and global issues.

خلاصه

رابطه چین و افغانستان جز در دوران حاکمیت حزب دموکراتیک افغانستان، گذشته خوبی را سپری کرده است. پس از تحولات سال ۲۰۰۱، چین مشتاقانه به جرگه کشورهای کمک‌کننده به افغانستان پیوست. این کشور در ضمن کمک‌های نقدی و غیر نقدی به منظور بازسازی افغانستان، بیشتر متمایل به سرمایه‌گذاری‌ها در بخش معادن افغانستان شد و توانست سرمایه‌گذاری‌های بزرگی در زمینه استخراج معادن افغانستان انجام دهد. با اینکه چین با طالبان چه در دهه ۱۹۹۰ و چه پس از ۲۰۰۱ از در مماشات وارد شده بود که خطری فراروی حضور این کشور در افغانستان محسوب نمی‌شد، اما عمده‌ترین مانع در خصوص عدم موفقیت چین در افغانستان حضور و نقش هژمونیک ایالات متحده در افغانستان قلمداد می‌شود که تا حدود زیادی برخاسته از تعارضات دو کشور بر موضوعات عمده منطقه‌ای و جهانی می‌باشد.

مقدمه

اینکه چین در مورد افغانستان، همسایه‌ای با کمترین مرز مشترک در منتهی‌الیه مرزهای غربی‌اش قبل از حوادث یازده سپتمبر چه تعاملی داشت، بحث جداگانه و مفصلی می‌طلبد؛ اما این را باید گفت که روابطی که بین دو کشور از دهه ۱۹۵۰ به بعد برقرار شد، الی به قدرت رسیدن حزب دموکراتیک خلق در سال ۱۹۷۸ به‌گونه عادی و فارغ از امنیتی بودن موضوعات سپری شد. پس از برقراری رژیم «جمهوری دموکراتیک افغانستان» و متعاقب آن در سال ۱۹۷۹ حضور قوای نظامی اتحاد جماهیر شوروی برای حمایت از دولت کابل، چین به دلیل عداوت و تیرگی روابطش با شوروی در ضمن محکوم کردن تجاوز شوروی به این کشور، عدم شناسایی خود را از دولت جدید افغانستان اعلان کرده و سفارت خود در کابل را هم بست. پس از آن، از مقابله مجاهدین علیه حضور شوروی در افغانستان حمایت کرده و با ارسال اسلحه به کمک آنها شتافت.

در نیمه اول دهه ۱۹۹۰، چین سرنوشت افغانستان را همانند اکثر کشورها به پاکستان واگذار کرد اما در نیمه دوم دهه ۱۹۹۰، چین برای اهدافی که امروزه هم تا حدودی از جانب آن کشور دنبال می‌شود، با طالبان وارد ارتباط شد. این ارتباط

نه از بهر کمک بلکه بیشتر برای متقاعد کردن طالبان بود تا آن گروه اجازه فعالیت‌های ضد چینی را در قلمرو تحت تسلط خود به گروه‌های اسلام‌گرای جدایی‌طلب سین‌کیانگی ندهد. جدا از این پس زمینه تاریخی [که البته به زمان حال هم تأثیر داشته است]، چین پس از تغییرات سال ۲۰۰۱ در افغانستان، در کنار سایر کشورها برنامه‌ها و راهکارهای یاری رساندن به افغانستان پساجنگ را روی دست گرفت. با اینکه روابط از نو برقرار شده بین افغانستان و چین همانند دوره مخملی پیش از سال ۱۹۷۸، بدون موارد امنیتی شده میان دو کشور در مسیری روبه‌انکشاف بود؛ اما در حال حاضر، چین [جدا از تبادلات تجاری میان دو کشور] نتوانسته علی‌رغم ظرفیت بالا و گسترده‌ای که دارد، نقش در خور شأن خود را در افغانستان داشته باشد. مهم‌ترین پرسشی که مطرح می‌شود: چه مانعی فراروی فعالیت و نقش‌آفرینی چین در افغانستان وجود دارد؟ با توجه به اینکه هیچ موضوع امنیتی‌شده‌ای میان افغانستان و چین در سطح دوجانبه وجود ندارد، تنها فرضیه قابل طرح به عنوان عامل بازدارنده حضور چین در افغانستان، موجودیت ایالات متحده در این کشور است.

اهمیت و مبرمیت موضوع: چین یکی از همسایه‌های باظرفیت و قدرتمند افغانستان است که می‌تواند نقش سازنده‌ای در ثبات سیاسی و توسعه اقتصادی در افغانستان داشته باشد. بررسی و پرداختن به موضوعات و عواملی که می‌تواند مانعی فراروی نقش‌آفرینی چین در افغانستان شود مسئله بسیار با اهمیت و موضوعی مبرم می‌باشد.

هدف: از آنجائیکه میان دو کشور چین و افغانستان در سطح روابط دوجانبه هیچ‌گونه موضوعی امنیتی شده و امنیتی‌کننده‌ای وجود ندارد، هدف این جستار، بررسی عواملی است که مانع نقش‌آفرینی مؤثر چین در حوزه اقتصادی در افغانستان شده است.

با عنایت به فرضیه اصلی این تحقیق (وجود و حضور گسترده ایالات متحده به عنوان عاملی بازدارنده فراروی نقش‌آفرینی چین در افغانستان)، ترتیب و سازمان‌دهی موضوعات به این گونه خواهد بود: ابتدا نگاهی به رویکرد و جهت‌گیری چین نسبت به حضور ایالات متحده در افغانستان پس از سال ۲۰۰۱

شده و سپس به نقش آن کشور در بازسازی افغانستان پرداخته خواهد شد. در ادامه برای فهم عوامل اصلی تعارض آفرین حضور دو کشور در افغانستان، به زمینه‌های بنیادی و اساسی‌ای اشاره خواهد شد که مانع هم‌نشینی سومند دو کشور در افغانستان شده است. در مباحث پایانی این جستار، بررسی مختصری از چشم‌انداز تعامل دو کشور در افغانستان شده، حسن ختام بحث هم نتیجه‌گیری کلی از موضوعات بررسی شده خواهد بود.

رویکرد چین نسبت به حضور ایالات متحده در افغانستان

پس از حوادث یازده سپتمبر ایالات متحده با لشکر عظیمی که همراهی مستقیم و غیر مستقیم بخش بزرگی از کشورهای جهان را با خود داشت برای [آنچه گفته شد] نابودی لانه‌های تروریسم بین‌المللی در قامت القاعده و طالبان به افغانستان هجوم آورد. حضور ایالات متحده در افغانستان و تا حدودی در آسیای مرکزی، وضعیت و نگاه چین را هم به منطقه دچار تحول کرد. از اینرو، چین همانند روسیه در ابتدا از حضور نظامی ایالات متحده در افغانستان استقبال کرده و حضور آن کشور را در جهت مبارزه با تروریسم که خود از آن در رنج بود، به اقبال نیک نگریست. به خصوص نابودی پایگاه‌های هراس‌افگنی در خاک افغانستان می‌توانست ضربه مهلکی بر پیکره گروه‌های فعال در منطقه سین‌کیانگ باشد (هرچند در زمینه مبارزه با جدایی طلبی و فعالیت گروه‌های تندروی مذهبی یک دیدگاه واحد بین کشورهای منطقه و چین وجود داشت، با آنهم تا قبل از یازده سپتمبر، مهار و انهدام گروه‌های فعال به صورت واقعی و مورد قناعت به‌خصوص طرف چینی نبود). بنابر این، چین از این فرصت به دست آمده در صدد استفاده برآمد.^۱ در کنار این نگاه امنیتی چین نسبت به افغانستان که تا حدودی حضور نظامی ناتو و ایالات متحده را در افغانستان برای آن کشور قابل تحمل کرد؛ با استقرار دولت جدید در افغانستان، این کشور فعالیت‌های اقتصادی خود را نیز در افغانستان آغاز نمود تا جایی که تبدیل به بزرگ‌ترین کشور سرمایه‌گذار در افغانستان شد.^۲

با اینکه چین یکی از کشورهایی است که کمترین نگرانی را از حضور ایالات متحده در افغانستان ابراز داشته و حتی برخلاف دیگران حضور حداقلی و تعریف

شده آمریکا را در افغانستان پذیرفته است؛ اما آنچه از رفتار ایالات متحده در خصوص فعالیت‌های اقتصادی چین در افغانستان دیده شده، این برداشت در ذهنیت چینی‌ها به وجود آمده که ایالات متحده به دنبال محدود ساختن دامنه و حضور چین در این کشور است. برای همین است که در چند سال اخیر، چین همواره از حضور مبهم ایالات متحده در افغانستان شکوه کرده و حتی در مواردی مسئله خروج نیروهای امریکایی را از افغانستان مطرح کرده است و در مواردی هم‌نوا و هم‌صدا با روسیه در خصوص حضور نظامی ایالات متحده در افغانستان شده است.

نقش چین در افغانستان پس‌اطالبان

همچنان که گفته شد، حضور ایالات متحده در افغانستان پاسخی بود به بزرگ‌ترین دل‌مشغولی چین نسبت به افغانستان. هرچند این کشور در دهه ۱۹۹۰ توانسته بود با طالبان از در مامشات وارد شده و تا حدودی از طریق پاکستان موفق شده بود این تضمین را از طالبان بگیرد که آن گروه برای شورشیان اویغوری اجازه فعالیت ضد چین را در مناطق تحت حاکمیت شان ندهد. در ملاقاتی که لو شولین سفیر چین در پاکستان با ملا عمر رهبر طالبان در دسامبر ۲۰۰۰ میلادی در کندهار داشت، این اطمینان را از جانب ملا عمر گرفت که طالبان به هیچ گروه اویغوری اجازه فعالیت تخریبی علیه چین را از خاک افغانستان نخواهد داد.^۳ پس از فروپاشی حاکمیت طالبانی در افغانستان، چین همانند اکثر کشورهای رقیب و رفیق ایالات متحده وارد اردوگاه کشورهای متعهد به بازسازی افغانستان شد. در کنار این، فضای باز سیاسی و اقتصادی‌ای که در افغانستان پس‌اطالبان فراهم شد، چین مطابق به آنچه که سیاست‌های اعلامی این کشور هم حکم می‌کند،^۴ با روحیه و رویکرد اقتصادی به افغانستان وارد شده و همچنانکه قبلاً تذکر رفت، اقدام به سرمایه‌گذاری در زیربناهای اقتصادی افغانستان کرد.^۵

با اینکه کمک‌های اقتصادی چین به افغانستان چشم‌گیر بوده (در مجموع به افغانستان تا سال ۲۰۱۳ حدود ۲۸۵ میلیون دالر کمک کرد و در سال ۲۰۱۴ هم طی سفر محمد اشرف غنی رئیس‌جمهور افغانستان به چین، آن کشور وعده کمک ۸۱٫۸ میلیون دالری را به افغانستان داد که بعداً اعلان کرد که در سه سال آینده

حدود ۲۴۵ میلیون دلار به افغانستان کمک خواهد کرد و تجارت دوجانبه میان چین و افغانستان هم از ۲۰ میلیون دلار در اوایل سال ۲۰۰۰ به یک میلیارد دلار در سال ۲۰۱۵ رسیده است.^۶ اما چین بیشتر مشتاق سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی در افغانستان می‌باشد که می‌تواند تضمین‌کننده و پشتوانه حضور و نقش‌آفرینی درازمدت آن کشور در افغانستان باشد.

طالبان که پس از یک رخوت چند ساله از سال ۲۰۰۵ به بعد شروع به صف‌آرایی جدید کرده و دوباره به نیروی چالش‌زا و مشکل‌آفرین در مقابل دولت افغانستان و حامیان بین‌المللی آن تبدیل شد، مانع و مزاحمی برای پیاده‌سازی نیات اقتصادی چین در افغانستان هم قلمداد شد. چین که در گذشته کانال ارتباطی‌ای با طالبان داشت، این بار به دلیل اینکه طالبان در مقابل ایالات متحده جنگیده و دیگر وجهه کاملاً تروریستی به خود گرفته بود، با احتیاط بیشتری به سوی آن گروه گام برداشت. با این هم، طالبان بر سر همان قولی که در گذشته به چین داده بودند وفادار بوده و مزاحمت جدی‌ای برای چین در افغانستان خلق نکردند.^۷

موفقیت‌های دو طرفه چین در افغانستان یعنی از یک سو بدست آوردن قراردادهای بزرگ اقتصادی در زمینه اکتشاف و انکشاف معادن در افغانستان و از سوی دیگر داشتن رابطه مخملی و نامرئی با طالبان،^۸ ایالات متحده را واداشت تا اقدام به کوتاه کردن دست چین از کندوی عسلی به نام افغانستان کند؛^۹ چه اینکه اکثر تحلیل‌های تبلیغاتی از سوی مراجع تحلیلی و [تحدودی] اکادمیک امریکایی و غربی هم توانست مقامات امریکایی را برای محدود ساختن نقش چین در افغانستان بیشتر ترغیب کرده و مجاب کند. به عنوان نمونه تحلیل‌گری به نام رابرت کاپلان در مقاله‌ای که در نیویورک تایمز منتشر شد، نوشته بود: «مشکل این است که امریکا خون و ثروت خود را قربانی می‌کند، فایده را چین بدست می‌آورد.»^{۱۰} و یا فریدریک ستار رئیس انستیتوت آسیای مرکزی و قفقاز در مقاله دیگری به صورت بی‌پرده‌تری نوشته بود: «زحمت را ما متقبل می‌شویم اما میوه را چین می‌خورد»^{۱۱} از همین‌رو، بعد از مدتی تمام پروژه‌های اکتشافی که چین در افغانستان بدست آورده بود و حتی در مواردی مانند مس عینک کارهای مقدماتی هم انجام شده بود رو به رکود نهاده و پس از مدتی تا این دم به صورت کامل متوقف شدند. هرچند تصور

غالب این است که ناامنی مهم‌ترین مانع فراروی سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی چین در افغانستان بوده است؛ اما آنچه بیشتر چین را دل‌سرد کرده و از میدان عقب راند، بی‌میلی، کندکاری و بهانه‌جویی‌های دولت افغانستان غالباً به اشاره و هدایت ایالات متحده در عملی نشدن قراردادهای اقتصادی چین در افغانستان بود. حتی مشکلات امنیتی هم که بر چینایی‌ها ایجاد شد، مرموز و فاقد آدرس مشخص بود و هرچه می‌توانست باشد جز کار طالبان. با این وجود، می‌توان گفت: بزرگ‌ترین زمینه که می‌توانست یا در آینده شاید بتواند موجبات همکاری چین و ایالات متحده را در افغانستان فراهم کند، اعطای فرصت‌های اقتصادی برای چین در افغانستان است.

با آنچه به صورت مختصر توضیح داده شد، ایالات متحده در یک نگاه بدبینانه اقدام به کم‌سازی و ضعیف ساختن نقش و حضور پررنگ چین در افغانستان کرد که در نتیجه نوعی یأس و ناامیدی را در میل و رغبت چینایی‌ها برای آنچه به بازسازی در افغانستان از چین انتظار می‌رفت، تزریق کرد. در اینکه چرا ایالات متحده نخواستند چین به عنوان یک بازیگر فعال در عرصه اقتصادی در افغانستان عمل کند، سه موضوع مهم قابل طرح می‌باشد که در ادامه به گونه مختصر به هر کدام اشاره می‌شود.

زمینه‌های تقابل چین با ایالات متحده در افغانستان

با اینکه اکثر تحلیل‌ها و نگاه‌ها معطوف به ایفای نقش مثبت و مساعد چین در زمینه‌های رشد اقتصادی و حصول صلح در افغانستان می‌باشد و حتی به صورت عملی هم گام‌های از طرف چین به خصوص در بُعد اقتصادی قضیه برداشته شده است؛ اما آنچه از تعامل ایالات متحده و حتی کم‌میلی از جانب دولت افغانستان در برابر چین دیده شد، به نحوی نقش این کشور نادیده انگاشته شده است. مضاف بر این، موضوعات دیگری هم وجود دارد که به افتراق بیشتر دیدگاه‌ها و رویکردهای چین و ایالات متحده در خصوص قضیه افغانستان کمک کرده و تعامل‌سازنده بین دو کشور را خدشه‌دار می‌کند.

اولین موضوع مربوط و منوط است به تعامل دو قدرت در سطح نظام بین‌الملل. آنچه مفروض انگاشته می‌شود این است که به هر میزانی که چین بتواند فربه شود

به همان میزان تقابلش با ایالات متحده اجتناب‌ناپذیر می‌شود. در یک نگاه تاریخی از اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی به این سو که چین گام‌های سریع‌تری را در توسعه برداشته است، میزان نارضایتی این کشور از رویکرد و رفتار یک‌جانبه‌گرایانه ایالات متحده هم بیشتر شده است. عصبانیت چین از نوع تعامل و تعریف ایالات متحده از تایوان، اعلام نارضایتی چین از مداخلات ایالات متحده در خاورمیانه، تقابل در برنامه هسته‌ای ایران، حملات لفظی علیه تحرکات امریکا در جنوب شرق آسیا به خصوص در دریای جنوبی چین، ناهمسویی با رویکرد امریکا علیه کره شمالی و موارد دیگری که حاکی از قرار گرفتن چین علیه ایالات متحده در سطح نظام بین‌الملل را دارد. مضافاً، مشارکت استراتژیک چین با روسیه در سازمان شانگهای (به تعبیر غربی‌ها ناتوی شرق) هم در راستای مهار رفتار یک‌جانبه‌گرایی ایالات متحده از طرف چین و روسیه قابل تعبیر می‌باشد. می‌توان گفت که تقابل و ناهمسویی دو کشور بر سر موضوعات جهانی بالطبع می‌تواند بر تعامل دو کشور در قضیه افغانستان هم تأثیر منفی بیافکند.

دومین موضوع نگاه متفاوت دو کشور بر ساخت و نظم منطقه‌ای جنوب آسیا است. آنچه برای چین از رفتار ایالات متحده در جنوب آسیا قابل تحمل نیست، بر صدر نشاندن هند توسط ایالات متحده است. هرچند پاکستان هم از متحدین استراتژیک ایالات متحده در منطقه جنوب آسیا محسوب می‌شود [چه اینکه این کشور هنوز هم مقام و لقب «بزرگ‌ترین متحد خارج از ناتوی ایالات متحده» را از آن خود دارد]، اما آنچه از رفتار ایالات متحده قابل فهم است، تغییر معادله و جایگاه به نفع هند می‌باشد. تفسیری که چین از رفتار جنوب‌آسیایی ایالات متحده دارد، تشریک مساعی دو کشور هند و ایالات متحده علیه او است. این موضوع زمانی بیشتر محرز شد که ایالات متحده در استراتژی اخیرش که سال پار اعلان شد، به نقش ایجابی هند در معادلات منطقه‌ای به خصوص قضیه افغانستان پافشرد. چین که همواره از پاکستان و نقش آن در منطقه دفاع کرده در آخرین مورد، سال گذشته و پس از نکوهش توسط ترامپ، آن کشور را بیشتر مورد شفقت خود قرار داده و بلافاصله بعد از اعلان استراتژی پاکستان‌ستیزانه امریکا، آن کشور را از هرگونه تهمتی مبراً دانسته و همچنان بر نقش مؤثر و جان‌فشانه پاکستان در امر مبارزه با

تروریزم تأکید کرد. آنچه در این گیرودار و بحبوحه نصیب افغانستان می‌شود، بیشتر شدن فاصله‌اش با صلح و امنیت است به این دلیل که به هر میزانی میان کشورهای مزبور تضاد و تعارض دیدگاه بیشتر باشد قطعاً زمینه رسیدن به توافقی همه‌شمول و همه‌پذیر هم در افغانستان کاهش می‌یابد کما اینکه جنگ نیابتی بین پاکستان و هند به عنوان دو رقیب متخاصم از گذشته در افغانستان مشتعل بوده است و قطعاً چین در این غایله جانب پاکستان را داشته و در آینده هم خواهد داشت. این موضوع به کرات دیده شده به هر میزانی که فشار و محدودیت از طرف ایالات متحده بالای پاکستان بیشتر می‌شود، چین به سروقت آن کشور رسیده و به دفع آن می‌پردازد.^{۱۲}

سومین موضوع مشخصاً بر می‌گردد به نوعیت مدیریت جنگ و صلح در افغانستان. خوانشی که از رفتار ایالات متحده در قضیه افغانستان می‌شود، تلاش آن کشور برای انحصاری ساختن قضیه افغانستان است. در این خصوص چین همواره از رفتار تکررانه ایالات متحده در افغانستان انتقاد کرده و حتا در مواردی برای دور زدن آنچه ایالات متحده به گونه یکجانبه انجام می‌دهد، دست به اقدامات تلافی‌جویانه‌یی هم زده است که می‌توان از ارسال تجهیزات نظامی به افغانستان یاد کرد^{۱۳} و حتا در سال گذشته شایعه‌یی هم مبنی بر این پخش شد که چین احداث پایگاهی نظامی در مناطق مرزی با افغانستان را در دست بررسی دارد.^{۱۴} با اینکه این شایعه توسط دولت چین رد شد، اما می‌تواند به عنوان تلنگری ارزیابی شود که اگر ایالات متحده در افغانستان خلاف آنچه چین انتظار دارد، رفتار خود را جهت دهد، چین توانایی‌هایی دارد، تا به صورت یکجانبه برای رفع دل‌مشغولی‌ها و تأمین منافع خود اقدامات لازمی را روی دست گیرد؛ چه اینکه در بعد کلان‌تر، چین با هم‌دستی متحدین خود چه در شمال (در آسیای مرکزی در تبتانی با روسیه) و در جنوب (از طریق پاکستان) تمهیداتی را برای مقابله با یکجانبه‌گرایی ایالات متحده مدنظر قرار داده است.

چشم‌انداز همکاری چین و ایالات متحده در افغانستان

با اینکه ایالات متحده مدیریت اوضاع امنیتی و سیاسی افغانستان را حق انحصاری خود می‌داند و در این راستا به هرکه بخواهد زمینه نقش‌آفرینی را

می‌دهد؛ اما این رویکرد منتهی به آمدن صلح و ثبات در افغانستان نخواهد شد. این رویکرد ایالات متحده در قبال اوضاع افغانستان موجب شده تا به صورت روزافزون به صف مخالفین و بدبینان حضور ایالات متحده در افغانستان افزوده شود. شاید بحث چین تا حدودی نسبت به روسیه و شاید ایران متفاوت باشد، زیرا فعالیت و نقش‌آفرینی چین در حوزه‌های اقتصادی در افغانستان بیشتر از کشورهای مزبور تا حدودی برجسته است؛ با آنهم با توجه به مواردی که در بالا توضیح شد، ایالات متحده و چین نمی‌توانند به عنوان دو شریک همسود در افغانستان به رویکرد توحید شده‌ای دست یابند. هرچند به ظاهر، ایالات متحده در آنچه روندهای صلح در افغانستان خوانده می‌شود، نشست‌هایی را با اشتراک چین انجام داده است؛^{۱۰} آنچه موجب انگیزش رنجش و نگرانی چینی‌ها از رفتار ایالات متحده در افغانستان است، عقب زدن روز افزون آن کشور در بعد اقتصادی از این کشور است. شاید به ظاهر وجود ناامنی مهم‌ترین عامل برای اجرا نشدن سرمایه‌گذاری‌های چین در بخش اقتصادی در افغانستان دانسته شود؛ اما در بینش چینی‌ها بزرگ‌ترین مانع حضور ایالات متحده در افغانستان و عدم تمایل آن کشور در نقش‌آفرینی چین به‌خصوص در بعد اقتصادی در افغانستان است. مضافاً آنچه قضیه افغانستان را بیشتر پارادوکسیکال می‌سازد، این است که ایالات متحده در عین حال که دوست ندارد چین در افغانستان حضور پررنگ اقتصادی داشته باشد، چطور می‌تواند با آن کشور در بعد مصالحه‌مشی همکاری‌جویانه ترسیم کند.

نتیجه

با اینکه چین از جمله همسایگان قدرت‌مند افغانستان تحت مدیریت ایالات متحده است که کمترین موضوعات امنیتی شده و امنیتی‌کننده با افغانستان و ایالات متحده دارد، اما انکارپذیری و نادیده‌انگاری نقش پرطرفیت چین در راستای شگوفایی اقتصادی و حتی ثبات سیاسی در افغانستان توسط ایالات متحده و دولت مرکزی افغانستان، آنچه که باقی ماند پروژه‌های ناتمام اقتصادی و دوری‌گزینی آن کشور از اوضاع امنیتی و سیاسی در افغانستان بود. این موضوع عاملی شد تا چین به حمایت از نقش ایجابی پاکستان در قضیه افغانستان بیشتر

همت گماشته و بیشتر از پیش آن کشور را مورد شفقت خود قرار دهد. موضوع دیگری که می‌تواند مانعی فرا روی توحید رویکرد و استراتژی ایالات متحده و چین در خصوص قضیه افغانستان قلمداد شود، نگاه متفاوت دو کشور به هند و پاکستان است. چین که به قضیه افغانستان از عینک و دریچه پاکستان می‌نگرد، زمانی ایالات متحده می‌تواند همکاری آن کشور را جلب کند که نگاه سلبی خود را از پاکستان دور کند.

مآخذ و پی‌نوشت‌ها

۱. حادثه یازده سپتمبر و اعلان جنگ علیه تروریسم فرصتی ایجاد کرد تا رهبری چین به بازسازی روابط خود با ایالات متحده که در اثر سیاست‌های بدبینانه دو طرف به سر موضوعاتی مانند مسأله تایوان زیاد خوب نبود، بپردازد. در خصوص اقدامات چین در راستای مبارزه با جدایی طلبان اویغور، گاه‌وناگاه ایالات متحده انتقادهایی از عملکرد دولت چین کرده که بعد از واقعه یازده سپتمبر این نگاه تغییر کرد و چین می‌توانست، نظر مساعد امریکا را در رابطه به اقدامات خود به همراه داشته باشد. در این صورت به طور غیر مستقیم به چین کمک کرده است. در ضمن گزارش‌هایی وجود داشت که در جریان عملیات امریکا و نیروهای ائتلاف در افغانستان به تعداد ۲۰۰ تن از جنگجویان اسلامگرای اهل سین کیانگ چین در اردوگاه‌های تمرینی القاعده دستگیر شدند. بر اساس ادعاهای مقام‌های چینی بعد از شروع جنگ علیه تروریسم، امنیت منطقه سین کیانگ در حد قابل قبولی خوب شد که قبلاً تا آن حد این منطقه باثبات نبوده است. در دیدگاه چین جنگ علیه تروریسم به تعمیق هر چه بهتر روابط حسنه دو طرف کمک کرد؛ زیرا در یکی از اسناد منتشره از سوی وزارت خارجه امریکا، جنبش آزادی بخش ترکستان شرقی که از اصلی‌ترین گروه فعال در منطقه سین کیانگ شناخته شده، به‌عنوان یک سازمان تروریستی معرفی شد.

۲. سرمایه‌گذاری ۳٫۵ میلیارد دلاری چین در بزرگ‌ترین معدن مس دست‌نخورده جهان (مس عینک) در ولایت لوگر نمونه آشکار حضور اقتصادی چین در افغانستان است.

^۳. Small, Andrew, “Why is china talking to Taliban” Foreign Policy, [June. ۲۱, ۲۰۱۳] available at: <http://foreignpolicy.com/۲۰۱۳/۰۶/۲۱/why-is-china-talking-to-the-taliban/> [Accessed October ۲. ۲۰۱۸].

^۴. چین در سیاست خارجی اعلامی خود با شعارهای پنج‌گانه‌ای چون: احترام متقابل به حاکمیت و تمامیت سرزمینی، عدم تجاوز متقابل، عدم مداخله در امور داخلی دیگران، برابری و منافع دوجانبه و همزیستی مسالمت‌آمیز، با پیشه‌گیری رویکردهای اقتصادی به دنبال تقویت روابط اقتصادی با سایر کشورهای جهان است.

The five principles, [June. ۲۱, ۲۰۰۴], Ministry of Foreign Affairs the People’s Republic of China, available at: https://www.fmprc.gov.cn/mfa_eng/topics_۶۶۵۶۷۸/seminaronfiveprinciples_۶۶۵۸۹۸/t۱۴۰۵۸۹.shtml [Accessed October ۱۵, ۲۰۱۸].

^۵. CHANSORIA, MONIKA, “China is expanding its footprint in Afghanistan”, The Sunday Guardian, [], available at: <http://www.sunday-guardian.com/analysis/china-is-expanding-its-footprint-in-afghanistan> [accessed October ۲۵. ۲۰۱۸].

^۶. خلیل، احمد بلال، افغانستان او چین دوه اړخیزې اړیکې (۱۹۵۵-۲۰۱۵)، مرکز مطالعات استراتیژیک و منطقه‌یی: کابل، ۱۳۹۶، صص ۱۴۲-۱۴۷.

^۷. البته تا هنوز مشخص نشده که مزاحمت‌ها فراروی کارکنان چینیایی در معدن مس عینک و حوزه نفت شمال از طرف چه گروهی سازماندهی شده است. طالبان مسئولیت هیچ یک از فعالیت‌های تخریبی علیه اتباع و کارکنان چینیایی را در افغانستان به عهده نگرفته اند.

^۸. چین که از گذشته با طالبان در ارتباط بود، بعد از سال ۲۰۱۳ اقدام به آشکارسازی این رابطه پنهانی کرد که می‌توان از دیدارهای نماینده‌های طالبان از چین یاد نمود.

Tiezzi, Shannon, “China Hosted Afghan Taliban for Talks”, The Diplomat, [Jan. ۷, ۲۰۱۵], available at: <https://thediplomat.com/۲۰۱۵/۰۱/china-hosted-afghan-taliban-for-talks-report/> [Accessed October ۱۸, ۲۰۱۸].

^۹. کندوی عسل اشاره به معادن افغانستان دارد که بین یک الی سه هزار میلیارد دالر ارزش‌گذاری شده است.

^{۱۰}. Kaplan, D. Robert, “Beijing’s Afghan Gamble”, The New York Times, [Oct ۶, ۲۰۰۹], available at: <http://www.nytimes.com/۲۰۰۹/۱۰/۰۶/opinion/۰۶kaplan.html> [Accessed November ۴, ۲۰۱۸].

^{۱۱}. Wines, Michael, “China Willing to Spend Big on Afghan Commerce”, The New York Times, [Dec ۲۹, ۲۰۰۹], available at: <http://www.nytimes.com/۲۰۰۹/۱۲/۳۰/world/asia/۳۰mine.html> [Accessed November ۱۰, ۲۰۱۸].

^{۱۲}. Iain Marlow and Ismail Dilawar, “With Chinese Support, Pakistan Can Ignore Trump on Afghanistan” Bloomberg, [August ۲۴, ۲۰۱۷], available at: <https://www.bloomberg.com/news/articles/۲۰۱۷-۰۸-۲۳/with-chinese-support-pakistan-can-ignore-trump-on-afghanistan> [accessed ۱۴ June ۲۰۱۸].

^{۱۳}. Gulm, Ayaz, “China Delivers First Batch of Military Aid to Afghanistan”, VOA, [July ۳, ۲۰۱۶], available at: <https://www.voanews.com/a/china-military-aid-afghanistan/۳۴۰۲۱۷۸.html> [Accessed October ۲۴, ۲۰۱۸].

^{۱۴}. Szoldra, Paul, “China May Be Building A Military Base In Afghanistan”, The National Interest, [August ۳۰, ۲۰۱۸], available at: <https://nationalinterest.org/blog/buzz/china-may-be-building-military-base-afghanistan-۳۰۰۹۷> [Accessed October ۲۹, ۲۰۱۸].

۱۵. چنانچه از سال ۲۰۱۶ به بعد نشست‌های چهارجانبه صلح با اشتراک افغانستان، پاکستان، ایالات متحده و چین در چند نوبت برگزار شد که پس از مدتی بدون نتیجه متوقف شد.

خپړندويه مينا مسعوده نېكيار

له برجام وروسته د روسيې او ايران اړيکې

The relations of Russia and Iran after Joint Comprehensive Plan of Action

Mina Masouda Nekyar

Abstract: Russia and Iran the two important country which are have the close relation to each other in different parts like political, economic, military and geographical. but some time their relation faced with crisis. Like we mentioned in above that they have relation in different parts. So their communications can't be strategic. Because they don't have all communications in special part, but after the collapse of the Soviet Union their political relation faced with some changes and it caused them to get away from each other. But now they become close little again and between them talking, visiting and contractual letter are signing, are started. Which caused to become close to creature and improve them' this two country is trying to become close in political and economic parts and they don't want to be office by other countries.

لنډيز

روسيه او ايران په سيمه کې هغه دوه هېوادنه دي چې د تاريخ په اوږدو کې يو له بل سره اړيکې درلودې، کله نېې او کله هم له شخړو او ستونزو سره مخامخ وي، خو بيا هم سره له دې کړکيچونو يو له بل سره سياسي، سوداگريزې او اتومي اړيکې لري. د شوروي اتحاد له ړنگيدو وروسته چې په روسيه کې کومې گډوډۍ رامنځته شوې، د شوروي اتحاد پر بهرني سياست باندې يې ډېره بده اغېزه وکړه او د خپلو نړيوالو سيالانو په ډگر کې له سياسي او اقتصادي پلوه وروسته پاتې شو او د دې

ترخنگ یې له گاونډیو او سیمه‌بیزو هېوادونو سره هم اړیکې خرابې شوې، له دغو هېوادونو څخه یو هم ایران و، چې ترمنځ یې اړیکې د لرې والي په خوا روانې شوې او فاصله په کې رامنځته شوه، خو نن سبا د روسیې او ایران اړیکې بېرته ورو ورو سره نږدې کېږي او د دواړو سیمو مشران په دې هڅه کې دي چې خپلې اړیکې بېرته ښې کړي، ځکه په نږدې والي کې د دواړو هېوادونو گټه ده او له دې لارې کولای شي، چې په نړیوالو هېوادونو کې د مطرح هېوادونو ځای ونیسي او هم کولای شي د امریکا پر وړاندې ودرېږي.

سریزه

دوه سیمې یا هېوادونه هغه مهال نږدې اړیکې سره پیدا کوي چې ترمنځ یې راکړه ورکړه، خبرې اترې، سوداګري او یا نورې مرستې موجودې وي. روسیه او ایران هم هغه هېوادونه دي چې په مختلفو برخو کې یو له بل سره اړیکې لري او مشران یې هم غواړي د دوی اړیکې په هره برخه کې سره نږدې شي.

دغه لیکنه تر برجام وروسته د روسیې او ایران پراړیکو باندې را څرخېږي چې له برجام وروسته د دوی اړیکې څه ډول دي؟ د دوی نوې اړیکې له کوم وخت څخه پیل شوې او اوس کوم حالت کې دي؟ دا ټول هغه موضوعات دي چې په دې لیکنه کې پرې خبرې شوي دي.

مېرْمیت: روسیه او ایران ورځ په ورځ یو بل ته نږدې کېږي او اړیکې سره پیدا کوي، نوله دې کبله چې د روسیې او ایران اړیکې په سمه توګه څرګندې شي، اړتیا ده چې د دغو هېوادونو پر اړیکو یوه لنډه څېړنه ترسره شي.

هدف: د دې مقالې موخه او هدف دا دی چې د روسیې او ایران اړیکې په څېړنیزه توګه وڅېړل شي او د روسیې او ایران د اړیکو ارزښت خپلې سیمې او نړیوالو هېوادونو ته څرګند شي او ښکاره شي چې اوسمهال د دوی اړیکې په کوم چوکاټ کې راڅرخېږي.

د څېړنې میتود: په دې لیکنه کې له تشریحي او تحلیلي میتودونو څخه کار اخیستل شوی دی.

د روسیې او ایران اړیکې

روسیه او ایران هغه گاونډي هېوادونه دي چې له پخوا څخه تر نن پورې یو له بل سره اړیکې لري. نه یوازې دا چې په سیاسي برخه کې، بلکې په اقتصادي، امنیتي، تجارتي، اټومي او ترانزیتی برخو کې یو له بل سره په اړیکو کې دي، خو د بل هر هېواد په څېر د دغو هېوادونو اړیکې کله نا کله کړکېچنې او د نړۍ هېوادونو د پام وړ گرځي، خو د دې ټولو موضوعاتو ترڅنګ کله نا کله سره نږدې هم شي. کله چې روسیه یو زبر ځواک هېواد (شوروي اتحاد) و، هغه مهال یې له ایران سره اړیکې درلودې، خو له ځینو ستونزو سره مل وې او ځینې کړکېچونه یې تر منځ موجود وو. ځینو څېړونکو او تاریخ پوهانو د خپلو نظریاتو او څېړنو له پلوه د روسیې او ایران اړیکې په څلورو دورو ویشلي دي:

«لومړۍ دوره: د تزاریانو له دورې څخه پیل او تر ۱۹۱۷ز کال پورې.»

دویمه دوره: له دویمې نړیوالې جګړې څخه وروسته (د بلشویکي پاڅون نه تر ستالین) دورې پورې.

درېیمه دوره: د ستالین له دورې څخه وروسته تر گورباچف پورې (تر ۱۹۸۵ز پورې).

څلورمه دوره: د گورباچف له دورې نه تر نن پورې.

په لومړۍ دوره کې په ځانګړې توګه په ۱۹-۲۰ پېړیو کې شوروي اتحاد د ایران لپاره یو مهم هېواد و.

- دویمه دوره کې د استعماري روسیې په سیاست کې یو بدلون رامنځته شو او د مشرانو لخوا هڅه وشوه چې ځینې اصلاحات رامنځته کړي چې د ۱۹۲۱ز کال تر ۱۹۲۱ز کال پورې لیک د دې هڅو یوه بېلګه ده.

- درېیمه دوره کې د روسیې او ایران اړیکې د دوو لویو ځواکمنو هېوادونو (امریکا او شوروي اتحاد) تر لاس لاندې وې.

- څلورمه دوره کې د اسلامي انقلاب له پاڅون څخه وروسته ایډیولوژیک مخالفت، د ایران او عراق جګړه، له عراق څخه د شوروي اتحاد وسله وال ملاتړ، د افغانستان نیول د سره لښکرپه مرسته او د ایران ملاتړ له مجاهدینو څخه دا ټول هغه لاملونه وو چې د ایران او روسیې د اړیکو د پرمختګ خنډ ګرځېدلي وو. (۱)

خو د شوروي اتحاد له ښکېدو وروسته د روسیې او ایران اړیکې یوه نوې پړاو ته داخلې شوې، شوروي اتحاد چې یو ځواکمن هېواد و او د ځینو سیاسي عواملو له کبله په روسیه باندې اوبنتی و، نو له گاونډیو او نړیوالو هېوادونو سره یې اړیکو بدلون وموند او زیاترو هېوادونو سره یې اړیکې کړکېچنې شوې. که څه هم د دغو هېوادونو اړیکې کړکېچنې وې، خو یو ځل بیا د دوی اړیکې په دې نوې دوره کې پیل شوې او زیات سفرونه، کتنې، خبرې اترې او راکړې ورکړې یې ترمنځ ترسره شوې او له دې دورې او ستونزو څخه وروسته « د ایران او روسیې نوې اړیکې پر ۱۳۶۷ ل. کال په وروستیو کې له افغانستان څخه د شوروي اتحاد له وتلو وروسته او پر ۱۳۶۸ ل. کې د هاشمي رفسنجاني سفر مسکو ته او د شوروي اتحاد له ښکېدو وروسته د روسیې او ایران ترمنځ د یوه گډ اقتصادي تړون لیک له لاسلیک کولو وروسته پیل شوې، خو د شوروي اتحاد له ښکېدو وروسته روسیې دغه اړیکې وساتلې او دې اړیکو ورو ورو پر مختگ وکړ او په دې وخت کې د مشرانو ترمنځ لیدنې کتنې هم پیل شوې.

پر ۲۰۰۰ ز. کال کې د دواړو هېوادونو د مشرانو په نیویارک کې یې پیل، پر ۲۰۰۱ ز. کال د ایران جمهور ریس محمد خاتمي له روسیې څخه لیدنه او له پوتین سره یې د اساسي مرستو د یو تړون لیک لاسلیکول د دې لامل شول چې راتلونکې لسيزه کې د دوی اړیکې ښې شي او د اقتصادي مرستو په اړه یې هم خبرې اترې سره وکړې او پر ۲۰۰۲ ز. کال کې د ایران د بهرنیو چارو وزیر کمال خرازي هم له مسکو څخه لیدنه وکړه.» (۲)

همدغه مرستې او همکارۍ وې چې د دغو هېوادونو اړیکې یو له بل سره نږدې او ښې شوې او هغه دوه هېوادونه چې یو له بل سره اړیکې ولري، نو خامخا یې ترمنځ اړیکې تل په بدلون کې وي هېڅکله په یوه حالت نه پاتې کېږي او هغه مهال په ښه لورې درومي چې لیدنې، کتنې، سفرونه، راکړې ورکړې او نورې مرستې د دوی تر منځ موجودې وي. روسیه او ایران چې دوه گاونډي هېوادونه دي، د اقتصادي، پوځي، امنیتي، اټومي او سوداگریزو اړیکو تر څنګ د ځینو نورو مرستو او اقتصادي، امنیتي او پوځي تړون لیکونو له پلوه یو له بل سره نږدې شوي دي، خو د نولسمې او شلمې پېړۍ په اوږدو کې د ایران او روسیې ترمنځ ځینې پېښې او خبرې اترې

له برجام وروسته د روسیې او ایران اړیکې

رامنځته شوې وې او د ځینو څېړونکو په نظر د دوی په تاریخ کې دغه پېښې تکراري دي چې هر وخت د دوی تر منځ ترسره کېږي چې ځینې یې دا دي: «۱۸۲۸ ز. کال د ترکمن چای تړون لیک موضوع ده چې له امله یې د ارمنستان او اذربایجان زیاتره سیمې له ایران څخه جلا او د روسیې اړوند سیمې شوې چې تراوسه د ایرانیانو له ذهن څخه نه دي وتلي او نن ورځ هم د روسیې او ایران پر اړیکو ښه اغېزه نه لري.» (۳)

همدا راز د ایران او روسیې ترمنځ د تاریخ په اوږدو کې ځینې نورې مهمې او تاریخي پېښې او تړون لیکونه ترسره شوي دي، لکه: «۱۹۲۱ زکال د روسیې او ایران ترمنځ د دوستۍ یو تړون لیک، د ترکمن چای تړون، د گلستان تړون، د کورک چای تړون او داسې نور تړون لیکونه او ناستې ترسره شوي، چې دا پخپله د دغو هېوادونو د اړیکو نښې دي چې د تاریخ په اوږدو کې د دوی ترمنځ ترسره شوي دي او همدې ته ورته په تېر کال (۲۰۱۷ ز) کې هم د دغو هېوادونو ترمنځ د ځینو سوداگریزو او صنعتي پروژو په اړه خبرې اترې شوې دي او د خپلو اړیکو د پراختیا لپاره یې د نورو گامونو د لوړولو وړاندیزونه وړاندې کړي دي. له بلې خوا روسیه او ایران چې هر څومره امریکا ته نږدې کېږي همدومره د دغو هېوادونو اړیکې بې خونده کېږي، ځکه دوه هېوادونه زیاتره په سیاسي او پوځي مسایلو کې یو له بل سره اړیکې لري، نو د یوې سیاسي موضوع شاته تل یوه پېښه رانغښتي وي او ډېری وخت په یوه هېواد باندې منفي اغېزې هم کولی شي، چې دا پخپله د یوه هېواد پر بهرني سیاست او اړیکو باندې بده اغېزه کوي.

د گورباچف د حکومت په دوران کې د گورباچف واک ته رسېدل، د امام خمیني د یوه لیک استول گورباچف ته او د شوروي اتحاد د سیاست بدلون د دغو دواړو هېوادونو اړیکې یوې نوي مرحلې ته د ننه کوي او اسلامي شورا د غونډې پخوانۍ ریس هاشمي سفر مسکو ته او د پوځي همکاریو د یوه تړون لیک لاسلیکول د دوی د اړیکو ښه ټکی کېدای شي.» (۴)

د روسیې له رامنځته کېدو سره سم د روسیې او ایران اړیکې یوه بل پړاو ته ورننوتلې؛ نه یوازې دا چې له ایران سره بلکې د نړۍ له نورو هېوادونو سره یې اړیکې سستې او بې خونده شوې او په سیاسي، اقتصادي او پوځي برخو کې یې غټ

بدلون رامنځ ته شو او روسیه نه یوازې له ایران څخه بلکې له نورو هېوادونو څخه هم لرې پاتې شوه او په دې وخت کې نه ایران دا زړه ښه کولو چې له روسیې سره نږدې اړیکه ولري او نه هم د نړۍ نورو هېوادونو خو: «د ایران او روسیې ترمنځ اقتصادي مرستې د دغو هېوادونو د اړیکو په ګټه تمامې شوې او پوځي مرستې او د وسلو خرڅول هم د دغو دواړو هېوادونو د اړیکو تر منځ اړین او د پام وړ وو. په منځنۍ اسیا کې د سیاسي ثبات د ټینګولو لپاره د روسیې او ایران هڅې د دوی ترمنځ د اعتماد د پراختیا سبب وګرځېدلې. که څه هم د لویدیځ لخوا لاسوهنه موجوده وه، خو د خزر سمندرګي ستونزې او نور ډول ډول مسایل د دې لامل شول چې د ایران او روسیې سیاسي اړیکې سره نږدې شي. د خزر سمندرګي له نفتو څخه اذربایجان یوه هر اړخیزه ګټه ترلاسه کړه. روسیه او ایران هم د خزر سمندرګي نه په ګډه ګټه اخیستنه کې د نورو هېوادونو د پام وړ وګرځېدل.» (۵)

دغه ډول مسایل یعنې د وسلو خرڅول، پوځي او اقتصادي مرستې، د خزر سمندرګي ستونزې او نور ډول ډول مسایل د دې سبب شول چې روسیه او ایران یو بل ته نږدې شي او اړیکې یې پرمختګ وکړي.

پر ۲۰۱۶ ز. کال کې د ایران د دفاع وزیر سردار حسین دهقان چې مسکو ته په سفرتللی و. په مسکو کې یې د روسیې ولسمشر ولادیمیر پوتین سره وکتل نوموړي: «د ایران او روسیې دفاعي او امنیتي مناسبات ښه او رغنده وبلل او وویل: چې د تهران او مسکو اړیکې ستراتیژیکې او اوږد مهاله دي. سردار حسین دهقان د ایران او روسیې ترمنځ د هر اړخیزو اړیکو ژورتیا او پراختیا ته د دواړو هېوادونو د مشرانو تصمیم ته په اشارې سره وویل: دغه ملګرتیا وې د سیمې لپاره مناسب مثال کېدلای شي.

د روسیې ولسمشر هم د تهران او مسکو تر منځ د دفاعي او امنیتي ملګرتیا په پراختیا او ژورتیا د خوښۍ په څرګندولو سره دغو دواړو هېوادونو ته یې د ګټو لپاره یوه نه انکارېدونکي او طبیعي چاره وبلله او د دغو تړون لیکونو پر دوام یې ټینګار وکړ.

پوتین، د سیمه ییز بحران په کنټرولولو او جګړه کې د ایران او روسیې ستراتیژیکه ملګرتیا ډېره مهمه وبلله او په سیمه کې یې د تل پاتې امنیت په رامنځته کولو سره د دواړو هېوادونو رول ډېر مهم وبللو.» (۶)

له برجام وروسته د روسیې او ایران اړیکې

د دې خبرو په تائید سره د روسیې او ایران د اړیکو د نږدې والي امکانات ډېر دي او زیاتره مسایل یې سره ورته دي. له بلې خوا د ایران او روسیې مشران هڅه کوي چې هېوادونه یې سره نږدې شي، ځکه له یوې خوا گاونډي هېوادونه دي او له بلې خوا د دوی سیمه ییزې او امنیتي اړیکې د دې سبب گرځېدلې، چې د دواړو هېوادونو اړیکې پراختیا ومومي او له بلې خوا د روسیې او ایران اړیکې یوه پخوانۍ او اوږده تاریخي رېښه لري، نو د روسیې او ایران مشران په دې لټه کې دي چې خپلې اړیکې وساتي.

دغه دواړه هېوادونه زما په اند کولای شي چې د کلتوري، اقتصادي او ځینې نورو اړیکو او دلایلو له مخې خپلو اړیکو ته پراختیا ورکړي، ځکه د دوی ترمنځ همدا امکانات کولای شي د دوی اړیکې جوړې او پرمختگ ورکړي، خو د دوی د اړیکو په اړه ځینې سیاسي کارپوهان وايي: «مور نشو کولای د ایران او روسیې اړیکې په ستراتیژیکي کچه تعریف کړو، ځکه د دوی اړیکې په بېلابېلو حوزو کې دي، نو نشو کولای چې په ستراتیژیکي چوکاټ کې یې وگڼو. که چېرته د دوی اړیکو ته ځیر شو، نو گورو چې د دواړو هېوادونو مرستې یوازې په ځانگړو حوزو کې دي او زیاترو حوزو کې په ډېره ټیټه کچه کې دي او دا پخپله دا بنسټ چې دغه دواړه هېوادونه ستراتیژیکي اړیکې نلري.

د ایران او روسیې کلتوري او ټولنیزې اړیکې هم په ټیټه کچه کې دي. په هغه ترڅ کې چې نه روسانو، ایرانیان سم وپېژندل او نه هم ایرانیانو روسان سم وپېژندل. په سیاسي مسایلو کې هم همدا خبره ده. د دوی ترمنځ سیاسي اړیکې موجودې دي، خو مور ستراتیژیکي اړیکې نشو ورته ویلی، یوازې د سوریې په مسئله کې دوی توانېدلي، چې په ځینو نړیوالو او سیمه ییزو مسایلو کې پراختیا ومومي، خو بیا هم ستراتیژیکي همکاري نشو ورته ویلی.

هغه وخت مور د دواړو هېوادونو اړیکو ته ستراتیژیکي اړیکې ویلی شو، چې د دوی تر منځ اقتصادي، سیاسي، ټولنیزې، کلتوري، پوځي او امنیتي اړیکې پراختیا ومومي. د روسیې او ایران اړیکې دا توان او وړتیا لري چې اړیکې یې ستراتیژیکي کچې ته ورسېږي، خو د دوی ستراتیژیکي همکاريو لپاره خپدونه زیات دي، نو باید د پخواني تاریخ له منگولو ځانونه خلاص کړي.» (۷)

په دې معنا چې د روسیې او ایران تر منځ د ستراتیژیکي اړیکو او مرستو امکانات ډېر دي، خو ځینې سیاسي پېښې او نړیوالې لاسوهنې د دوی د اړیکو خنډ گرځي او نه پرېږدي، چې دغه دوه هېوادونه سره نږدې شي، نو دوی په لومړي سر کې باید پخوانۍ خبرې هېرې او د خلکو له ذهنیتو نو څخه وباسي، نو هغه بیا کولای شي چې اړیکو ته پراختیا ورکړي.

روسیه او ایران په نړیواله کچه او د نړیوالو سیمو په پرتله یو شان شرایط، دريځونه، سیاسي او تاریخي پېښې لري او سره د ټولو امکاناتو او شرایطو دغه دوه هېوادونه کولای شي، چې خپلو اړیکو ته دوام ورکړي. د دې ترڅنګ چې په اقتصادي برخه کې اړیکې سره لري، په سوداګریز، سیاسي او پوځي برخه کې هم د دوی اړیکو پرمختګ کړی دی.

ځکه ایران او روسیه هغه هېوادونه دي چې د دوی د ښو اړیکو پایله یوه ښه نتیجه لري او د دواړو هېوادونو د اقتصادي او پوځي اړیکو په ګټه دي او کولای شي چې هم د امریکا پر وړاندې او هم د لویدیځ پر وړاندې ودرېږي او خپله مبارزه پیل کړي. که څه هم روسیه او ایران د امریکا او لویدیځو هېوادونو تراغېزې لاندې دي، خو بیا هم که وغواړي کولای شي په خپلو کې ښې اړیکې ولري او خپل سیاست، پوځ، اقتصاد او سوداګری ته پراختیا ورکړي.

نړیوال هېوادونه او امریکا هر یو د خپلې موخې لپاره د روسیې او ایران اړیکو ته متوجه دي او په دې وروستیو کې روسیه هم هغه هېواد دی چې ورځ تر بلې له امریکا سره نږدې کېږي او پرعکس د امریکا اړیکې له ایران سره خرابېږي، خو د ځینو خبرواترو له مخې دا څرګندېږي چې امریکا نه غواړي له روسیې سره نږدې شي او یا هم له ایران سره دښمني وکړي.

د امریکا موخه دا ده چې روسیه او ایران یو له بل نه لرې کړي او دا پخپله دواړو هېوادونو ته یو لوی ضرر دی، هم له سیاسي پلوه او هم له اقتصادي پلوه، نو دواړه هېوادونه باید دې ټکي ته ډېر پام وکړي، ځکه دغه دوه موضوعګانې د یوه هېواد لپاره ډېرې اړینې وي.

خو نن سبا «د ایران او روسیې تر منځ د اړیکو مهم ټکي سیمه ییزې او نړیوالې موضوعګانې دي او موخې یې ستراتیژیکي او امنیتي دي او دا موضوعګانې دا

له برجام وروسته د روسیې او ایران اړیکې

ښکاره کوي چې روسیه نه غواړي له دې اړیکو څخه وروسته پاتې شي. د دې ترڅنګ د دغو هېوادونو اقتصادي اړیکې هم دوه اړخیزې دي چې ترانزیتی اړیکې، راکړې ورکړې او اروپا ته د گازو او انرژۍ لېږدول د روسیې او ایران مهمې اقتصادي اړیکې ګڼل کېږي او د روسیې او ایران د اړیکو یو بل لامل د خزر سمندرګي په حوزه کې یو د بل ترمنځ مرسته او همکاري ده او د ایران ارتباطي پل هم د خزر له سمندري سیمو او د منځنۍ اسیا له هېوادونو سره یوه همکاري او مرسته ده.» (۸)

په دې وروستیوکې د دغو دواړو هېوادونو مشران په دې لټه کې دي چې د روسیې او ایران اړیکې له منځه ولاړې نه شي او په هره برخه کې یو له بل سره اړیکې ولري او په دې وروستیو کې د امریکا وتل له برجام څخه د دوی پر اړیکو کومه بده اغېزه ونه کړي. خو «اوسمهال د روسیې لپاره د امریکا وتل له برجام (اتومي هوکړې) څخه یو ازمایښت دی، چې ایا روسیه به د امریکا پروړاندې له ایران څخه ملاتړ وکړي؟ له دې مخې چې روسیه یو زبر ځواک پوځي هېواد دی او د امریکا او لویديځ پر وړاندې ولاړ دی نو تمه کېږي چې د ایران له ګټو نه چې دوست او ګاونډی هېواد دی ګټه پورته کړي او په ټولو برخو کې د لویديځ پر وړاندې له ایران څخه ملاتړ او دفاع وکړي.» (۹)

نو په دې ترڅ کې به وکولای شي چې تر منځ یې ښې اړیکې موجودې وي او خپلو اړیکو ته وده او پراختیا ورکړي، چې په همدې اړه زیاترو لوړ رتبه چارواکو او مشرانو خپل نظریات وړاندې کړي دي. «د روسیې یو لوړ رتبه مقام وویل: د امریکا وتل له برجام (اتومي هوکړې) څخه د ایران او روسیې پر اړیکو کومه اغېزه نشي کولای دوی به نور هم یو له بل سره نږدې شي او ډېر مهم، ګډ او متحد هېوادونه به وي او دغه ګډ اتحاد کولای شي د امریکا نفوذ په خاور میانه (منځنۍ ختیځ) کې یوې ځنډې ته بوځي. موږ به له پخوا څخه هم ښه، زیات او ارامه خپل اقتصادي اړیکې پرمخ بوځو او موږ هیڅ ډول مرستې او همکاري نه سترګې نه پټوو او موږ به په انرژۍ، راکړه ورکړه او فناوړی کې دوه اړخیزې اړیکې ولرو.» (۱۰)

همدا دوه اړخیزې اړیکې کولای شي د دوو هېوادونو اړیکې په ښه لوري وځغولي او یو د بل له شتمنیو څخه ګټه پورته کړي او د نورو هېوادونو مرستو ته اړتیا ونه لري. همدا یو موټی کېدل به د دې لامل وګرځي چې د امریکا پر وړاندې

و درېږي. که څه هم پورته وویل شول چې روسیه نن سبا هغه هېواد دی چې امریکا ته نږدې کېږي او د امریکا اړیکې له ایران سره خرابېږي، خو د دې خبرې پر اساس د ترمپ موخه بیا داسې ده:

«د ترمپ موخه د روسیې او ایران له سیاست څخه دا ده چې نه یې ډېر نږدېوالی روسیې ته دی او نه یې هم ډېره دښمني له ایران سره ده، بلکې دی غواړي چې د روسیې او ایران ترمنځ یو درز اوفاصله رامنځته کړي.» (۱۱)

یعنې (ترمپ) غواړي چې د روسیې او ایران اړیکې کړکېچنې وي، ترڅو اقتصادي، سیاسي او سوداګریزې اړیکې یې له منځه ولاړې شي، خو نن سبا د روسیې او ایران پر ځای د ایران او امریکې اړیکې کړکېچنې او ګډې وډې دي او ان ځینې بندیزونه هم د دوی تر منځ ترسره شوي، چې په نتیجه کې یې د ایران اقتصاد ته غټ تاوان رسولی دی او تر منځ یې لفظي شخړې روانې دي، چې دا بندیزونه په مختلفو برخو کې دي، لکه: موټر جوړونه، صنعتي ټکنالوژي، د سروزره سوداګري او داسې نورو برخو کې چې دا پخپله د دغو هېوادونو یعنی د روسیې او ایران تر منځ ستونزې پيدا کوي او د اړیکو تر منځ یې فاصله ایجادېږي، ځکه دغه ډول خبرې اترې کولی شي د دوو هېوادونو اړیکې خرابې کړي، خو داسې نه ده له اتومي هوکړې وروسته چې مهمه او نړیواله موضوع ده هغه د روسیې او ایران اړیکې دي چې هر یو هېواد غواړي خپلو ښو اړیکو ته دوام ورکړي او نه غواړي چې تر منځ یې کوم څه پېښ شي او دا پخپله دا ثابتوي چې دوی نه غواړي خپلې اړیکې کړکېچنې کړي. که څه هم روسیه د امریکا او نړیوالو هېوادونو پر وړاندې یو زبر ځواک پوځي هېواد په توګه ولاړ دی، خو نه غواړي چې ایران له لاسه ورکړي.

پایله

روسیې او ایران د تاریخ په اوږدو کې سیاسي، اقتصادي، امنیتي او پوځي اړیکې یو د بل تر منځ تېرې کړې دي او د دغو هېوادونو د مشرانو تر منځ ناستې، کتنې د تړون لیکونو لاسلیکونه ترسره شوي دي، خو کله ناکله پایلې او نتیجې ته نه دي سره رسیدلي. همدا مسایل د همدې سبب شول، چې د روسیې او ایران اړیکې یو له بل نه لرې شي، خو اوسمهال د دوی د اړیکو مهم ټکي پوځي، اقتصادي او اتومي وسلې دي او مشران یې باید هڅه وکړي چې په هره برخه کې ځانونه قوي او

له برجام وروسته د روسیې او ایران اړیکې

ځواکمن کړي، ځکه نښې او قوې اړیکې د دواړو هېوادونو په گټه دي او کولی شي چې دواړه هېوادونه له دې اړیکو څخه په گټې اخیستنې سره له نړیوالو هېوادونو سره خپلې اړیکې ټینګې کړي او د امریکا له لاسوهنې څخه خلاصون ومومي.

له دې لیکنې څخه دې نتیجې ته ورسېږو چې روسیه او ایران هغه دوه هېوادونه دي چې له پخوا نه یو له بل سره اړیکې لري او د دوی اړیکې ځینو پوهانو په څلورو دورو ویشلي چې هره دوره یې د بېلابېلو پېښو سره مل ده، همدا راز د دوی اړیکې د ډېرو ستراتیژیکي بنودلې دي خو ستراتیژیکي اړیکې هغه وخت ورته ویلی شو چې د دوی تر منځ اقتصادي، پوځي او سیاسي اړیکې موجودې وي په ځانگړې توګه په پوځي برخه کې، خو د دوی ترمنځ دغه اړیکې دومره ډېرې نه دي چې اقتصادي او یا هم پوځي اړیکې ورته ووايو، نوځکه د دوی اړیکو ته ستراتیژیکي اړیکې نشو ویلی.

زما په اند د روسیې او ایران دوه اړخیزې اړیکې د دواړو هېوادونو په گټه دي. د ایران د اسلامي دولت له بریا څخه وروسته د دغو هېوادونو دوه اړخیزې اړیکې ډېرې نښې روانې دي او د دوی د اتومي تړون لیک موافقه د دوی د اړیکو ښه بېلگه ګڼلې شو. د دوی د نړیوالي بل علت جغرافیایي موقعیت هم کېدای شي، خو ځینې سیاسي هېوادونه او واکداران بیا غواړي چې د دوی ترمنځ یو دېوال جوړ کړي لکه: امریکا، خو د ځینو پوهانو له نظره د ټرمپ سیاست دا دی چې د روسیې او ایران ترمنځ یوه فاصله راوړي نه غواړي چې دوی سره نږدې شي، خو اوس د ایران او امریکا اړیکې ډېرې کړکېچنې دي او تر منځ یې لفظي شخړې روانې دي او ان ځینې بندیزونه د دغو هېوادونو تر منځ شوي، چې په پایله کې یې ایران ته غټ اقتصادي تاوان رسولی دی، نو همدا مسایل دي چې د دوو هېوادونو تر منځ یې وضعه ګډه وده کړې او د ایران او روسیې پر اړیکو یې هم اغېزه کړې ده.

وړاندیزونه

۱- نن سبا ایران هغه هېواد دی چې د امریکا له لوري له سختو بندیزونو او لفظي شخړو سره گیر دی، که چېرته همدغه مسایل ډېر شي، کېدای شي پر افغانستان، روسیه او سیمې هېوادونو باندې منفي اغېزه وکړي او له سیاسي او اقتصادي بحران سره مخامخ شي. اوسمهال چې افغانستان د امریکا یو دوست هېواد دی، تر ډېره امکان لري چې د افغانستان سیاسي او اقتصادي اړیکې له روسیې او ایران سره

کرکېچنې شي، نو افغانستان ته په کار ده چې د خپل هېواد د ملي گټو د ساتلو لپاره نه یوازې له امریکا سره بلکې له روسیې او ایران سره خپلې دوستانه اړیکې وپالي. ترڅو له اقتصادي او سیاسي تاوان نه ځان وژغوري.

۲- امریکا هغه هېواد دی چې غواړي د روسیې او ایران د اړیکو تر منځ یوه فاصله ایجاد کړي او د دې ترڅنگ اوسمهال امریکا په افغانستان کې شتون لري، نو دغه مسایل تر دېرې کچې پورې امکان لري چې د افغانستان پر حکومت باندې هم منفي اغېزه وکړي، نو افغانستان ته په کار ده چې په بهرنیو سیاسي مسایلو کې ډېر پام وکړي، ترڅو افغانستان ته کوم زیان ونه رسیږي.

مأخذونه

- ۱- صفری، مهدی. « ساختار و تحولات سیاسی در فدراسیون روسیه و روابط با جمهوری اسلامی ایران»، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی: تهران، ۱۳۸۴ کال، ۱۲۷-۱۲۸ مخونه.
- ۲- کرمی، جهانگیر. « روابط اسلامی ایران و فدراسیون روسیه (عصر نوین همکاری ها)»، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امورخا رجه: تهران، ۱۳۸۸ ل کال، ۱۳۹ مخ.
- ۳- ایلنا. «اهداف روسیه از نزدیکی به ایران چیست؟»، ایلنا سایت، ۴ زمري ۱۳۹۵، لاسرسی:
- <https://www.ilnaenews.com>، [مراجعة: ۱۳۹۷/۳/۲۱].
- ۴- صفری، مهدی. «ساختار و تحولات سیاسی در فدراسیون روسیه و روابط با جمهوری اسلامی ایران»، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی: تهران، ۱۳۸۴ کال، ۱۲۸-۱۲۹ مخونه.
- ۵- کولایی، الهه، داکتر. «سیاست و حکومت در فدراسیون روسیه»، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی: تهران، ۱۳۸۵ ل کال، ۲۹۴-۲۹۶ مخونه.
- ۶- ایران پشتو راډیو. «د ایران او روسیې اړیکې اوږد مهاله او ستراتیژیکي دي»، اریب پښتو سایت، ۱۶ فبروری ۲۰۱۶، لاسرسی: <http://Pashto,irib,ir>، [مراجعة: ۱۳۹۷/۲/۲].
- ۷- فرارو. «آیا روابط ایران و روسیه استراتیژیک است؟» فرارو سایت، ۱۴ سلواغې ۱۳۹۶. لاسرسی:
- <https://fararu.com/fa/news>، [مراجعة: ۱۳۹۷/۲/۷].
- ۸- امین زاده، جمشید، « فرصتی برای بیان چالش های منطقه ای و بین المللی»، پارس تودی سایت، ۲۰ غبرگولی ۱۳۹۷، لاسرسی: <http://parstoday.com>، [مراجعة: ۱۳۹۷/۹/۷].
- ۹- امیر احمد یان، بهرام. « روسیه او ایران و برجام چه می خواهد»، روزنامه شرق، ۸ غبرگولی ۱۳۹۷، لاسرسی: www.magiran.com، [مراجعة: ۱۳۹۷/۹/۱۳].

۱۰- «خروج ترامپ از برجام بر روابط ایران و روسیه چقدر تاثیر گذار است». ایران
انلاین سایت، ۱۸ غویی ۱۳۹۷، لاسرسی: www.ion.ire/news، [مراجعه:
۱۳۹۷/۹/۹].

۱۱- ایران پشتو راډیو. «د ایران اوروسیې غږ ملتیا یوه با ثباته اوکراره سیمه
رامنخته کوي»، اریب پښتو سایت، ۲۱ می ۲۰۱۴، لاسرسی: <http://Pashto,rib>
، [مراجعه: www.ion.ire، ۱۳۹۷/۲/۱۶].

محقق فوزیه فضلی

بررسی نقش ترکیه در عرصه بازسازی افغانستان

پس از ۲۰۰۱ م.

Study the Role of Turkey in Afghanistan's Reconstruction After ۲۰۰۱

Fawziya Fazli

Abstract: Turkey has played active and positive role in political, economic and cultural areas of Afghanistan. During Ottomans emperor and after establishment of republic, Turkey has provided various opportunities and effective activities for Afghanistan. After ۹/۱۱, with establishment of new government in Afghanistan, international community including Turkey focused on the reconstruction of Afghanistan. Turkey has committed big amounts for assistance, during international conferences on Afghanistan's reconstructions. Apart from dispatch of troops to Afghanistan, Turkey has done various reconstruction projects in social, cultural and economic areas. Turkey' PRT team, private companies and TIKA have played important role in the reconstruction of Afghanistan. Indeed, Turkey tries to use from such opportunity in its own interests.

خلاصه

در طول تاریخ افغانستان، ترکیه همواره نقش مثبت و فعال را در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی این کشور داشته است. چه در عهد امپراتوری عثمانی و یا بعد از تأسیس جمهوریت ترکیه، این کشور همواره با ارایه کمک‌ها و فراهم سازی سهولت‌ها، اقدامات و فعالیت‌های مثمر و ارزنده‌ی را برای افغانستان انجام داده

است. با تأسیس دولت جدید در افغانستان در پی تحولات یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱م. در این کشور، بازسازی و اعمار مجدد این کشور مورد توجه جامعه جهانی و از آن جمله دولت ترکیه قرار گرفت. دولت ترکیه در راستای بازسازی زیربنای اساسی افغانستان، مبالغ را در کنفرانس‌های کمک به بازسازی افغانستان متقبل گردیده و در پهلوی آن با اعزام نیروهای اش در چوکات پیمان ناتو، اقدامات و فعالیت‌های اش را در بخش‌های غیر نظامی چون بازسازی و زیربناسازی بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی معطوف ساخت. اقدامات تیم‌های بازسازی ولایتی ترکیه، فعالیت‌های اداره توسعه و همکاری‌های بین المللی ترکیه یا تیکا و شرکت‌های خصوصی ترکی در عرصه‌های مختلف جهت بازسازی افغانستان را می‌توان از جمله خدمات ارزنده این کشور در افغانستان برشمرد. در واقع ترکیه با استفاده از فرصت فراهم شده توانست در راستای منافع اش و همگام با جامعه جهانی در عرصه بازسازی افغانستان نقش فعال را بازی نماید.

مقدمه

تاریخ روابط افغانستان و ترکیه پیشینه بس طولانی دارد، مشترکات تاریخی، فرهنگی و مذهبی دو کشور پیوند دهنده و شکل دهنده روابط و مناسبات چندجانبه در بسترهای زمانی مختلف بوده است. از عهد امپراتوری عثمانی که مهد خلافت و مرکزیت اسلام دانسته می‌شد، الی تأسیس جمهوریت در اوایل قرن ۲۰م.، روابط و مناسبات حسنه میان دو ملت همواره وجود داشته است. آغاز دوره مناسبات رسمی میان دو کشور، به تشکیل و تأسیس جمهوریت ترکیه می‌رسد. چنانچه «ترکیه دومین کشوری بود که در سال ۱۹۱۹م. استقلال افغانستان را به رسمیت شناخت» (۱)، به همین گونه افغانستان نیز پس از اتحاد شوروی سابق دومین کشوری بود که جمهوریت ترکیه را در سال ۱۹۲۱م. مورد شناسایی رسمی قرارداد (۲). از همان زمان به بعد روابط دو کشور گسترش یافته و با گذشت زمان مستحکم‌تر گردید. با امضاء توافقنامه اتحاد میان دو کشور (در سال ۱۹۲۱م و پیمان دوستی سال ۱۹۲۸) (۳) در پهلوی همکاری‌های گسترده در عرصه‌های مختلف، ترکیه با اعزام کارشناسان ترکی همکاری‌های زیادی را در عرصه‌های عمرانی افغانستان نیز نمود. ترکیه با اعمار مکتب حربیه کابل، ایجاد اکادمی

بررسی نقش ترکیه در عرصه بازسازی افغانستان پس از ۲۰۰۱ م.

نظامی، تأسیس کالج طبی و پوهنحی علوم سیاسی، مکتب موسیقی و ارایه خدمات صحتی، و اعزام مشاوران و ترینران در دهه‌های ۴۰، ۵۰ و ۶۰ م در افغانستان نقش ارزنده را بازی نموده است. در جریان جنگ‌های داخلی در افغانستان و سپس در دوره امارت طالبان، دو کشور در سطح پایین روابط قرار داشتند، اما پس از تحولات جدید در افغانستان (۲۰۰۱) بار دیگر جمهوری ترکیه با حضور چشمگیرش وارد عرصه‌های سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی افغانستان گردید. حالا پرسشی که مطرح می‌گردد، این است که ترکیه در دور جدید روابط اش با افغانستان پس از ۲۰۰۱ م. تا چه حدود در عرصه عمرانی و بازسازی زیربنای این کشور همکاری و فعالیت داشته است؟ آنچه از لابلای فعالیت‌های این کشور در افغانستان هویدا است، این است که ترکیه پروژه‌های زیادی را در راستای زیربنا سازی در افغانستان انجام داده است، کیفیت و ظرفیت کاری آن نیز در مقایسه با سایر کشورهای کمک کننده در افغانستان مورد قبول و تأیید نیز بوده است، و توانسته است جایگاه خوبی را در عرصه عمرانی در این کشور بدست آورد.

هدف: این تحقیق در نظر دارد تا به بررسی نقش ترکیه در روند بازسازی افغانستان پس از تحولات ۲۰۰۱ م. پرداخته و بفعالیت‌ها و اقدامات این کشور را در عرصه عمرانی در افغانستان روشنی و وضاحت ببیند.

مبرمیت: ترکیه از جمله کشورهای عضو ناتو و کمک کننده در عرصه بازسازی افغانستان بوده است. در طول بیش از یک و نیم دهه حضور اش در افغانستان، خدمات و همکاری‌های زیادی را در عرصه‌های مختلف از جمله عمرانی و زیربنا سازی انجام داده است، بناءً لازم است تا روی این مسایل بصورت دقیق تحقیق و بررسی صورت گیرد.

روش تحقیق: روش تحقیق: جهت دریافت پاسخ به پرسش‌های فوق الذکر، این نوشتار با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی و منابع دست اول و دست دوم مورد تحقیق و نگارش گرفته است.

تحقیق حاضر با بررسی نقش ترکیه در گذشته، حضور آن بعد از کنفرانس بن ۲۰۰۱ م. و رویکرد سیاست خارجی اش در قبال افغانستان و چگونگی نقش آن کشور در پروسه بازسازی افغانستان سازماندهی و تحقیق گردیده است.

ترکیه در افغانستان پس از کنفرانس بن ۲۰۰۱ م.

با سقوط امارت طالبان و بیرون آمدن افغانستان از انزوای سیاسی در سال ۲۰۰۱ م. روابط و مناسبات ترکیه و افغانستان بار دیگر رونق و گسترش یافت. آغاز دور جدید روابط میان دو کشور همزمان با به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه (AKP) در ترکیه و اتخاذ سیاست خارجی جدید از سوی این حزب بود. احمد داوود اوغلو وزیر خارجه سابق ترکیه طراح سیاست خارجی حکومت حزب عدالت و توسعه بود. موصوف در طراحی جدید سیاست خارجی این کشور از عمق استراتژی ترکیه سخن برد و بیان داشت که عمق استراتژیک، ترکیه را در قلب بسیاری از مناطق جغرافیایی پرنفوذ قرار داده است و این کشور را قادر نموده تا نقش سازنده را در چندین منطقه ایفاء کند. همچنان از عناصر دیگری چون به صفر رساندن تنش با همسایگان، انکشاف روابط سیاسی و اقتصادی، تلاش برای گفتگوهای چندبعدی و اتخاذ دیپلوماسی پیش‌گیرانه (Preemptive Diplomacy) (۴) را در جهت اتخاذ سیاست‌های فعال‌تر در منطقه، تأمین منافع و دستیابی به اهداف اساسی نیز تأکید نموده بود.

در طراحی سیاست خارجی جدید، بیشترین تأکید بر استفاده از قدرت نرم در معادلات سیاسی صورت گرفته بود، زیرا ارزیابی قدرت سخت ترکیه گواه غیر قابل مقایسه بودن با قدرت‌های مطرح در منطقه بود. جایگاه و موقعیت تاریخی و جغرافیایی، مشترکات فرهنگی، قومی و نژادی با منطقه، اوضاع و شرایط سیاسی-اقتصادی منطقه زمینه را برای افزایش قدرت نرم ترکیه مساعد ساخت و این کشور توانست با استفاده از ابزارهای موجود، مناسبات و روابط خوب را با سایر کشورها برقرار نموده و با استفاده از قدرت نرم، دایره نفوذ و منافع اش را در منطقه گسترش داده و به ایفای نقش فعال‌تری در مسایل مختلف در منطقه بود.

تحولات به میان آمده پس از واقعه یازدهم سپتمبر ۲۰۰۱ م.، زمینه برای فعالیت این کشور در عرصه‌های غیر نظامی در افغانستان مهیا نمود. ترکیه پس از تأسیس دولت جدید در افغانستان، همگام با تلاش‌های جامعه جهانی در راستای بازسازی افغانستان سهیم گردیده و سعی نمود تا با استفاده از ابزارهای قدرت نرم به نزدیکی هرچه بیشتر روابط با افغانستان بپردازد. هرچند عوامل مختلف در عقب‌علاقمندی و

بررسی نقش ترکیه در عرصه بازسازی افغانستان پس از ۲۰۰۱ م.

توجه ترکیه به افغانستان می‌تواند وجود داشته باشد، اما بسیاری از کارشناسان امور عواملی چون سیاست خارجی پیشگیرانه، همراهی متحدین استراتژیک اش و استفاده از فرصت‌های اقتصادی به میان آمده را دلایل اصلی گسترش روابط ترکیه با افغانستان در پسا یازدهم سپتمبر ۲۰۰۱ م. می‌دانند.

در این دوره ترکیه سیاست خارجی پیشگیرانه یا (Preemptive Diplomacy) را اتخاذ نمود. این کشور همواره در تلاش ایفاء نقش بزرگتر در مسایل منطقه بود. از همین رو در عین همکاری با ناتو و ایالات متحده امریکا در افغانستان همکاری و مناسبات نزدیک اش را با اعضای غیر ناتو مانند پاکستان نیز برقرار نگهداشت، زیرا این کشور در صدد تقویت هرچه بیشتر همکاری‌های منطقه ای بود تا بتواند با چالش‌ها و مشکلات در منطقه مبارزه کند و از سوی هم برای خودش نقش هدایت کننده و بزرگتری را در منطقه دریافت کند.

گذشته از اجرای دیپلوماسی پیشگیرانه، همراهی کردن متحدین استراتژیک اش ناتو و ایالات متحده امریکا برای ترکیه خالی از مفاد نبود. ترکیه با فرصت پیش آمده خواست تا جایگاه و نقش اش را که پس از جنگ سرد نزد متحدین غربی اش کم رنگ گردیده بود، با پیوستن به آنها دوباره بدست آورد.

اصلاحات جدید اقتصادی در ترکیه نیز ایجاب می‌نمود تا با استفاده از فرصت فراهم شده در افغانستان، به تقویت روابط اقتصادی، با این کشور بپردازد. افغانستان جنگ زده و ویران بازار خوبی برای کمپنی‌ها و شرکت‌های مختلف ترکی و همچنان مال التجاره این کشور بود، که می‌توانست بیشترین سود را از این درک ببرد.

داشتن روابط عمیق سیاسی، اقتصادی با افغانستان و پاکستان را میتوان دلیل دیگری قلمداد نمود. در صورت خرابی و وخیم شدن امنیت در افغانستان، رقابت‌های منطقه ای نیز شدت خواهد گرفت که این به ضرر کشورهای منطقه از جمله ترکیه خواهد بود. بناً ترکیه با برقرار نگهداشتن توازن در مناسبات اش با این کشورها، دیپلوماسی اش را در راستای بازسازی سیاسی و اقتصادی افغانستان بکار برده است و تلاش نموده است تا در نقش میانجی در راستای بهبود روابط

افغانستان و پاکستان بازی نماید تا بتواند منافع اش را در حد ممکن با اجرای این نقش تأمین نماید.

ترکیه از بدو سقوط طالبان تلاش نمود با روند بوجود آمده پس از کنفرانس بن همکاری کند. چنانچه بعد از برگزاری کنفرانس بن و تشکیل نیروهای بین المللی کمک به امنیت افغانستان موسوم به آیساف در چهارچوب تعهدات دولت ترکیه در پیمان ناتو، شورای امنیت ملی این کشور با صدور قطعنامه ۷۲۲ در تاریخ ۱۰ اکتوبر ۲۰۰۱م. و به موجب ماده ۹۲ قانون اساسی، به دولت این کشور اجازه داد تا ارتش ترکیه را مطابق به قطعنامه سازمان ملل متحد به افغانستان به اعزام نماید و به دنبال این تصمیم ترکیه به عنوان یکی از اعضای پیمان ناتو با اعزام ۳۰۰ سرباز مشارکت خود را در عملیات آیساف در افغانستان آغاز نمود(۵).

قابل ذکر است که ترکیه با اعزام نیروهای نظامی اش به افغانستان، در عملیات‌های جنگی شرکت نکرده بلکه استقرار نیروهای اش را در راستای فعالیت‌های غیرجنگی متمرکز نمود، زیرا دولت ترکیه فرستادن نیرو به هدف جنگیدن با شورشیان و عملیات‌های تروریسم را رد نموده و صرفاً فعالیت نیروهای اش را به ترنینگ اردو و پولیس افغانستان خلاصه ساخت. هرچند بارها تقاضاهای مبنی بر اشتراک در عملیات‌های نظامی از سوی متحدین اش صورت گرفت، اما دولت ترکیه پاسخ رد به چنین درخواست‌ها ارایه داشت. نیروهای ترکی علاوه بر ترنینگ پولیس و اردو، به فعالیت‌های چون اعمار زیرساخت‌های اساسی و حمایت از پروژه‌های در جهت بلند بردن سطح زندگی مردم محل نیز مصروف اند.

فعالیت‌های ترکیه در عرصه بازسازی افغانستان

ترکیه در فرایند بازسازی افغانستان نقش پررنگی بازی نموده است. ضرورت بازسازی اقتصادی و اجتماعی افغانستان پس از ۲۰۰۱م. بیش از هر موضوع در کانون توجه قرار گرفته است. کمک‌های این کشور در عرصه بازسازی افغانستان، بعد از استقرار دولت جدید در این کشور، غیر قابل انکار می‌باشد. تشکیل دولت موقت در افغانستان بدنبال کنفرانس بن(۲۰۰۱م)، جامعه بین المللی و در راس ایالات متحده امریکا و داشت تا در تلاش ارایه کمک به افغانستان، به تدویر کنفرانس‌های جهت بازسازی زیرساخت‌های اساسی این کشور بپردازد.

بررسی نقش ترکیه در عرصه بازسازی افغانستان پس از ۲۰۰۱ م.

در کنفرانس‌های بین‌المللی جهت جمع‌آوری کمک برای بازسازی افغانستان ترکیه نقش برانزنده را بازی نموده است در تمامی این کنفرانس‌ها پرداخت مبالغی را در جهت کمک به بازسازی افغانستان به عهده گرفته است، چنانچه «در ۲۱ جنوری ۲۰۰۲ م.، کنفرانس بین‌المللی توکیو به میزبانی دولت جاپان، حضور سازمان ملل متحد و نمایندگان ۵۰ کشور جهان به مدت ۲ روز برگزار گردید. در این کنفرانس ترکیه متعهد گردید مبلغ ۵ میلیون دالر را به افغانستان کمک نمایند» (۶). بدنبال این تعهد، «در سال ۲۰۰۲ م.، ترکیه مبلغ ۵۰۰ هزار دالر را به صندوق پول برای بازسازی افغانستان، (ARTF) نقداً پرداخت نموده و مبلغ ۵۰۰ هزار دیگر را به پروژه‌های همکاری دوجانبه و یک صد هزار دیگر را به صندوق اضطراری اداره موقت افغانستان تادیه کرده است» (۷).

در کنفرانس برلین در ۳۱ مارچ ۲۰۰۴ م.، ترکیه پرداخت کمک ۵ میلیون دالر در ظرف سه سال را به افغانستان وعده داد، تا در پروژه‌های بازسازی زیرساخت‌های اساسی افغانستان، به مصرف برسد. به همین منوال، در کنفرانس‌های بین‌المللی لندن در فبروری ۲۰۰۶ م و پاریس در ۱۶ جون ۲۰۰۸ م، نیز مبلغ ۱۰۰ میلیون دالر در هر کدام از کنفرانس‌های فوق‌الذکر به عهده گرفت. در حدود ۳ میلیون دالر را برای انتخابات ریاست جمهوری ۲۰ اگست ۲۰۰۹ م. افغانستان، توسط ترکیه کمک صورت گرفت. (۸) قابل ذکر است که این کشور در کنفرانس‌های توکیو و لندن تعهد نموده بود که تا سال ۲۰۱۷ م. حدود ۱۵۰ میلیون دالر به افغانستان کمک کند. (۹) در کنفرانس بروکسل (اکتوبر ۲۰۱۶ م.) ترکیه وعده داد که برای دوره (۲۰۱۸-۲۰۲۰) ۱۵۰ میلیون دالر به این کشور کمک کند (۱۰).

در راستای روند بازسازی و اجرای پروژه‌های عمرانی، ایجاد تیم‌های بازسازی ولایتی (Provincial Reconstruction Team) یا PRT از اقدامات مهم و تأثیرگذار ترکیه در افغانستان به شمار می‌رود. تیم پی آر تی وردک در چارچوب سیاست ناتوبرای بسط و توسعه نیروهای این سازمان در «۱۲ نومبر ۲۰۰۶ م» (۱۱) در وردک ایجاد گردید. تیم بازسازی ولایتی طی چهار سال توانست نزدیک به ۲۰۰ پروژه را با صرف هزینه ۳۰ میلیون دالر به اجرا درآورد. (۱۲) بدنبال موفقیت تیم PRT وردک، ترکیه

تیم PRT جوزجان را در ۲۱ جولای ۲۰۱۰م. ایجاد کرد که در ولایت‌های جوزجان و سرپل فعالیت می‌کند. (۱۳)

تیم‌های پی آر تی ولایتی عموماً فعالیت‌های اش را با مشارکت اداره همکاری‌های بین‌المللی و توسعه ترکیه تیکا انجام می‌دهد. تیکا از زمان آغاز فعالیت‌های اش در سال ۲۰۰۴م. تا اکنون پروژه‌های زیادی را در ساخت و ساز زیربنای اساسی در افغانستان مانند تعلیم و تربیه، امور صحتی، پروژه‌های عمرانی، زراعت و سایر امور اجتماعی و فرهنگی اجراء نموده است. تیکا در سه شهر کابل، مزارشریف و هرات نمایندگی دارد. «بین سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۰۵، تیکا بیش از ۸۰۰ پروژه را در بخش‌های مختلف را اندازی نموده است». (۱۴) فعالیت‌های عمرانی آن شامل اعمار و بازسازی سرک‌ها، بندها، تونل‌ها، اماکن عامه، میادین هوایی، ساختمان دفاتر، سیستم آبرسانی، بندرگاه، هتل و ساختمان شفاخانه‌ها می‌باشد.

در مجموع طی سالیان ۲۰۰۵-۲۰۱۴م. در حدود ۲۴۰ پروژه تعلیمی، ۲۱۴ پروژه صحتی، ۱۳۵ پروژه آب، ۳۴ پروژه زراعتی، ۲۰ پروژه ترانسپورتی را به پایه اکمال رسانیده است. (۱۵) از این میان مهمترین و برجسته ترین فعالیت‌های تیکا در عرصه‌های مختلف در افغانستان عبارتند از: دایر نمودن برنامه‌های آموزشی برای معلمان، اعمار لیسه حبیب قادری در جوزجان، تغییر ساختمان تیم PRT وردک به لیسه حامد کرزی، اعمار لابراتوار بیالوژی و کمپیوتر برای لیسه نازوانا و عبدالهادی داوی در کابل، (۱۶) اعمار ساختمان ترکولوژی در پوهنتون کابل، بازسازی و اعمار ساختمان مکتب حربیه کابل و اعمار ساختمان پوهنحی شرعیات پوهنتون بلخ در ۳ بلاک و غیره (۱۷)

اعمار مکتب زراعتی در وردک، اعمار باغ آزمایشی (Testing Garden) برای برای فاکولته زراعت پوهنتون کابل، توزیع ۱۶ تن پیازگل زعفران به ۴۰ دهقان ولایت فراه و دایر نمودن برنامه‌های آموزشی چگونگی کشت زعفران برای آنها، (۱۸) حفرچاه‌های آب در مناطق مختلف افغانستان، اعمارپل بالای دریای کوچک، (۱۹) اعمار و بازسازی چندین شفاخانه و کلینیک‌های صحتی در افغانستان و خرید تجهیزات برای یتیم خانه‌های کابل.

بررسی نقش ترکیه در عرصه بازسازی افغانستان پس از ۲۰۰۱ م.

علاوه از کمک‌های دولت ترکیه در عرصه بازسازی زیرساخت‌های اساسی، از نظر گسترش ارتباطات تجاری و اقتصادی با افغانستان، نیز توانسته است تا حدودی کمک‌های را در بخش توسعه اقتصاد این کشور نیز فراهم نماید. چنانچه امروز بسیاری از کمپنی‌های ساختمانی ترکی موفق به دریافت جای پا در مارکیت‌های افغانستان شده اند و مالتجاره ترکی امروز نسبت به اموال چینیایی، پاکستانی و ایرانی در افغانستان از کیفیت بهتری برخوردار است. از سوی هم، طی یک ونیم دهه حضور ترکیه در افغانستان، شرکت‌های خصوصی ترکی بی شماری در عرصه‌های مختلف ساختمان سازی، تولید مواد ساختمانی، زراعت، صحت، تعلیم و تربیه، تکنالوژی و غیره فعالیت داشته است. «تا سال ۲۰۱۴ م. به تعداد ۳۹۹ شرکت ترکی در عرصه‌های مختلف در افغانستان فعالیت داشته است.» (۲۰) از سال ۲۰۰۲ تا اکنون شرکت‌های خصوصی ترکی بیش از ۲ میلیارد دالر در افغانستان سرمایه گذاری کرده اند، (۲۱) که هزینه این پروژه‌ها از محل بودجه ملی ترکیه نبوده و در واقع فرصت بهره گرفتن از منابع مالی بین المللی را در اختیار شرکت‌های ترکی قرار داده است و از این منظر افغانستان تبدیل به بازار مناسبی برای صدور خدمات فنی و مهندسی ترکیه شده است.

بناءً می‌توان اظهار کرد که ترکیه در راستای روند بازسازی افغانستان نسبت به کشورهای دیگر نقش پررنگتری داشته است. پروژه‌های اساسی که در ساخت زیربنای اصلی افغانستان، از سوی موسسات و شرکت‌های ترکی و کمک‌های دولت آن کشور برای بلندبردن سطح زندگی مردم محلات مختلف افغانستان انجام شده است، بسیار مهم و با اهمیت بوده است.

نتیجه گیری

با در نظر داشت مطالب ارایه شده در فوق می‌توان چنین نتیجه گرفت که جمهوری ترکیه در روند بازسازی وساز زیربناها در افغانستان همواره نقش پررنگی را بازی نموده است، چنانچه با سقوط امارت طالبان و تأسیس دولت جدید در افغانستان، ضرورت بازسازی زیربنای اساسی این کشور، در صدر برنامه‌های جامعه جهانی قرار گرفت و بسیاری از کشورها از جمله جمهوری ترکیه علاقمندی شان را در جهت ارایه کمک و فراهم سازی امکانات در عرصه‌های مختلف بیان

داشتند. در این دوره با در نظر داشت تحولات صورت گرفته در سیاست خارجی ترکیه و تمایل آن بسوی شرق، این کشور در تلاش گسترش و بهبود روابط با دولت‌های منطقه از جمله افغانستان گردیده و توجه اش به بازسازی زیرساخت‌های اساسی این کشور معطوف نمود. ترکیه نیروهای اش را در چوکات ناتو به افغانستان فرستاد، اما برخلاف سایر اعضاء ناتو فعالیت‌های اش را به مسایل غیرنظامی چون ترنینگ اردو و پولیس، اعمار و بازسازی اماکن عامه جهت بلند بردن سطح زندگی مردم خلاصه نمود. علاوه بر کمک‌های این کشور در کنفرانس‌های بین المللی برای بازسازی افغانستان، تیم‌های ولایتی پی آر تی این کشور، اداره توسعه و همکاری‌های بین المللی ترکیه یا تیکا و شرکت‌های خصوصی آن، در بخش اعمار و تجهیز زیربنای اساسی در ساحات تعلیم و تربیه، زراعت، امورصحت، اماکن عمومی و سایر بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فعالیت‌های متمرکز را در جهت بهبود وضعیت زندگی افغان‌ها انجام داده است. در مجموع حضور موثر و پررنگ ترکیه در بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و فعالیت در بخش غیر نظامی ایساف سبب گردیده که اعتماد دولت مردان و مردم افغانستان را بخود جلب نماید.

پیشنهادها

با در نظر داشت نتایج بوجود آمده از این تحقیق، پیشنهادات ذیل ارائه می‌گردد:

۱. دولت افغانستان با استفاده از روابط حسنه و همکاری‌های گسترده که میان ترکیه و افغانستان برقرار است، در زمینه‌های مختلف چون زراعت، تعلیم و تربیه، بازسازی اکاکن عمومی، شهرسازی و ترانسپورت با تعمیق هرچه بیشتر مناسبات اش و استخدام کارشناسان ترکی در امور فوق الذکر، از تجربیات آنها استفاده اعظمی را ببرد.
۲. ترکیه به عنوان یکی از کشورهای پیشتازاز لحاظ انکشاف اقتصادی و گذشته مثبت و همکار در افغانستان، از جایگاه خوبی در میان مردم این کشور برخوردار است و می‌تواند در زمینه‌های متعددی افغانستان را کمک و همکاری کند. فعالیت‌های عمرانی ترکیه در افغانستان چشمگیر بوده و دولت افغانستان می‌تواند در این عرصه به همکاری‌های این کشور با در نظر داشت بلند بودن کیفیت کالاهای آن اتکاء کند.

_____ بررسی نقش ترکیه در عرصه بازسازی افغانستان پس از ۲۰۰۱ م.

۳. موسسه تیکا یا اداره همکاری‌های بین‌المللی ترکیه در بخش‌های مختلف از جمله عمرانی در افغانستان فعالیت می‌کند. برای دولت و مردم افغانستان این فرصت مهیا است تا با همکاری این موسسه، پروژه‌های عمرانی و بازسازی زیرساخت‌های اساسی زیادی را در نقاط مختلف افغانستان به راه بیندازند.

مآخذ

- ۱- رحمانی، عقیده نرگس وعباس حسینی، پس از انزوا: بررسی سیاست خارجی افغانستان پسا طالبان، پژوهشکده مطالعات روابط بین الملل: کابل، سال ۱۳۹۱، ص ۲۵۴
- ۲- سپین غر، جان‌داد، سیاست خارجی ترکیه در قبال افغانستان پس از ۲۰۰۱، موسسه تحصیلات عالی افغانستان: کابل، سال ۱۳۹۷، ص ۸۰
- ۳- رحمانی، عقیده نرگس وعباس حسینی، پس از انزوا: بررسی سیاست خارجی افغانستان پسا طالبان، ص ۲۵۴
- ۴- سپین غر، جان‌داد، سیاست خارجی ترکیه در قبال افغانستان پس از ۲۰۰۱، ص ۵۶
- ۵- سوری، امیر محمد، نقش واهداف ترکیه در روند تحولات افغانستان، دلایل وپیامدها، وب سایت مطالعات اورآسیا، حوت ۱۳۸۹، دسترسی: <http://www.csr.ir/departments.aspx?log-fa> [مراجعه: ۱۳۹۵/۱۲/۲]
- ۶- غوث، راضیه، روابط جمهوری اسلامی افغانستان وجمهوری ترکیه(۲۰۰۱-۲۰۰۹م)، اثرناچاپ، کتابخانه اکادمی علوم افغانستان، ص ۵۴
- ۷- مرکز مطالعات استراتژیک افغانستان، افغانستان و جهان، انتشارات میوند: کابل، سال ۲۰۰۴، ص ۱۴۷
- ۸- دیپلماسی ایرانی، ترکیه درافغانستان چه می کند، سایت دیپلماسی ایرانی، ۱۰ سرطان ۱۳۹۰، دسترسی: <http://www.irdiplomacy.ir>، [مراجعه ۲۰۱۸/۰۲/۱۲]
- ۹- سلحشور، خلیل، پیمان کاران ترکیه تا اکنون ۶۲۷ پروژه اقتصادی به ارزش ۶ میلیارد دالر درافغانستان اجرا کرده اند، سایت خبرگزاری آنا تولی، ۲۰۱۷/۳/۱، دسترسی: <http://www.aa.com.tr/>، [مراجعه: ۲۰۱۹/۳/۲]
- ۱۰- غوث، راضیه، روابط جمهوری اسلامی افغانستان وجمهوری ترکیه(۲۰۰۱-۲۰۰۹م)، اثرناچاپ، کتابخانه اکادمی علوم افغانستان، ص ۶۵

بررسی نقش ترکیه در عرصه بازسازی افغانستان پس از ۲۰۰۱ م.

۱۱- سپین غر، جانداد، سیاست خارجی ترکیه در قبال افغانستان پس از ۲۰۰۱، ص ۷۶

۱۲- همانجا

۱۳- Kaya, Karen, Turkey role in Afghanistan and Afghanistan stabilization, Army press website, ۲۰۱۳, Available at: https://www.armyupress.army.mil/.../MilitaryReview_۲۰۱۳۰۸۳۱, [accessed on: ۲/۱۲/۲۰۱۸]

۱۴- Tika, tika_projects_in_education_give_hope_to_afghanistan , Tika website, ۲/۱۲/۲۰۱۵, available at: http://www.tika.gov.tr/en/news/tika_project.., [accessed on ۲/۲/۲۰۱۹]

۱۵- Tika, (۲۰۱۵), what did Tika do in ۱۰ years in Afghanistan?, (online), Available at: <http://www.Tika.gov.tr>, [accessed on: ۲/۱۲/۲۰۱۸]

۱۶- Tika, tika_projects_in_education_give_hope_to_afghanistan , Tika website, ۲/۱۲/۲۰۱۵, available at: http://www.tika.gov.tr/en/news/tika_project.., [accessed on ۲/۲/۲۰۱۹]

۱۷- مرکز مطالعات استراتژیک افغانستان، افغانستان و جهان، انتشارات میوند: کابل، سال ۲۰۰۴، ص ۱۴۸

۱۸- Tika, tika_projects_in_education_give_hope_to_afghanistan , Tika website, ۲/۱۲/۲۰۱۵, available at: http://www.tika.gov.tr/en/news/tika_project.., [accessed on ۲/۲/۲۰۱۹]

۱۹- غوث، راضیه، روابط جمهوری اسلامی افغانستان و جمهوری ترکیه (۲۰۰۱-۲۰۰۹ م)، اثرناچاپ، کتابخانه اکادمی علوم افغانستان، ص ۶۵-۵۴

۲۰- قیومی، محمد داوود، سیاست خارجی افغانستان در قبال ترکیه و تأثیرات آن بر همکاری‌های منطقه‌ای، سیاست خارجی افغانستان در سپهر همکاری‌های منطقه‌ای، جلد اول، چاپ اول، مرکز مطالعات استراتژیک افغانستان: کابل، سال ۱۳۹۳، ص ۵۲

۲۱- Kaya, Karen, Turkey role in Afghanistan and Afghanistan stabilization, Army press website, ۲۰۱۳, Available at: https://www.armyupress.army.mil/.../MilitaryReview_۲۰۱۳۰۸۳۱, [accessed on: ۲/۱۲/۲۰۱۸]

* - دیپلماسی پیشگیرانه اقدام برای جلوگیری از بروز اختلاف میان طرفین، جلوگیری از تشدید اختلافات موجود و تبدیل شدن آن‌ها به درگیری، و در صورت بروز درگیری محدود ساختن دامنه‌ی آن است.

خېږنيار احسان الله احسان

په پاکستان کې د تحریک انصاف گوند واک ته
رسېدل او پر افغان-پاک اړیکو یې اغېزې

**The TTP's rise to power and its impact on
Afghanistan-Pakistan relations**

Ihsanullah Ihsan

Abstract: Pakistan Tehreek-e-Insaf's ruling party is currently considered to be one of the largest and important political parties in Pakistan, which formed on 25th April, 1996 by Imran Khan, former Pakistani cricketer and captain in Lahore; based on his belief (justice for all). He believes that a fair and equitable society has good chance for progress and success, and can soon be brought to good fortune and prosperity.

The Pakistan Tehreek-e-Insaf (PTI) party participated in the 2018 elections for the fourth time and won many votes in elections than others and make a new government.

After the arrival of the government, Imran Khan said that he wants an open border system between Afghanistan-Pakistan like European Union and he is seeking to improve the relations between Kabul and Islamabad. In order to improve relations between Afghanistan and Pakistan, both sides have shown their strong intentions and hopes that Pakistan will take a positive role in the peace process of Afghanistan.

خلاصه

د تحريک انصاف (Pakistan Tehreek-e-Insaf) واکمن گوند اوسمهال په پاکستان کې يو له لويو او مهمو سياسي گوندونو څخه گڼل کېږي چې د ۱۹۹۶ ز. کال د اپرېل په ۲۵ مه په لاهور کې د پاکستان د کرکټ پخواني لوبډلمشر عمران خان له خوا او د نوموړي د باور (عدالت د ټولو لپاره) پر بنسټ را منځ ته شوی دی. نوموړی په دې باور دی چې يوه با انصافه او عادلانه ټولنه د ښه پرمختگ او بريا چانس لري او ډېر ژر نیکمرغي او سوکالي ته رسيدلی شي. د پاکستان تحريک انصاف گوند د پاکستان د ۲۰۱۸ ز. کال په ټاکنو د څلورم ځل له پاره گډون وکړ او په دې وتوانېد چې له ټولو ډېرې رایې وگټي او نوی حکومت رامنځ ته کړي. عمران خان له واک ته رسېدو وروسته ويلي چې د افغانستان-پاکستان ترمنځ د اروپايي اتحاديې په شان د خلاصو پولو د سيستم پلوي کوي او د کابل او اسلام آباد د اړیکو ښه کېدو غوښتونکی دی. د افغانستان-پاکستان ترمنځ د اړیکو د ښه کېدو په موخه دواړو لوريو خپلې ټينگې ارادې ښودلي او تمه ده چې د افغانستان د سولې په پروسه کې به هم پاکستان خپل مثبت رول ولوبوي.

سريزه

پاکستان په سويلي آسيا کې يو اټومي ځواک او له ۲۰۰ ميليونو څخه د ډېرو وگړو لرونکی هېواد دی چې له خپل پيدايښت يعنې له ۱۹۴۷ ز. کال څخه نيولې تر ننه پورې په سيمه کې له يوې خوا اټومي ځواک لرونکي هېواد هند سره د ځمکې پر سر لانجه لري او له بلې خوا له خپل بل گاونډي هېواد افغانستان سره هم د فرضي او نا منل شوې ډېورنډ کرښې له امله ښې اړیکې نه لري. د همدې ډيورنډ فرضي کرښې له امله د افغانستان-پاکستان اړیکو له تاريخي پلوه ډېرې لوړې ژورې ليدلي او کله نا کله خو ان تر ټولو ترينگلي حالت او د سياسي اړیکو د پرې کېدو تر پولې هم رسېدلي دي. له سيمې او افغانستان سره د پاکستان پورته مسايلو او تړاوونو ته په پام سره له شک پرته په پاکستان کې هر ډول سياسي بدلون رامنځ ته کېدل نه يوازې دا چې په کور دننه پاکستان کې د ياد هېواد پر سياست، امنيت او اقتصاد اغېزې لري، بلکې د سيمې د هېوادونو په ځانگړي ډول له افغانستان سره د پاکستان پر اړیکو او د افغانستان پر وړاندې د ياد هېواد په بهرنۍ پاليسي باندې

— په پاکستان کې د تحریک انصاف گوند واک ته رسېدل او پر افغان-پاک ...

هم اغېزې لري. که چېرته له تاریخي پلوه په پاکستان کې ملکي حکومتونه او د پاکستان په سیاست کې د دوی د واک ته رسېدو بهیر تر خپرنې لاندې ونيول شي، نو په ډاگه څرگندېږي چې ملکي حکومتونو واک ته په رسېدو کې ډېرې ستونزې لیدلي او له ډېرو محدودیتونو سره مخ شوي دي. په پاکستان کې د نوي حکومت رامنځ ته کولو لپاره د ۲۰۱۸ ز. کال د جولای په ۲۵ ټولټاکنې ترسره شوې او په پایله کې یې د پاکستان تحریک انصاف گوند له ۲۲ کلونو مبارزو او هڅو څخه وروسته د لومړي ځل لپاره په دې وتوانېد چې د پاکستان په ملي مجلس کې تر ټولو ډېرې څوکۍ وگټي او په پاکستان کې نوی ملکي حکومت رامنځ ته کړي.

په دې علمي-څېړنیزه مقاله کې هڅه کوو، ترڅو دې اصلي پوښتنو ته چې په پاکستان کې د تحریک انصاف گوند څنگه واک ته ورسېد؟ او پر افغان-پاک اړیکو به د یاد گوند واک ته رسېدل څه اغېزې ولري؟ ځوابونه ومومو. د خپرنې له اصولو سره سم د یادې اصلي پوښتنې فرضي ځواب دا دی چې په پاکستان کې د تحریک انصاف گوند له یوې اوږدې مودې څخه وروسته د لومړي ځل لپاره د پاکستان د پوځ په ملاتړ سره په دې وتوانېد چې واک ته ورسېږي او نوی حکومت رامنځ ته کړي. همداراز تمه دا ده چې په پاکستان کې د یوه ملکي حکومت په توگه د تحریک انصاف گوند په واک ته رسېدو سره به د افغانستان-پاکستان په اړیکو کې یو مثبت بدلون راشي او د دواړو هېوادونو ترمنځ د اړیکو په ښه کولو سره به د افغانستان د سولې په برخه کې د پاکستان مثبت رول او همکاري ترلاسه شي.

د خپرنې مېرمنیت: دا چې پاکستان د افغانستان د یوه گاونډي هېواد په توگه له ډېرې مودې راهیسې د افغانستان په چارو کې یو اغېزمن هېواد پاتې شوی او له سیاسي پلوه که په پاکستان کې هر ډول سیاسي حالات راغلي، نو هرو مرو د افغانستان پر سیاسي حالاتو یې هم څه ناڅه اغېز کړی دی. د دې لپاره چې پر افغانستان-پاکستان اړیکو باندې د تحریک انصاف گوند د واک ته رسېدو اغېزې روښانه شي او پر افغان-پاک اړیکو یې د ناوړه اغېزو مخه ونيول شي، نو اړتیا لیدل کېږي، ترڅو د تحریک انصاف گوند واک ته رسېدل او پر افغان-پاک اړیکو یې د اغېزو روښانه کول تر خپرنې لاندې ونيول شي.

د خپرنې موخه: د دې علمي-خپرنيزې مقالې د خپرلو لنډه موخه په پاکستان کې د تحريک انصاف گوند پېژندنه، د تحريک انصاف گوند د واک ته رسېدو څرنگوالی او پر افغان-پاک اړيکو يې د اغېزو روښانه کول دي.

د خپرنې ميتود: د دې علمي-خپرنيزې مقالې په ليکلو کې د خپرنې له توصيفي-تحليلي ميتود څخه کار اخېستل کېږي او هڅه کېږي چې خپرنې پورې اړوند ټول مواد د ټولني له عيني او ذهني شرايطو او حالاتو سره سم او په دقت سره تحليل شي.

د دې لپاره چې په پاکستان کې د تحريک انصاف گوند واک ته رسېدل او پر افغان-پاک اړيکو يې اغېزې تر سرليک لاندې علمي-خپرنيزه مقاله مو ښه خپرلې وي او پورتنيو اصلي او ځينې نورو ضمني پوښتنو ته مو ځواب موندلی وي، نو لومړی د تحريک انصاف گوند پېژندنه، دويم د تحريک انصاف گوند واک ته رسېدل او په پای کې پر افغان-پاک اړيکو د تحريک انصاف گوند د واک ته رسېدو اغېزې په جلا جلا سرليکونو کې تر خپرنې لاندې نيسو.

لومړۍ- د تحريک انصاف گوند پېژندنه

د دې علمي-خپرنيزې مقالې په دې برخه کې هڅه کوو چې د تحريک انصاف گوند وپېژنو، خو مخکې له دې چې د یاد سياسي گوند پېژندنه وړاندې کړو، لازمه بولو چې لومړی د یاد گوند د بنسټگر، رئيس او د پاکستان اوسنی لومړی وزير عمران خان چې یاد گوند د نوموړي د غوښتنو او موخو پر بنسټ رامنځ ته شوی دی، لنډه پېژندنه وړاندې کړو.

عمران خان چې بشپړ نوم يې عمران احمد خان نیازی دی، په ۱۹۵۲ ز. کال کې د اکتوبر په پنځمه د پاکستان د پنجاب ایالت د لاهور میاوالي په یوې پښتنې کورنۍ کې زېږېدلی او اوسمهال ۶۵ کاله عمر لري. عمران خان په ۱۹۷۵ ز. کال کې د انگلستان د آکسفورډ پوهنتون د کیبلي کالج له فلسفې، سیاست او اقتصاد یعنی (PPE) څخه فارغ شوی دی.^۱ عمران خان د پاکستان د کرکټ په تاریخ کې د دوو لسيزو له پاره د پاکستان په ملي کرکټ لوبډله کې لوبغاړی پاتې شوی او پوره یوه لسيزه یعنی له ۱۹۸۲-۱۹۹۲ ز. کال پورې د پاکستان د کرکټ ملي لوبډلې لوبډلمشري يې هم کړې ده. پاکستان د عمران خان د لوبډلمشرۍ پر مهال یعنی

— په پاکستان کې د تحریک انصاف گوند واک ته رسېدل او پر افغان-پاک ...

په ۱۹۹۲ ز. کال کې د لومړي ځل لپاره په دې وتوانېد چې د نړیوال جام سیالیو په پایلوه کې انگلستان ته ماتې ورکړي او د کرکټ نړیوال جام اتلولي خپله کړي. عمران خان له یوې اوږدې مودې کرکټ کولو څخه وروسته کرکټ پرېښود او سیاست ته یې مخه کړه. نوموړی هغه مهال په دې فکر کې و چې پاکستان کې باید یو لوی او هر اړخیز بدلون رامنځ ته شي او د نوموړي په فکر دا بدلون یوازې د سیاست له لوري راتلای شوی. هماغه و چې نوموړي په ۱۹۹۶ ز. کال کې د پاکستان تحریک انصاف تر نامه لاندې یو سیاسي گوند رامنځ ته کړ، ترڅو په پاکستان کې فساد او غلط مدیریت ته نور د پای ټکی کېږدي او د پاکستان په اړه خپل خوب چې ډېری تمرکز یې د پاکستان عادي وگړو ته انصاف، خپلواکه قضایه قوه، ځواب ویونکی او ډموکرتیک حکومت رامنځ ته کول و، ریښتیا کړي.

عمران خان په پاکستان کې ځینې بشر دوستانه او ټولنیزې خیریه چارې هم سرته رسولې دي. د بېلگې په توگه د پنجاب په لاهور کې یې د خپلې مور یعنې شوکت خانم په نامه د سرطان ناروغیو د درملنې له پاره یو لوی یادگاري روغتون او څېړنیز مرکز جوړ کړی او همداراز یې د پنجاب په میان والي کې د نامال په نامه تخنیکي انستیتیوت هم جوړ کړ، ترڅو په هېواد کې یې سواد، روغتیا، ښوونه او روزنه او پانگه اچونې ته د شرکتونو هڅونه پراختیا ومومي. اوسمهال عمران خان سره له دې چې د پاکستان لومړی وزیر دی، د خپل سیاسي گوند یعنې د پاکستان تحریک انصاف گوند مشري هم پر غاړه لري. نوموړی د پاکستان د لومړي وزیرانو په لیست کې د دورې له پلوه دوه ویشتم لومړی وزیر او د اشخاصو له پلوه نولسم لومړی وزیر گڼل کېږي.^۲

اوسمهال په پاکستان کې واکمن د تحریک انصاف گوند (Pakistan Tehreek-e-Insaf) یو له لویو او مهمو سیاسي گوندونو څخه گڼل کېږي چې د ۱۹۹۶ ز. کال د اپرېل په ۲۵ مه په لاهور کې د پاکستان د کرکټ پخواني لوبډلمشر عمران خان له خوا او د نوموړي د باور(عدالت د ټولو لپاره) پر بنسټ را منځ ته شوی دی. نوموړی په دې باور دی چې یوه با انصافه او عادلانه ټولنه د ښه پرمختگ او بریا چانس لري او ډېر ژر نیکمرغي او سوکالي ته رسیدلای شي. د پاکستان تحریک انصاف گوند په لومړیو کې د یوه ټولنیز-سیاسي غورځنگ په بڼه و چې د ۱۹۹۶ ز. کال په جون کې

يې لومړنۍ اجرايوي مركزي كمېټه رامنځ ته كړه. په ياده كې كمېټه كې عمران خان رئيس او نعيم الحق، احسان رشيد، حفيظ خان، موحد حسين، محمود عوان او نوشيروان بوركي مؤسس غړي وو. هغه مهال ياد گوند خپلې كړنې په داسې ډول سره پر مخ بېولې چې گواكې د ټول پاكستان د خلكو د رېښتينو غوښتنو او آرمانونو ښكارندويي كوي. هماغه و چې د تحريك انصاف گوند كه څه هم ډېر ژر نه، خو ورو ورو مشهور شو. د ۱۹۹۹ ز. كال د جنوري په ۲۴ د ياد گوند اساس نامه د مركزي اجرائيوي كمېټې له خوا په لاهور كې تصويب شوه. په دې اساسنامه كې د گوند ايډيالوژي، جوړښت او موخې ځاى پر ځاى شوې.

د تحريك انصاف گوند ايډيالوژي د ډموكراتيك اسلامي جمهوريت په چوكاټ كې پاكستانۍ ملت پالنه ده، ترڅو له مخې يې پاكستان د سياسي ثبات، ټولنيزې همغږۍ او اقتصادي سوکالی په لوري بوځي او هر پاكستانى وگړى په آسانۍ سره عدالت ته لاس رسى پيدا كړي. همداراز ياد گوند د مذهبي او كلتوري ارزښتونو د ساتنې لپاره او د يوه سوکاله اسلامي ډموكراتيك دولت په رامنځ ته كولو كې د محمد علي جناح او علامه محمد اقبال لاهوري له نظرياتو او كړنو څخه هم ډېر اغېزمن شوى دى.

د پاكستان تحريك انصاف گوند يو پراخ اداري جوړښت لري چې عمران خان يې رئيس، د پاكستان د بهرنيو چارو اوسنى وزير شاه محمود قريشي يې مرستيال، د پاكستان اوسنى ولسمشر عارف علوي، د پاكستان د ماليې اوسنى وزير اسد عمر، د پنجاب والي چوهدري محمد سرور، فواد چوهدري، ډاكټر شرين مزارى، محمود خان، ارشاد داد، شاه فرمان او ځينې نور په كې اصلي او لوړ پوړي غړي دي.^۳ د پاكستان تحريك انصاف گوند مركزي دفتر په اسلام آباد كې دى او د ۲۰۱۳ ز. كال شمېرو پر بنسټ لس ميلیونه غړي لري. د پاكستان تحريك انصاف گوند له اساسنامې سره سم د ياد گوند ځينې لويې او اساسي موخې؛ د يوه داسې سوکاله ډموكراتيك دولت رامنځ ته كول دي چې پر بنسټ يې ټول پاكستاني اتباع خپلو اساسي حقونو ته لاس رسى پيدا كړي. همداراز د هېواد قضايي سيستم خپلواکه كول، له فساد سره كلكه مبارزه او له هغو مفسدو مشرانو څخه چې د پاكستان د خلكو په پيسو يې له هېواد څخه بهر پانگه اچونې كړې دي، د پاكستان ژغورلو ته

———— په پاکستان کې د تحریک انصاف گوند واک ته رسېدل او پر افغان-پاک ... هم شاملیږي. د پاکستان تحریک انصاف گوند د یادو موخو د ترلاسه کولو او خپلو چارو د ښه ترسره کولو لپاره په ټولنیزو، سیاسي، اقتصادي، ښوونیزو، دفاعي او بهرنیو چارو کې بېلابېلې تگلارې جوړې کړې دي چې د موضوع د اوږدېدو له امله نشو کولای دلته پرې بحث وکړو.

د پاکستان د تحریک انصاف گوند له لنډې پېژندنې څخه وروسته اوس د پاکستان په سیاسي جوړښت کې د یاد گوند له رامنځ ته کېدو څخه نیولې تر واک ته رسېدو پورې د یاد گوند رول، د پاکستان په بېلابېلو ټاکنو کې یې ونډه او د واک ته رسېدو بهیر تر څېړنې لاندې نیسو.

دویم- د تحریک انصاف گوند واک ته رسېدل

د پاکستان تحریک انصاف گوند له رامنځ ته کېدو څخه تر ننه پورې د پاکستان د ۱۹۹۷، ۲۰۰۲، ۲۰۱۳ او ۲۰۱۸ ز. کلونو په ټولټاکنو کې گډون کړی، خو د ۲۰۰۸ ز. کال ټولټاکنو څخه یې پرېکون اعلان کړی و. یعنې وروسته له دې چې د پاکستان تحریک انصاف گوند په ۱۹۹۶ ز. کال کې رامنځ ته شو او خپلې سیاسي چارې یې پیل کړې، نو له رامنځ ته کېدو څخه یې لایو کال نه و تېر شوی چې سمدلاسه یې د پاکستان د ۱۹۹۷ ز. کال په ټولټاکنو کې گډون وکړ، خو هغه مهال د پاکستان په ټولو یعنې اوه ټاکنیزو حوزو کې د پاکستان تحریک انصاف گوند په دې ونه توانېد چې په کومه ټاکنیزه حوزه کې دې اکثریت وگټي.

د پاکستان تحریک انصاف گوند د ۲۰۰۲ ز. کال په ټولټاکنو کې یو ځل بیا گډون وکړ چې په دې ټولټاکنو کې له اویاوو څخه ډېرو ورو او لویو گوندونو برخه اخیستې وه، خو دا ځل د تحریک انصاف گوند په دې وتوانېده چې له خپلې سیمې یعنې د پنجاب ایالت له میان والې څخه د پاکستان په ملي اسمبلې کې یوه څوکۍ وگټي.^۴ د پاکستان تحریک انصاف گوند د ۲۰۰۸ ز. کال ټاکنې د درغلیو او بې نظمیو له امله پرېکون اعلان کړ او د یاد گوند مشر عمران خان په ۲۰۰۷ ز. کال کې د رښنیو په وړاندې خپله نوماندۍ پاڼه وشلوله.

عمران خان سیاست ته له مخ کولو وروسته تر یوې اوږدې مودې د پاکستان په سیاست کې له ډېر رول څخه څنگ ته شوی و او له همدې امله و چې د پاکستان په سیاست کې له رول لرلو څخه له پامه ولوېده، خو د نوموړي هڅو بالاخره د

۲۰۱۳ ز. کال په ټولټاکنو کې ښه پایله ورکړه او د نوموړي گوند وکولای شو چې د پاکستان په سياسي صحنه کې د يوه مهم او جدي لوبغاړي په توگه را څرگند شي. ځکه ياد گوند په يادو ټاکنو کې وکولای شو چې په پاکستان کې د رايو له مخې د دويم لوی سياسي گوند په توگه تر ټولو ډېرې رايې خپلې کړي. د ۲۰۱۳ ز. کال د ټولټاکنو په کمپاينونو کې عمران خان خپلو پلويانو ته ويل چې که واک ته ورسېږي، نو پاکستان به د ترهگرۍ پر وړاندې د امريکا له جگړې څخه وباسي او د پاکستان پښتنو سيمو ته به سوله راولي. په هر صورت، د پاکستان تحريک انصاف گوند په دې ټاکنو کې په دې وتوانېد چې د پاکستان په ملي اسمبلې کې ۲۸ ټاکل شوي څوکۍ، ۶ څوکۍ د مېرمنو لپاره او يوه څوکۍ د لږه کيو لپاره چې ټولې د پاکستان په ملي اسمبلې کې ۳۵ څوکۍ کيږي، خپلې کړي.^۵

د پاکستان تحريک انصاف گوند د پاکستان د ۲۰۱۸ ز. کال د جولای د ۲۵ په ټولټاکنو کې د څلورم ځل لپاره گډون وکړ او خپل ټاکنيز کمپاين يې د پنجاب له ميان والي څخه پيل کړ. عمران خان په خپلو ټاکنيزو مندو تررو کې د فساد پر ضد مبارزه کې خپل اصلي سيال نواز شريف باله او کله چې په ۲۰۱۵ ز. کال کې د مالي فساد په اړه ځينې اسنادونه افشاء شوه چې په کې داسې ادعا شوې وه چې گواکې نواز شريف او د نوموړي لور په بهر کې د ملکيتونو په اخيستلو کې له کورنيو پانگو څخه گټه اخيستې، نو د نواز شريف په هکله د مالي فساد يادو توروو عمران خان ته ډېره ښه موقع په لاس ورکړه، ترڅو په دې وخت کې له وخت نه په گټې اخيستني سره د نوموړي پر وړاندې خپله سيالي چټکه کړه. هماغه و چې په ۲۰۱۷ ز. کال کې نواز شريف له واک څخه لېرې او د پاکستان د فساد پر وړاندې د مبارزې محکمې له خوا په لس کاله بند محکوم شو. هغه مهال نواز شريف د ځان په هکله د مالي فساد ټول توروو رد کړه او خپل گوښه کېدل يې يوازې او يوازې سياسي انگېزې پورې تړلی وباله. د نواز شريف په گوښه کېدو سره عمران خان واک ته د رسېدو په موخه خپل ټاکنيز کمپاين هم چټک کړ او عمران خان دا ځل د خپلو ټاکنيزو کمپاينونو په لړ کې د بدلون او فساد پر وړاندې د کلکې مبارزې نعرې ووهلې.

د پاکستان د ۲۰۱۸ ز. کال ټاکنې د جولای په ۲۵ د چهارشنبې په ورځ ترسره شوې چې له ۳۵۰ زرو څخه ډېرو پوځيانو او شاوخوا ۴۰۰ زرو پوليسو يې د امنيت

———— په پاکستان کې د تحریک انصاف گوند واک ته رسېدل او پر افغان-پاک ...

ټینګښت په غاړه درلود. د همدې کال د جولای په ۲۷ د جمعې په ورځ د پاکستان د ټاکنو کمیسیون د پاکستان د ټاکنو پایلې اعلان کړې چې د عمران خان په مشرۍ د تحریک انصاف گوند تر ټولو ډېرې رایې گټلې وې.^۶ په همدې ورځ د پاکستان د پخواني لومړي وزیر نواز شریف گوند څخه یوه لوړ پوړي مشر وویل چې د پاکستان د یادو ټاکنو پایلې او د عمران خان بریا به په پاکستان کې ډموکراسۍ ته د احترام لپاره مني او راتلونکې پارلمان به تحریم نه کړي. په داسې حال کې چې نواز شریف له زندان څخه په یوه پیغام کې ویلي و چې د پاکستان ټاکنې له درغلیو ډکې وې او د دوی ټاکنیزو ناظرانو ته د رایو شمېرلو پر مهال اجازه نه وه ورکړل شوې؛ هغه ادعا چې له مسلم لیگ گوند څخه وروسته د ډېرې رایې اخیستونکي گوند په توګه د پاکستان د خلکو گوند هم کړې وه. په هر صورت، د دغو ټاکنو په پایله کې د پاکستان تحریک انصاف گوند په ملي اسمبله کې تر ټولو ډېرې یعنی ۱۱۶ څوکۍ وگټلې چې د نښو ۲۸ څوکیو او د لږه کیو ۵ څوکیو سره یې ټولې څوکۍ ۱۴۹ ته ورسېدې. د پاکستان یادې ټولټاکنې په داسې حال کې ترسره شوې چې د پاکستان اویا کلن تاریخ ته په کتو دا دویم ځل و چې یو ملکي یعنی غیر پوځي حکومت په دې وتوانېده چې خپله قانوني پنځه کلنه دوره بشپړه کړي، کوم څه چې د پاکستان په سیاسي تاریخ کې د پام وړ ټکی ګڼل کېږي.

وروسته له دې چې د پاکستان د ۲۰۱۸ ز. کال د ټولټاکنو پایلې اعلان شوې، نو پارلمان ته د پاکستان د تحریک انصاف گوند بریالیو وکیلانو دوه ورځې وروسته په اسلام اباد کې په دې تړاو غونډه وکړه. د گوند په غونډه کې شاه محمود قریشي د لومړي وزارت لپاره د عمران خان د نوم وړاندیز وکړ. په غونډه کې ناست ټول بریالي وکیلان پر خپلو ځایونو ودرېدل او دا وړاندیز ټولو په یوه خوله ومانه. په غونډه کې پخپله عمران خان هم د گوند له غړو سره د راتلونکې تگلارې، ننگونو او له دوی نه د خلکو د هیلو او تمو په اړه خبرې وکړې. نوموړي په خپلو خبرو کې وویل: ولس تاسې ته د دودیز سیاست لپاره نه، بلکې د بدلون لپاره رایه درکړې. موږ به دا ثابتوو چې د کار بڼه به مو بدله وي.^۷ په هر صورت، په پاکستان کې د حکومت جوړولو لپاره یوه گوند ته په ملي اسمبله کې لږ تر لږه ۱۷۲ څوکیو ته اړتیا وي. له همدې امله د پاکستان تحریک انصاف گوند دې ته اړ شو ترڅو له ځینو نورو سیاسي

گوندونو سره ائتلاف وکړي. هماغه و چې د پاکستان تحريک انصاف گوند د پاکستان متحده قیومي غورځنگ (MQM-P)، د بلوچستان عوامي گوند (BAP)، د بلوچستان ملي گوند (BNP-M)، د پاکستان مسلم لیگ قاید اعظم گوند (PML (Q))، لوی دموکراتیک اتحاد (GDA)، د پاکستان عوامي مسلم لیگ (AML)، د جمهوري وطن گوند (JWP) او د محمد اسلم بوتاني (IND) گوندونو سره یې ائتلاف وکړ چې په پایله کې یې د پاکستان په ملي اسمبله کې ۱۷۶ څوکی خپلې کړې او خپل سیال شهباز شریف ته چې ۹۶ څوکی یې گټلې وې ماتې ورکړه. د تحریک انصاف گوند همداراز په خیبر پښتونخوا ایالت کې د ۷۸ څوکیو او په پنجاب کې د ۱۷۵ څوکیو په گټلو سره حکومت جوړ کړ، خو په بلوچستان کې یې یو ائتلافي حکومت رامنځ ته کړ. د پاکستان تحریک انصاف گوند هر یو اسد قیصر او قاسم خان سوري په ترتیب سره د ملي اسمبلې د ویاند او د ویاند د مرستیال په توگه وټاکل. همداراز عثمان احمد خان بزدر د پنجاب، محمود خان د خیبر پښتونخوا او جام کمال خان د بلوچستان ایالتونو لپاره د لومړي وزیرانو په توگه وټاکل شول. چودري محمد سرور د پنجاب، عمران اسماعیل د سند او شاه فرمان د خیبر پښتونخوا ایالتونو لپاره د والیانو په توگه وټاکل شول. همداراز عارف علوي د پاکستان د نوي ولسمشر، اسد عمر د مالیې وزیر او شاه محمود قريشي د بهرنیو چارو وزیر په توگه له ټاکل کېدو وروسته نوې کابینه او نوی حکومت رامنځ ته شو.

درېیم- پر افغان-پاک اړیکو د تحریک انصاف گوند د واک ته رسېدو اغېزې

که چېرته د پاکستان ۷۰ کلن سیاسي تاریخ ته وکتل شي، نو په ډاگه ښکاري چې یاد هېواد ډېری وخت د پوځیانو له خوا او یا هم د هغه چا له خوا اداره شوی چې د پوځ ملاتړ یې له ځان سره لرلای دی. د عمران خان واک ته رسېدو په هکله هم په پاکستان کې ډېری وگړي او د نوموړي مخالفین په دې کلک باور دي چې په پاکستان کې د عمران خان واک ته رسېدل هم د پوځ کار و. ځکه پوځ لومړی پخوانی لومړی وزیر نوازشریف د یو لړ تورونو په لگولو سره له واک څخه لرې کړ او بیا یې دی او د نوموړي لور په داسې مهال کې زنداني کړل چې په دغه هېواد کې د ټاکنو ترسره کېدو ته خورا لږه موده پاتې وه. دا د دې لپاره چې په پاکستان کې پنجابی قوم تر نورو قومونو ډېر دی او تر ټولو ډېرې څوکی هم په واک ته رسېدو کې

— په پاکستان کې د تحریک انصاف گوند واک ته رسېدل او پر افغان-پاک ...

د دوی وي. که پوځ عمران خان واک ته رسېدل نه غوښتل، نو هیڅ کله به هم د اکثریت یعنی پنجابي قوم له واک څخه د لرې کېدو پرېکړه نه وه شوې. دا هم د یادونې ده چې د یوه اکثریت قوم او د یوه ځواکمن گوند مشر زنداني کېږي، د دې گوند د بریا چانسونه وار په وار کمېږي، خو بیا هم په ټاکنو کې هیڅ گډوډي نه رامنځ ته کېږي او اکثریت پنجابي پوځ یې نه یوازې دا چې مخنیوی نه کوي، بلکې د ټاکنو صندوقونه او د رای پانډو د انتقال مسؤولیت هم په غاړه اخلي. د پاکستان د پوځ کوبښن دا و، ترڅو له یوې خوا نور د هند پر وړاندې ځان بريالی کړي او له بلې خوا له افغان حکومت سره خپلې اړیکې ورغوي. ځکه په وروستیو کلونو کې د افغان حکومت د غوره سیاست له امله نړیوالو ته د ترهگرو ډلو د ملاتړي هېواد په توګه د پاکستان پیژندل، په پاکستان باندې د امریکا او نورو هېوادونو د مرستو بندېدل، په پاکستان باندې د افغان سولې په اړه څه نا څه فشار راوړل، له افغانستان سره د پاکستان د سوداګرۍ کچه ټیټېدل او دې ته ورته نور ټول هغه څه و چې د پاکستان وارداتي سېسټم یې په بشپړ ډول سره اغیزمن کړ. له همدې امله د پاکستان پوځ په سیاست کې د بایلودې د مخنیوي په موخه هڅه وکړه، ترڅو یو داسې نوی حکومت رامنځ ته کړي چې تش په نامه پښتون یې مشري وکړي.

افغانستان او هند تل په پاکستان کې د پوځي حکومت په پرتله د ملکي حکومت د واک ته رسېدو او پیاوړتیا پلوي پاتې شوي دي. یاد دواړه هېوادونه په پاکستان کې د ملکي حکومت د پیاوړتیا تمه لري، خو د پاکستان سیاسي تاریخ ته په کتو سره تراوسه له پوځ څخه د ستراتېژیکو مسایلو واک او اختیار هیڅ کله هم ملکي حکومت نه دی ترلاسه کړی، کوم چې پاکستان یې د خپلو گاونډیو هېوادونو یعنی هند او افغانستان په اړه مفکوره لري. دا ځل د لومړي ځل لپاره په خپه پښتون عمران خان واک ته رسېدلی چې د افغانستان د هیلو په تناسب به څومره اغېزناک تمام شي؟ کومه پوښتنه چې ځوابول به یې له فرضیو پرته، له وخت څخه وړاندې کار وي. د پاکستان د لومړي وزیر په توګه د عمران خان له ټاکل کېدو څخه وروسته د زمري په ۷ ولسمشر محمداشرف غني عمران خان ته ټیلیفون وکړ او نوموړي ته یې د پاکستان د لومړي وزیر په توګه د بریا مبارکي ویلو تر څنګ کابل ته د راتګ بلنه هم ورکړه. له دې وروسته ولسمشر غني په خپله ټویټر پاڼه کې ولیکل

چې له عمران خان سره یې د تېر په هېرولو او د یوه روښانه سیاسي، ټولنیز او اقتصادي راتلونکې لپاره د نوي پړاو په پرانیستلو کې هوکړې ته ورسېد.

عمران خان واک ته له رسېدو وروسته په یوې وینا کې وویل چې له افغانستان سره د اړیکو ښه کولو لپاره به کوټلي گامونه اخلي. ځکه د پاکستان ثبات او پرمختگ د افغانستان په سولې پورې تړلی دی او د افغانستان-پاکستان ترمنځ به سرحدي او د پاسپورټ محدودیتونه هم له منځه یوسي چې د نوموړي یاده وینا د ډېرو افغانانو او پاکستانیانو له تود هرکلي سره مخ شوه، خو حقیقت د خبرې دا دی چې دا هر څه هغه وخت شونتیا پیدا کوي چې د پوځ په ذهنیت کې په ریښتوني ډول سره بدلون راشي. ځکه چې آصف علي زرداري هم واک ته د رسېدو په وخت کې د عمران خان په څېر خبرې کړې وې، هغه بیا ویلي و چې پاکستان هند ته گواښ نه پېښوي، خو ډېر ژر په ممبېي کې ترهگریز برید وشو او هند دې ته اړ شو چې په خپلې پالیسي کې بدلون راولي. همداراز د پاکستان پخواني لومړي وزیر نوازشریف هم هڅه کوله چې له هند سره سوله او له افغانستان سره مرسته وکړي، خو مور ولیدل چې له هغه سره څه وشول. که چېرته عمران خان هم په پاکستان کې د پوځ له سرو کرښو څخه واوړي او یا لږ تر لږه په څه نا څه بې پروایۍ سره ستراتیژیکو مسایلو ته لاس ور وړي، نو له شک پرته به د نوموړي انجام هم د پخوانیو په شان وي.

اوس د عمران خان په مشرۍ د پاکستان نوی حکومت هڅه کوي چې نور له افغانستان سره خپلې اړیکې ورغوي او بېرته د ناټو، امریکا او نړیوالو نورو هېوادونو د باور په خپلولو سره له اوسني منزوي حالت څخه ځان وژغوري. ځکه پاکستان له یوې خوا له افغانستان سره د ښو اړیکو نه لرلو له امله په سیمه کې د هند پر وړاندې منزوي شوی، د امریکا او لوېدیځو هېوادونو ډېرې مرستې پرې بندې شوي، له افغانستان سره یې د سوداگرۍ کچه ټیټه شوې او په سیمه او افغانستان کې د ترهگریزو چارو د پر مخ بېولو له کبله یې ډېر مالي زیان لیدلی دی. له همدې امله اوس په پاکستان کې اقتصادي ستونزو سر پورته کړی؛ د ډالرو پر وړاندې پاکستانۍ روپۍ ورځ تر بلې ټیټېږي او د پاکستان پورونه په تیره بیا د چین پورونه هم ورځ تر بلې ډېرېږي. له بلې خوا که په افغانستان کې امن او ثبات ټینګ نشي، نو په

———— په پاکستان کې د تحریک انصاف گوند واک ته رسېدل او پر افغان-پاک ...

افغانستان کې د پاکستان د ستراتیژیک اقتصادي ملگري یعنی چین لویې پروژې هم له گواښ سره مخ کېدای شي چې له امله به یې پاکستان د چین ملاتړ هم له لاسه ورکړي.

په هر صورت، د پاکستان د لومړي وزیر په توگه د عمران خان ویناوو ته په پام سره اوس د دې وخت را رسېدلی چې د افغانستان-پاکستان اړیکې نورې ښې شي او پاکستان د افغانستان د سولې په برخه کې په ریښتوني ډول سره مرسته وکړي. په پاکستان کې د نوي حکومت په رامنځ ته کېدو سره عمران خان ویلي و چې د افغانستان-پاکستان ترمنځ د خلاصو پولو سیستم پلوي کوي او تمه لري چې د کابل او اسلام آباد اړیکې تر دې کچې ښې شي، ترڅو د اروپایي اتحادیې په شان خپلې پولې مدیریت کړي، کومه تمه چې د پخواني افغان ولسمشر حامد کرزي او اوسني ولسمشر محمد اشرف غني هم ده. په تېرو دوو کلونو کې د افغانستان-پاکستان ډېرو لوړپوړو امنیتي چارواکو اسلام آباد او کابل ته د اړیکو د ښه والي په موخه تگ راتگ وکړ، خو د پام وړ پایله یې نه درلوده. په دې وروستیو کې د زلمي خلیلزاد له ټاکل کېدو وروسته یو ځل بیا د افغانستان د سولې په هکله ناستې ډېرې شوې دي او تمه ده چې د پاکستان د پخواني ولسمشر پرویز مشرف په وینا په افغانستان کې نور د پاکستان نیابتي جگړه پای ته ورسېږي.^۸

د پاکستان د بهرنیو چارو وزیر شاه محمود قریشي د روان کال د قوس په ۲۴ د دویم ځل لپاره د افغانستان، پاکستان او چین تر منځ درې اړخیزه غونډه کې د گډون په موخه کابل ته راغی. نوموړي له ولسمشر محمد اشرف غني سره له لیدنې وروسته له خپل افغان سیال صلاح الدین رباني سره هم وکتل او د دوه اړخیزو اړیکو د پیاوړتیا تر څنگ یې د سولې د بین الافغاني مذاکراتو څخه ملاتړ اعلان کړ.^۹ په ټوله کې داسې ویلای شو چې په پاکستان کې د نوي حکومت په منځ ته راتگ سره د افغانستان-پاکستان ترمنځ د اړیکو د ښه کېدو په موخه دواړو لوریو خپلې ټینګې ارادې ښودلي او د دواړو هېوادونو په اړیکو کې یو نوی باب پرانیستل شوی دی. همداراز تمه ده چې د افغانستان-پاکستان په اړیکو کې د مثبت بدلون په راتگ سره دواړه هېوادونه بېرته په خپلو کې ښې او دوستانه اړیکې ټینګې کړي.

پایله

د پاکستان تحریک انصاف گوند (Pakistan Tehreek-e-Insaf) په ۱۹۹۶ ز. کال کې د پاکستان د ملي کرکټ پخواني لوبډلمشر عمران خان له خوا رامنځ ته شوی دی، ترڅو د نوموړي د باور پر بنسټ په پاکستان کې ټول شتمن او نه شتمن پاکستانی وگړي په آسانی سره عدالت ته یو شان لاس رسی پیدا کړي او پاکستان د سیاسي ثبات، ټولنیزې همغږۍ او اقتصادي سوکالی پر لوري بوځي. د پاکستان تحریک انصاف گوند له ۲۲ کلونو پر له پسې سیاسي هڅو څخه وروسته د لومړي ځل لپاره په دې وتوانېد چې د پاکستان د ۲۰۱۸ ز. کال په ټاکنو کې تر ټولو ډېرې رایې واخلي او په پایله کې یې په پاکستان کې یو ائتلافي حکومت رامنځ ته کړي. په پاکستان کې د تحریک انصاف گوند له واک ته رسېدو څخه وروسته د افغانستان ولسمشر محمد اشرف غني هم عمران خان ته په یوې ټیلیفوني اړیکه کې د پاکستان د لومړي وزیر په توگه د بریا مبارکي وویلې او د دې تر څنګ یې افغانستان ته د راتگ بلنه هم ورکړه. د ولسمشر غني په وینا په دې ټیلیفوني اړیکه کې دواړه لوري د افغانستان-پاکستان په اړیکو کې د یوه نوي پړاو په پیلولو سره هم سلا شول. دا په داسې حال کې ده چې له دې وړاندې دواړو حکومتونو یو بل په خپله خاوره کې د خپلو وسله والو مخالفینو په ملاتړ تورنول. د پاکستان د لومړي وزیر په توگه د عمران خان له ټاکل کېدو وروسته نوموړي د افغانستان په هکله څرگندونې وکړې او ویې ویل چې افغانستان د پاکستان یو گاونډی هېواد دی او د افغانستان سوله د پاکستان سوله ده. نوموړي همداراز زیاته کړه چې د ده دولت به د افغانستان د سولې په برخه کې بشپړه همکاري وکړي او د دواړو هېوادونو ترمنځ به د خلاصو پولو سیستم رامنځ ته کړي. د نوموړي یادو څرگندونو په پاکستان او افغانستان کې ډېر پلویان وموندل او په دې سره یو ځل بیا د افغانستان-پاکستان په اړیکو کې د اړیکو ښه کولو نوې هیلې را پیدا شوې. لنډه دا چې د یادو موخو او افغانستان سره د پاکستان د اړیکو ښه کولو له پاره د روان کال په ډسمبر کې د پاکستان د بهرنیو چارو وزیر شاه محمود قریشي دوه ځلې کابل ته سفر وکړ او له ولسمشر غني سره له لیدنې وروسته یې خپل افغان سیال صلاح الدین رباني سره هم ولیدل. په دې ناستو کې قریشي د افغانستان-پاکستان ترمنځ د اړیکو ښه کولو

———— په پاکستان کې د تحریک انصاف گوند واک ته رسېدل او پر افغان-پاک ...
تر څنگ د افغانانو په مشرۍ د افغانستان د سولې په برخه کې د پاکستان د مرستو
ژمنې هم وکړې، چې په ټوله کې یو ځل بیا د دواړو هېوادونو ترمنځ د اړیکو بڼه
کېدو هېلې ټوکېدلې دي.

وړاندیزونه

په پاکستان کې د تحریک انصاف گوند واک ته رسېدل او پر افغان-پاک اړیکو یې
اغېزې تر سرلیک لاندې علمي-څېړنیزې مقالې په پای کې د افغانستان اسلامي
جمهوري دولت ته وړاندیز کېږي، ترڅو په پاکستان کې د تحریک انصاف گوند او د
یاد گوند له لور پورې سره نښې اړیکې ټینګې کړي، ترڅو له مخې یې د
افغانستان-پاکستان د اړیکو په بڼه کولو کې ترې مؤثره گټه پورته شي او د پاکستان
له تحریک انصاف گوند څخه دې چې اوسمهال په پاکستان کې واک ته رسېدلی،
د افغانستان د سولې په پروسه کې د پاکستان د مثبت رول لوبولو غوښتنه وکړي؛
کوم څه چې نه یوازې د افغانستان بلکې د پاکستان او ټولې سیمې په خیر او
مصلحت تمامېدلای شي. پر دې سربېره دې د افغانستان اسلامي جمهوري دولت د
سیمې او نړۍ له نورو هېوادونو څخه هم وغواړي چې د افغانستان پر وړاندې د
پاکستان له دوه مخي سیاست څخه د لاس اخیستو او د پاکستان په پالیسۍ کې د
مثبت بدلون غوښتونکي شي، ترڅو په پایله کې یې افغانستان او سیمه سیاسي،
امنیتي او اقتصادي پرمختګ ته لاس رسی پیدا کړي.

مأخذونه

^۱ The famous people, Leaders, Imran khan biography, August ۲۳, ۲۰۱۸.

Online available at:

<https://www.thefamouspeople.com/profiles/imran-khan-niazi-۱۶۶۸.php>

^۲ The news, Pakistan, Imran Khan elected ۲۲nd Prime Minister of Pakistan,

August ۱۷, ۲۰۱۸. Online available at:

<https://www.thenews.com.pk/latest/۳۵۶۵۰۶-imran-khan-elected-۲۲nd-prime-minister-of-pakistan>

^۳ Pakistan Tehreek-e-Insaf, leadership, Imran khan, August ۲۳, ۲۰۱۸. Online available at: <http://www.insaf.pk/public/insafpk/leadership>

^۴ Election Pakistan, constituency profile, July ۲۳, ۲۰۱۸. Online available at: <https://electionpakistan.com/constituency-profile/?assembly=۵&election>

^۵ Internet archive, wayback machine, Party Position (National Assembly), Friday, May ۳۱, ۲۰۱۳. Online available at: <https://web.archive.org/web/۲۰۱۶۰۵۲۶۰۴۴۳۴۸/http://ecp.gov.pk/overall-partyposition۳۱۰۵۲۰۱۳۱۵۳۰.pdf>

^۶ Aljazeera, news, Pakistan elections ۲۰۱۸: All the latest updates, Final results expected on Friday as Imran Khan's PTI emerges as largest party, but falls short of majority. ۲۷ Jul ۲۰۱۸. Online available at: <https://www.aljazeera.com/news/۲۰۱۸/۰۷/pakistan-elections-۲۰۱۸-latest-updates-۱۸۰۷۲۴۰۵۵۵۵۵۴۱۰.html>

^۷ بی بی سی پښتو، تحریک انصاف گوند عمران خان لومړي وزارت ته ونوماوه، ۱۵ زمری ۱۳۹۷. د لا ډېرو معلوماتو له پاره لاندې لینک ته مراجعه وکړئ. <https://www.bbc.com/pashto/۴۵۰۸۶۶۹۴>

^۸ خبرگزاری دید، زمان ترمیم روابط کابل و اسلام‌آباد فرا رسیده است؟ ۸ اسد ۱۳۹۷. د لا ډېرو معلوماتو له پاره لاندې لینک ته مراجعه وکړئ. <https://www.didpress.com>

^۹ سپوتنیک نیوز، افغانستان، وزیر خارجه پاکستان وارد کابل شد، ۲۴/۱۲/۲۰۱۸. د لا ډېرو معلوماتو له پاره لاندې لینک ته مراجعه وکړئ. <https://af.sputniknews.com/world>

محقق نعمت الله اخگر

بررسی وضعیت حقوق بشر در سوریه و یمن

پس از بحران

Review of the human rights situation in Syria and Yemen After the crisis

Nimatulla Akhgar

Abstract: The use of violence against people in Syria and the intervention of regional and global powers has caused widespread human rights violations. In Yemen tribal breakaway structure and the intervention of regional powers such as Iran and Saudi Arabia caused one of the worst humanitarian crises.

In both countries, there are widespread violations of human rights standards, that civilian and children deaths, attacks on public utilities and hospitals, permanent disability of citizens of two country, torture, displacement and migration and the use of chemical prohibited weapons against citizens are the prominent examples of human rights violations.

خلاصه

کاربرد خشونت در برابر اعتراضات مردمی در سوریه و مداخله قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی، باعث نقض گسترده موازین حقوق بشری گردیده است. در یمن ساختار شکننده قبیله‌ای و مداخله قدرت‌های منطقه‌ای نظیر ایران و عربستان سعودی، یکی از بدترین بحران انسانی را خلق نموده اند. در هر دو کشور شاهد

نقض گسترده موازین حقوق بشری هستیم که کشتار غیرنظامیان و کودکان، حمله بر تأسیسات عام‌المنفعه و شفاخانه‌ها، معلولیت دایمی شهروندان دو کشور، شکنجه، آوارگی و مهاجرت و استفاده از سلاح‌های ممنوعه شیمیایی علیه شهروندان، نمونه بارزی آنها می‌باشند.

مقدمه

بهار عربی بسیاری از معادلات سیاسی موجود در حوزه خاورمیانه را تغییر داد و حکومت‌های حاکم بر چند کشور عربی را به سقوط مواجه ساخت؛ اما در کنار این تحولات در مواردی حقوق شهروندان نیز در معرض خطر قرار گرفت به گونه‌ای که نقض حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین بشری را در بسیاری از این کشورها نمی‌توان نادیده گرفت ولی دامنه نقض حقوق بشر در سوریه پس از سال ۲۰۱۱ م. و در یمن پس از سال ۲۰۱۵ م. گسترده‌ترین موارد نقض حقوق بشر را در منطقه رقم زده است.

سوریه پس از سال ۲۰۱۱ م. و یمن پس از سال ۲۰۱۵ م. وارد بحران داخلی تمام عیار شد و مداخله کشورهای منطقه و قدرت‌های بزرگ جهانی، دامنه بحران در این دو کشور را گسترده‌تر ساخت؛ جنگ و شرایط بوجود آمده از بحران در هر دو کشور باعث نقض گسترده موازین حقوق بشری گردید؛ موارد نقض حقوق بشر را از کشتار غیرنظامیان گرفته تا حمله بر تأسیسات عام‌المنفعه و غیر نظامی، شکنجه، آوارگی و مهاجرت و معلولیت شهروندان، می‌توان در هر دو کشور به وضوح دید.

ارایه آمار دقیق از نقض حقوق بشر و اینکه چه کسانی مرتکب نقض موازین حقوق بشری گردیده است به دلیل شرایط جنگی حاکم بر هر دو کشور دشوار به نظر می‌رسد، بناءً در طرح موارد نقض حقوق بشر در این دو کشور به آمار و ارقامی اشاره خواهیم نمود که توسط خبرگزاری‌های معتبر بین‌المللی مطرح شده است و طرح این نوشتار بعد سیاسی نداشته و بطور بی طرفانه به موارد نقض حقوق بشر در یمن و سوریه می‌پردازد. برای طرح خوب‌تر مسایل آنرا طی دو قسمت بررسی می‌کنیم در نخست به بررسی وضعیت حقوق بشر در سوریه پس از بحران پرداخته خواهد شد و قسمت دوم این نوشتار به بررسی وضعیت حقوق بشر در یمن پس از بحران اختصاص یافته است. سوال اساسی که مطرح است این است که دامنه نقض

_____ بررسی وضعیت حقوق بشر در سوریه و یمن پس از بحران

حقوق بشر در سوریه و یمن پس از بحران به چه میزانی بوده و کدام موارد را در برمی‌گیرد؟ فرضیه قابل طرح در این خصوص این است که دامنه نقض حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین بشری در این دو کشور پس از بحران گسترده بوده و از کشتار غیر نظامیان و کودکان گرفته تا حمله بر تأسیسات عام‌المنفعه، معلولیت شهروندان و شکنجه آنها را در بر دارد.

اهمیت: بررسی حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین بشری مطابق اسناد بین‌الملل حقوق بشر، همواره درخور اهمیت و تأمل است و بررسی موارد نقض آن، زمینه خوبی برای مدد رسانی به قربانیان را فراهم می‌کند.

مبرمیت: بررسی وضعیت حقوق بشری کشورها، بخصوص در نظام‌های بسته و تمامیت‌خواه خاورمیانه، یکی از ضرورت‌های زمان بوده و از این جهت از مبرمیت برخوردار است.

میتود تحقیق: برای تحقیق خوب‌تر داده‌ها در این نوشتار از میتود توصیفی-تحلیلی استفاده گردیده است.

الف) بررسی وضعیت حقوق بشر در سوریه پس از بحران

کشورها به اساس اسناد بین‌المللی، بخصوص به اساس قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی مکلف به رعایت برخی از اصول و قواعدی می‌باشند که در بحران و جنگ، افراد غیرنظامی مصئون بمانند، به زخمی‌ها و کودکان بطور جدی رسیده صورت گیرد، تأسیسات عام‌المنفعه از تعرض طرف‌های درگیر در امان باشند و افراد غیرنظامی از صدمات جنگ به دور بمانند و در نتیجه موازین حقوق بشری توسط طرف‌های درگیر نقض نشود، این قواعد که توسط کمیته بین‌المللی صلیب سرخ تحت عنوان قواعد اساسی حقوق بشردوستانه بین‌المللی در درگیری‌های مسلحانه مطرح شده است قرار ذیل اند:

۱- افراد ناتوان از جنگ و کسانی که نقش مستقیمی در درگیری‌ها ندارند، از این حق برخوردار اند که جان و تمامیت اخلاقی و جسمی آنان محفوظ بماند. تحت هر شرایطی از آنان مراقبت به عمل آمده و بی هیچ تبعیض، با آنان رفتار انسانی صورت گیرد.

۲- کشتن یا مجروح کردن دشمن تسلیم شده یا ناتوان از جنگ ممنوع است.

۳- هریک از طرف‌های درگیر، باید مجروحان و بیماران تحت اختیار خویش را جمع‌آوری نموده، مورد مراقبت قرار بدهند. کارکنان مؤسسات، وسایل نقلیه و تجهیزات بهداشتی نیز از حمایت برخوردارند. علامت صلیب سرخ یا هلال احمر، نشانه‌چنین حمایتی است و باید محترم شمرده شود.

۴- جنگجویانی که به اسارت درآمده‌اند و نیز غیرنظامیانی که تحت سلطه دشمن قرار گرفته‌اند، از این حق برخوردارند که حیات، کرامت، حقوق فردی و باورهای آنان محترم شمرده شود. آنان باید در برابر تمامی اقدامات خشونت‌بار و تلافی‌جویانه محافظت گردیده و از حق نامه‌نگاری و تماس با خانواده‌های خود و دریافت کمک برخوردار باشند.

۵- تمام افراد از این حق برخوردارند که از تضمینات قضایی اساسی بهره‌مند گردند. هیچ‌کس نباید مسئول عملی قلمداد شود که مرتکب نشده است. هیچ‌کس نباید در معرض شکنجه جسمی، روانی، مجازات بدنی یا رفتار بی‌رحمانه یا ظالمانه قرار گیرد.

۶- طرف‌های درگیر و اعضای نیروهای مسلح آنها از اختیارات نامحدود در به کارگیری شیوه‌های جنگی که ماهیتاً تلفات غیرضروری یا رنج بیش از حد به جای می‌گذارند، برخوردار نیستند.

۷- طرف‌های درگیر باید همواره میان افراد غیرنظامی و رزمندگان تمایز قایل شوند تا به اموال و افراد غیرنظامی آسیبی نرسد. سکنه غیرنظامی و افراد عادی نباید هدف حمله قرار گیرند، حملات باید منحصراً متوجه اهداف نظامی باشد. (۱)

به اساس اصول فوق‌جان و مال نظامیان باید توسط طرف‌های درگیر صدمه نبیند و مصئون باشد، تأسیسات عام‌المنفعه و بهداشتی نباید مورد حملات غیرنظامی قرار گیرند، شکنجه و رفتار غیرانسانی ممنوع است و اسیران جنگی نیز نباید مورد بدرفتاری قرار گیرند و تعذیب شوند اما اصول فوق‌الذکر در هردو بحران هم در سوریه و هم در یمن مکرراً توسط طرف‌های درگیر نقض گردیده است که اینک به اهم این موارد پرداخته می‌شود.

بشاراسد به اساس میراثی بودن قدرت در سوریه پس از مرگ پدرش حافظ‌اسد، قدرت را در سوریه به دست گرفت و بدون هیچ دغدغه‌ای بر سوریه حکومت می‌کرد

_____ بررسی وضعیت حقوق بشر در سوریه و یمن پس از بحران

تا اینکه بهار عربی زمینه اعتراضات را بر علیه حکومت‌های مطلقه در بسیاری از کشورهای عربی فراهم نمود و از این روند حکومت بشاراسد نیز مصئون نماند؛ تمامیت‌خواهی و استبداد دولت اسد با اعتراضات مردم مواجه شد ولی حکومت سوریه به جای پاسخ قانع کننده به اعتراضات مردم که از جمله حقوق بنیادین شهروندان هر کشور است این اعتراضات را با گلوله پاسخ داد و این مسئله نخستین حرکت برای نقض حقوق بشر در سوریه بود چون مطابق اسناد بین‌المللی حقوق بشر، شهروندان حق اعتراض از عملکرد حکومت‌ها را دارند و حکومت به هیچ عنوان نمی‌تواند در مقابل اعتراضات مسالمت از خشونت کار گیرند" ولی حکومت بشاراسد در سال ۲۰۱۱ م. با شلیک گلوله بر معترضین که برای احقاق حق سیاسی و مدنی شان گرد آمده بودند، ۸۸ نفر را کشت و این مسئله زمینه ساز اعتراضات گسترده‌تر در سطح سوریه شد." (۲)

ادامه بحران در سوریه و تقابل دولت با مردم و دخالت کشورهای منطقه و قدرت‌های بزرگ جهانی در بحران سوریه باعث وخامت وضعیت حقوق بشر در سوریه گردید و تشدید جنگ در شهرهای کلان سوریه در نخستین قدم باعث افزایش تلفات غیرنظامیان در سوریه گردید. این بحران که از سال ۲۰۱۱ م. آغاز و تا حالا هم ادامه دارد و اُمیدی برای ختم بحران در کوتاه مدت در این کشور دیده نمی‌شود،" این بحران از آغاز تا حال بیش از ۴۰۰ هزار قربانی داشته که نصف آنها را غیر نظامیان تشکیل می‌دهد." (۳)

از چنین وضعیت اسفبار، کودکان به عنوان آسیب‌پذیر ترین قشر جامعه، هم از لحاظ روانی و هم از لحاظ جسمی، متأثر شده اند؛ تقابل، جنگ و خشونت چندساله در این کشور هزاران قربانی از کودکان سوری گرفته است که در نوع خود در نقض حقوق کودکان در منطقه بی‌سابقه بوده است؛ در حالیکه مطابق مطابق ماده ۳۸ کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ م. دولت‌ها مکلف به رعایت اصول حقوق بشردوستانه در مورد کودکان می‌باشند" ولی به اساس آمار موجود بیش از ۱۷ هزار کودک سوری زیر سن ۱۷ سال جان‌های شان را از دست داده اند که عمدتاً این کشتار به وسیله انفجار بم و حملات هوایی اتفاق افتاده است." (۴)

چنانچه در فوق بررسی شد دامنه نقض حقوق بشر در سوریه گسترده بوده است، در این کشور در کنار تلفات کودکان و شهروندان غیرنظامی، بحران ناشی از بازی قدرت در سوریه؛ بسیاری از شهروندان این کشور را زخمی نموده و یا به معلولیت دائمی دچار نموده است؛ ارقام موجود در این بخش ضد و نقیض است ولی نظر به ابعاد گسترده بحران؛ شهروندان زیادی زخمی و یا به معلولیت دائمی دچار شده اند؛ چنانچه "این جنگ ۱٫۵ میلیون معلول منجمله ۸۶ هزارتن با قطع عضو بر جای گذاشته است." (۵)

افزون بر آنچه در فوق گفته شد؛ محل بود و باش غیرنظامیان که به اساس اسناد بین‌المللی حقوق بشر از تعرض مصئون می‌باشد، مورد حمله گروه‌های درگیر در جنگ قرار گرفتند و این امر باعث گردید تا بسیاری از شهروندان سوری، مجبور به ترک سوریه شوند، در حالیکه مطابق کنوانسیون ژنیو مصوب سال ۱۹۴۹م. طرف‌های درگیر مکلف به حمایت از جان و مال غیرنظامیان بوده و باید آسیب‌پذیری غیرنظامیان را به حداقل برسانند ولی چنانچه ملاحظه شد در جنگ سوریه چنین موردی به وضوح نقض گردیده است، چنانچه "از آغاز جنگ از سال ۲۰۱۱ تا کنون بیش از ۵۳٪ از نفوس سوریه آواره شده اند که بیش از ۵٫۶ میلیون نفر به خارج از کشور مهاجر شده اند و این بحران بیش از ۶٫۱ میلیون نفر بیجا شدگان داخلی داشته است و در واقع بیش از ۵۳٪ نفوس سوریه تمامی دار و ندار خود را رها نموده و سوریه را ترک گفته اند." (۶)

طوریکه در فوق بررسی شد، تلفات غیرنظامیان، کشتار کودکان و زنان، زخمی و معلولیت شهروندان سوری و هدف قرار دادن منازل شخصی افراد توسط نظامیان و گروه‌های درگیر؛ قواعد حقوق بشر دوستانه بین‌المللی که در فوق بررسی شد نیز توسط گروه‌های درگیر در بحران سوریه نقض شده است، به اساس قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی، تأسیسات عام المنفعه و مدرسانان حقوق بشری، نباید اهداف نظامی تلقی گردد و مورد حمله قرار گیرد ولی در بحران سوریه مراکز صحتی و مدد رسانان حقوق بشری همواره مورد هدف گروه‌های درگیر در بحران قرار گرفته است. چنانچه "از آغاز بحران سوریه تا اکنون ۴۹۲ بار مراکز صحتی و درمانی مورد حملات گروه‌های درگیر در بحران سوریه قرار گرفته است و بیش از ۸۴۷ تن از

بررسی وضعیت حقوق بشر در سوریه و یمن پس از بحران

کارمندان صحتی و فعالین حقوق بشری کشته شده اند. که این مسئله به وضوح نقض قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی را نشان می‌دهد که توسط گروه‌های درگیر در این بحران نقض شده است." (۷)

در کنار مسایل متذکره در فوق، بی‌رحمی و شقاوت رژیم اسد، گسترش ساحه نفوذ گروه‌های تروریستی و مداخله قدرت‌های منطقه‌یی و جهانی، به گستردگی فاجعه انسانی و نقض حقوق بشر در سوریه افزود؛ این مسئله بر علاوه بر جا گذاشتن تلفات انسانی وسیع؛ بیجاشدگان قابل ملاحظه در داخل و مهاجرت عده کثیری از شهروندان سوریه به خارج از این کشور؛ بسیاری از مردم سوریه زخمی شدند که به اساس آمارهای موجود، "از هر ۱۰ نفر از جمعیت سوریه، یک نفر زخمی داشته است که تعداد آن به بیش از ۱,۸۸ میلیون نفر می‌رسد و در کل ۱۱,۵ فیصد از نفوس سوریه کشته و یا زخمی شده اند." (۸)

افزون بر موارد متذکره که نقض صریح و آشکار حقوق بشر را نشان می‌دهد، به اساس گزارش و اسناد موجود، رژیم اسد بر علیه شهروندان سوریه از سلاح شیمیایی نیز کار گرفته است که کاربرد آنها به اساس پیمان منع گسترش سلاح‌های شیمیایی ممنوع می‌باشد چون این نوع سلاح‌ها علاوه بر اینکه باعث خسارات جانی و مالی بر افراد غیر نظامی می‌گردد؛ تبعات خطرناک محیط‌زیستی و بروز امراض خطرناک و مهلکی را نیز در پی دارد و فی‌نفسه یکی از موارد بارز نقض پیمان منع گسترش سلاح‌های شیمیایی و نقض صریح موازین حقوق بشری پنداشته می‌شود و دولت بشار اسد نیز کنوانسیون منع جنگ افزارهای شیمیایی را تأیید کرده است؛ این کنوانسیون که در سال ۱۹۹۳ م. به تأیید ۱۶۵ کشور رسیده است، دولت‌ها را مکلف می‌سازد که از نباشت و استعمال سلاح‌های شیمیایی که آثار مخربی بر جا می‌گذارند، بپرهیزند ولی دولت اسد که به این کنوانسیون الحاق ورزیده بود، با استفاده از سلاح‌های ممنوعه شیمیایی به وضوح مفاد کنوانسیون فوق را نقض نموده است. چنانچه "گروه دیدبان حقوق بشر سوریه که مرکز آن در بریتانیاست، اعلام کرده که ۶۰ شهروند غوطه شرقی به خاطر استفاده از سلاح‌های شیمیایی در منطقه به شفاخانه‌ها مراجعه کرده‌اند. سازمان امدادگر "جامعه طبی سوریه و امریکا (Sams)" نیز اعلام کرده که علائمی چون تنگی نفس و سوزش

چشم و پوست در این بیماران نشان‌دهنده استفاده از گاز سمی کلور است. این سازمان امدادگر منبع خبر خود را داکترانی اعلام کرد که در یک شفاخانه در غوطه شرقی به مداوای ۲۹ بیمار مشغول بوده‌اند؛ بیمارانی که علائم آلودگی به مواد شیمیایی بر بدن آنها مشاهده شده است." (۹)

وضعیت آشفته و رقت‌بار حاکم بر سوریه باعث بی‌سرنوشتی، آوارگی، مهاجرت بسیاری از شهروندان سوریه گردیده و در این میان کسانی هم هستند که از بودن و نبودن آنها خبری نیست؛ تعداد آنها قابل ملاحظه می‌باشد و بارها نهادها و سازمان‌های حقوق بشر نگرانی شان را به خاطر افراد مفقودالایر اعلام کرده‌اند و این مورد را بدترین مورد نقض حقوق انسانی دانسته و آنرا محکوم نموده‌اند؛ به اساس آمار شبکه حقوق بشر سوریه مستقر در بریتانیا، "بیشتر از ۶۵ هزار نفر از شهروندان سوریه مفقودالایر هستند و بیش از ۲۰۰ هزار نفر از شهروندان این کشور یا به وسیله گروه‌های تروریستی یا به وسیله رژیم اسد، دستگیر و زندانی گردیده‌اند که از سرنوشت آنها نیز نامعلوم گفته شده است." (۱۰)

افزون بر آنچه در موارد فوق بررسی شد، طرف‌های درگیر در جنگ سوریه به موارد متذکره، بسنده نکردند و به نقض حقوق و آزادی‌های بنیادین بشری شهروندان سوریه ادامه دادند و وضعیت به حدی وخیم گردید که سازمان‌های امداد رسان در بسیاری موارد موفق نشدند که کمک‌های انسانی را به نیازمندان گیر افتاده در جنگ برسانند. گاهی طرف‌های درگیر از محاصره غیرنظامیان در جنگ به عنوان ابزاری برای تحت فشار قراردادن دشمن استفاده می‌کنند که مطابق پروتوکول الحاقی کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنیوا، این عمل غیرانسانی و مخالف ارزش‌های انسانی پنداشته می‌شود. "این مورد را سازمان ملل نیز تأیید کرده و آنرا "تاکتیک جنگی" دانسته است. به اساس گزارش شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، ۱۶ هزار نفر ساکن اردوگاه یرموک هستند و ۴۰ درصد کودکان این اردوگاه از سوءتغذیه رنج می‌برند. پائولو سرجیو پینه‌ریو، رئیس کمیته تحقیق سوریه در شورای حقوق بشر سازمان ملل می‌گوید: «محاصره و جلوگیری از رسیدن کمک‌های انسانی به آسیب‌پذیرترین افراد، آنان را به سوی مرگ می‌برد." (۱۱)

بررسی وضعیت حقوق بشر در سوریه و یمن پس از بحران

بنا بر این مداخله قدرت‌های مختلف منطقه‌یی و جهانی، شقاوت دولت سوریه، گسترش دامنه فعالیت‌های گروه‌های تروریستی و حتی استفاده از سلاح‌های ممنوعه شیمیایی؛ باعث نقض گسترده حقوق بشر در این کشور گردید که به برخی از عمده‌ترین موارد آن در فوق اشاره شد که از کشتار غیرنظامیان گرفته تا شکنجه و معلولیت شهروندان سوریه را دربر می‌گرفت. اما اینکه این جنایات و تعدی از موازین حقوق بشر بطور موردی توسط کدام گروه‌ها و یا دولت‌ها صورت گرفته، بخاطر اینکه زمینه تحقیقات میدانی برای رسانه و سازمان‌های حقوق بشر مساعد نبود، نمی‌توان آنرا در یک نوشته علمی-تحقیقی، بدون مدارک اثباتیه مطرح کرد ولی آنچه مبرهن است، این است که شهروندان سوریه شاهد یکی از فجیع‌ترین بحران انسانی در تاریخ منطقه بوده اند.

ب) بررسی وضعیت حقوق بشر در یمن

جنگ و بحران در یمن از سال ۲۰۱۵م. به بهانه اصلاحات سیاسی آغاز شد؛ دولت مرکزی و مورد قبول کشورهای قدرتمند عربی نظیر عربستان سعودی، امارات، قطر و غیره که به رهبر عبدربه منصور هادی، قدرت سیاسی در یمن را در دست داشت و مورد تأیید سازمان ملل متحد نیز قرار داشت با اعتراضاتی از طرف چند جناح مواجه شد که عمده‌ترین آنها جنبش حراک جنوبی، حوثی‌ها و طرفداران علی عبدالله صالح بودند. البته نقش گروه‌های تروریستی نظیر القاعده و داعش را نیز نمی‌توان نادیده گرفت. یمن با داشتن ساختار اجتماعی به شدت قبیلوی و اقتصاد ضعیف در میان کشورهای عربی، بستری مساعدی برای تنش و بحران به حساب می‌آید؛ حساسیت‌های داخلی و مداخله قدرت‌های عربی تحت عنوان ائتلاف عربی به رهبری عربستان سعودی و مداخله ایران در حمایت از حوثی‌ها؛ وضعیت در یمن را آشفته‌تر و بحرانی‌تر از پیش ساخت. بحران در این کشور ضعیف عربی، باعث نقض قواعد حقوق بشر دوستانه بین‌الملل و تخطی از بسیاری از موازین حقوق بشری گردید و بحران انسانی را خلق نمود که دست کمی از بحران سوریه که در فوق بررسی شد ندارد. در مجموع به اساس "آمار موسسه تحقیقاتی در منازعات مسلحانه (ACLED) از آغاز ۲۰۱۵م تا اکنون بیش‌تر از ۵۶ هزار نفر کشته شده اند ولی به اساس آمارهای دیگر این رقم تا ۸۰ هزار نفر می‌رسد

و بعد از سال ۲۰۱۶م که جنگ شدت می‌یابد تلفات ملکی در هر ماه ۲۰۰۰ نفر افزایش یافته است." (۱۲)

ادامه بحران و منازعات مسلحانه در یمن برای شهروندان این کشور سنگین تمام شده است؛ کودکان به عنوان قشر آسیب‌پذیر اجتماع از این روند بیشتر از هر بخش دیگری اجتماع متضرر شده است، کودکانی که به اساس ماده ۳۸ کنوانسیون حقوق کودکان مصوب ۱۹۸۹م. مجمع عمومی سازمان ملل متحد، باید از گزند جنگ و منازعات مسلحانه در امان باشد و نباید صدمه‌ای ببینند. به اساس آمار که یونیسف (UNICEF) یا اداره حمایت از کودکان سازمان ملل متحد اعلام کرده که "در جنگ یمن پنج کودک در هر روز به اثر جنگ یا عدم دسترسی به امکانات صحتی و غذایی از آغاز بحران تا اکنون جان باخته اند. که تعداد کشته شدگان کودک در این جنگ به بیش از ۵۰۰۰ کودک می‌رسد؛ همچنان به اثر این بحران ۲ میلیون کودک یمنی از مکتب محروم گردیده و ۴۰۰ هزار کودک یمنی به سوء تغذی مفرط دچار هستند که در بین مرگ و زندگی دست و پنجه می‌زنند." (۱۳)

علاوه بر مورد فوق‌الذکر، در این بحران عمیق انسانی افزون بر کشتار غیر نظامیان و نقض کنوانسیون حقوق کودکان، بسیاری از شهروندان یمنی زخمی شده اند که بخش عمده از آنها را غیرنظامیان تشکیل می‌دهد و هر روز با شدت یافتن جنگ و درگیری‌های مسلحانه، تعداد قابل ملاحظه‌ای از افراد ملکی که باید مطابق موازین حقوق بشری مصئون باشند، زخمی شدند و یا به معلولیت دایمی دچار گردیده اند. چنانچه "این بحران بیش از از ۵۴ هزار زخمی برجای گذاشته است و سازمان ملل از آن به عنوان «بدترین بحرانی انسانی در جهان» یاد می‌کند." (۱۴)

از گفته‌های فوق چنین برمی‌آید که بازی قدرت در بُعد داخلی؛ ساختار قبیلوی به شدت مساعد برای تنش، جنگ نیابتی قدرت‌های منطقه و فعالیت گروه‌های تروریستی چنانچه در فوق بررسی گردید، بدترین بحران انسانی را در یمن خلق نموده اند که این بحران علاوه بر اینکه باعث کشتار غیرنظامیان و کودکان، محرومیت کودکان از تعلیم و تربیه و زخمی شدن عده کثیری از اتباع یمن گردیده است، همچنان باعث گردیده که بسیاری از شهروندان این کشور مهاجر یا آواره

بررسی وضعیت حقوق بشر در سوریه و یمن پس از بحران

گردند که تعداد آنها قابل ملاحظه می‌باشد. به اساس گزارش " دفتر هماهنگی سازمان ملل برای امور بشر دوستانه(UNOCHA) تا کنون بیش از ۳ میلیون شهروند جنگ‌زده یمن از خانه و کاشانه خود آواره شده و به نقاط دیگر در درون یمن کوچ کرده و بیش از ۲۸۰ هزار نفر دیگر نیز به کشورهای خارجی از جمله جیبوتی و سومالیا پناهنده شده اند." (۱۵)

چنانچه در فوق گفته شد از بحران یمن به عنوان بدترین بحران انسانی در جهان یاد می‌شود؛ جنگی که فراسوی نزاع مذهبی و قبیله‌ای می‌باشد؛ در واقع این جنگ، جنگ نیابتی دو رقیب سنتی(ایران و عربستان سعودی) در مجموعه امنیتی خاورمیانه می‌باشد. تشدید این رقابت‌ها باعث گردیده است که حتی مراکز صحنی و درمانی در این کشور در امان نباشد که خود مصداق بارز نقض کنوانسیون ۱۹۴۹م. در امور بشردوستانه و نقض صریح قواعد حقوق بشردوستانه در امور منازعات مسلحانه که در فوق به آن اشاره گردید می‌باشد به همین دلیل آنرا میتوان مصداق جنایت جنگی و نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی پنداشت. چنانچه " به اساس آمار موجود بیش از ۱۳۵ مرکز صحنی و شفاخانه یا توسط نیروهای ائتلاف به رهبری عربستان سعودی و یا توسط حوثی‌ها مورد حمله قرار گرفته که بطور میانگین در هر ماه، چهار مرکز صحنی مورد حمله قرار گرفته است." (۱۶)

به اساس آمار و گفته‌های فوق، دامنه بحران ناشی از جنگ نیابتی کشورهای منطقه، تنها موارد فوق را در بر نمی‌گیرد بلکه این بحران انسانی داری ابعاد بسیار گسترده بوده به همین دلیل است که آنرا بدترین بحران انسانی حاضر نامیده اند، بحران انسانی که باعث کشار غیرنظامیان، زخمی شدن آنها، آوارگی و مهاجرت گردیده است، بزرگترین قحطی را نیز رقم زده است. دلیل عمده این قحطی مفرط این است که بازیگران درگیر در جنگ یمن، مانع از رسیدن کمک‌های بشردوستانه به مردم یمن می‌شود و این مسئله بحران انسانی در این کشور جنگ‌زده را عمیق‌تر می‌سازد. به گفته معاون دبیرکل سازمان ملل متحد در امور بشردوستانه و هماهنگ‌کننده امداد اضطراری، نزدیک به نیمی از مردم یمن در معرض خطر قحطی قرار دارند. مارک لوکاک وضعیت انسانی در یمن را "بدترین وضعیت در جهان" توصیف کرده و افزوده که شرایط دائم بدتر می‌شود: «قحطی پیش رو

می‌تواند سخت‌تر از هر آنچه باشد که کارشناسان این حوزه در دوره کاری تا کنونی خود تجربه کرده‌اند.» به گفته لوکاک، یک‌سوم جمعیت یمن - حدود ۲۲ میلیون نفر - به امداد و امنیت نیاز دارند. بر این اساس، کمک‌رسانی به هشت میلیون و ۴۰۰ هزار نفر از جمعیت یمن به شدت دشوار است؛ این افراد به کمک غذایی "فوری" نیاز دارند. اگر وضعیت به همین ترتیب ادامه یابد، شمار این افراد ممکن است با افزایشی پنج و نیم میلیون نفری به ۱۴ میلیون نفر برسد. لوکاک طرف‌های درگیر را به برقراری آتش‌بس با هدف امدادرسانی بشردوستانه فراخوانده و خواستار کمک مالی بیشتر برای تأمین مایحتاج شده است. این در حالی است که اخیراً سازمان بین‌المللی نجات کودکان (Save the Children) در گزارش تازه‌ای وضعیت کودکان در یمن را به شدت وخیم خوانده و اعلام کرده بود که بحران می‌تواند تهدیدی برای یک نسل کامل از کودکان این کشور باشد. این سازمان تخریب بندر حدیده را فاجعه‌بار توصیف کرده بود. حدود ۸۰ درصد غذا، سوخت و کمک‌های پزشکی انسان‌دوستانه از طریق بندر حدیده وارد یمن می‌شود. این بندر از سال ۲۰۱۴ م. تحت کنترل شورشیان حوثی است. (۱۷)

با توجه به موارد فوق که به وضوح نقض موازین حقوق بشری و نقض صریح قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی را نشان می‌دهد، می‌توان گفت که طرف‌های درگیر در جنگ یمن، مرتکب جنایات جنگی شده‌اند و بطور روشن و واضح ناقض حقوق بنیادین بشری گردیده‌اند و سازمان‌های بین‌المللی نیز بر این مسئله اشاراتی داشته‌اند. چنانچه هیاتی از کارشناسان شورای حقوق بشر سازمان ملل اعلام کرد که تمامی طرف‌های درگیر در جنگ داخلی یمن به طور بالقوه مرتکب «جنایت جنگی» شده‌اند. این گروه از کارشناسان سازمان ملل متحد رویدادهای یمن را از ماه سپتامبر سال ۲۰۱۴ م. تا جون ۲۰۱۸ م. بررسی کرده‌اند. بنا به اعلام این هیات که ریاست آن برعهده کمال الجندوبی، سیاستمدار تونسی است، شمار قربانیان غیرنظامی حملات ائتلاف تحت رهبری عربستان بیشتر از تعداد قربانیان غیرنظامی دیگر طرف‌ها بوده است. انور قرقاش، وزیر خارجه امارات عربی متحده در واکنش به گزارش کارشناسان سازمان ملل تأکید کرد که این گزارش «در خور پاسخگویی» است. وی در صفحه تویتر خود اعلام کرد که این گزارش باید مورد

بررسی وضعیت حقوق بشر در سوریه و یمن پس از بحران
«بررسی» قرار گیرد. امارات عربی متحده یکی از متحدان عربستان سعودی در
ائتلاف نظامی تحت رهبری این کشور در یمن است. (۱۸)

نتیجه

بهار عربی باعث ایجاد موجی از اعتراضات مردمی برای تغییر در بسیاری از کشورهای عربی محافظه‌کار حوزه خاورمیانه شد؛ این اعتراضات مدنی در کشورهای تونس، مصر و لیبیا باعث تغییر حکومت‌ها گردید اما این اعتراضات در سوریه باعث ایجاد بحرانی شد که تا هنوز ادامه دارد که در ایجاد چنین بحرانی علاوه بر برخورد ظالمانه رژیم اسد، مداخله قدرت‌های منطقه‌یی و جهانی و نفوذ گروه‌های تروریستی نیز نقش برجسته‌ای داشتند. ادامه بحران در این کشور باعث نقض موازین حقوق بشری گردید که در نفس خود یکی از عمیق‌ترین بحران‌های انسانی را در منطقه رقم زد.

در این بحران عمیق انسانی، طرف‌های درگیر به هیچ موازین حقوق بشری اعتنایی نکرده اند، به اساس موازین حقوق بشری و حقوق بشردوستانه بین‌الملل باید جان و مال غیرنظامیان از تعرض و حملات مصئون باشند، کودکان نباید مورد حمله قرار گیرند، باید از معلولیت افراد جلوگیری صورت گیرد، نباید شهروندان مجبور به ترک منازل شان شوند، مراکز عام‌المنفعه و مراکز درمانی نباید مورد حمله قرار گیرند و به اساس کنوانسیون منع سلاح‌های کیمیاوی، استفاده از این نوع سلاح‌ها ممنوع می‌باشد؛ اما در بحران سوریه هیچکدام از موارد فوق رعایت نگردیده است چنانچه در این بحران که از سال ۲۰۱۱ م. آغاز گردیده، بیش از ۴۰۰ هزار نفر کشته شده که بخش عمده آنها را غیر نظامیان و کودکان تشکیل می‌دهند، ۱٫۵ میلیون نفر معلول گردیده که ۸۶ هزار نفر آنها مجبور به قطع عضو گردیده اند، بیش از ۵۳٪ نفوس سوریه مجبور به ترک منازل شان گردیده اند که این ترک محل سکونت یا منجر به آوارگی داخلی گردیده یا منجر به پناهندگی یا مهاجرت شهروندان سوری شده است در این بحران خانمانسوز ۴۹۲ بار مراکز صحتی مورد حمله طرف‌های درگیر جنگ قرار گرفته است و حتی در این جنگ سلاح شیمیایی نیز بر علیه شهروندان این کشور استفاده گردیده است. پس بدین

ملحوظ طرف‌های درگیر جنگ سوریه به وضوح موازین حقوق بشری و قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی را نقض نموده و مرتکب جنایات جنگی شده‌اند. در مورد یمن هم چنین موردی اتفاق افتاده است، اعتراضات مردمی برای تغییر باعث ایجاد منازعات مسلحانه در این کشور گردید که عمده‌ترین گروه‌های درگیر، حوثی‌ها و هواداران علی عبدالله صالح، حراک جنوبی، نیروهای طرفدار و وفادار به عبدربه منصور هادی و برخی از گروه‌های تروریستی نظیر القاعده نیز در این بحران نقش داشته‌اند، اما ورود ائتلاف به رهبری عربستان سعودی در این جنگ و مداخله ایران در حمایت از حوثی‌ها، باعث ایجاد یک بحران انسانی در یمن شد که سازمان ملل متحد آنرا بدترین بحران انسانی در دهه اخیر در جهان خواند. که در آن بیش از ۵۶ هزار کشته، ۵۴ هزار زخمی برجا گذاشته، در این بحران ۲ میلیون کودک یمنی از تعلیم محروم شده‌اند، در این بحران ۳ میلیون یمنی آواره گردیده‌اند، در این بحران عمیق انسانی ۱۳۵ مرکز صحتی توسط طرف‌های درگیر مورد حمله قرار گرفته است و به اساس گزارش شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد ۱۴ میلیون نفر در این کشور دچار قحطی مفرط شده‌اند و بحران یمن در شرایط کنونی بدترین بحران انسانی در جهان می‌باشد و این به وضوح نشان می‌دهد که طرف‌های درگیر در جنگ یمن نیز مرتکب جنایات جنگی شده‌اند.

مآخذ

- ۱- کریانگ ساک کیتی شیایزری، حقوق بین‌المللی کیفری، (مترجم: بهنام یوسفیان)، نشر سمت: تهران، ۱۳۹۱، ص ۲۵۱.
- ۲- Katherine Marsh and Simon Tisdall, "Syrian troops shoot dead protesters in day of turmoil", Guardian, ۲۲ April ۲۰۱۱, Available at: <https://www.theguardian.com/world/2011/apr/22/syria-protests-forces-shoot> [Access: ۱۲/۹/۲۰۱۸]
- ۳- Human rights watch, "Syria Events of ۲۰۱۷", Human rights watch website, ۸ November ۲۰۱۷, Available at: <https://www.hrw.org/world-report/2018/country-chapters/syria> [Access: ۱۸/۰۹/۲۰۱۸]

بررسی وضعیت حقوق بشر در سوریه و یمن پس از بحران

۴- Nicole Ireland, "Nearly ۱ in ۴ civilians killed in Syria is a child, Lancet study says", CBC, ۱۴ December ۲۰۱۷, Available at: [https://www.cbc.ca/news/health/children-dying-in-syria-war-lancet-](https://www.cbc.ca/news/health/children-dying-in-syria-war-lancet-۱,۴۴۳۶۷۲۳)

۱,۴۴۳۶۷۲۳ [Access: ۲۶/۰۹/۲۰۱۸]

۵- فارسی بی بی سی، "هفت سال جنگ در سوریه: چرا؟"، سایت فارسی بی بی سی، ۱۸ مارچ ۲۰۱۸، دسترسی: <http://www.bbc.com/persian/world->

۴۳۴۱۶۶۴۱ [مراجعه: ۲۰۱۸/۹/۱۷]

۶- همانجا.

۷- همانجا.

۸- Priyanka Boghani, "A Staggering New Death Toll for Syria's War — ۴۷۰'۰۰۰", PBS news agency, ۱۱ February ۲۰۱۶, available at: <https://www.pbs.org/wgbh/frontline/article/a-staggering-new-death-toll-for-syrias-war-۴۷۰۰۰۰/> [access: ۸/۱۰/۲۰۱۸]

۹- دویچه وله فارسی، "سوریه متهم به استفاده از سلاح‌های شیمیایی در غوطه شرقی شد"، سایت دویچه وله فارسی، ۸ مارچ ۲۰۱۸، دسترسی: <https://www.dw.com/fa>

[مراجعه: ۲۰۱۸/۱۰/۱۶]

۱۰- Samira shackle, "Syria's 'disappeared': families demand to know fate of their loved ones", Guardian, ۲۴ July ۲۰۱۷, Available at: <https://www.theguardian.com/global-development-professionals-network/۲۰۱۷/jul/۰۴/families-syria-disappeared-demand-answers-un> [Access: ۱۹/۱۰/۲۰۱۸]

۱۱- دویچه وله فارسی، "گرسنه نگه داشتن مردم سوریه؛ تاکتیک جنگی طرف‌های درگیر"، سایت دویچه وله فارسی، ۲۴ جون ۲۰۱۵م، دسترسی: <https://p.dw.com/p/۱FmtI>

[مراجعه: ۲۰۱۸/۱۰/۲۱]

۱۲- Patrick Cockburn, "The Yemen war death toll is five times higher than we think – we can't shrug off our responsibilities any longer", The independent, ۲۶ October ۲۰۱۸, Available at: <https://www.independent.co.uk/news/world/middle-east/yemen-war-death-toll-is-five-times-higher-than-we-think-we-cant-shrug-off-our-responsibilities-any-longer-a8111111.html>

[//www.independent.co.uk/voices/yemen-war-death-toll-saudi-arabia-allies-how-many-killed-responsibility-a8603326.html](http://www.independent.co.uk/voices/yemen-war-death-toll-saudi-arabia-allies-how-many-killed-responsibility-a8603326.html) [Access: 05/11/2018]

۱۳- The Guardian, "Yemen war: ۵'۰۰۰ children dead or hurt and ۴۰۰'۰۰۰ malnourished, UN says", The Guardian website, ۱۶ January ۲۰۱۸, Available at: <https://www.theguardian.com/world/2018/jan/16/yemen-war-children-dead-injured-malnourished> [Access: ۱۷/۱۱/۲۰۱۸]

۱۴- خبرگزاری فرانسه، "یمن؛ ۱۶ نفر در حملات هوایی نیروهای ائتلاف عربی کشته شدند"، سایت یورونیوز، ۲ آپریل ۲۰۱۸، دسترسی: <https://fa.euronews.com> [مراجعه: ۲۰۱۸/۱۱/۲۳]

۱۵- یورو نیوز فارسی، "جنگی فراسوی نزاع شیعه و سنی"، سایت یورونیوز، ۲۶ فبروری ۲۰۱۸، دسترسی: www.fa.euronews.com [مراجعه: ۲۰۱۸/۱۱/۲۱]

۱۶- Carolyn Briody, Leonard Rubenstein and others, "Review on health care facilities in six conflicts of the past three decades, NCBI website, ?, Available at: www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles [Access: ۲/۱۲/۲۰۱۸]

۱۷- دویچه وله فارسی، "قحطی در یمن جان ۱۴ میلیون انسان را تهدید می‌کند"، ۲۴ اکتوبر ۲۰۱۸م، دسترسی: <https://p.dw.com/p/375AM> [۲۰۱۸/۱۲/۷]

۱۸- یورونیوز فارسی، "کارشناسان سازمان ملل: همه طرف‌های جنگ یمن مرتکب جنایت جنگی شده‌اند"، ۲۸ اگست ۲۰۱۸، دسترسی: <https://fa.euronews.com> [مراجعه: ۲۰۱۸/۱۲/۱۳]

فضل الرحمن علیزی

د ایران اسلامی شورا پېژندنه او څرنگوالی

Introduction of the Islamic Consultative Assembly of Iran

Fazul Rahman Alizi

Abstract: Islamic Consultative Assembly of Iran has an independent and influential role in the structure of the country's political system. Members of the assembly are elected by public votes directly and secret votes for a period of four years.

Islamic Consultative Assembly is comprised of a total of ۲۷۰ members but the number would increase to ۲۹۰ members considering to Iran's political, security and economic situation. All bills of the assembly after approved by the Guardian Council passes to executive and legislative branches for implementation.

The assembly is mostly independent in its activities is not influenced by any figure in legal terms and all its decisions are self-determined. Islamic Consultative Assembly is organized of ۱۶ commissions and each work in different areas.

لنډيز

د ایران د اسلامی شورا مجلس د ایران د سیاسي نظام په جوړښت کې یو له خپلواک او تاثیر لرونکو قانوني بنسټونو څخه گڼل کېږي، چې غړي یې د خلکو له لورې په مستقیمو او پټو رایو سره د څلورو کلونو لپاره ټاکل کېږي. اسلامی شورا

مجلس په ټوله کې له ۲۷۰ غړو څخه جوړ شوی دی؛ خو سیاسي، امنیتي او اقتصادي وضعیت ته په کتو سره یې د غړو شمېر ۲۹۰ کېږي. د اسلامي شورا ټول مصوبات د نګهبان شورا د تائید په صورت کې د اجراء لپاره د ایران اجرائیه قوې او قضائیه قوې ته اورول کېږي. دا مجلس په خپلو چارو کې تر ډېره بریده خپلواک دی او په قانوني توګه د هیچا تر اغېزې لاندې نه دی او ټولې پرېکړې په خپلواک ډول ترسره کوي. یاد مجلس په خپل جوړښت کې ۱۶ کمیسیونونه لري چې په مختلفو برخو کې کارونه ترسره کوي.

سریزه

که موږ د نړۍ بېلابېل هېوادونه په پام کې ونیسو، نو و به وینو چې د نړۍ ډېر هېوادونه تل هڅه کړې او کوي یې، چې دخپلو وګړو د آرام اوسېدلو لپاره داسې ټولنیز او سیاسي نظامونه رامنځته کړي چې د ټولو وګړو حقونه په کې خوندي شي او د یوه هوسا او آرام ژوند څښتنان شي.

د ایران اسلامي جمهوریت، چې زموږ د ګران هېواد افغانستان یو له ګاونډیو هېوادونو څخه دی، ګډ ژبني او کلتوري مسایل ورسره لرو، خو د سیاسي نظام د جوړښت په برخه کې ورسره ښکاره توپيرونه لرو. د ایران د سیاسي نظام په جوړښت کې د حکومت د مشروعیت لپاره بېلابېلې شوراګانې کار کوي، لکه: د خبرګان شورا، اسلامي شورا مجلس، د نظام د مصلحت شورا او د نګهبان شورا؛ چې دا ټولې شوراګانې د خپل نظام د پایښت او خپلو اوسېدونکو ته د ښه خدماتو د رسولو او حقوقو د خونديتوب لپاره کار کوي.

دا چې ایران د افغانستان ګاونډی هېواد دی او د افغانستان لپاره له ځانګړي ارزښت څخه برخمن دی، نو دا چې زموږ لپاره مهمه ده چې د دوی د حکومتي نظام په جوړښت باندې ځان پوه کړو او هغه څه له څېړنې څخه تر لاسه کړو، چې په اوس او یا هم راتلونکي کې زموږ په درد خوري او دې جوړښتونو ته په کتو سره موږ هم وکولای شو، چې د دغسې جوړښتونو له څېړنې څخه د خپلو اوسېدونکو لپاره د ښه خدمتونو د رسولو لپاره ګټه پورته کړو، ترڅو په راتلونکې کې زموږ ګران هېوادوال هم د یوه هوسا ژوند لرونکي او خپل حقونه یې په بشپړ ډول په کې خوندي شوي وي.

پورته مسایلو ته په کتو سره موږ هڅه کړې ده، چې دا ځل د ایران سیاسي نظام د جوړښت په یوه مهمه برخه (اسلامي شورا) باندې بحث او څېړنه ترسره کړو او دا واضح کړو چې: دا مجلس کله رامنځته شوی؟ دندې او مسوولیتونه یې څه دي؟ دې او دې ته ورته پوښتنو ته د ځواب تر څنګ مو د دې مجلس د ټولټاکنو پر څرنگوالي هم بحث او څېړنه کړې ده.

مېرمنیت: د موضوع مېرمنیت په دې کې دی، چې موږ باید د ګاونډیو هېوادونو له سیاسي او ټولنیزو جوړښتونو څخه ځان خبر کړو او دې نظامونو ته په کتلو سره باید په راتلونکي کې داسې یو سیاسي نظام ولرو چې د خپل ګران هېواد د ټولو وګړو حقونه په کې خوندي وي او په شتون کې یې د آرام احساس وکړي.

هدف: د دې ډول لیکنو څخه زموږ هدف دا دی، چې د نورو هېوادونو له سیاسي او حقوقي جوړښتونو څخه ځان خبر کړو، ترڅو په راتلونکي کې له هغوی سره د سیاسي اړیکو په برخه کې یوه سمه او پرځای پالیسي رامنځته کړو او د سمو او پرځای پرېکړو نیولو په برخه کې ورڅه ګټه واخلو.

د څېړنې میتود: ددې لیکنې د موضوعاتو په څېړنه کې له تحلیلي - توصیفي میتود څخه کار اخیستل شوی دی.

د ایران د اسلامي شورا مجلس لنډه تاریخچه

د ایران ملي شورا جوړښت او منځته راتګ په ایران کې د مشروطیت انقلاب څخه را پیل کېږي. دا شورا د لومړي ځل لپاره د ایران د مشروطیت انقلاب د مشر مظفر الدین شاه د واکمنۍ په وخت کې په ۱۲۸۵ لمریز کال کې چې د ۱۹۰۶ میلادي کال سره برابره ده د ملي شورا مجلس په نامه رامنځته شوه. کاري موده یې دوه کاله وه او ۱۶۵ غړي یې درلودل چې د هغه وخت د پاچا له لورې به ټاکل کېدل. دا مجلس د ایران اسلامي انقلاب څخه وروسته، چې کله په ۱۳۵۸ لمریز کال د قوس په میاشت کې د ایران په اساسي قانون کې یو شمېر بدلونونه رامنځته شول هم په همدې نوم باندې خپل کار کول او د قانوني بنسټ په سترګه ورته کتل کېدل، خو کاري موده یې له ۲ کلونو څخه ۴ څلور کاله پورې وغځول شوه. د ایران د اساسي قانون د بیا کتنې په وخت یعنی ۱۳۶۸ لمریز کال کې د ملي شورا مجلس نوم رسماً د اسلامي شورا مجلس په نامه باندې بدل شو. د دې شورا لومړنۍ علنې ټاکنې د

۱۳۵۸ د کب میاشتی پر ۲۴ ترسره او دا وروستی ټاکنې یې د ۱۳۹۴ د کب میاشتی په ۷ مه نېټه ترسره شوې دي.^(۱)

د اسلامي شورا مجلس د غړو شمېر

د ایران د اساسي قانون د ۶۲ مادې پر اساس، د اسلامي شورا استازي د خلکو په مستقیمو او په پټو رایو ټاکل کېږي. د دې شورا د استازو د کار موده څلور کاله ده، چې د هرې دورې ټاکنې د مخکینۍ دورې له پای ته رسېدلو څخه مخکې باید ترسره شي، ځکه چې هېواد باید به هیڅ وخت کې بې همدې مجلس څخه ونه اوسېږي او په کې د دې مجلس د نه شتون خلا رامنځته نه شي.

د اسلامي شورا مجلس غړي په اصل کې ۲۷۰ تنه دي، مگر د ۱۳۶۸ لمریز کال له ټولپوښتنې وروسته، په لسو کلونو کې د انساني، سیاسي، جغرافیایي او یو شمېر نورو مسائلو ته په کتو سره شل تنه غړي زیات شول چې په دې حساب سره یې د غړو شمېر تر ۲۹۰ پورې رسېږي. زرتشتیان او کلیمیان هر یو، یو یو استازی لري، مسیحان آشوری او کلداني په گډه یو استازی لري، د جنوب او شمال ارمني مسیحیان یو استازي انتخابوي. د حوزو ټاکل او د استازو شمېر د قانون لخوا ټاکل کېږي.

له ټاکنو څخه وروسته، د اسلامي شورا مجلس د دوه یې پر درې غړو په شتون کې رسمیت پیدا کوي او د اخلي طرحو او لوايحو تصویب سرته رسولای شي. د هېواد د جگړې او دپوځي نیواک په وخت کې د ولسمشر په وړاندیز د یادې شورا له درې یې پر څلورو او د نگهبان شورا له تائید وروسته د هېواد په نیول شویو یا اشغال شویو او یا هم په ټول هېواد کې د ټاکلې وخت لپاره ټاکنې درول کېږي او د نوي شورا د نه تشکیل په وخت کې پخواني غړي یا مجلس خپل کار ته دوام ورکولای شي.^(۲)

د اسلامي شورا ټولې غونډې باید علني وي، د غونډې ټول جریان د راډیو او یا هم د رسمي ورځپاڼې له لارې د ایران ټولو اوسېدونکو ته ور رسول کېږي، یواځې په بېړنیو حالاتو او همدارنگه د هېواد امنیتي وضعیت ته په کتو سره کولای شي، د پردې شاته غونډه وکړي. د ولسمشر او یا یوه وزیر او یا هم د شورا د لسو تنو په غوښتنه پټه ناسته ترسره کېدای شي. د پټې یا غیر علني ناستې مصوِّبات، په هغه صورت کې چې معتبر وي، د نگهبان شورا په مخ کې د درې پر څلور برخې گډونوالو

د ایران اسلامی شورا پېژندنه او څرنگوالی

په تاييد سره تصويبېږي. د دې ناستې راپور او مصوٰبات د بېړينو حالاتو له سمېدلو څخه وروسته د ټولو خلکو د خبرولو لپاره نشر ته سپارل کېږي.

د اسلامي شورا د مجلس ټولټاکنې

د ایران اساسي قانون د (۶۲) مادې پر اساس د اسلامي شورا غړي د ملت په مستقيمو او پټو رايو د څلورو کالو لپاره ټاکل کېږي. کوم کسان چې دې شورا ته ځانونه نوماند وي، نو بايد له نښه‌بان شورا څخه د تاييد رايه واخلي.

هغه شرايط چې دې مجلس ته کانديد يې بايد ولري په لاندې ډول دي:

- ۱- د ليدلو، اورېدلو او ويلو کې کومه روغتيايي ستونزه ونه لري؛
 - ۲- په تېر کې کوم قضايي محکومت ونه لري؛
 - ۳- په ټاکنيزه حوزه کې د بد شهرت نه لرل؛
 - ۴- نوم ليکنې لپاره لږ تر لږه ۳۰ کاله عمر لرل؛
 - ۵- لږ تر لږه د ماسټرۍ سند ولري، همدا راز که چېرته کانديد ليسانس هم وي، خو چې پنځه کاله کاري تجربه ولري، د نوم ليکنې وړ دی.
 - ۶- د ایران پر اساسي قانون عقیده ولري او ورته ژمن وي؛
 - ۷- اسلامي اصولو او د هغوی عملي کولو ته ژمن وي.
- له پورته مسایلو څخه وروسته د نښه‌بان شورا ته نوبت رسېږي چې په دې اړه د گډون کوونکو د تاييد او يا هم رد پرېکړه کوي.^(۳)

د مذهبي لږه کيو استازي

د ۱۳۵۷ لمريز کال له بدلون وروسته د ایران په اساسي قانون کې د مذهبي لږکيو لپاره هم استازي په نظر کې ونيول شول، چې تراوسه هم په اسلامي شورا کې څوکی ورته ځانگړې شوې دي. په دې کې زرتشتيان او کلیميان يو، يو استازي لري، مسيحيان آشوری او کلداني په گډه سره يو استازی او د جنوب او شمال آرميني مسيحيان هر يو، يو استازی لري.

د استازيو، شرايط، حقوق او محدودیتونه

غوره شوي استازي، چې د مسوولو بنسټونو له لورې تاييد شوي او بریا ته يې لاره موندلې وي، په لومړي گام کې بايد د مجلس په صحن کې په قرانکریم سره

لوړه (سوگند) ياد کړي. البته د نورو دينونو پيروان کولای شي، چې د قرانکريم پر ځای تورات او يا هم انجيل نومونه ياد کړي.

له لوړې (سوگند) پورته کولو وروسته، د مجلس هر استازی، د ټول ملت پر وړاندې مسؤول دی او په ټولو داخلي او بهرنيو مسایلو کې د نظر د څرگندولو حق لري.

د يوې سيمې استازيتوب، د هغې سيمې په ټاکل شوي استازي پورې اړه لري چې بل چاته دا حق نه شي انتقالېدلی.

د مجلس استازي د خپلې دندې د سرته رسولو په وخت کې، د خپل نظر او رايې په بيانولو کې کاملاً ازاد دي؛ څوک نه شي کولای چې د خپلې رايې او نظر د بيانولو له امله، چې په مجلس کې يې بيان کړي وي، تعقيب او ونيول شي.^(۴)

د اسلامي شورا د رئيس ټاکل

د اسلامي شورا د مجلس مشر د مجلس د استازو په مستقيمو رايو سره د يوه کال لپاره ټاکل کېږي؛ دا مجلس د داخلي اصولو له مخې، رياست د دورې تکرار قانوني ممانعت نه لري.

۱ - د اسلامي شورا د رئيسانو د ټاکلو څرنگوالی

د اسلامي شورا داخلي قوانين د هغو اصولو د تطبيق پر اساس، چې د ۱۳۷۹ لمريز کال د حمل (وري) د مياشتې پر ۲۰ مه نېټه تصويب شوي دي؛ له همدې نېټې څخه را په دې خوا د مجلس د رئيسانو ټاکل په لاندې ډول دي:

الف - د سنې دايم رئيسه پلاوی

د مجلس له استازو څخه د لوړ عمر لرونکی کس، د سنې د رئيس په توگه او يو بل کس د رئيس مرستيال او د مجلس دوه نور ځوان کسان د منشيانو پر ځای ټاکل کېږي او د رئيسه پلاوي په ځانگړې ځای کې کېږي.

د لوړ سن او ځوانانو د عمرونو د برابروالي په صورت پچه (قرعه) اچول کېږي، ترڅو د دوی له منځه همدا کسان و ټاکل شي. د رئيسه پلاوي د مجلس د ټولو قوانينو اداره کول دي. د سنې د رئيس دندې، د مجلس د ناستې پرانيستل د لوړې د مراسيمو ترسره کول؛ د موقت رئيسه پلاوي د مشر ټاکلو لپاره ټاکنې.

ب - موقت رئیس پلاوی

د موقت رئیس پلاوی ټاکل، د مجلس په دویمه علنی ناسته کې ترسره کېږي. د دې پلاوی ټاکل هم د سنی د دایمي رئیس پلاوی په څېر دي، یواځې دا چې کومو کسانو چې ځانونه نوماند کړي وي، باید د مجلس نسبي اکثریت رایې خپلې کړي. د موقت رئیس پلاوی، دایمي رئیس پلاوی له ټاکلو څخه وروسته سمدستي، د خپلې لوړې مراسم ترسره کوي.^(۵)

ج - دایمي رئیس پلاوی

وروسته له هغه چې د مجلس استازو د دوه یې پر درې رایو په ورکولو سره د موقت رئیس هیئت (پلاوی) وټاکل همدا موقت رئیس پلاوی د دایمي رئیس پلاوی د ټاکلو لپاره اقدام کوي. دایمي رئیس پلاوی د یوه کال لپاره ټاکل کېږي. له یو کال وروسته بیا هم په همدې شکل د دایمي رئیس پلاوی لپاره ټاکنې ترسره کېږي او د نوي رئیس پلاوی له ټاکل کېدو وروسته سمدستي د مجلس د ناستو مسؤلیتونه پر غاړه اخلي.

د اسلامي شورا اړوند نور بنسټونه

- د اسلامي شورا د څېړنو مرکز
- د اسلامي شورا د اسلامي څېړنو مرکز
- د اسلامي شورا کتابتون او د اسنادونو مرکز
- د هېواد د حسابونو دفتر

اسلامي شورا د وبلاگ پارلمان په نامه باندې یو وبلاگ هم لري، ترڅو ټاکل شوي استازي له همدې لارې له خپلو موکلینو سره په تماس کې وي.^(۶) لنډه دا چې د اسلامي شورا مجلس د ایران په دولتي نظام کې، د پوهانو د جرگې (مجلس خبرگان) او د ساتونکو شورا (شورا نهگبان) په څېر یو له مهمو او اساسي بنسټونو څخه دی او د ایران په دولتي نظام کې یو اساسي رول ترسره کوي.

د اسلامي شورا دندې، واکونو او محدودیتونه

اسلامي شورا په ټوله کې د اساسي قانون په حدودو کې قوانین تصویبوي. اسلامي شورا نه شي کولای داسې قوانین تصویب کړي، چې د اسلامي اصولو او د هېواد له رسمي مذهب سره په ټکر کې وي چې د دغسې شیانو یا مواردو درکول د

نگهبان شورا پر غاړه ده. د اسلامي شورا رئیس د مجلس د استازو له خوا ټاکل کېږي د لویانو تصویب، د وزیرانو د هیئت له ناستې څخه وروسته یاد مجلس ته وړاندې کېږي او د قانوني طرحو مطرح کول د اسلامي شورا د لږ تر لږه پنځلسو غړو په وړاندیز په مجلس کې وړاندې کېږي. اسلامي شورا د هېواد په ټولو امورو کې د څېړنې او تحقیق حق لري، ټول نړیوال تړونونه، قراردادونه او موافقتنامې باید د اسلامي شورا په تصویب سره ترسره شي. «... د هېواد په سرحدي کرښو کې هر ډول بدلون را وستل منع دي، خو جزیي اصلاحات د هېواد د مصالحو په رعایت، په دې شرط چې دا یو اړخیز نه وي او د هېواد ارضي تمامیت ته تاوان ونه رسوي، چې دا کار هم د اسلامي شورا د استازو څلور یې پر پنځه غړو په تصویب سره ترسره کېږي»^(۷).

که څه هم په هیڅ صورت حکومتي نظام نه شي کولای، چې د وخت له پوره کېدو وروسته کار ته دوام ورکړي، خو د جگړې او په بهرنیو حالاتو کې دولت د دې حق لري چې د اسلامي شورا په تصویب سره یو شمېر محدودیتونه ولگوي، خو د دې محدودیتونو وخت په هر حال نه شي کولای چې تر دېرشو ورځو څخه زیات شي، خو که چېرته همدا حالت دوام وکړي، نو دولت مکلف ده، چې د دې مجلس څخه بیاخلې اجازه تر لاسه کړي، بې له کوم بدیل څخه د ټولو کورنیو او بهرنیو مرستو اخستل او ورکول، باید د اسلامي شورا په تصویب سره ترسره شي.

د دولت له لوري د ټولو بهرنیو مسلکي کسانو گمارل منع دي، خو د اړتیا په صورت کې د اسلامي شورا په تصویب سره کولای شي، چې بهرني مسلکي کسان په دندو وگماري او کار ورڅخه واخلي.

هغه ټول دولتي اموالو او بنسټونو چې ملي اعلان شوي دي چاته منتقل کېدای نه شي، خو د اسلامي شورا په تصویب سره، په هغه صورت کې چې د هغوي انتقال په یوه فرد پورې منحصر نه شي.^(۸)

یاده شورا نه شي کولای چې د قانون جوړونې واک یو چا او یا هم یوې ډلې ته ورکړي، خو په اړین وخت کې کولای شي، چې د ځینو قوانینو د وضع کولو لپاره خپل داخلي کمیسیونونه وټاکي؛ په دې وخت کې هم دا قوانین، تر هغه وخت

د ایران اسلامي شورا پېژندنه او څرنگوالی

پورې، چې مجلس دایرېرې، په ازموینې ډول پلې کېږي او وروستی تصویب یې باید د یادې شورا له لوري ترسره شي.

ولسمشر د وزیرانو د ټاکلو او له هر بل اقدام څخه مخکې باید له یاد مجلس څخه د اعتماد رایه تر لاسه کړي.

که د اسلامي شورا یو پر څلور برخه غړي، وغواړي چې له رئیس جمهور او یا له مسؤول وزیر څخه په هر مورد کې پوښتنه وکړي، نو دوی مکلف دي، چې مجلس ته د ځواب لپاره حاضر شي. دې پوښتنو ته باید ولسمشر د یوې میاشتې په موده او مسؤول وزیر باید د لسو ورځو په موده کې ځواب ووايي او له پورته یادې موډې څخه ونه ځنډوي، مگر په یو قانوني عذر سره چې هغه هم باید اسلامي شورا تشخیص کړي.

د اسلامي شورا استازي کولای چې په لازمو مواردو کې وزیران او یا هر یو د وزیرانو له ډلې څخه استیضاح کړي. د وزیرانو استیضاح هغه وخت په مجلس کې مطرح کېدای شي چې لږ تر لږه د مجلس د لسو تنو غړو امضاء وي مجلس ته وړاندې شي. وزیران یا استیضاح شوی وزیر باید په لسو ورځو کې مجلس ته حاضر شي او د شورا د غړو پښتنو ته ځواب ووايي، د باور او یا هم د نه باور رایه تر لاسه کړي. که مجلس د له یاد وزیر څخه د باور رایه واخیستله، نو وزیر نه شي کولای، چې د وزیرانو په شورا کې چې پرته له کوم ځنډ څخه دایرېرې غړیتوب واخلي او د وزیرانو په ناسته کې گډون وکړي.^(۹)

د اسلامي شورا د مجلس درې پر څلور برخې استازي کولای شي، چې ولسمشر د هېواد چارو د ناسمې ادارې په وخت کې استیضاح کړي. ولسمشر باید د یوې میاشتې په اوږدو کې مجلس ته د ځواب ویلو لپاره حاضر شي او د مطرح شویو مسایلو په اړه کافي او مدلل ځواب ووايي. که چېرته ولسمشر په خپلو توضیحاتو کې د مجلس د یوه بې پر درې برخو غړو ته قناعت حاصل نه شو او یادو غړو د عدم کفایت رایه ورکړه، نو د اساسي قانون د یو سلو لسمې مادې پر اساس د لارښود مقام ته لېږل کېږي او د هغه په لاسلیک کولو سره ولسمشر له خپلې دندې څخه گوښه کېږي.

که هر څوک د اجرائیه قوې او یا هم قضاییه قوې د مجلس له کارونو څخه شکایت ولري، نو د اسلامي شورا مجلس ته یې په لیکلې ډول وړاندي کولای شي. مجلس اړ ده چې ددې شکایت څېړلو ته رسیدگي وکړي او معقول ځواب له هغوی څخه وغواړي او په مناسب وخت کې یې نتېجه اعلان کړي، که چېرته یې په ټولو پورې اړه لره، نو باید نتېجه یې ټولو ته په واک کې ورکړل شي.

د ایران د اسلامي شورا مجلس ځانگړي کمیسیونونه

کمیسیونونه د استازو هغه ډلې دي چې طرحو او لایحو ته په کتو سره په شورا کې جوړېږي. د ایران اساسي قانون د ۶۶ مادې پر اساس، د کمیسیونونو شمېر او د استازو د تصدی دوره د مجلس په کورني اصولو کې په گوته کېږي. د معمول له مخې د شورا لومړنۍ طرحې او لایحې په اړونده کمیسیونو کې د کارپوهانو له خوا تر څېړنې لاندې نیول کېږي او بیا د شورا په علنی ناسته کې د کمیسیون وروستی نظر پوښتل کېږي او اعلانېږي.

د ایران په اسلامي شورا کې لاندې ځانگړي کمیسیونونه شتون لري:

- ۱ - د زدکړو او څېړنې کمیسیون؛
- ۲ - ټولنیز کمیسیون؛
- ۳ - اقتصادي کمیسیون؛
- ۴ - د ملی امنیت او بهرني سیاست کمیسیون؛
- ۵ - د انرژۍ کمیسیون؛
- ۶ - د برنامه د بودیجې او حساباتو کمیسیون؛
- ۵ - د روغتیا او درمنلې کمیسیون؛
- ۶ - د معادن او صنایع کمیسیون؛
- ۷ - د بیارغونې کمیسیون؛
- ۸ - کلتوري کمیسیون؛
- ۹ - قضایي او حقوقي کمیسیون؛
- ۱۰ - د زراعت، اوبو او طبیعي سرچینو کمیسیون؛
- ۱۱ - د اساسي قانون د نویمې مادې کمیسیون (د اساسي قانون په نویمه ماده کې راغلي دي: هر څوک چې د شورا، اجرائیه قوې او یا هم د مقننه قوې له کارونو

د ایران اسلامی شورا پېژندنه او څرنگوالی

څخه ناخوښ و، نو کولای شي چې خپل شکایت په لیکلې بڼه د اسلامي شورا مجلس ته وړاندې کړي. شورا اړ ده چې دا شکایت وڅېړي او مناسب ځواب ورکړي. يعنې د شکایتونو کمیسیون.

۱۲ - د کورني سياست او شوراگانو کمیسیون؛

۱۳ - د شورا گډ کمیسیون (د شورا د کورني اصولو د ۲۱۳ بند سره سم « د اصولو د تنظیم، د پراختیایي برنامو او د دولت له لورې د ټول هېواد د بودجې له سپارلو څخه وروسته د شورا د تخصصي کمیسیونونو تر منځ د همغږۍ په خاطر د شورا له غړو څخه یو گډ کمیسیون ټاکل کېږي، ترڅو چې د کمیسیونونو ترمنځ همغږۍ رامنځته کړي. (۱۰)

۱۴ - د کورني اصولو د اوډنې کمیسیون؛

۱۵ - د تولیداتو او په هغوی باندې د څارنې کمیسیون؛

۱۶ - د اسلامي شورا د تحقیق کمیسیون.

د پورته کمیسیونونو دندې د هره یوه کمیسیون له نوم څخه څرگندېږي، نو ځکه یې زه له نور ډېر تفصیل ورکولو څخه تېرېږم.

د ایران په اسلامي شورا کې فرکسیونونه یا پارلماني گروپونه

۱ - اعتدال غوښتونکي: یو ټولنیز او سیاسي جریان دی او د یوې ځانگړې ستراتیژۍ له مخې د اصلاح غوښتونکو او اصول پالونکي تر څنګ فعالیت ترسره کوي. دا جریان د حسن روحاني د لومړي ځل ټاکل کېدو ۱۳۹۲ پورې د (پراختیا او منځلاري گوند یا حزب اعتدال او توسعه) په نوم باندې پېژندل شوی و، خو د حسن روحاني تر ټاکل کېدو وروسته د «اعتدال» په نامه د ایران په سیاسي ټولنو کې عام شو.

د دې سیاسي جریان مهم کسان لکه: اکبر هاشمي رفسنجاني او حسن روحاني څو کاله مخکې د (جناح راست) غړي وو. یو شمېر منتقدینو چې د اعتدالگرایي گوند یې جوړ کړی وایي چې د دې اړه سرچینه هماغه (جناح راست) دی.

۲ - اصول پالونکي: اصول پالونکي د ایران د سیاسي جریان یو له دوو اصلي گوندنو څخه گڼل کېږي. د ایران تر اسلامي انقلاب مخکې د مذهبي روڼ اندو ټولې (طیف روشنفکران مذهبي) چې د هغه وخت د موجود مذهبي جوړښت

ساتونکي او غوښتل يې چې د دين احکام د وخت او زمان له غوښتونو لکه: د بشر حقونو او د ولس حاکمیت ته پام سره پلي شي. دوی غوښتل چې په ټولنه کې دې شته وضعت وساتل شي او د خلکو په سنتي باورونو کې دې کوم بدلون نه را وستل کېږي. دا ډله اوس د اصول گرايي کلمه د خپل فکر د توصيف لپاره په کار وړي. په ټوله کې ټول مذهبي جريانونه او د روحانيت شبکې په ځانگړې توگه د اصولگرايانو په نامه پېژندل کېږي.

خو په اصل کې مذهبي روڼاندي، اصول پالونکي پر دې تورنوي، چې گواکې دوی سخت دريزی، پاتي والی او له دين څخه بې لاريتوب کوي. همدارنگه اصولگرايان بيا مذهبي روڼاندي په دې تورنوي، چې دوی «په مذهبي ارزښتونو باندې معاملي کوي او وايي چې غرب وهلي دي يعني د غرب کلتور تر اغېزې لاندې راغلي دي او دين ورته کوم ارزښت نه لري.

۳ - اصلاح غوښتونکي: اصلاح غوښتونکي د ايران په حکومتي نظام د دوو مهمو او اصلي سياسي جريانونو (اعتدال خوښوونکي او اصول پالونکي) په منځ کې له مهمو گوندونو څخه گڼل کېږي. دا گوند د جوزا د ۲ مې پېښې څخه وروسته په ځان باندې د اصلاح طلب نوم کېښود.

د اکبر هاشمي رفسنجاني له ولسمشرۍ وروسته په ۱۳۶۸ کال او د ولسمشرۍ د اومې دورې ۱۳۷۶ تر ټاکل کېدو او د محمد خاتمي د ولسمشرۍ په وخت کې تر ۲۰ ميلونه ډېرو رایو خپلولو وروسته اصلاح غوښتونکي د حاکمیت په تر لاسه کولو وتوانېدل او له هغه وروسته د شپږم مجلس او همدارنگه د تهران ښار لومړنۍ شورا لاسته را وړي. دا جريان د جوزا د دويمې نېټې په ټاکنو له برياليتوب وروسته د جوزا په دويمه جبهه باندې مشهوره شوه او اته کاله يې د دولت کنټرل او همدارنگه څلور کاله يې د استازو د شپږم مجلس ډيری غړي په واک کې لرل. (۱۱)

پایله

د ايران اسلامي شورا چې تر دې مخکې د ملي شورا مجلس په نامه باندې شهرت درلود، د ايران د سياسي نظام په جوړښت کې خورا مهمه شورا ده. د ايران د اساسي قانون د ۲۶ مادې پر اساس دا شورا په اصل ۲۷۰ غړي لري، خو د وخت په تېرېدلو سره په ايران کې شته لږکیو ته هم ځای ورکړل شو چې اوس يې د غړو

د ایران اسلامی شورا پېژندنه او څرنگوالی

شمېر ۲۹۰ تنه دی، چې دخلکو له خوا د مستقیمو او پټو رایو په واسطه د ۴ څلورو کلنو لپاره ټاکل کېږي.

دې شورا ته هغه کسان ځانونه کاندیدولای شي چې عمر ونه یې تر دیرش کالو کم نه وي، کوم قضایي جرم یې نه وي کړی، په ټاکنیزه حوزه کې له ښه شهرت څخه برخمن وي، د لیدلو او اورېدلو په برخه کې کومه ستونزه ونه لري، لږ تر لږه د ماسټرۍ تر کچې پورې یې زده کړې کړې وي او یا هم که که ليسانس وي، خو پنځه کاله کاري تجربه ولري، د ایران اساسي قانون ته ژمن وي او همدارنگه اسلامي اصولو او د هغوي عملي کولو ته ژمن وي.

د ۱۳۵۷ لمریز کال له اسلامی انقلاب څخه وروسته په دې شورا کې د مذهبي لږکیو لپاره هم استازي په نظر کې ونیول شول او زرتشتیان، کلیمیان، مسیحیان او کلدانیانو ته هم په کې ځای ورکړل شو. دا شورا بېلابېلې دندې لري، چې یو له هغو څخه د ایران اساسي قانون په چوکاټ کې قوانین وضع کوي.

اسلامي شورا په ټوله کې د اساسي قانون په حدودو کې قوانین وضع کوي. د اسلامي شورا رئیس د مجلس د استازو له خوا ټاکل کېږي. د عادي قوانینو تفسیر او شرحه د اسلامي شورا په صلاحیت کې دی. د قانونو لویو تصویب، د وزیرانو د هیئت له ناستې څخه وروسته یاد مجلس ته وړاندې کېږي او د قانوني طرحو مطرح کول د اسلامي شورا د لږ تر لږه پنځلسو غړو په وړاندیز په مجلس کې وړاندې کېږي. اسلامي شورا د هېواد په ټولو امورو کې د څېړنې او تحقیق حق لري؛ ټول نړیوال تړونونه، قراردادونه او موافقتنامې باید د اسلامي شورا په تصویب سره ترسره شي.

ماخذونه

^۱ - خانه يي ملت، تاریخچه مجلس در ایران،

http://www.sssup.it/UploadDocs/۴۷۶۱_۲_Parliament_election_history_khaneh_mellat_۰۹.pdf

^۲ - صراط نیوز، آیا تعداد نمایندگان هر استان منصفانه است؟، ۱۳۹۶/۱۰/۲۵ هـ.ش.

صراط نیوز، لاسرسی: www.seratnews.ir/fa/news/۲۸۶۶۸۱ [مراجعه: ۱۲ / ۷ /

۱۳۹۷ هـ.ش.]

^۳ - عباس منوچهر، نظام سیاسی ایران، چاپ اول مرکز مطالعات فرهنگی - بین المللی، تهران، ۱۳۸۱ ه.ش. (۴۷ مخ).

^۴ - داتیک، قانون آئین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۹/۱/۲۰ ه.ش. داتیک، لاسرسی: www.law.dotic.ir/aiplawview.do?roqcode=۸۵۴۳ [مراجعه: ۱۲/۶/۱۳۹۷ ه.ش.].

^۵ - عباس منوچهر، نظام سیاسی ایران، چاپ اول مرکز مطالعات فرهنگی - بین المللی، تهران، ۱۳۸۱ ه.ش. (۵۱ او ۵۲ مخونه).

^۶ - همشهری نیوز، حلقه مفقوده، سیاست خارجی ایران، ۱۳۸۹/۲/۲۷ ه.ش. همشهری نیوز، لاسرسی: www.hamshahri.org/news/۱۱۸۶۹۸.aspx [مراجعه: ۱۸/۵/۱۳۹۷ ه.ش.].

^۷ - مدنی، جلال‌الدین، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ سوم، چاپخانه علامه طباطبایی، ۱۳۷۴، (۸۱ مخ)

^۸ - همشهری نیوز، حلقه مفقوده، سیاست خارجی ایران، ۱۳۸۹/۲/۲۷ ه.ش. همشهری نیوز، لاسرسی: www.hamshahri.org/news/۱۱۸۶۹۸.aspx [مراجعه: ۱۸/۵/۱۳۹۷ ه.ش.].

۹ - هماغه خای.

۱۰ - حمیده احمدیان راد، همه چیز درباره مجلس شورای اسلامی

<http://www.۰۲۰.ir/%D۸%A۷/DB/AC%D۸%B۱%D۸>

۱۱ - پارلمان، آشنایی با پارلمان، ۹۷-۴۴- <http://www.ir->

[/vp.ir/Content/Commisions](http://vp.ir/Content/Commisions)

څېړنپوه عبدالرحيم بختانی خدمتگار

د آبخازيا او اوسيتيا تاريخي او سياسي حالات

Historic and political conditions of Abkhazia and Ossetia

Research Fellow Abdulrahim Bakhtani

Abstract: Abkhazia and Ossetia are the major important areas in North Caucasus, under the threats and attacks of foreign invaders throughout the history. These areas are in the north and south of the Great Caucasus Mountains. These areas were sometimes dominated by other colonial countries, such as an independent and independent country in different times in history. In various term of history, during the period of Byzantine Empire, the Iranian Safari, the Ottoman Empire, the Emperor of Tsardom of Russia, and the other occupying and domination this areas.

Currently Ossetia is divided into two parts of North and South, North Ossetia is a republic of Russia, and South Ossetia was the independent province of Georgia, but in ۱۹۹۲ announced its independence. Also, Abkhazia was also an independent region of Georgia, on ۱۹۹۲ Announce its independence. Therefore, currently in this areas between Georgia and Russia has a conflict.

لنډيز

آبخازيا او اوسيتيا په شمالي قفقاز کې هغه مهمې سيمې دي، چې د تاريخ په اوږدو کې د بهرنيو اشغالگرو تر گواښونو او بريدونو لاندې وې. دغه سيمې د لوی قفقاز د غرونو په شمالي او سويلي لمنوکې پرته دي. دغه سيمې د تاريخ په مختلفو دورو کې ځينې وختونه د يوه خپلواک او آزاد هېواد په توگه او ځينې وختونه د نورو

استعماري هېوادونو تر واک لاندې وې. په دې سیمو کې د تاریخ په مختلفو دورو کې د بیزانس امپراتورۍ، د ایران صفوي واکمنو، د تر کیې عثماني امپراتورۍ، د تزاری رو سیې امپراطورۍ او نورو اشغالګرو ځواکونوواکمني کړې ده. اوسمهال اوسیتیا په دوو برخو شمالي او سویلي باندې وېشل شوې ده، شمالي اوسیتیا د روسیې یو کورواکه جمهوریت دی او سویلي اوسیتیا د گرجستان کورواکه ولایت و، خو پر ۱۹۹۲ ز. کال یې خپل خپلواکي اعلان یې وکړ. همدارنگه آبخازیا هم د گرجستان یوه کورواکه سیمه وه، چې پر ۱۹۹۲ ز. کال یې د خپلخپلواکي اعلان وکړه. له همدې امله دغه سیمه اوسمهال د گرجستان او روسیې ترمنځ د شخړو او جګړو ډګر ګرځېدلې ده.

سریزه

د اوسیتیا او آبخازیا سیمې چې د لوی قفقاز د غرونو په شمالي او سویلي برخو کې پرتې دي، د نړۍ له مهمو سیمو څخه شمېرل کېږي. د تاریخ په مختلفو درو کې ولې په دې سیمو کې سیالی، جګړې او شخړې روانې دي؟ د اوسیتیا او آبخازیا سیمې د نړۍ په کومه برخه کې پرتې دي؟ په لرغونو او معاصرو دورو کې په دې سیمه کې څه حالات تیر شوي دي؟ دغه سیمې دکومو هېوادونو او زبرځواکو لخوا نیول شوي دي؟ اوسمهال دغو سیمو کې کوم حالات جریان لري؟ په دې مقاله کې پورتنیو پوښتنو ته د معتبرو منابعو په استناد څېړنه ترسره شوې او ځوابونه ورته وړاندې شوي دي.

موخه: د دې مقالې د لیکلو موخه دا ده، چې خلکد شمالي او سویلي اوسیتیا او آبخازیا له تاریخي، جغرافیایي او سیاسي حالاتو څخه خبر شي او په دغو سیمو کې د روانو سیاسي او پوځي شخړو په اړه معلومات تر لاسه کړي.

مېریت: په افغانستان کې لکه د اوسیتیا او آبخازیا د سیمو په شان له پخوا زمانو څخه لا تر اوسمهاله پورې د نړۍ د زبرځواکو هېوادونو لخوا سیالی روانې دي او دغو سیالیو د افغانستان پر حالاتو مستقیمې اغېزېدلې دي. له همدې کبله د دې سیمې د جغرافیایي، تاریخي او سیاسي حالاتو څېړنې ته ضرورت لیدل کېږي. همدارنگه د دغسې موضوعاتو څېړنه د افغانستان د علومو اکاډمۍ د سیمه ییزو مطالعاتو مرکز له اهدافو څخه هم شمېرل کېږي.

د آبخازيا او اوسيتيا تاريخي او سياسي حالات

د خپرنې ډول: په تاريخي او تحليلي ډول خپرنه ترسره شوې او طرح شوي سوالونو ته ځوابونه وړاندې شوي دي .

په دې مقاله کې دتاريخ په مختلفو دورو کې په آبخازيا، شمالي او سويلي اوسيتيا کې د سيالي، جگړې او شخړې په اړه خپرنه ترسره شوې ده. همدارنگه د دې سيمې د جغرافي په اړه هم علمي او مستند معلومات وړاندې شوي دي. د مقالې په پای کې پايله او ځېنې وړانديزونه هم وړاندې شوي دي.

الف- د آبخازيا، شمالي او سويلي اوسيتيا لنډه جغرافيه:

۱- آبخازيا، آبخاز، يا آبخازستان: آبخازيا د قفقازسيمې په لويديځه او د تورسمندرگي په ختيځه خواکې پرته ده. آبخازيا د گرجستان يو ولايت و، چې په ۱۹۹۱ز. کال يې د خپلواکۍ اعلان وکړ. يوازې روسيې يې خپلواکي په رسميت پېژندلېوه. د دې کوچني هېواد پلازمېنه د سوخومي بندردی، چې د تورسمندرگي په سواحلو کې موقعيت لري. په لرغونو زمانو کې آبخازيا د آپسوا، آباسکوی او آباسگي په نومونو هم ثبت شوې ده (۱).

د آبخازيا يوې خواته د قفقاز د لويو غرونو سلسله ده او بل خوا ته يې دتور سمندرگي سواحل، چې دغه جغرافيايي موقعيت د آبخازيا پر اقليم باندې ډير ښه او مثبت اثر کړی دی. له همدې کبله په دې سيمه کې ډير سخت ژمی نه وی او په اوړي کې هم ډېره گرمي نه وي. دهمدې ښه او مناسب اقليم له امله دغه سيمه د زراعتي محصولاتو او د اهلي څارويو د روزنې لپاره ډېره مناسبه سيمه ده. آبخازيا د همدغه ښه او مناسب موقعيت له امله د تاريخ په مختلفو دورو کې د پرديو له حملو او يرغلونو سره هم مخامخ وه.

«د آبخازيا مساحت ۸۶۶۰،۲ کيلو مترمربع دی. په ۱۹۹۳ ز. کال يې ۵۱۶،۶ زره نفوس درلود، د آبخازيا نږدې ۲۰۰ کيلومتر شمالي سرحد يې د قفقاز غرونه دي. په آبخازيا کې مختلف قومونه لکه: گرجي، آبخازي، روسي، ارمني، يوناني او نور ژوندکوي، د ۱۹۸۹ ز. کال د سر شمېرنې له مخې په سلو کې ۴۲/۲ گرجيان، ۱۷/۳ آبخازيان، ۱۴/۶ ارمنيان او ۱۴/۲ روسان دي. د آبخازيا د مهمو توليداتوله جملې څخه يو هم د چايو محصولات دي. د آبخازيا د چايو باغونه نږدې ۱۶۱۶ هکتاره ځمکه تشکيلوي» (۲).

د آبخازیا سیمه ډیرې کرنیزې ځمکې لري، خو په دغو ځمکو او باغونو کې د کار لپاره ددې سیمې وگړي ډېر لږ دي او د نفوسو او بزگرانو د لږوالي له امله ډیر زراعتي محصولات خرابیږي. په ځانگړې ډول د چایو د راټولولو په موسم کې آبخازیا د کارگرانو او بزگرانو له نشتوالي سره مخامخ کیږي .

۲- شمالي اوسیتیا: شمالي اوسیتیا د روسیې یو کورواکه جمهوریت دی او له سویلي اوسیتیا سره کومې رسمي اړیکې نه لري. دواړه اوسیتیا د لوی قفقاز د غرونو په شمالي او سویلي برخو کې موقعیت لري. امیر احمد یان د شمالي اوسیتیا د جغرافیایي موقعیت په اړه لیکي: د شمالي او سیتیا جمهوریت سویلي برخې په عمومي ډول لوړ غرونه لري او شمالي برخه یې اواړي ځمکې او تپې لري. د نوموړي جمهوریت لویدیځ لورته د کاباردا - بالکار جمهوریت، شمالي لورته یې د استاورپول سیمه، ختیځ لور ته یې د چچن او انګوش جمهوریتونه او سویل لورته یې سویلي اوسیتیا جمهوریت موقعیت لري (۳) .

شمالي اوسیتیا د روسیې ترخارنې لاندې خپلواک جمهوریت دی، پلازمینه یې ولادي قفقاز ده، مساحت یې ۸۰۰۰ کیلو متره مربع دی، د نفوسو شمېر یې نږدې ۷۰۰ زره وگړي دي. اوسیتیان له منځني آسیا څخه راکو چېدلې او زیاتره یې له ډیر پخوا په اوسیتیا کې مېشت شوي وو، خو په مذهبي لحاظ زیا تره یې ارتودوکس عیسویان دي (۴).

د قومي ترکیب له مخې د شمالي او سویلي قفقاز په ټولو سیمو کې ډېر قومونه ژوند کوي او په مختلفو ژبو خبرې کوي. په شمالي اوسیتیا کې هم مختلف قومونه د سولې په فضا کې سره ژوند کوي او د دوی ترمنځ کومه قومي ستونزه نشته. «د شمالي او سیتیا اوسېدونکي د قومي ترکیب له مخې په سلو کې ۵۳ اوسیتیان او په سلو کې ۳۰ روسان دي. همدارنګه په دې جمهوریت کې یهودان، البانیان، یو نانیان او یو شمېر نور قومونه هم ژوند کوي» (۵).

په عمومي ډول کوم هېوادونه او یا کومې سیمې چې ډیر غرونه لري په هغو سیمو کې گڼ قومونه اوسېږي .

۳- سوېلي اوسیتیا: سوېلي اوسیتیا د لوی قفقاز د غرونو په سوېلي برخه کې موقعیت لري. سوېلي او سیتیا ۲۹۰۰ کیلو متره مربع مساحت لري. داوسیتیا د

د آبخازيا او اوسيتيا تاريخي او سياسي حالات

مساحت لويه برخه غرونه تشكيلوي، چې د سمندر له سطحه ۱۵۰۰ څخه تر ۳۲۰۰ مترو پورې په لوړه سطحه کې پروت دی. د سوېلي او سیتيا پلازمېنه د سخوالي ښار دی. (۶).

سره له دې چې په شمالي او سوېلي اوسیتيا کې ډېر قومونه ژوند کوي، خو په دواړو سیمو کې اکثریت اوسیتیان دي. «د اوسیتيا د وگړو شمېر په ۱۹۷۸ ز. کال کې ۱۰۳۰۰۰ تنه وو. له دې جملې څخه په سلو کې ۶۶،۵ اوسیتیان، په سلو کې ۲۸،۳ گرجستانیان، په سلو کې ۶،۱ روسان، په سلو کې ۱،۲ ارمنیان، په سلو کې ۰،۹ يهودیان او په سلو کې ۴،۸ تنه له نورو قومونو څخه دي» (۷).

په عمومي ډول د يوې سيمې يا هېواد د جغرافيايي په اړه معلومات وړاندې کول يو لوی او پراخ کار دی، خو په دې برخه کې د يادو جغرافيايي معلوماتو وړاندې کول کافي دي.

ب - د آبخازيا، شمالي او سوېلي اوسيتيا لنډه تاريخچه

آبخازيا، شمالي او سوېلي اوسیتيا ډېر لرغونی او گډ تاریخ لري. د قفقاز سیمه دنړۍ له متمدنو سیمو څخه شمېرل کېږي. په لرغونو زمانو کې په دې سیمه کې خلکو متمدن ژوند درلود.

۱- آبخازيا: د آبخازيا سیمه له ډيرو لرغونو زمانو، يعنې د عیسی (ع) له زېږيدونه مخکې کلونو کې د بهرنیو اشغالگرو تر يرغلونو لاندې و او دغو يرغلونو، حملو او جنگونو تر معاصرې دورې پورې دوام درلود.

د آبخازيا سیمه په دویم قبل میلاد کال کې د پونتوس دولت د شپږم مهر داد تر ادارې لاندې و، د لومړۍ میلادي پېړۍ په وروستیو کلونو کې دروم امپراتورۍ پاچاهانو پر قفقاز او د آبخازيا پر سیمه حمله وکړه. له څلورمې میلادي پېړۍ څخه تر شپږمې میلادي پېړۍ پورې د شرقیروم امپراتورۍ په آبخازيا او شاوخوا سیمو کې خپل حاکمیت ټینګ کړ او آبخازيا دروم امپراتورۍ یوه برخه وگرځېده. په همدې دوره کې آبخازيا او د قفقاز ځینې نورې سیمې د شرقی روم امپراتورۍ او د ایران د ساساني امپراتورۍ د سیالی ډگر و. په ۶۴۳ ز. کال کېد عمر بن خطاب له خوا سراقه بن عمرته وظیفه وسپارل شوه، چې د قفقاز سیمه فتح کړي. سراقه حبیب بن مسلم قهري دگرجستان او آبخازيا د فتح کولو لپاره وگومارل، هغه په ډیر لږ وخت

کې ددغی سیمې خلک جزیه ورکولوته حاضرکړل. داموی خلفاو سپاهیانو په ۷۳۶-۷۳۸ ز. کلونو کې د آبخازیا پلازمینه سوخومي ښار وران کړ بیا ډېر کلونه وروسته په ۹۴۲-۹۴۷ ز. کلونو کې د سوخومي ښار بیا آباد شو او پر مختگ یې وکړ (۸).

کله چې د اسلام مقدس دین په قفقاز او د هغه په شاوخوا سیمو کې خپور شو، د گرجستان په گډون د قفقاز ډېرې سیمې په خپلو پخوانیو عقایدو کې پاتې شول او اسلامي دولت ته یې جزیه ورکولې. څرنګه چې د قفقاز سیمه یوه غرنۍ سیمه ده، نو په ځینو غرنیو سیمو کې محلي قوتونه او حاکمیتونه رامنځته شول او د زمانې په تېرېدو سره په لویو قدرتونو باندې بدل شو، چې له هغو قوتونو څخه یو هم په گرجستان کې د باګراتید د کورنۍ حاکمیت دی.

« لهیولسمې میلادي پېړۍ نه وروسته د گرجستان د باګراتید د کورنۍ حاکمیت په آبخازیا کې پیل شو. په یوولسم او دیارلسم میلادي پېړیو کې څخه آبخازیا کې د بیزانس فرهنگ پر ځای د گرجي لیک دود عام شو. ترڅوارلسمې میلادي پېړۍ پورې خوارز مشاهي پاچاهانو په گرجستان او آبخازیا کې حاکمیت درلود» (۹).

تر دیارلسمې میلادي پېړۍ پورې خوارزمشاهیانو او باګراتید کورنۍ په آبخازیا او شاوخوا سیمو کې حاکمیت درلود او د دوی د حاکمیت په دوران کې د دوی اوعثماني امپراتورۍ تر منځ سیالیو او جګړو دوام درلود، چې ددغو سیالیو او جګړو په پای کې عثماني امپراتورۍ پر نورو حاکمه شوه او واک ته ورسیده.

«د څوارلسمې میلادي پېړۍ په نیمایې کې د عثماني امپراتورۍ حاکمانو پر آبخازیا باندې خپلو حملو ته دوام ورکړ او آبخازیا یې ونیوله او د سوخومي ښار د عثماني امپراتورۍ په پوځي اډې بدل شو. د عثماني امپراتورۍ د حاکمیت پر مهال په آبخازیا کې د اسلام مقدس دین خپور شو، خو د هغه په څنګ کې د عیسوي دین پیروانو هم خپل عبادتونه کول. د آبخازیا خلکو په ۱۷ مه میلادي پېړۍ کې د عثماني امپراتورۍ پر ضد پاڅون وکړ او د دوی حاکمیت یې په سوخومیاو آبخازیا کې پای ته ورساوه» (۱۰).

د اولسمې میلادي پېړۍ په پیل کې کله چې د عثماني امپراتورۍ حاکمیت په آبخازیا کې پای ته ورسېدو، په دې مهال د ایران صفوي پاچاهان واک ته ورسېدل او دیر پیاوړي شول. د قفقاز د یو شمېر سیمو د نیولو پرسد عثماني امپراتورۍ او صفوي

د آبخازيا او اوسيتيا تاريخي او سياسي حالات

امپراتوری تر منځ جگړې پيل شوې چې په نتيجه کې په قفقاز او يو شمېر نورو سيمو کې د عثمانيانو حاکميت پای ته ورسېدو، د عثماني امپراتوری او صفوي امپراتوری د رقابتو نو او جگړو په اړه منوچهر مرادبيخپل کتاب کې داسې يادونه کوي:

«د عثماني امپراتوری او صفوي حکومت ترمنځ په قفقاز کې ډېر جنگونه وشول او دغه سيمه خوځلې سره لاس په لاس شوله، چې په پای کې شاه عباس صفوي په ۱۶۴۰ ز. کال د قفقاز ټولې سيمې ونيولې او د صفوي او عثماني امپراتوريو ترمنځ په ۱۶۱۳ ز. کال د استانبول، په ۱۶۱۸ ز. کال کې دايروان او په ۱۶۳۹ ز. کال کې د قصر شيرين تړونونه لاسليک شول. ددې تړونو نو د لاسليک په نتيجه کې عثماني دولت ومنله چې نور په قفقاز کې څه کار او دعوا نه لري» (۱۱).

کله چې صفوي امپراطوری آبخازيا او د قفقاز ټولې سيمې ونيولې، نوځان يې د تزاري روسيې سرحداتو ته نږدې کړ. له همدې کبله له دغو واقعاتو څخه وروسته په دې سيمه کې د تزاري روسيې او صفوي امپراتوری تر منځ رقابتونه او جگړې پيل شوې. همدارنگه د دې سيمې د نيولو پر سر د عثماني امپراتوری او تزاري روسيې ترمنځ هم رقابتونو جريان درلود.

د اتلسمې ميلادي پيړۍ په نيمايي کې د قفقاز همدغه سيمې د نيولو لپاره د تزاري روسيې او عثماني امپراتوری ترمنځ جگړې جريان درلود. همدارنگه په همدې مهال د روسيې او صفوي امپراتوری تر منځ هم رقابتونو جريان درلود، چې په نتيجه کې روسانو کاباردین او شمالي اوسيتيا سيمې له صفويانو څخه ونيولې، ختيځ گرجستان هم په ۱۷۸۳ ز. کال کې روسانو تر لاسه کړ. په ۱۷۹۶ ز. کال کې روسانو د کسپين سمندرگي ساحلي سيمې هم ونيولې. دروسانو او ايرانيانو تر منځ په ۱۸۱۳ ز. کال کې د گلستان تړون او په ۱۸۲۸ ز. کال کې د ترکمنچای تړون لاسليک شو، چې په نتيجه کې د قفقاز ټولې ځمکي له ايران څخه بېلې او روسيې پورې مربوط شوې، همدارنگه په ۱۸۱۰ ز. کال کې په آبخازيا کې هم دروسيې حاکميت ټينگ شو (۱۲).

له دغو پورتنیو بدلونونو وروسته په آبخازيا او د قفقاز په نورو سيمو کې د روسيې حاکميت ورځ په ورځ زياتېده، تر هغې چې د قفقاز په ټوله سيمه کې دويحاکميت تر لاسه کړ. د ۱۹۱۷ ز. کال د اکتوبر له انقلاب څخه وروسته د لنډې مودې لپاره

دروسانو حاکمیت په قفقاز کې پای ته ورسیده، خو ډیر ژر بیرته دوی په سیمه کې خپل واک تر لاسه کړ.:

«د ۱۹۲۱ ز. کال په فبرورۍ کې آبخازیا د گرجستان جمهوریت په تشکیل کې د یوکورواکه جمهوریت په حیث د شوروي اتحاد د قلمرو یوه برخه شوه» (۱۳). نږدې اویا کاله د آبخازیا سیمه د گرجستان په اداري تشکیلاتو کې شامل وه. په دې موده کې سره له دې چې دغه سیمه په رسمي ډول په گرجستان پورې مربوط و، خو دروسانو نفوذ پر دې سیمه ډېر و، ځکه چې دغه سیمه هغه مهال او اوسمهال د روسانو لپاره پوځي اهمیت درلود. د شوروي اتحاد له ړنگیدو وروسته په ۱۹۹۲ ز. کال کې آبخازیا د خپلې خپلواکۍ اعلان وکړ او له دغه اعلان څخه وروسته گرجستان ۳۰۰۰ سر تیري د خپلواکۍ غوښتونکو د خپلو لپاره هغې سیمې ته ولیرل، چې د دواړو تر منځ سخت جنگونه پیل شول او د ۱۹۹۳ ز. کال تر اکتوبر میاشت پورې دغه جگړې روانې وې او په دغو جگړو کې ۲۰۰۰ کسان ووژل شول. د ۱۹۹۳ ز. کال د نومبر په وروستیو ورځو کې د گرجستان د مرکزي دولت او د آبخازیا د بېلتون پالو ترمنځ خبرې اترې پیل شوې. د ۱۹۹۴ ز. کال په پیل کې د گرجستان او روسیې ترمنځ د سولې تړون لاسلیک شو. د همدې کال د اپریل په میاشت د آبخازیا د بېلتون پالو او د گرجستان حکومت ترمنځ په مسکو کې د سولې تړون لاسلیک شو (۱۴).

دغه مهال چې گرجستان د روسیې او آبخازیا سره د سولې تړون لاسلیک کړ، د گرجستان سیاسي وضعه په خپل نورمال حالت کې نه وه. حالات ډېر کړکېچن شوي وو. د گرجستان سیاسي او پوځي چارې د شوارندناده په مشرۍ د یوه عالي شورا لخوا اداره کېدلې. د دغو حالاتو په اړه لنډ معلومات وړاندې کېږي: د ۱۹۹۳ ز. کال د سپتمبر په پای کې د گرجستان حالات له کنترول څخه ووتل سیاسي، اقتصادي او پوځي بحرانونه رامنځته شول. د گرجستان ختیځه برخه د پخواني جمهور رئیس زویادگامساخوردیا لخوا اداره کیدل، په داسې حال کې چې د گرجستان مرکزي او نورې برخې د شوارندناده لخوا اداره کیدلې. د ۱۹۹۴ ز. کال په پیل کې د گامساخوردیا په وژل کېدو سره حالات تر یوې اندازې پورې نورمال شول. همدغه مهال گرجستان د مشترک المنافع سازمان غړیتوب تر لاسه کړ. د ۱۹۹۵ ز.

د آبخازيا او اوسيتيا تاريخي او سياسي حالات

کال په د سمبر کې د جمهوري رياست لپاره انتخابات ترسره شو او شوارډ نادزه د گرجستان د جمهور رئيس په توگه اعلان شو (۱۵).

کله چې په ۱۹۹۵ ز. کال کې شوارډ نادزه د گرجستان د جمهور رئيس په توگه اعلان شو، د گرجستان اقتصادي او سياسي وضعه مخ په ننه کېدو شوهاو نړيوال بانک حاضر شوه، چې له گرجستان سره مالي مرسته وکړي.

«د ۱۹۹۹ ز. کال په اکتوبر کې د آبخازيا بيلتون پالو لهعمومي ريفرنډم څخه وروسته خپله خپلواکي اعلان کړه، چې د گرجستان حکومت له سخت مخالفت سره مخامخ شو» (۱۶).

له ۱۹۹۹ ز. کال څخه تر ۲۰۰۸ ز. کال پورې په آبخازيا کې کوم نوي سياسي تغير رامنځته شوی نه دی، خو په ۲۰۰۸ ز. کال کې په سوېلي اوسيتيا کې د گرجستان له پوځي حملې وروسته، آبخازيا بيا د خپل استقلال اعلان وکړ. «د آبخازيا دولتي چارواکي په ۲۰۰۸ ز. کال کې په جنوبي او سیتيا کې د گرجستان له پوځي حملې وروسته لهرامنځته شويو سياسي او پوځي حالاتو څخه په استفادې يو ځل بيا د خپل استقلال اعلان وکړ او د دواړو جمهوريتونو استقلال يې په رسميت وپيژنده او له دواړو څخه يې پوځي، سياسي او اقتصادي ملاتړ وکړ» (۱۷).

له ۲۰۰۸ ز. کال څخه تر او سمهال پورې پرته له روسيې بل کوم هېواد د آبخازيا استقلال په رسميت نه دی پيژندلی. دغه هېوادونه نهپه روسيې پورې تړل شوي او نه په رسمي ډول د گرجستان برخه گرځېدلې دي. د نيمه مستقلو هيوادونو په توگه خپلو چارو ته دوام ورکوي. روسيه له دواړو جمهوريتونوسره په هره برخه کې مرسته کوي.

۲- شمالي او سوېلي اوسيتيا: شمالي او سوېلي اوسيتيا د قفقاز د لويو غرونو په شمالي او سوېلي لمنو کې پروت دی، دواړه هېوادونه گډتاريخ، کلتور او گډه ژبه لري. دغه دوه هېوادونه تر ۱۹۲۲ ز. کال پورې په دوو برخو باندې ويشل شوی نه وو. له همدې امله دغه سيمې له نوموړي نيتې څخه مخکې هم گډ تاريخ لري.

په لرغونو زمانو کې په دې سيمو کې د سکا، سمرت او آلان قومونو حاکميت درلود. په پنځمه ميلادي پېړۍ او د شپږمې ميلادي پېړۍ په پيل کې په دې سيمه کې د ياد شويو قومونو او د ختيځ روم امپراتورۍ (بيزانس امپراتورۍ) ترمنځ جگړو جريان درلود. په ۱۶ مه ميلادي پېړۍ کې کابارد قوم په دې سيمه کې حاکميت تر

لاسه کړل. په ۱۷۷۴ ز. کال کې د تزاري روسيې امپراتورۍ په شمالي اوسويلي اوسيتيا کې خپل حاکميت ټينگ کړ. په ۱۷۸۴ ز. کال کې د روسانو له خوا د ولادي قفقاز کلا جوړه شوه. نوموړي کلا په ۱۸۶۰ ز. کال کې د شمالي او سیتيا د پلازمېنې په توگه ومنل شوه. په شمالي او سیتيا کې د روسانو د پرله پسې بريدونو په نتيجه کې يو شمېر او سیتيانو سويلي خواته ته هجرت وکړ. په ۱۸۰۱ ز. کال کې دغه سيمه د سويلي او سیتيا په نوم ياد شوه (۱۸).

د تزاري روسيې د امپراتورۍ په لومړيو کلونو کې د لوی قفقاز غرونه د روسيې د سويلي برخې سرحدونه وو. هغه مهال روسيې غوښتل چې د بهرنيو يرغلگرو پر وړاندې د دفاع لپاره د دغو لويو غرونو په لمنو کې ځانته سنگرونه او پوځي مرکزونه جوړ کړي. له همدې کبله په شمالي اوسيتيا کې د ولادي قفقاز کلا جوړه کړه. د اکتوبر له انقلاب وروسته کله چې شوروي اتحاد رامنځته شو، دغه سيمه په رسمي ډول روسيې پورې مربوط شوه.

شمالي اوسيتيا په ۱۹۱۸ ز. کال کې د پخواني شوروي اتحاد پر کورواکه جمهوريت و اوښت. په ۱۹۲۰ ز. کال کې شمالي او سويلي اوسيتيا د خپلواک جمهوريت په توگه اعلان شو. دغې خپلواکۍ ډېره موده دوام ونکړ او په ۱۹۲۲ ز. کال کې په شمالي او سويلي برخو ووېشل شو، سويلي برخه يې د کورواکه جمهوريت په توگه له گرجستان سره يو ځای شوه او شمالي برخه يې د روسيې د يو کورواکه جمهوريت په توگه ومنل شو. په ۱۹۸۹ ز. کال کې په سويلي او سیتيا کې سياستوالو د گرجستان پارلمان ته ليک واستوه او ترې وېې غوښتل، چې له شمالي او سیتيا سره يو ځای شي، خو غوښتنه يې ونه منل شوه. په ۱۹۹۰ ز. کال کې د سويلي او سیتيا چارو اکو اعلان کړه، چې د دوی ايالت د روسانو دواکمنۍ لاندې يو ايالت دی، خو د گرجستان چارواکو يې خپلواکي لغوه اعلان کړه، اکثر و چارواکو يې له شمالي اوسيتيا سره د پيوستون خبره رد کړه او په همدغه کال کې يې په پارلماني ټاکنو کې ورته دونډې اجازه ورنکړه. د ۱۹۹۲ ز. کال په جنوري کې سويلي او سیتيا يوه پراخه ټولپوښتنه پيل کړه، چې اوسيتياله گرجستان څخه جلا شي او که دروسيې يوه برخه وگرځي، خو اکثر و برخوالو دا نظر ورکړ، چې اوسيتيا بايد ځانته جمهوريت شي د همدغه کال په نومبر کې د اوسيتيا پارلمان اعلان وکړ، د ټولپوښتنې پايله دا

د آبخازيا او اوسيتيا تاريخي او سياسي حالات

شوه، چې داد بيلتون رسمي اعلان دی. له دې نيتي څخه وروسته د گرجستان د ځواکونو او د سوېلي اوسيتيا د وسله والو تر منځ وسله والې نښتې رامنځه شوې، دواړو خواوو ښه پريمانه ټپيان درلودل، پردې سره بېره لسگونه زره کسان گډوال شول، بيا وروسته د ۱۹۹۴ ز. کال په جولای کې دواړو خواوو ښه پريمانه ټپيان درلودل، بيا وروسته د ۱۹۹۴ ز. کال په جولای کې دروسيې دولسمشر بوريس يلسين او د گرجستان دولسمشر ادوارد شوارنادزي په منځگړ توپ جگړه بنده شوه (۱۹). له ۱۹۹۴ ز. کال څخه تر ۲۰۰۸ ز. کال پورې تر هغه چې شوارنادزي په واک کې و، په دې سيمه کې کومه جدي واقعه نه ده پېښه شوې، خو کله چې امريکايي پلوه ساکاشويلي واک ته ورسېد بيا د روسيې او گرجستان تر منځ د اوسيتيا او آبخازيا پر سر شخړې رامنځته شوې.

د ۲۰۰۸ ز کال په اپريل کې مسکو اعلان کړه، چې دوی به له آبخازيا او سوېلي اوسيتيا سره قانوني اړيکې ټينگې کړي. دغه اعلان د گرجستان غوسه را و پاروله او دا يې احساس کړه، چې هسې نه مسکو په راتلونکي کې د دغو دوو ايالتونو خپلواکي په رسميت وپېژني. د گرجستان ولسمشر ميخايل ساکاشويلي د خپل هېواد د امنيت شورا بېرني غونډه را وغوښته او دا سپارښتنه يې ورته وکړه، چې دواړه ايالتونه بيرته تر لاسه کړي او د ملگرو ملتونو له امنيت شورا څخه يې وغوښتل، چې د روسيې نيت وڅيړي. همدارنگه د گرجستان د لومړي وزير مرستيال له ناتو څخه وغوښتل، چې د مسکو پر ضد د دوی ملاتړ وکړي. نا تو سم له لاسه له گرجستان څخه ملاتړ اعلان کړ او د هر هغه گام د مخنيوي ژمنه يې وکړه، چې د گرجستان خپلواکي تر پوښتنې لاندې راولي. دروسيې ولسمشر پوتين هم له لاسه د ناتو په اړه سختې څرگندونې وکړې.

د روسانو دغه دريځ هغه مهال را څر گند شو، چې کله متحده ايالاتو او يو شمېر نورو اروپايي هېوادونو د کوسوو خپلواکي په رسميت وپېژندله او د ناتو مشرانو داسې ژمنه وکړه، چې په راتلونکي کې به گرجستان ته د ناتو غړيتوب ورکړي، روسيه دغه پر مختگ ته د دوی تاريخي سيموته د لوېديځ د سر تېرو د ورتگ په سترگه گوري او دا د خپل ملي امنيت لپاره گواښ شمېري. د ۲۰۰۸ ز. کال د اگست پر اتمه نېټه روسي ځواکونو د سوېلي او سیتيا ايالت رالاندې کړ (۲۰).

د سوېلي اوسیتیا او گرجستان ترمنځ د ۲۰۰۸ ز. کال له جگړو وروسته په گرجستان کې دغه دوه ایالتونه له گرجستان څخه بېل او د روسیې په ملاتړ د یو مستقل هېواد په ډول خپلو چارو ته دوام ورکوي. نوموړي هېوادونه تر او سمهال پورې یوازېد روسیې لخوا په رسمیت پیژندل شوي. آیا تراوسه پورې په نړۍ کې دغسې مستقل هېوادونه موجودي که نه؟ هادي صوفی زاده په خپله مقاله کې دپېوښتنې ته داسې ځواب ورکړی دی:

«د یادونې وړه، چې د اوسیتیا او آبخازیا په شان مستقل هېوادونه پخوا هم د نړۍ په نقشه کې موجود وو. د بېلگې په ډول د تايوان او شمالي قبرس یادونه کولی شو. تايوان یو مستقل هېواد دی، چې له دوهمې نړیوالې جگړې وروسته رامنځته شوی او تراوسه پورې د یو هېواد لخوا په رسمیت نه دی پیژندل شوی. شمالي قبرس هم یو مستقل هېواد دی، چې یوازې د ترکیې له خوا په رسمیت پیژندل شوی دی» (۲۱).

د سویلي اوسیتیا، آبخازیا او گرجستان تر منځ له ۲۰۰۸ ز. کال څخه تر اوسمهال پورې کومه جگړه نه ده شوې، خو د دغو سیمو پر سر دروسیې او گرجستان ترمنځ شخړې تراوسه پورې حل شوي نه دي او د دواړو هېوادونو اړیکې خرابې دي.

ج-د آبخازیا، شمالي او سوېلي اوسیتیا اوسنیو حالاتو ته لنډه کتنه:

لهپخوا زمانو څخه تر ۲۰۰۸ ز. کال پورې د آبخازیا، شمالي او سویلي اوسیتیا د تاریخي جغرافیایي او سیاسي حالاتو په اړه څېړنه ترسره شوه. د ۲۰۰۸ ز. کال له جگړو وروسته د دې سیمې د حالاتو په برخه کې کوم جدي بدلون نه دی راغلی. په سیاسي او دیپلوماتیکو برخو کې هم کوم پرمختګ نه دی شوی، خو له هغه وخت (۲۰۰۸ ز. کال) څخه تر اوسمهاله پورې چې نږدې لس کاله کیږي آبخازیا او سوېلي اوسیتیا د نیمه خپلواک هېواد په ډول خپلې چارې پر مخ وړي.

۱-آبخازیا: له ۲۰۰۸ ز. کال نه وروسته آبخازیا خپلې هلې ځلې پیل کړې، چې د نړیوالو لخوا په رسمیت وپیژندل شي، خو د دوی کونښنونو کومه مثبتې نتیجه ورنه کړه. له ۲۰۰۸ ز. کال وروسته د آبخازیا چارواکو غوښتل چې په آبخازیا کې لوېدیځ هېوادونه پانگونه وکړي او آبخازیا د یو مستقل هېواد په توګه په رسمیت وپېژني، خو

د آبخازيا او اوسيتيا تاريخي او سياسي حالات

لوېديځو هېوادونو دې خبرو ته دومره ارزښت ورنکړ. د آبخازيا د بشري حقوقو د کميسيون رئيس بتال کوبا خیار په دې اړه داسپويلي وو: که امريکا او نور لوېديځ هېوادونه د آبخازيا له استقلال څخه ملاتړ ونکړي او له آبخازيا سره اقتصادي او سياسي مرسته ونکړي، نو آبخازيا ته يوه لار پاتې کېږي، چې روسيې ته ځان نږدې کړي او له روسيې څخه مرسته وغواړي. څرنگه چې آبخازيا دتور سمندرگي په سواحلو کې پروت دی او د مالداري او زراعتي چارو لپاره ډېر ښه او مساعد ځايونه لري، له همدې کبله خپل راتلونکي ته هيله مند دی او غواړي چې نورو هېوادونو غوندې آزاد ژوند وکړي (۲۲).

د آبخازيا سيمه نه يوازې د زراعت او مالدارۍ لپاره ښه مساعده سيمه ده، بلکې د سياحت لپاره هم ډير ښه ځای دی، او سمهال چې امنيتي وضعه هم ډېره ښه نه ده د نړۍ ډېر سيلانيان ورته راځي. له همدې امله دغه هېواد کولای شي د نورو له مرستو پرته هم خپلې چارې سمبال کړي.

۲- شمالي او سوېلي او سیتيا: اوسمهال شمالي اوسيتيا د روسيې يو کورواکه جمهوريت دی او سوېلي اوسيتيا د ۲۰۰۸ ز. کال له جگړو وروسته د نيمه خپلواک هېواد په ډول د روسيې تر ملاتړ لاندې ژوند کوي. څرنگه چې شمالياو سیتيا او سوېلي اوسيتيا دواړه د جغرافيايي موقعيت له مخې سره نژدې موقعيت لري او دواړه هېوادونه يو بل سره ژبنې او کلتوري مشترکات هم لري، له همدې کبله دواړه غواړي، چې د يو هېواد په ډول سره ژوند وکړي.

«شمالي او سوېلي اوسيتيا له مختلفو تاريخي پړاونو څخه تيره شوې ده. په دغو پړاوونو کې يې قانوني او خپلواکي وضعيت له بدلون سره مخ شوی، کله به آزاد جمهوريت و او کله به د روسيې او گرجستان ترمنځ د نيمه خپلواک هېواد په توگه وويشل شو. او سیتيان غواړي، چې خپل ملي هويت، کلتور، ژبه او رواجونه وساتي او داسې انگېږي، چې دا ټول د گرجستان له اړخه گوانبل کېږي، نو ځکه دوی غواړي، چې له گرجستان څخه جلا شي او د اوسيتيا دواړه برخې سره يو ځای او د جلا جمهوريت په توگه را منځه شي او يا د روسيې يوه برخه وگرځي» (۲۳).

د شمالي او سوېلي او سیتیا د یو ځای کېدو په برخه کې روسیه هم ډېرې هلې ځلې کوي او د دې سیمې خلک هم غواړي چې دواړه خواوې سره یو ځای شي، نو ډېر امکان شته چې په راتلونکي کې دغه دواړه سیمې سره یو ځای شي .

پایله

د اوسیتیا او آبخازیا سیمې په پخوا زمانو کې د ایران صفوي حکومت، عثمانی امپراتورۍ، بیزانس امپراتورۍ او دتزاری روسیې امپراتورۍ ترمنځ د سیالی ډگر و او دغې سیمې د دغو امپراتوریو ته سیاسي، اقتصادي او پوځي ارزښت درلود. او سمهال دغه سیمې د فدرا تیفی روسیې، گرجستان، ناتو هېوادونو او امریکا تر منځ د سیالی ډگر دی او له دغو هېوادونو ترمنځ په دې سیمه کې رقابتونه جریان لري. په دې مقاله کې دغه سیالی، جگړې او شخړې له پخوا زمانو څخه تر اوسمهال پورې یوې اندازې پورې روښانه شو. همدارنگه د دې سیمې د پیژندنې په اړه هم علمي او مستند معلومات وړاندې شوي دي .

څرنگه چې دغه سیمه د آسیا، اروپا او منځنۍ آسیا هېوادونو تر منځ واقع شوی دی او ټولو ته سیاسي، اقتصادي او فرهنګي ارزښت لری، نو په دې حساسه سیمه کې د نړۍ د زبرځواکو او سیمې هېوادونو تر منځ رقابتونه، شخړې او جگړې د افغانستان په شمول د سیمې هېوادونو په ګټه نه ده.

وړاندیزونه

د دغو سیمو د جغرافیایي، سیاسي او تاریخي پېښو په اړه په پښتو ژبه تراوسه پورې ډیره لږه څېړنه ترسره شوې ده. په دې برخه کې زما وړاندیز دادی، چې د نړۍ د دې برخې د پیژندنې په اړه په پښتو ژبه نورې مقالې او کتابونه ولیکل شي او د نورو ژبو څخه وژباړل شي او ټولني ته وړاندې شي، ځکه چې افغانستان له دغو سیمو سره سیاسي، اقتصادي او کلتوري مشترکات او ګټې لري .

زما بل وړاندیز دا دی، چې د دې سیمې د جگړو او شخړو د حل په اړه نړیوال او سیمه ییز هېوادونه باید لارې چارې وسنجوي، ځکه چې په دې سیمه کې جگړې او شخړې د سیمې د هېوادونو د سیاسي، اقتصادي او فرهنګي پرمختګونو څخه مخنیوی کوي.

ماخذونه

۱. ويکی پیدیا. «آبخاز یا»، د ویکی پیدیا سایت، ۲۰۰۷/۴/۷ میلادی، لاسرسی: <http://www.wikipedia.org/wiki/> [دمراجعي نیټه: ۲۰۱۸/۴/۴ میلادي].
۲. بهرام، امیراحمدیان. جغرافیای کامل قفقاز، چاپ اول، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح: تهران، ۱۳۸۱ شمسی، ۲۶۷-۲۶۸ مخونه.
۳. هماغه ماخذ، ۴۲۹ مخ.
۴. روهي خبري و پيانه، «د اوسيتيا جگړه»، روهي خبري و پيانه، ۲۰۰۸/۸/۵ میلادي، لاسرسی: <http://www.rohi.af/fullstory.php?id=۱۷۵۹>، [دمراجعي نیټه: ۱۳۹۷/۲/۱۵ شمسی].
۵. بهرام، امیر احمد یان. ۱۳۸۱ هـ ش، جغرافیایی کامل قفقاز، چاپ اول، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح: تهران، ۱۳۸۱ شمسی، ۳۵۰ مخ.
۶. دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، گرجستان، چاپ اول، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی: تهران، ۱۳۸۸ شمسی، ۳۶ مخ.
۷. ویکی پیدیا، «اوسیتیا جنوبی»، د ویکی پیدیا سایت، ۲۰۰۷/۴/۷ میلادي. لاسرسی: <https://fa.wikipedia.aog/wiki/>، [دمراجعي نیټه: ۲۰۱۸/۴/۴ میلادي].
۸. هماغه ماخذ.
۹. دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، گرجستان، چاپ اول، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی: تهران، ۱۳۸۸ شمسی، ۳۸ مخ.
۱۰. ویکی پیدیا، «اوسیتیا جنوبی»، د ویکی پیدیا سایت، ۲۰۰۷/۴/۷ میلادي. لاسرسی: <https://fa.wikipedia.aog/wiki/>، [دمراجعي نیټه: ۲۰۱۸/۴/۴ میلادي].
- (۱۱) -مرادی، منوچهر. چشم انداز همکاری ایران و اتحادیه اروپا، چاپ اول، مرکز مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه ایران، ۱۳۸۵ هـ ش، تهران، (۳۱ مخ).
- (۱۲) -هماغه ماخذ، (۳۲ مخ).

۱۳. ویکی پیدیا، «آبخاز»، د ویکی پیدیا سایت، ۱۷ اپریل ۲۰۰۷، لاسرسی: <http://www.wikipedia.org/wiki/> [دمراجعی نیټه: ۲۰۱۸/۴/۴ م].
۱۴. جعفری، عباس. گیتاشناسی نوین کشورها، چاپاول، موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی: تهران، ۱۳۸۴ هـ ش، ۳۶۹ مخ.
۱۵. دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، گرجستان، چاپ اول، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی: تهران، ۱۳۸۸ هـ ش، (۶۵ مخ).
۱۶. جعفری، عباس. گیتاشناسی نوین کشورها، چاپاول، موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی: تهران، ۱۳۸۴ هـ ش، ۳۶۹ مخ.
۱۷. ویکی پیدیا، «اوسیتیا شمالی»، دویکی پیدیا سایت، ۷ مارچ ۲۰۰۷، لاسرسی: <https://fa.wikipedia.org/wiki/> [دمراجعی نیټه: ۲۰۱۸/۴/۴].
۱۸. هماغه ماخذ.
۱۹. روهی خبری ویبپاڼه، د اوسیتیا جگره، روهی خبری ویبپاڼه، ۱۲۷ اگست ۲۰۰۸، لاسرسی: Rohi.af/fullstory.php?Id=1759 [دمراجعی نیټه: ۱۳۹۶/۷/۱۴ هـ ش].
۲۰. هماغه ماخذ.
۲۱. صوفی زاده، هادی. نگاهی کوتاه بر تحولات منطقه قفقاز. سایت خبری اخبار روز، ۵ فبروري ۲۰۱۰، لاسرسی: <http://www.akhbar-rooz.com> [دمراجعی نیټه: ۲۰۱۸/۴/۲۵].
۲۲. سایت خبری راه فردا، اوسیتیا و آبخازیا یک سال پس از مناقشه گرجستان و روسیه، سایت خبری راه فردا، ۱۰ فبروري ۲۰۰۹، دسترسی: <https://www.radiofarda.co> [دمراجعی نیټه: ۲۰۱۸/۴/۴].
۲۳. د اوسیتیا جگره، روهی خبری ویبپاڼه، ۱۲۸ اگست ۲۰۰۸، لاسرسی: Rohi.af/fullstory.php?Id=1759 [دمراجعی نیټه: ۱۳۹۶/۷/۱۴ هـ ش].

څېړندويه خاطره شينوارې

د هند سمندر سياسي او اقتصادي ارزښت

The Political and Economic Value of the Indian Sea

Khatira Shinwari

Abstract: Although the value of the world's oceans has not remained the same throughout history and has always changed with international politics and technological advancements, but the Indian Ocean is a sea that was valued at the time and also after the Cold War. The Indian Ocean has become attractive to many countries of the world both in terms of its geographical location and also in terms of military and economic importance, because the Indian Ocean has a sensitive geographical location and Most countries conduct business transactions in this way.

لنډيز

که څه هم د تاريخ په اوږدو کې د نړۍ د سمندرونو ارزښت تل په يو شان نه دي پاتې شوي او د نړيوال سياست او د ټيکنالوژۍ د پرمختگونو سره يې تل بدلون موندلی دی، خو د هند سمندر هغه سمندر دی چې هم د سړې جگړې پر مهال يې ارزښت درلوده او هم له سړې جگړې وروسته. ياد سمندر د خپل جغرافيايي موقعيت له پلوه او هم د پوځي او اقتصادي ارزښت له پلوه د نړۍ د ډېرو هېوادونو د پام وړ گرځيدلی دی، ځکه د هند سمندر يو حساس جغرافيايي موقعيت لري اود نړۍ زياتره هېوادونه له دې لارې خپلې سوداگريزې راکړې ورکړې ترسره کوي.

سریزه

د هند سمندر د نړۍ پنځه‌گونو سمندرونو څخه هغه سمندر دی، چې نن ورځ یې ستراتیژیک موقعیت د نړیوالو لپاره د ارزښت وړ دی. ځکه نو د نړۍ ډېر هېوادونه دا هڅه کوي، چې ځانونه د هند سمندر ته ورسوي، له بل پلوه د هند سمندر ستراتیژیک موقعیت بیا دا سیمه د نړیوالې سیالۍ ډگر هم گرځولی دی، دبیلګې په توګه: دهند، جاپان امریکا او چین، پاکستان له سیالۍ څخه یادونه کولای شو. امریکا هڅه کوي د هند د تقویه کولو له لارې په دې سیمه کې د چین د زیات نفوذ مخه ونیسي، خو په مقابل کې چین هڅه کوي، ورځ تر بلې خپل سیاسي او اقتصادي حضور په هند سمندر کې پراخ کړي.

اوس دا سوال مطرح کېږي چې د هند سمندر سیاسي او اقتصادي ارزښت هند او دسیمې هېوادونو ته څه دی؟ گمان داسې دی چې دهند سمندر ته د نړۍ ډېر هېوادونه په یو ډول نه یو ډول لاره لري، له همدې کبله د هند سمندرنه یوازې د هند لپاره، بلکې د نړۍ ډېرو هېوادونو لپاره د یوې بڼې، ارزانه سوداګریزې لارې په توګه کارول کېدای شي، په پوځي لحاظ نه یوازې د هند سمندر د هند لپاره، بلکې د امریکا او چین لپاره هم ډېر د ارزښت وړ سمندر دی، ځکه یاد هېوادونه په دغه سمندر کې د ډېر پوځي نفوذ غوښتونکي دي.

مېریت: څرنگه چې د هند سمندر نن ورځ په نړیواله کچه د نړۍ هېوادونو د پام وړ دی او د سیمې د راکړې ورکړې لاره ده، نو د دې سمندر سیاسي او اقتصادي ارزښت څېړل اړینه ده.

هدف: د هند سمندر سیاسي او اقتصادي ارزښت څرگندول.

د څېړنې میتود: تشریحي او تحلیلي.

په نړۍ کې پنځه لوی سمندرونه موجود دي، چې عبارت دي له: (آرام سمندر، اطلس سمندر، د هند سمندر، منجمدشمالی اومنجمدسویلي) سمندرڅخه چې په دې ټولو سمندرونو کې تر ټولو لوی سمندر د آرام او اطلس سمندرونه دي، څرنگه چې زموږ د څېړنې موضوع د هند سمندره، نو ځکه دلته د نړۍ په نور سمندرونو نه غږیږو او یوازې د هند سمندر په سیاسي او اقتصادي ارزښت په لاندې توګه رڼا اچول کېږي:

- د هند سمندر پېژندنه

هند سمندر د نړۍ پر کچه درېيم لوی سمندر دی، دا سمندر د شمال له لورې د هند او د سویل له لورې د منجمد سویلي سمندر له خوا راچاپير شوی دی. ((د هند سمندر په لویدیځه خوا کې د افریقا لویه وچه موقعیت لري. شمال خوا کې یې آسیا او په سویل ختیځه کې یې استرالیا موقعیت لري. د اندونیزیا ټاپو چې د آسیا په سویل او د استرالیا په شمال کې پروت دی، د هند سمندر ختیځه پوله جوړوي. د هند سمندر د نړۍ د سطحې د اوبو ۲۰ سلنه جوړوي.

د هند سمندر تر ټولو ژوره نقطه (جاوه) نومېږي چې ۷۱۲۵ متره ژوروالی لري.))
(۱) د هند سمندر سره د نړۍ ځینې نور سیندونه هم یوځای شوي لکه: ((سور سیند یا دریای سرخ د هند سمندر د شمال لویدیځ له لورې د افریقا او عربستان تر منځ یو داخلي سیند دی، چې له سویل له لورې د باب المندب د اوبولارې له هند سمندر سره یوځای کېږي.)) (۲)

- د هند سمندر اقتصادي ارزښت:

((هند په ۱۹۴۷ زکال کې خپل د اړتیا وړ ډېر توکي له بهره واردول، هغه مهال د هند اقتصادي حالت ډېر کمزوری و.)) (۳) ځکه هغه مهال هندوستان نوی خپلواکی ته رسیدلی و، له خپلواکۍ سره سم د هندوستان نوي حکومت خپل اقتصادي پروگرامونه پیل کړل او دوی په لومړیو کې دا هڅه کوله چې هند په اقتصادي لحاظ په خپلو پښو ودروي، له همدې کبله د هند حکومت هڅه وکړه، ډېر بهرني توکي خپل هېواد ته وارد نه کړي او پرځای یې د خپل هېواد صنایع وکاروي. د خپلواکۍ په لومړیو کې هند د هند په سمندر هم د پام وړ واک نه درلوده، خو ورو ورو هندوستان وکولای شول په خپلو پوځي او اقتصادي پرمختگونو سره د هند سمندر کې د پام وړ ځای تر لاسه کړي او له دې لارې خپلې ډېرې سوداګریزې راکړې ورکړې ترسره کړي ان تر دې چې نن سبا هندوستان ځان د هند سمندر د پوره حق درلودلو حقداره بولي.

((د نړۍ ۳۷ هېوادونه د هند سمندر په غاړو کې پراته دي او ۱۷ نور هېوادونه د کوچنیو لارو څخه دغه سمندر ته لاره لري او هر یو له دغو هېوادونو څخه هڅه کوي

د هند په سمندر کې ځای ولري. همدا شان دنړۍ څلور مهمې د اوبو لارې (هرمز، باب‌المنذب، مالاکا او سویزکانا) له هند سمندر څخه تیرېږي.

په ۲۱مه پېړۍ کې د هند سمندر د نړیوالې اقتصادي لارې په توګه شمېرل کېږي، ځکه د هند سمندر د نړیوالې سوداګرۍ د سهولتونو لپاره ډېر د ارزښت وړ ګڼل شوی دی.)) (۴) یعنی دا سمندر د نړۍ ډېرو هېوادونو ته لاره لري او د نړۍ ډېر هېوادونونه کولای شي له دې لارې دخپلو سوداګریزو راکړو ورکړو لپاره له دغه سمندر څخه ګټه پورته کړي.

د هند سمندر د اقتصادي ارزښت په اړه باید وویل شي ((دنړیوالې سوداګرۍ ډېر توکي له مالاکا د اوبولارې، همدارنګه زیاتره نفتي توکي له هرمز د اوبو لارې څخه تیرېږي او په دې برخه کې د هرمز د اوبو لاره له نړیوال ارزښت څخه برخمنه ده. د دې تر څنګ د مالاکا د اوبو لاره هم د چین لپاره یوازینی د انرژۍ د تیریدلو ځای دی. همدا شان د هند زیاتره سوداګري او د نفتو واردات هم د هند سمندر له لارې ترسره کېږي.)) (۵)

د کومو اقتصادي پرمختګونو له امله چې نن ورځ یې هند او چین لري کېدای شي په راتلونکو کلونو کې د هند سمندر اړتیا نوره هم دواړو هېوادونو ته زیاته شي، ځکه چې د هند او چین د انرژۍ اړتیا ورځ تر بلې زیاتېږي او دواړه هېوادونه اړ دي خپله زیاتره د اړتیا وړ انرژي د نړۍ له نورو هېوادونو څخه واړده کړي، دلته بیا تر ټولو آسانه او ارزانه لاره د هند سمندر سمندري لاره ده.

له بله پلوه ((د هند سمندر د ځنډې هېوادونه هم د اقتصادي ودې د پراختیا په حال کې دي چې د دغه هېوادونو دا اقتصادي پراختیا په سیمه ییزه همکاري کې مرسته کولای شي، ترڅو د هند سمندر د سیمې هېوادونه خپل اقتصادي ظرفیتونه په دې سیمه کې په کار واچوي.)) (۶) هندوستان د هند سمندر د ځنډې هېوادونو سره نښې اړیکې لري او له بله پلوه په دې وروستیو کې د هند اقتصادي وده د چټکې پراختیا په حال کې ده، د هند لپاره یوښه فرصت دی، چې خپلو اقتصادي پرمختګونو ته د هند سمندر د ځنډې هېوادونو په ملګرتیا سره لاپراختیا ورکړي.

۲- د هند سمندر سياسي ارزښت:

څرنگه چې پورته هم نغوته وشوه، د هند سمندر نن ورځ دنړۍ د لویو ځواکونو د سیالی ډگر گرځیدلای او د نړۍ ځواکمن هېوادونه هڅه کوي په یو ډول نه په یو ډول ځانونه د هند سمندر ته ورسوي چې په دې ډله هېوادونو کې یو هم د امریکا متحده ایالات دي چې غواړي د هند له لارې د هند سمندر ته ځان ورسوي. دلته بیا امریکا خپلې موخې لري چې په وروسته کې به واضح شي.

((په دې ورستیو کې هند او امریکا د هند په سمندر کې د گډو همکاريو خبر وکړ او دواړو هېوادونو گډ سمندري تمرینات ترسره کړل، داسې ویل کېږي د هند او امریکا دا اقدامات کولای شي د هند او امریکا د دفاعي همکاريو د لاپراختیا لامل شي.

د هند او امریکا دا همکارۍ په داسې حال کې ترسره کېږي چې چین هم د هند په سمندر کې د خپلو فعالیتونو د زیاتولو په هڅه کې دي.)) (۷)

اوسمهال هند د هند په سمندر کې د چین د نفوذ له پراختیا سره مخامخ دی چې دې مسلې د هند او امریکا د لاندې کېدو زمینه برابره کړې. له همدې کبله چین هم د هند سیال پاکستان سره خپلې اړیکې نږدې کړي دي.

نن سبا د امریکا متحده ایالات چین ته په آسیایي هېوادونو کې خپل یوازیني سیال په سترگه گوري او د چین له اقتصادي او پوځي پرمختگونو څخه اندېښنه لري، ځکه نو غواړي د هند سره د مرستو له لارې د چین د پرمختگونو مخنیوی وکړي.

((د امریکا پوځي چارواکي وايي، د هند په سمندر کې د چین خوځښتونه د هند او امریکا دفاعي اړیکې نورې هم پیاوړې کوي، ځکه دواړه هېوادونه د چین له دې خوځښتونو څخه په دې سیمه کې په اندېښنه کې دي. امریکا په دې اند ده چې د چین دا خوځښتونه له یوې خوا د چین غوښتنې په دغه سیمه کې پراخوي او له بله پلوه د هند قوت د هند په سمندر کې له ننګونو سره مخامخ کوي.)) (۸)

که څه هم هند په څو لسيزو کې امریکا سره په خپلو اړیکو کې له ډېر احتیاط څخه کار اخیسته، خو په دې وروستیو کلونو کې هند اړ شو چې د چین د مقابلي په خاطر د امریکا متحده ایالاتو سره خپلې سياسي او پوځي اړیکې پراخې کړي.

((نن سبا د چین زیاتره سمندري فعالیتونه د آندامان او نیکو بار په جزایرو کې چې د مالاکا د اوبولارې ته نږدې دي ترسره کېږي.

د مالاکا د اوبو لاره د هند سمندر کې د چین سویلي سیند له آرام سمندر سره نښلوي او د چین ۸۰ سلنه هغه ټانکرونه چې د سوند مواد په کښتو کې لېږدوي له مالاکا اوبو لارې څخه تیرېږي.

یاده دې وي، اوسمهال چین د هند سمندر د یوې لویې برخې یعنی سویلي سیند د مالکیت ادعا لری او وایي دوی چې کوم پوځي فعالیتونه د هند په سمندر کې لري، یوازې په خپله سیمه کې خپل فعالیتونه ترسره کوي او د بل چا په حریم پورې کار نه لري، خو هند او امریکا بیا د چین دا خبره نه مني. ځکه چې دا سیمه نه یوازې له ډېرو غني معدني منابعو څخه برخمنه ده، بلکې یوه ښه سوداگریزه لاره هم ده او د نړۍ ډېر نفتي مواد له همدې سیمې څخه تگ راتگ کوي.)) (۹)

د هند په سمندر کې د امریکا، هند او چین سیالی د سیمې هېوادونو ته خطر ناکه تمامیدای شي، ځکه یاد هېوادونه اټومي ځواکونو دي او د دې اټومي ځواکونو تر منځ لاندې ټوله سیمه له گواښ سره مخامخ کوي.

د یادونې وړ ده، امریکا د سرې جگړې پر مهال د هند سمندر په پرتله د آرام سمندر ته ډېر ارزښت ورکاوه، ځکه د پخواني شوروي اتحاد تر فشار لاندې و. ((د شوروي د مقابلي په خاطر یې خپلې ۶۰۰ پوځي بېړۍ آرام سمندر کې ځای پر ځای کړې وي، ځکه چې شوروي د شمال له لوري د آرام سمندر سره پوله لري، خو کله چې سره جگړه پای ته ورسیده امریکا د خپلو دغو کښتو شمېر ۲۷۹ ته راټیټ کړ. دا کمښت په ډاگه ښيي چې نور په دې سیمه کې د امریکا پر وړاندې کوم جدي گواښ موجود نه و.)) (۱۰)

د هند سمندر بل ارزښت په دې کې دی چې دا سمندر ((د منځني ختیځ، استرالیا، افریقا او امریکا تر منځ د وصل کړۍ ده، ځکه نه یوازې چین او امریکا بلکې د نړۍ ډېر هېوادونه هڅه کوي د هند سمندر ته ځانونه ورسوي، په دې ډله هېوادونو کې یو هم ایران دی، ځکه ایران د هند سمندر په واسطې کولای شي له افریقا، اروپا او امریکا سره وصل شي.)) (۱۱)

دلته بیا امریکا له ایران سره هم ښې سیاسي اړیکې نه لري او نه غواړي چې دغه هېواد د هند په سمندر کې فعال رول ولري، خو پر عکس چین بیا له ایران سره ښې اړیکې لري او د هند په سمندر کې د ایران د فعال رول غوښتونکی دی.

دچين او ايران د ښو سياسي او پوځي اړيکو څخه د بيلگې په توگه د ((۲۵- ۱۳۹۶/۳/۲۸ هـ ش د هند سمندر د هرمز د اوبو لارې ختيځې برخې کې د دواړو هېوادونو د گډو پوځي تمريناتو څخه يادونه کولای شو چې د دواړو هېوادونو دغه گډ پوځي تمرينات د سمندري ځواکونو د تجربو د لېږد او د هند سمندر د امنيت ساتل ښودل شوي وو.

ياده دې وي، دا د چين او ايران دويم پوځي تمرينات وروسته له ۱۳۹۳ هـ ش څخه وو.)) (۱۲)

د ايران سربيره چين له پاکستان سره هم ښې اړيکې لري. کله چې هند او پاکستان په ۱۹۴۷ زکال کې سره جلا شول، ((دوه کاله وروسته پاکستان د چين لخوا په رسميت وپېژندل شو، نو له هماغه مهاله د پاکستان او چين سياسي اړيکې پيل شوې.

کله چې په ۱۹۶۲ زکال کې د هند او چين تر منځ لانجه رامنځ ته شوه، پاکستان دې ته متوجه شو، چې چين هم د پاکستان په شان له هند سره ورته ستونزې لري، نو له همدې کبله يې خپلې اړيکې له چين سره نږدې کړې. په ۱۹۵۶ زکال کې هند او پاکستان د کشمير پر سره په لانجه کې ښکيل شول دلته پاکستان وکولای شول د چين په مرستې سره له خپلو پولو ساتنه وکړي او د کشمير ځينې برخې هم بېرته ونيسي. په دې توگه د پاکستان او چين اړيکې نورې هم سره نږدې شوې.

اوسمهال چين په نړيواله کچه د پاکستان ملاتړی هېواد دی، دواړو هېوادونو سياسي اتحاد جوړکړی او په دې هڅه کې دي چې له سربيلانکا، مالديف او نيپال سره خپلو سياسي او اقتصادي اړيکو ته پراختيا ورکړي.)) (۱۳)

په حقيقت کې چين په دې هڅه کې دی، څرنگه چې امريکا هندوستان د چين په مقابل کې تقويه کوي، چين هم غواړي پاکستان د هند په مقابل کې تقويه کړي، په دې توگه پاکستان او چين کولای شي په سويلي آسيا او د هند په سمندر کې د امريکا او هند سره په ښه توگه سيالي وکړي، ((خودلته بيا نه يوازې امريکا او هند د هند په سمندر کې د چين د زيات نفوذ سره مخالفت لري، بلکې جاپان هم د امريکا او هند په شان ورته نظر لري، له همدې کبله دغه هېواد د هند سمندر د بندرونو د پراختيا په برخه کې زياته پانگه اچونه کړې ده، د بيلگې په توگه يوازې

په ۲۰۱۶ز کال کې جاپان ۸ میلیارډ ډالره د هند سمندر د بندرونو د پراختیا لپاره پانگونه کړې وه. په حقیقت کې جاپان په خپلو دغو پانگونو سره د هند په سمندر کې د چین سره سیالي کوي چې په ځینو مواردو کې له چین څخه په خپلو دغو سیالیو کې دمخه هم دی. ((۱۴)

پایله

نن سبا د هند سمندر د هند او سیمه ییزو هېوادونو لپاره ځکه ډېر ارزښت پیدا کړی چې په یو خاص جغرافیایي موقعیت کې پروت دی، د دې سمندر ارزښت په دې کې هم دی چې د نړۍ زیاتره هېوادونه له دې لارې خپلې سوداګریزې راکړې ورکړې ترسره کوي او په ننني عصر کې سمندري لارې نظر ځمکنیو لارو ته ارزانه او آسانه تمامیږي. له همدې کبله د هند لپاره د هند سمندر ارزښت زیات دی چې نه یوازې هند د خپل اقتصادي ودې ملاتړ لپاره په بهرنیو بازارونو پورې تړلی دی او د خپلو حیاتي فعالیتونو د اړیکو د ساتنې لپاره سمندري لارې ته ډېره اړتیا لري، بلکې په سیاسي او پوځي لحاظ هم دغه سمندر د هند لپاره ډېر ارزښت لري، هغه داسې چې هند د هند سمندر په پوځي کټې اخیستنې سره کولای شي په ډېرې آسانی سره د نړۍ له نورو هېوادونو سره ګډ پوځي تمرینات ترسره کړي.

د هند تر څنګ چین چې د نړۍ دویم لوی اقتصادي ځواک دی هم هڅه کوي په هند سمندر کې خپل سیاسي او اقتصادي نفوذ زیات کړي، خو دلته د چین پر وړاندې ځینې خنډونه پراته دي چې د هند په سمندر کې د چین د زیات نفوذ مخه نیسي، د بیلګې په توګه امریکا په دې خونه نه ده چې چین دې د هند په سمندر کې خپل نفوذ زیات کړي له همدې کبله یې له هند سره خپلې سیاسي او اقتصادي اړیکې زیاتې کړي دي.

کوم څه چې د هند او امریکا په اوسنیو اړیکو کې د بحث وړ دي هغه دا دي چې نن سبا د هند او امریکا نړیوال سیال د پخواني شوروي پرځای چین دی. چین په پوځي لحاظ ډېر پیاوړی هېواد دی او هم د اقتصادي پلوه د غښتلي اقتصادي ځواک څخه برخمن دی، ځکه نو کولای شي په خپلو دغو سیاسي او اقتصادي ظرفیتونو سره د هند او حتی د امریکا پر وړاندې ودريږي. له همدې کبله امریکا

هڅه کوي هند سره يوځای د چين په مقابل کې ودرېږي او پرې نه ږدې چې د هند په سمندر کې د چين نفوذ زيات شي.

وړاندیزونه

۱- څرنگه چې د هند په سمندر کې د هند، چين او امريکا تر منځ سيالي روانه ده، نو د افغانستان حکومت دې بايد هڅه وکړي چې له دغې سيالي څخه د خپل هېواد د ملي گټو د ساتلو په خاطر گټه پورته کړي، يعنې افغان حکومت دې بايد نه يوازې له هند سره بلکې له امريکا او چين سره هم خپلې دوستانه او ښې اړيکې د دغه هېوادونو د سيالی له کبله خرابې نه کړي او له ټولو يادو هېوادونو سره دې له متوازن او دوستانه سياست څخه کار واخلي.

۲- افغان حکومت دې بايد له ډيپلوماټيکو لارو داسې زمينه برابره کړي، چې دخپلې سوداگرۍ د پياوړتيا لپاره د هند سمندر ته لاره پيدا کړي.

۳- افغانستان بايد د هند، امريکا او چين سره په اړيکو کې خپل تعادل وساتي، ځکه په نړيوال ډگر کې د يادو هېوادونو ملگرتيا د افغانستان له پاره ډېره کټوره تماميدای شي.

مأخذونه:

۱- محمودی، امير علي. "اوقیانوس های دنيا راجقدر می شناسيد" ويب سايت انفارماورليد، ۱۳۹۵/زمری/۳، لاسرسی: www.informaworld.com [مراجعه: ۱۳۹۷/وری/۶]

۲- عیوضي، جداری، جمشید. جغرافیای آبها، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران: ایران، ۱۳۸۶ هـ ش، چاپ سیزدهم، ص ۳۶.

۳- اس، اس آویستی. ترجمه محمد آهني امنیه، ساختار سياسي هند، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه: ایران، ۱۳۸۶ هـ ش ۴۰۹ مخ.

۴- ملكي زاده، رزیتا. "جهان چند اوقیانوس دارد؟" ويب سايت راسخون، ۱۳۹۴/۱۷/۵، لاسرسی: <http://rasekhoon.net> [مراجعه: ۱۳۹۷/وری/۷].

۵- عجم، محمد، دکتر. "اهمیت ژيو استراتیژیک اقیانوس هند در جهان و اتحادیه همکاری های منطقه ای کشور های حاشیه اقیانوس هند"، ويب سايت پارسيا، ۱۳۹۴/زمری لاسرسی: <http://parassea.org> [مراجعه: ۱۳۹۷/وری/۸].

- ۶- اریب نیوز. "رشد فزاینده ترافیک دریایی در بنادر اوقیانوس هند"، وبسایت اریب، ۱۳۹۷/غویی/۴ لاسرسی: www.iribnews.ir [مراجعه: ۱۳۹۷/غویی/۶].
- ۷- تسنیم نیوز. "همکاری امریکا و هند برای جنگ زیر دریایی در اوقیانوس هند" سایت تسنیم، ۱۳۹۵/غویی/۱۳، لاسرسی: www.tasnimnews.com [مراجعه: ۱۳۹۷/غویی/۹].
- ۸- هماغه خای.
- ۹- هماغه خای.
- ۱۰- حزب افغانستان. "چرا آسیا در محراق ستراتیژی جدید امریکا قرار دارد" وبسایت حزب افغانستان، ۲۰۱۳/سپتمبر/۶، لاسرسی: hizb-Afghanistan.com [مراجعه: ۱۳۹۷/غویی/۱۰].
- ۱۱- رضا، مهرعطا، "ایران حوزه راهبردی اوقیانوس" ۱۳۹۱/وری، لاسرسی: www.did.ir [مراجعه: ۱۳۹۷/غویی/۱۰].
- ۱۲- محروق، فاطمه. "رزمایش های مشترک دریایی چین از کرانه های اوقیانوس هند تا دریای مدیترانه"، مرکز تحقیقاتی پژوهش‌های ستراتیژیک، وبسایت مرکز تحقیقات سیاست خارجی، ۱۳۹۶/زمری/۲، لاسرسی: <http://www.csri.ir/fa/news> [مراجعه: ۱۳۹۷/غویی/۱۱].
- ۱۳- پرس تی وی، "مذاکره امریکا در باره جنگ ضد زیر دریایی علیه چین، د پرس تی وی وبسایت، د ۲۰۱۶ د فبروری. ۵، لاسرسی: www.presstv.com [مراجعه: ۱۳۹۷/غویی/۱۱].
- ۱۴- دسته، محمد غیائی، سرمایه گذاری ۸ میلیارد دلاری جاپان در پروژه های زیر ساختی اوقیانوس هند، ویسایت موقاومتی، ۱۳۹۷/چنگانبس/۴، لاسرسی: <http://moqavemati.net> [مراجعه: ۱۳۹۷/چنگانبس/۱۱].

معاون سرمحقق خادم احمد حقیقی

نقش سبک ہندی در گسترش و پویایی

مشترکات فرهنگی منطقه‌یی

The Role of Indian Style in Expansion and Dynamics of Regional cultural commonalities

Khadem Ahmad Haqiqi

Abstract: Countries in our region, including Afghanistan, Iran, Tajikistan, India and Pakistan, in addition to being neighboring countries, They also have many cultural commonalities. One of these cultural commonalities is the literary-linguistic commonalities which, from the point of view of common literary research, the Sabki Hindi or Indian style of Persian literature is more prominent in this respect. Although The origin of this style, is Khorasan, especially in Herat, but in the poetry of the Ludy and Mongolian poets of India it reached its peak of dynamism and then expanded again to the lands of Khorasan, Fars, Transnistria. It is also noteworthy that although in the twelfth century in Iran there was a reaction to Hindi style, but its influence in India, Tajikistan and Afghanistan continued until recent times. And in the region, seminars, scientific conferences and independent research are now being held every year in these countries, which can further strengthen and enhance the cultural relations between these countries and, ultimately, the To expand the cultural community in the region.

خلاصه

کشورهای منطقه ما از جمله افغانستان، ایران، تاجکستان، هند و پاکستان، علاوه بر اینکه کشورهای با هم همسایه اند، دارای مشترکات فرهنگی زیادی نیز می باشند. از جمله این مشترکات فرهنگی، یکی هم مشترکات ادبی - زبانی می باشد که از دید پژوهش های ادبی مشترک، سبک هندی مربوط به ادب فارسی دری از دیگران بیشتر در این راستا خودنمایی می کند. خاستگاه این سبک هرچند خراسان به ویژه هرات دوره تیموری است، اما در شعر شاعران دربارهای لودی و مغولی هند به اوج شگوفایی و پویایی خود رسید و سپس به دوباره به سرزمین های خراسان، فارس، ماوراءالنهر گسترش یافت. این نکته نیز قابل یادآوری است که اگر چه در ایران در سده دوازدهم هجری در قبال سبک هندی و انحطاطش واکنشی نشان داده شد، اما نفوذ این سبک در هند، تاجکستان و افغانستان تا دوران اخیر ادامه داشته است. و نیز در این زمینه هم اکنون در این کشورهای منطقه، همه ساله سیمینارها، کنفرانس علمی برگزار و پژوهش های مستقل صورت می گیرد که این امر می تواند، سبب تحکیم و پویایی بیشتر روابط فرهنگی میان این کشورها و در نهایت، براننده گی و برجسته گی گسترده مشترکات فرهنگی در منطقه شود.

مقدمه

سبک هندی در کنار سبک های خراسانی و عراقی، از جریان های مهم ادبی در زبان فارسی دری است که بررسی آن از زوایای گوناگون حایز اهمیت است. سبک هندی، جریانی در شعر فارسی است که در فاصله سال های ۹۰۰ تا ۱۲۰۰ ق پدید آمد و از نظر جهان بینی، زبان شعری و شیوه تخیل و تصویرپردازی با شعر قرن نهم ق. و پیش از آن تفاوت های اساسی داشت.

در پیدایش سبک هندی عواملی چون مذهب، سفر شاعران به هند، رفاه اقتصادی و علاقه شاهان این دوره به فرهنگ را می توان دخیل دانست. از سوی دیگر، اینکه حکومت صفویه در فارس به شعر مدحی و درباری توجه نداشت و با آمیزه های سنتی عرفانی در تضاد بود؛ همین امر باعث شد شعر از دربارها خارج شود و همه اصناف حق ادعای شاعری یابند و توجه آنان به امور جزئی و پند و اندرز و... معطوف شد. از طرفی عدم درآمد از شعر مدحی باعث شد که شاعران به

نقش سبک هندی در گسترش و پویایی مشترکات فرهنگی منطقه‌یی

درباره‌های هند رو بیاورند و آشنایی آنها با تفکرات هندوان نیز تا حدودی در تغییر سبک دخیل گشت. رفاه اقتصادی مردم نیز علتی شد تا هر کس به وسع خود به نحوی به ادبیات و شعر و شاعری بپردازد و شعر در میان عامه رواج یابد و همه این عوامل کم کم زمینه پیدایش سبک هندی را به وجود آورد.

قالب شعر در سبک هندی، «تک بیت» است که شکل غزل می‌یابد و به این صورت در یک بیت کامل می‌شود. منتهی این ابیات وقتی در کنار هم قرار می‌گیرند، قالب غزل می‌سازند. شاعر در این راستا می‌بایست مصرع اول را با مضمونی تازه بیان کند تا مطلب او جدید باشد. این امر باعث می‌شد که روز به روز امکان شاعران برای ایجاد روابط تازه محدودتر شود و آنان به سراغ ربط دادن امور دورتر بروند و کم کم در ورطه تعقید و اغراق افتند و ابهام در شعر بوجود آید. به این جهت است که می‌گویند در سبک هندی ابهام وجود دارد.

از معروفترین شاعران سبک هندی کلیم کاشانی، میرزا صائب تبریزی، عبدالقادر دهلوی و... هستند. این سبک بعد از پیدایی آن، به زودی در منطقه وسیع حوزه زبان و ادبیات فارسی دری از قبیل افغانستان، فارس، هند و ماوراءالنهر گسترش یافت و تا امروز در همین منطقه به عنوان میراث مشترک ادبی - فرهنگی به آن ارج گذاشته می‌شود.

مبرمیت تحقیق: هرچند پیرامون سبک هندی در زبان پارسی دری بحث‌های گوناگون و متنوعی صورت گرفته، ولی هنوز تحقیق و کار ویژه‌یی پیرامون جایگاه و نقش این سبک در گسترش و پویایی مشترکات فرهنگی منطقه صورت نگرفته است.

هدف تحقیق: هدف اصلی این مقاله، روشن‌سازی و بررسی ابعاد گوناگون شکل‌گیری سبک هندی در سه کشور مهم منطقه افغانستان، ایران و تاجکستان و تأثیر این امر بر روند توسعه و گسترش روابط فرهنگی و در پیامد تحکیم مشترکات فرهنگی منطقه‌یی می‌باشد.

روش تحقیق: در نگارش این تحقیق ما با استفاده از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی متن مقاله را در چند بخش به هم مرتبط مورد پژوهش قرار داده‌ایم که قرار زیر تقدیم می‌گردد.

نخست: ریشه و منشاء سبک هندی

قبل از آنکه به اصل موضوع پرداخته شود، لازم می‌نماید اندکی پیرامون پیشینه گسترش زبان و ادب پارسی دری در سرزمین هند بحث شود و به تعقیب آن فرایند شکل‌گیری سبک هندی در این منطقه و سپس گسترش آن به افغانستان و سایر حوزه‌های زبان فارسی دری، بحث صورت گیرد.

آن گونه که می‌دانیم سلطان بزرگ غزنه، سلطان محمود غزنوی با لشکر کشی‌های گسترده خویش به نیم‌قاره هند، سبب شد تا زبان و ادبیات فارسی دری، به تعبیر خواجه شیراز حافظ شیرازی، این قند پارسی، به بنگاله نیز برده شود و این امر نخستین روزنه‌ی جهت شکل‌گیری یک حوزه تمدنی و فرهنگی مشترک منطقه‌ی نیز بود.

ادبیات شناسان بر این باور اند که از درهم آمیزی ویژه‌گی‌های فرهنگی، ادبی و ویژه‌گی‌های محیطی و زیستی آن سرزمین با زبان و ادبیات فارسی دری، شیوه تازه‌ی درسخن‌سرایایی این زبان پدید آمد که امروز این شیوه را به نام مکتب هندی یاد می‌کنند. این شیوه بعداً در دوران شاهان مغولی هندی به قله‌های بلندی از زیبایی و کمال دست یافت.

البته اوج گسترش زبان و ادب پارسی دری در هند به زمان لودی‌ها بر می‌گردد، سلطان سکندر لودی زبان دری را، زبان رسمی قرار داد و مغول‌ها به ویژه ظهیرالدین محمد بابر بیانگذار دولت گورگانیان هندی و اسلافش، زبان و ادب پارسی دری را در هند به چنان اوج و اعتباری می‌رساند که حتا به عنوان برازنده-ترین زبان منطقه مورد توجه همه‌گان قرار می‌گیرد و به مدت ۵۰۰ سال زبان اداری، ادبی این سرزمین می‌باشد. ظهیرالدین محمد نه تنها جهانگشای بزرگی بود؛ بلکه مردی بود دانشمند، ادیب، شاعر و نویسنده؛ به هر دو زبان ترکی و پارسی دری شعر می‌سرود. در علم عروض رساله‌ی دارد و هم واقعات رزمی خود را زیر نام «واقعات بابری» نگاشته‌است. پس از او بازمانده‌گان با فرهنگ اش چون همایون، جلال‌الدین اکبر و جهانگیر هرکدام در گسترش زبان پارسی، خدمات بزرگی را انجام دادند که در نتیجه هند را به یکی از کانون‌ها یا مراکز مهم فرهنگی - ادبی

نقش سبک هندی در گسترش و پویایی مشترکات فرهنگی منطقه‌یی

پارسی دری در منطقه بدل کردند. این امر سبب شده بود که شمار زیادی از شاعران از خراسان بزرگ به دربارگورگانیان روآورند.

به هر حال، در اثر خدمات همین شاهان بود که مکتب یا سبک هندی در شعر و نثر زبان فارسی دری که تازه در هند سیر تکامل خود را می‌پیمود، نیز به اوج و شگوفایی خود رسید.

در پیوند به این امر که چه کسانی از نخستین سراینده گان به شیوه هندی بوده اند، در میان پژوهشگران تاریخ ادبیات پارسی دری، دیدگاه‌های همگونی وجود ندارد.

محمد حیدر ژوبل در «تاریخ ادبیات افغانستان» نخستین رگه‌های پیدایی این شیوه را مربوط به دوره تیموریان هرات (۹۲۰-۷۷۲ قمری) می‌داند. به نظر او، سلطان حسین بایقرا و وزیر دانشمندش امیرعلی شیرنواپی که متمایل به تصوف و غزل عرفانی بودند، اساسات این شیوه را پایه گذاری کردند که بعداً استادان بزرگی چون صایب، کلیم و بیدل آنرا به کمال و شگوفایی رساندند. هم‌چنان بنا به باور داشت او، مسعود سعد سلمان نیز، یکی از نخستین سخنورانی است که ممیزات شیوه هندی در اشعارش، به روشنی دیده می‌شود.

اساساً دوره تیموریان را می‌توان پایان دوره مکتب عراقی در شعر پارسی دری گفت. در همین دوره است که در کنار شعر مکتب عراقی، حرکتی به سوی بیان و زبان تازه‌یی که در نهایت به مکتب هندی می‌رسد، مشاهده می‌شود. زنده‌یاد مسعود رجایی در کتاب «طاووس در آیینۀ خانه» که پژوهشی گسترده‌یی است در پیوند به چگونه‌گی پیدایی مکتب هندی، ویژه‌گی‌های این مکتب و شعر بیدل، به نقل از مقدمه دیوان اشعار بابافغانی می‌نویسد: «تصادفی نیست که وقتی بابافغانی شیرازی (م ۹۲۵ قمری) از شیراز به هرات آمد و به حلقه‌های ادبی راه یافت، شاعران هرات به دو گونه متفاوت از او استقبال کردند، برخی به تتبع و پیروی از غزلیاتش پرداختند که حاوی نکات نو و طرز بیان تازه بود و گروهی این طرز او را نپسندیدند». پژوهشگران، شعرهای بابافغانی را به دو دسته بخش‌بندی می‌کنند، یکی همان بخش غزل‌های او که به پیروی از گذشته‌گان که همان شاعران مکتب عراقی اند، سروده است که زبان روشنی دارد. بخش دیگر، آن غزل‌های بابافغانی

است که از نظر تخیل و زبان پیچیده است که برخی شاعران هرات را در آن روزگار پسند نمی‌افتید. این تخیل و زبان پیچیده در شعر فغانی، در حقیقت همان گرایش اوست به سوی نوجویی و رسیدن به زبان تازه؛ اما ابهام آمیز و پیچیده که می‌توان از آن به نام نخستین سنگ بنای کاخ رازناک مکتب هندی یاد کرد.

رجایی در کتاب خود این چند بیت را از بابا فغانی به گونه‌ی نمونه می‌آورد که در آن می‌توان، نخستین رگه‌هایی مکتب هندی را مشاهده کرد.

تن نخواهد خواب‌گاه گرم، چون گرم است دل

گلخنی را زیر پهلو، فرش و دیبا آتش است

می‌گدازم از حیا تا از تو می‌جویم مراد

در نهاد بیدلان طرز تمنا آتش است

مرد صاحب دل رساند فیض در موت و حیات

شاخ گل چون خشک گردد وقتی سرما آتش است

در همین حال شمار دیگری از پژوهشگران این عرصه، اظهار نظری کنند که در اشعار امیرخسرو دهلوی و حافظ شیرازی نیز می‌توان با جنبه‌هایی از مختصات و ممیزات شیوه‌ی هندی دست یافت. در همین زمینه ملک الشعرا بهار می‌نویسد که از غزلیات جامی با آن همه طول و تفصیل، نه به حالت اجتماعی - سیاسی معاصر او می‌توان پی برد و نه به حالات اجتماعی و معتقدات فلسفی و عرفانی شخصی او. زیرا اشعار مزبور، طوری پایند به تخیلات شعری و علاقه‌مند به مضامین متداوله‌ی شاعرانه است که جای اظهار فکر و عقیده و شجاعت ادبی و صراحت گفتار برایش باقی نمی‌ماند و همین اصول، یعنی علاقه‌ی شاعر به یافتن مضمون نو و تدارک قافیه و توجه به صنعت و هنر نمایی، موجب پیدایش سبک پیچیده‌ی هندی گردیده‌است. این شیوه که در هرات توسط جامی و بابا فغانی پایه‌گذاری شد، به دهلی و دکن و اصفهان سرایت کرد و در فرجام اساس بنیادین، محکم و استواری از مشترکات فرهنگی را گذاشت که تا امروز همواره سبب نزدیکی و همسویی ملت‌ها در منطقه شده‌است. بنابراین، طوری که ملک الشعرا بهار نیز باورمند است، نخستین تخمه‌های مکتب هندی در هرات جوانه زده و بعد در اصفهان و هند به ثمر رسیده است.

نقش سبک هندی در گسترش و پویایی مشترکات فرهنگی منطقه‌یی

موضوع دیگر این است که هیچ مکتب هنری - ادبی نمی‌تواند پدید آید؛ هیچ تغییر و دگرگونی در هیچ عرصه دانش و هنر نمی‌تواند پدید آید، مگر آنکه ریشه در گذشته داشته باشد. اینجا می‌بینیم که مکتب هندی از درون مکتب عراقی سر به در می‌کند؛ یعنی می‌توان گفت که پدیده نو از درون یک پدیده کهنه، پدید می‌آید. پس خاستگاه هر پدیده نو، همان پدیده کهنه است. این قانون تحول است. مکتب هندی در شعر فارسی دری بر بنیاد چنین واقعیت و قانونمندی پدید آمده - است. این مکتب در دوران شاهان مغولی هند به گونه یک مکتب نو ادبی چنان در اوج شگوفایی خود قرار داشت و بیدل که خود در تاریخ ادبیات فارسی دری، حادثه شگفت‌انگیز و کم‌نظیری است، آن را به چنان اوجی از تکامل و زیبایی رساند که دیگر شعر او چون کوه بزرگی با کوتل‌های فراوانش در پهنه تاریخ ادب فارسی دری ایستاده و تا هنوز سروده‌های آفتابی و پر ابهام آن، برای ما تسخیر ناپذیر می‌نماید. جایگاه بیدل در مکتب هندی چنان بزرگ و پر درخشش است که می‌توان تمامی ویژه‌گی‌های ابداعی این مکتب را به گونه روشن در آثار او پیدا کرد. از همین جاست که در تاریخ ادب فارسی دری، گذشته از دوره مکتب هندی می‌توان از دوره بیدل گرایی یا عصر بیدل نیز یاد کرد.

دوم حوزه جغرافیایی زبان فارسی و روند گسترش سبک هندی

کارشناسان عرصه تاریخ ادبیات، سده هفده تا نیمه سده هجدهم میلادی را ادامه مکتب هندی می‌دانند. پس از این دوره تا نیمه سده نوزدهم میلادی اندیشه‌ها و شگردهای شاعرانه ابوالمعانی میرزا عبدالقادر بیدل است که بر شعر شاعران بخش اعظم حوزه زبان فارسی دری در منطقه تاثیر گذار بوده است. هرچند زبان فارسی و به دنبال آن شعر فارسی دری در حال حاضر در هند متروک بوده و در ایران به این سبک شعری چندان توجهی صورت نمی‌گیرد، ولی در کشورهای فارسی زبان خارج از هند و ایران مانند افغانستان و تاجیکستان و فارسی زبانان آسیای مرکزی مانند سمرقند و بخارا و تاشکند اقبال عظیمی نسبت به آثار بزرگان این سبک مخصوصاً صائب و بیدل و غالب وجود دارد که در بحث آتی به گونه تفصیلی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف) هند به عنوان مهد پرورش سبک هندی

سرزمین هند را هرچند نمی‌توانیم به عنوان خاستگاه سبک هندی تلقی کنیم، اما این قلمرو را می‌توان، مهد و گهوارهٔ پرورش این سبک دانسته است؛ این واضح است که ادب دوستی و فرهنگ پروری شاهان هندی از قبیل لودی‌ها و مغول‌ها، در پویایی این سبک بی‌تأثیر نبوده و همین امر سبب شد که شاعران سالار این سبک از قبیل بیدل، کلیم، صایب، امیر حسن دهلوی و ده‌ها شعر سرا به این سبک در این سرزمین مقیم باشند. به هر حال، سبک هندی، چنانکه از نام آن پیداست، مربوط به کشور هندوستان می‌گردد. البته باید گفت که نقش این کشور در پژوهش‌های ادبی و زبانی پارسی دری به اندازه‌ی برجسته است که به باور محققین کسانی که در تاریخ ادبیات قرن دهم و یازدهم زبان فارسی دری کار می‌کنند، برای یکصد هشتاد تن از شاعران و نویسندگان این زبان، باید به هندوستان و به کتاب‌هایی که در هند تألیف شده است رجوع کنند. هندوستان در شعر فارسی این دوره به اندازه‌ی مؤثر است که حتا نام همین سبک به نام این کشور گره خورده است؛ حتا شاعران واپسین سرزمین هند و پاکستان که در اواخر سدهٔ سیزده و چهاردهٔ هجری می‌زیستند؛ مانند میرزا غالب دهلوی و اقبال لاهوری نیز به نحوی از این سبک متأثر بودند.

ب) ادامهٔ سبک هندی در افغانستان

در افغانستان سبک هندی با دورهٔ بیدل‌گرایی توأم با راه‌اندازی رشتهٔ انجمن‌های ادبی بیدل، حلقات بیدل‌خوانی، برگزاری عرس‌های بیدل به همراه بوده است. در دوره‌های مختلف، در حلقات ادبی افغانستان اشعار بیدل شرح و تحلیل شده و شاعران به پیروی از غزل‌های عرفانی او شعر می‌سرودند. با این حال بسیاری از پیروان بیدل در افغانستان بیشتر به تقلید از شکل، اسلوب و تکنیک بیدل و تصوف او پرداخته‌اند و از اندیشه‌های فلسفی، اجتماعی او کمتر بهره‌جسته‌اند. آنهایی که با آثار بیدل آشنایی‌هایی به هم رسانده‌اند، نیک می‌دانند که آثار گران ارج او بیشتر بر پایهٔ اندیشه‌های فلسفی و اجتماعی او استوار است و تصوف بخشی آن را تشکیل می‌دهد.

در مجموع، بعد از گسترش زمامداری احمدشاه درانی که مقارن با سال‌های واپسین پختگی، قوت، کمال و شگوفایی سبک هندی در هند است، این سبک مورد توجه

نقش سبک هندی در گسترش و پویایی مشترکات فرهنگی منطقه‌یی

مجامع ادبی به شگرد هندی آن در افغانستان قرار گرفت و تا امروز به شیوه‌های گوناگون و روش‌های مختلف این روند تاثیر پذیری از سبک هندی ادامه دارد. سبک هندی توجه شاعران افغانی را چنان به خود معطوف داشته که حتا زمامداران شاعر مانند تیمور شاه درانی و شاه شجاع نیز در پرتو آن به سرایش شعر می پرداختند.

به هر حال، از دوره احمد شاه درانی تا سالیان مقارن حمله انگلیس‌ها بر افغانستان، گستره شعر و شاعری در افغانستان به صورت کل زیر تاثیر سبک هندی بوده است؛ چنانکه شاه شجاع، نوه احمدشاه بابا نیز شاعری بسیار خوش قریحه بود و از بیدل پیروی می کرد و گویا تخصص ویژه‌یی نیز در سرودن شعر برای ضرب سگه داشت^۱. اما با هجوم نیروهای بریتانیا بر خاک افغانستان، شعر افغانستان با متاثر شدن از روندهای موجود اجتماعی، در بستر شعر حماسی، به سبک خراسانی گرایش بیشتر پیدا کرد. ولی از اوایل سالیان سده ۱۹ م. سبک هندی باردیگر مورد توجه شاعران ما قرار گرفت که با وجود تلاش‌ها و کوشش‌های بی شمار، به منظور احیای سبک خراسانی در قالب بازگشت ادبی، پویایی و گسترش نفوذ سبک هندی، در تار و پود سروده‌های شاعران پارسی گوی افغانستان، استوار ماند و از آن زمان، تا کنون به شیوه‌های مختلف این تاثیر پذیری از سبک هندی ادامه دارد. بیدل گرایی در بین شاعران افغانستان عموماً رواج داشته و دیوان بیدل در بسیاری از مکاتب سنتی درس داده می‌شود و در خانه‌ها به عنوان کتابی قدسی حضور داشته است، در زمان امیرحبیب‌الله خان چاپ دیوان بیدل برای اولین بار به همت ملک‌الشعرا قاری عبدالله و جمعی از فضالی مهاجر بخارا، شروع شد و تا حرف دال نیز ادامه یافت.

به رغم تلاش برخی از شاعران برای استخدام عناصر زیباشناختی مربوط به سبک عراقی، عطر تند سبک هندی در فضای غزل آنان پیچیده است. در شعر محمدامین عندلیب، تشبیه چشم به پرنده و مژگان به بال در کنار ترکیب «آینه پیم»، و حس‌آمیزی مندرج در تعبیر «شکست رنگ»، تلاش شاعر را برای تقلید از بیدل به روشنی باز می‌نماید:

بال مژگان دیده چون بهر تماشا بشکند

رنگ بر رخسار آن آئینه‌پیما بشکند^۲

بعد از بنیانگذاری، رشد و بالنده گی سبک هندی، شاعران زیادی در افغانستان مانند: حمیدی بلخی، خان ملا خان بدخشی، شامل کابلی، اسیر، شاهین دروازی، احمدعلی شاه قندهاری، سیدفاضل غمگین، عبدالهادی داوی، استاد عبدالحق بیتاب، محجوبه هروی و شمار دیگری از شاعران و حتا از شاعران امروزی ما: حیدری وجودی و واصفی به این سبک نسبتاً موفقانه طبع آزمایی کردند.

در همین حال، شعر مشروطیت افغانستان، در معنا و مضمونی که شاعران آزادی‌خواه می‌کوشند، تا مضامین سیاسی و اجتماعی جدید را در قالب‌های کهن بازگو نمایند. بنابراین، زبان شعر مشروطه در افغانستان زبانی ساده و قابل فهم برای عامه مردم است. ولی با این وجود، شاعران مشروطه خواه که در بیان مضامین جدید از زبان و سبکی تازه استفاده می‌کردند، در اشعار تغزلی و شخصی به همان سبک رایج یعنی سبک هندی، نظر داشتند.

به این اساس، سبک هندی تا چند دهه پیش سبک غالب شعر در افغانستان بوده است. البته تلاش‌های فردی برای گریز از این سبک همیشه در افغانستان وجود داشته؛ اما هیچگاه تبدیل به حرکت و جریانی قدرتمند و فراگیر که سبک هندی را پس بزند نشده است.^۳ چنانکه ظرف بیشتر از نیم سده گذشته شعر فارسی دری در افغانستان، از نظر ساختار، تکنیک، زبان و نحوه نگرش و تصویرپردازی به موفقیت و نوآوری‌های گسترده‌ی دست یافته است؛ ولی با این حال هنوز تاثیر بیدل در شعر شماری از شاعران افغانستان به روشنی دیده می‌شود. به یک مفهوم می‌توان گفت که حتا امروز در شعر مدرن افغانستان نیز سایه تصویرپردازی سبک هندی و اندیشه‌های بیدل را مشاهده کرد. بر پایه داوری برخی اندیشمندان ادبی در افغانستان، شعرنو یا نیمایی ما نیز از سبک هندی هرچند از دیدگاه قالب و ساختار شعری اندکی دور می‌نماید، اما از دیدگاه خیال‌پردازی و تصویرسازی زیر تاثیر آن رفته است: "هرچند بوطیقای غالب شعرمعاصر ما آگاهانه یا ناخودآگاه از زیبایی شناسی سبک هندی بریده شده است، ... اما به بیان تصویری آن توجه داشت"^۴.

ج) ایران و سبک هندی

در فارس قدیم و یا ایران امروز نیز بیشتر شاعران و سراینده گان به این روش سخن می گفتند، ولی در پایان دوره صفویه این مکتب در آنجا نسبتاً کم‌رنگ و تا حدی منسوخ شد.

با این وجود، نگرش دوره معاصر در این کشور به شعر به گونه‌یی بوده که توانسته است آبروی ازدست‌رفته شعر سبک هندی را بدان بازگرداند و از سردابه‌های خاموشی و فراموشی بیرونش بکشد و شعر سرایان و شعر پژوهان را به سوی آن جذب کند. اینجاست که باید از ارز و ارج نوشته‌های نیما یوشیج گفت. برای نیما شعر با ابهام و دشوارفهمی، آمیخته است.

از دیگر شاعران معاصر ایران، اخوان ثالث نیز اگرچه با سبک هندی بیگانه نیست و نوشته‌هایش از ارجاع به تذکرها، شاعران و جنبه‌های گوناگون زنده‌گی و شعر دوره صفوی بهره‌مند است، ولی بعضی از تصویرها و مضمون‌های شاعرانه‌اش دیون سبک هندی است.

گذشته از شاعران دربالا تذکر یافته، کسانی چون امیری فیروزکوهی و محمد قهرمان که به تعبیر علی دشتی از «مسحوران صائب» بوده اند^۵، نوشته‌ها و سروده‌های شان آشکارا از ارادت شان به سبک هندی، آن هم ارادتی که تا پایان زنده‌گی شان در آن خللی راه نیافت، خبر می‌دهد. در این میان، از کسانی مثل شفیع کدکنی شاعر (نه منتقد ادبی) نیز نام باید برد که اگرچه از سرودن شعر در حال و هوای سبک هندی سر باز زد و حتاً بر شعرهای اینچنینی خود دستکم نگریست، در جذبۀ خیالات رنگین سبک هندی گذشت. دفتر شعر «زمزمه‌ها»^۶ی شفیع کدکنی که در اسد ۱۳۴۴ در مشهد منتشر شده است، دفتر پرهیاهوی حضور نوبرانه‌های نازک‌خیالانۀ شاعران سبک هندی در شعر او است. تا جایی که در مقدمه‌یی که سال‌ها بعد بر «آیینه‌یی برای صداها» مجموعه شعری دیگرش نوشت، از قصد خود برای پرهیز از انتشار تمامی شعرهای «زمزمه‌ها» گفت و از «روحیۀ عاریتی و بیمارگونه سبک هندی حاکم بر بعضی غزل‌های آن»^۶

همچنان، با بررسی دفترهای شعری قیصر امین‌پور با توجّه به ویژه‌گی‌های زبانی و زیبایی‌شناختی آنها و پیوندشان با سبک هندی، می‌شود گفت که قیصر، جلوه-

های جمال‌شناختی سبک هندی را بیش از همه به واپسین دفترهای شعری خود، گل‌ها همه آفتابگردانند و دستور زبان عشق، راه داده است. آینه‌های ناگهان، دفتر شعرهای ناگهان و بی‌تأمل قیصر است؛ شعرهایی که مثل آینه‌اند و انعکاس تمام‌قد درون شاعر و دردها و دریغ‌هایش؛ ناگهان هستند و بی‌تأمل و بی‌وسواس‌های امین‌پور در صنعت‌پردازی. حاصل این همه، شعرهایی است که تابلوی می‌شوند برای گسترده‌گی خیالی که در تصویری فشرده، همانند زبان شاعرانه سبک هندی است.

هنگام بحث درباره مانده‌گی‌های شعر معاصر در ایران به سبک هندی، طبعاً نمی‌شود از کنار سهراب سپهری بی‌اعتنا گذشت؛ خاصه به جهت نقشی که وی در متمایل نمودن ذوق معاصران به نوع تصویرهایی داشته است که در ادبیات دری، نمونه‌های اعلایش را باید در سبک هندی دید.^۷

شاعرانی دیگر ایرانی که حتا پیش از سپهری شعر شان خبر از درک دگرگونی-های بلاغی تصویر می‌دهد، چشم به افق‌های فرهنگ و ادبیات غرب داشتند و شعر شان سوغات سفرهای آنها در سروده‌ها و نوشته‌های اروپایی بود، می‌بینیم که بازهم بیشتر پیوستگی با بیدل و صائب را سراغ می‌گیرند نه تئوری‌های آندره برتون و سروده‌های سن ژون پرس را.^۸

د) حوزه ادبی ماوراءالنهر و سبک هندی

از آنجایی که سبک هندی از ظهور تا اصالت به نام نماینده‌گان برجسته آن، چون صائب و بیدل گره خورده، مراحل تاریخی تحوّل این سبک در منطقه ماوراءالنهر و به دنبال آن تاجکستان، به نام آنها ربط می‌گیرد. در شعر شاعران این منطقه در دوره ماقبل می‌توان جلوه‌هایی از این سبک را در شعر شوکت بخارایی و سیدای نسفی دریافت.

وضعیت تأثیر شعری صائب و بیدل بر اشعار شعرای فارسی‌گوی، سبب تحوّل سبکی شعر فارسی دری ماوراءالنهر شد که یکی از مهمترین پیامدهای آن رویکارآمدن مکتب مخصوص پیروان بیدل در ماوراءالنهر در قرن‌های ۱۸-۱۹ م محسوب می‌شود و نماینده‌گان برجسته آن نقیب‌خان طغرل احاراری، ظفرخان

نقش سبک هندی در گسترش و پویایی مشترکات فرهنگی منطقه‌یی

جوهری، شمس‌الدین شاهین، شیدا و شوخی خجندی، عبدالقادر خواجه آوا، حیرت، سودا تاش‌خواجه اثیری و دیگران به شمار می‌روند.

همچنان در دوره معاصر، استقبال شاعران معاصر تاجک از شیوهای خاص سخنوری صائب و بیدل، به گونه‌یی در پهنای ادبیات امروز، ویژه‌گی‌های سبک هندی را هم در قالب شعر سنتی و هم شعر نو ادامه بخشیدند.

البته تأثیر بیدل و سبک هندی در شعر معاصر تاجکستان، به یک یا چند نمونه محدود نمی‌شود. سبک هندی و شعر بیدل دهلوی در تکوین تصویر شعر معاصر تاجیک نقشی مهم داشته است. گرایش به تصاویر تازه (و شاید تصویرگرایی هم) در شعر تاجیک نتیجه توجه شاعران به شعر بیدل دهلوی است. تأثیر سبک هندی و بیدل در شعر تاجیک، تأثیری کلی است و شیوه‌هایی چون استفاده از تشبیه تمثیل در آفرینش تصویر از سوی شاعران تاجک چندان مورد توجه قرار نگرفته است.

از شاعران امروزی تاجک که بیشتر زیر تأثیر این شیوه قرار گرفته، یکی هم بازار صابر است؛ البته اثرپذیری از شعر بیدل فقط به اشعار بازار صابر محدود نمی‌شود، شاعرانی دیگر چون لایق و گلرخسار هم به سبک هندی و شعر بیدل نظر داشته‌اند. به ویژه خانم گلرخسار از شیفتگان بیدل است و خود به تأثیر بیدل در شعرش واقف است.

نتیجه

سبک هندی و شعر بیدل در افغانستان و سایر کشورهای منطقه از جمله هند، ایران، پاکستان و تعدادی از کشورهای آسیای مرکزی امروز از جمله تاجکستان و ازبکستان مسیر دور و درازی را پیموده، ساختارها، مفاهیم و شیوه‌های بیانی آن در تمام دوره‌ها در شعر انعکاس یافته است و نمونه‌های پویای آن در شعر معاصر و قبل از آن در سراسر این حوزه جغرافیایی موجود می‌باشد، اما در دوره جدید با وجود آنکه ریشه‌های سبک هندی در شعر افغانستان و ایران دیده می‌شود، یک نوع تحول بنیادین هم در آن محسوس است که آن عبارت از کاربرد شیوه‌ها و شگردهای ادبی، بیانی، بدیعی، لفظی و مفهومی جدید است. با این وجود، ادامه توجه سخنوران و سراینده‌گان به این سبک شعری در کشورهای منطقه فارسی زبان و نیز تداوم بحث‌ها و پژوهش‌های علمی در محافل علمی و ادبی کشورهای

منطقه از جمله هند، ایران، افغانستان و تاجکستان پیرامون این سبک، می‌تواند در پویایی و شگوفایی پیوندهای ادبی و در فرجام آن، گسترش و تحکیم مشترکات فرهنگی میان کشورهای یادشده، بسیار موثر و ممد واقع گردد.

مآخذ

۱. رجایی، محمد. سبک هندی و روند گسترش آن، امیرکبیر، تهران: ۱۳۷۹، ص ۲۲.
۲. جاوید، احمد. سخن‌سرایان افغانستان از آغاز قرن دوازدهم تا نیمه دوم قرن چهاردهم هجری، رساله دکتری در رشته زبان و ادبیات فارسی به راهنمایی سعید نفیسی، دانشگاه تهران: ۱۳۳۴، ص ۸۴.
۳. چهرقانی، رضا. "از حنجره‌های شرقی «جمال‌شناسی شعر مهاجرت افغانستان»، فصلنامه شعر، شماره ۴۳. ۱۳۸۴: ص ۷۵.
۴. حامد، سمیع. "شعر امروز و شعر معاصر افغانستان"، روزنامه هشت صبح، ۲۱ جدی، ۱۳۸۷.
۵. دشتی، علی. نگاهی به صائب، اساطیر، تهران: ۱۳۶۴، ص ۳۳.
۷. شفیعی کدکنی، آیینی‌ای برای صداها، چ ۳، سخن، تهران: ۱۳۷۹، ص ۱۰.
۷. شمس لنگرودی، (محمدتقی جواهری گیلانی). تاریخ تحلیلی شعرنو، چ ۵، مرکز، تهران: ۱۳۸۷: ۳۲/۳.
۸. حسینی، حسن. بیدل، سپهری و سبک هندی، سروش، تهران: ۱۳۶۷، ص ۷۸.

Published: Academy of Science of Afghanistan
Editoring Chief: Research Fellow Khadem Ahmad Haqiqi
Assistant: Research Assistant Fazal Rahman Alizai

Editorial Board:

Research Fellow Rafiullah Niazi
Senior Research Fellow Abdul Rahim Bakhtani
Researcher Ghulam Nabi Hanifi
Researcher Razia Ghous

Composed Designed By:

Khadem Ahmad Haqiqi

Annual Subscription:

Kabul: 320 Afghani

Province: 480 Af

Foreign countries: 20 American\$

Price of each issue in Kabul: 80 Af

- for professors Teachers and Members of Academy of Science of Afghanistan: 70 Af
- for the disciples and students of schools: 40 Af
- For other Departments and Offices: 80 Af